



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

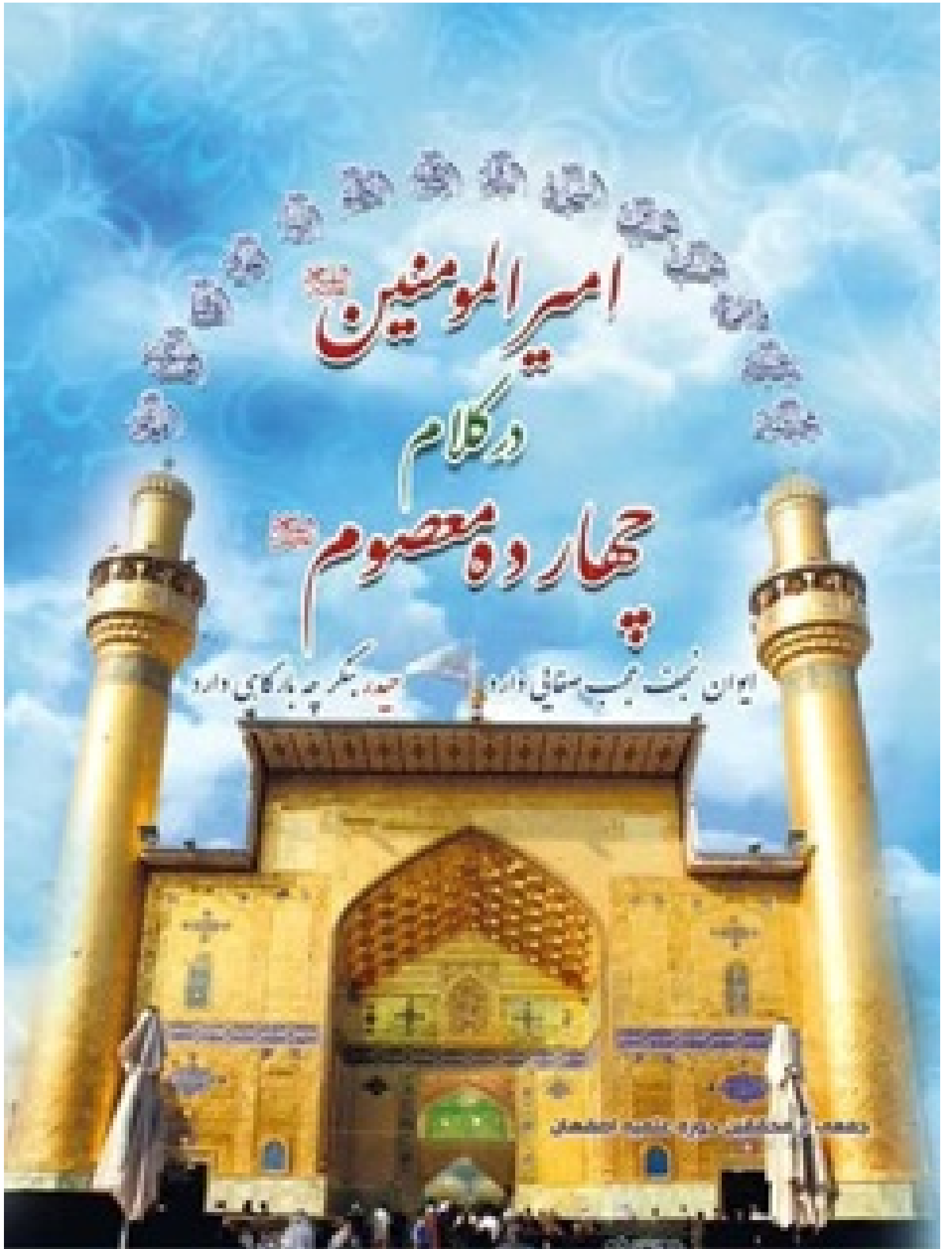
امیر المؤمنین

و کلام

حکارت و معصوم

ایمان نیت نبی ستانی دارد / حیدرآباد سید محمد علی قادری

مکتبہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امیرالمومنین علیه السلام در کلام چهارده معصوم علیهم السلام

نویسنده:

جمعی از محققان و پژوهشگران حوزه علمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام چهارده معصوم علیهم السلام
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۲	فهرست
۲۳	اهداء :
۲۴	مقدمه
۲۶	امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
۲۶	اشاره
۲۹	هفت خصلت درباره امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۹	احادیث قدسی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۱	فضائل و اوصاف امیرمؤمنان علی علیه السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۳۲	حضرت علی علیه السلام را جز خدا و نبی صلی الله علیه و آله نشناختند
۳۳	فضائل بی شمار
۳۴	آنچه خوبان دارند تو تنها داری
۳۴	محبت و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام
۳۶	علم حضرت علی علیه السلام
۳۷	عبادت حضرت علی علیه السلام
۳۸	امامت حضرت علی علیه السلام
۴۰	قرآن در شأن حضرت علی علیه السلام
۴۱	اطاعت از حضرت علی علیه السلام
۴۲	محبت به حضرت علی علیه السلام
۴۴	دوستان حضرت علی علیه السلام
۴۴	نور واحد

۴۵	خاک مقدس
۴۵	جایگاه حضرت علی علیه السلام
۴۵	تردید در حضرت علی علیه السلام مساوی با کفر است
۴۵	شبیبه کعبه
۴۵	فرشتگانی از نور صورت حضرت علی علیه السلام
۴۶	یک نور در دو بدن
۴۶	نوشته ای بر درِ بهشت
۴۶	هر کس کینه حضرت علی علیه السلام را در دل داشته باشد
۴۶	مَثَل سوره «قل هو الله احد»
۴۶	امتیاز هایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله داده نشد
۴۷	رابطه حب و بغض نسبت به حضرت علی علیه السلام
۴۷	تمام ایمان در مقابل تمام کفر
۴۷	برای شیعیان
۴۸	منابع و مأخذ
۵۱	امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت علی علیه السلام
۵۱	اشاره
۵۱	مقدمه
۵۱	ایمان در دوران کودکی
۵۱	محبوب ترین فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله
۵۳	دلیل محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله
۵۴	برادری با رسول خدا صلی الله علیه و آله
۵۵	ازدواج
۵۶	در میدان های نبرد
۵۶	جنگ بدر
۵۶	جنگ أُحد
۵۷	جنگ خیبر

- ۵۷ پس از فتح قلعه خیبر
- ۵۹ جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۵۹ یوم الانذار
- ۵۹ روز غدیر خم
- ۶۰ مسدود شدن همه درها به جز درب خانه حضرت علی علیه السلام
- ۶۱ کینه های بدر و أحد
- ۶۳ غصب خلافت
- ۶۴ شرایط پذیرش خلافت
- ۶۵ از خطبه های زمان خلافت
- ۶۵ شما مسئولید حتی در برابر سرزمین ها و حیوانات
- ۶۶ در انتظار شهادت
- ۶۶ تاویل آیه
- ۶۶ امید آن دارم که وفاتم نزدیک شده باشد
- ۶۸ یک شب یا دو شب بیشتر نمانده است
- ۶۸ ملاقات با رسول خدا صلی الله علیه و آله در رؤیا
- ۶۸ چند روز قبل از شهادت
- ۶۹ شکایت به رسول خدا صلی الله علیه و آله از رفتارهای مردم عراق
- ۷۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد و غبار از رخسارم زدودند
- ۷۰ یا رسول الله از امت تو چه تلخی ها چشیدیم
- ۷۰ امشب همان شب موعود است
- ۷۱ با آن ها کاری نداشته باشید
- ۷۱ کمر بند خود را برای مرگ محکم ببند
- ۷۳ آماده نماز باشید
- ۷۳ برخیزید برای نماز
- ۷۳ سوگند به خدای کعبه، رستگار شدم
- ۷۵ پدر تو از امروز به بعد دیگر ناراحتی نخواهد دید

- از همان غذایی که به من می دهید، او را نیز اطعام کنید ۷۵
- آیا در حق تونیکی نکردم؟ ۷۵
- یک ضربت در مقابل یک ضربت ۷۶
- لحظه ارتحال ۷۷
- سخنان نورانی حضرت فاطمه علیها السلام درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۸
- اشاره ۷۸
- ۱- کلام حضرت فاطمه علیها السلام هنگام پذیرش ازدواج با امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۸
- ۲- کلام حضرت فاطمه علیها السلام پس از شروع زندگی مشترک ۷۸
- ۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام پدران امت هستند ۷۸
- ۴- بیان مقام خاص «اخوت» و برادری با پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه فدکیه ۷۹
- ۵- بیان رشادت های امیرالمؤمنین علیه السلام در صدر اسلام، در خطبه فدکیه ۸۰
- ۶- یادآوری غدیر و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام در کنار مزار حضرت حمزه علیه السلام ۸۱
- ۷- دفاع و حمایت از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و غدیر ۸۲
- ۸- گریه حضرت فاطمه علیها السلام برای مصائب حضرت علی علیه السلام ۸۲
- امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت امام حسن علیه السلام ۸۳
- اشاره ۸۳
- خطبه امام حسن علیه السلام بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام ۸۳
- منزلت امیرالمؤمنین علیه السلام ۸۴
- چرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن همه قدر مظلوم و غریب واقع شد؟ ۸۴
- ۱: کینه های بر جا مانده از جنگ های بدر و حنین ۸۴
- ۲: حسادت ۸۴
- عامل حسادت در شعر عُرَفی ۸۴
- اطعام با اخلاص ۸۵
- زکات با اخلاص در نماز ۸۵
- اقدامات معاویه بر علیه امیرالمؤمنین علیه السلام ۸۵
- ۱: جعل حدیث در مذمت امیرالمؤمنین علیه السلام ۸۵

۸۵ اشاره
۸۶ اصل داستان
۸۶ جعل حدیث دیگر
۸۶ (۲): دشنام گویی به حضرت علی علیه السلام و نفرین فرستادن به وی
۸۷ (۳): شکنجه کردن دوستداران امیرالمؤمنین علیه السلام و آواره ساختن و کشتن آنان:
۸۷ (۴): محروم شدن از بیت المال
۸۷ (۵): ممنوعیت نام گذاری به نام حضرت علی علیه السلام
۸۸ احتجاج امام حسن علیه السلام با معاویه
۸۸ احتجاجات امام مجتبی علیه السلام با گروهی از منکرین فضیلت آن حضرت و فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام در مجلس معاویه
۸۸ اسامی منکرین فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام
۸۹ احتجاج امام مجتبی علیه السلام با عمرو بن عاص ملعون
۹۰ احتجاج امام مجتبی علیه السلام با عقبه بن ابی سفیان
۹۱ احتجاج امام حسن علیه السلام با مروان ملعون
۹۲ شروط صلح نامه امام مجتبی علیه السلام با معاویه ملعون
۹۳ منابع و مأخذ
۹۴ امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهداء علیه السلام
۹۴ اشاره
۹۴ مقدمه
۹۴ مبارزات حضرت حسین بن علی علیه السلام قبل از دوران امامت
۹۵ در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین
۹۵ دوران امامت امام حسین علیه السلام
۹۵ اشاره
۹۷ (۱) - دشنام به امیرالمؤمنین علیه السلام
۹۸ (۲) - پنهان ساختن فضائل اهل بیت علیهم السلام
۹۸ (۳) - پرهیز از یاد کردن امام
۹۸ (۴) - برخورد با شیعیان

- ۹۹ (۵) - از بین بردن نیروهای متفکر
- ۹۹ اشاره
- ۹۹ الف: حجر بن عدی
- ۹۹ اشاره
- ۹۹ یادداشت امام حسین علیه السلام
- ۹۹ ب: عمرو بن حمق خزاعی
- ۱۰۰ ج: حضرمی و یارانش
- ۱۰۰ اشاره
- ۱۰۰ اعتراض امام حسین علیه السلام
- ۱۰۰ (۶) - ویران کردن خانه های شیعیان
- ۱۰۰ (۷) - محروم کردن شیعیان از بیت المال
- ۱۰۱ (۸) - بیعت با یزید (مخالفت با ولیعهدی یزید)
- ۱۰۱ (۹) - ضبط اموال مردم (بیت المال)
- ۱۰۲ امام حسین علیه السلام با معاویه بیعت نکرد
- ۱۰۲ سخنی با معاویه
- ۱۰۲ مبارزه امام حسین علیه السلام با مروان فرماندار معاویه در حجاز
- ۱۰۳ سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج و بیان فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۱۰۳ بخش نامه های معاویه
- ۱۰۵ ایراد خطبه در منی توسط امام حسین علیه السلام
- ۱۰۵ اشاره
- ۱۰۷ (۱): حدیث مواخاة
- ۱۰۷ (۲): حدیث سد ابواب
- ۱۰۸ ۳. حدیث غدیر
- ۱۰۸ (۴): حدیث منزلت
- ۱۰۸ (۵): حدیث مباحله
- ۱۰۸ ۶. حدیث لوای خبیر

۷. ابلاغ سوره برائت ----- ۱۰۹
۸. علی علیه السلام صاحب اختیار هر مؤمن ----- ۱۰۹
۹. سؤال و خلوت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام ----- ۱۰۹
۱۰. علی علیه السلام بهترین اهل بیت ----- ۱۱۰
۱۱. سیادت پنج تن علیهم السلام ----- ۱۱۰
۱۲. غسل پیامبر صلی الله علیه و آله به دست علی علیه السلام ----- ۱۱۰
۱۳. حدیث تقلین ----- ۱۱۱
۱۴. آیات و احادیث مربوط به اهل بیت علیهم السلام ----- ۱۱۱
- منابع و مأخذ ----- ۱۱۲
- امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت امام سجاد علیه السلام ----- ۱۱۳
- اشاره ----- ۱۱۳
- خلفای معاصر حضرت ----- ۱۱۳
- سخت ترین دوران امامت ----- ۱۱۳
- (۱) - زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا ----- ۱۱۷
- (۲) - موعظه و ارشاد مردم ----- ۱۱۷
- اشاره ----- ۱۱۷
- معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام در شام ----- ۱۱۷
- (۳) - دعا و مناجات با خدا ----- ۱۱۹
- اشاره ----- ۱۱۹
- زیارت امین الله از زبان امام زین العابدین علیه السلام ----- ۱۱۹
- (۴) - عبادت های حضرت زین العابدین علیه السلام ----- ۱۲۱
- (۵) - دستگیری از درماندگان و جذب قلوب فقرا به سوی امامت ----- ۱۲۲
- (۶) - خانه امام علیه السلام محل تربیت بردگان ----- ۱۲۳
- (۷) - معجزات امام زین العابدین علیه السلام دلیل بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام ----- ۱۲۳
- اشاره ----- ۱۲۳
- معجزه حبابه و الیه ----- ۱۲۵

۱۲۶	۸- بیان فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام در قالب زیارت از زبان امام زین العابدین علیه السلام
۱۲۶	اشاره
۱۲۸	نکته ها
۱۲۹	نتیجه
۱۳۰	امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت امام محمد باقر علیه السلام
۱۳۰	اشاره
۱۳۰	فصل اول : آیات مؤوله قرآن کریم به امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام باقر علیه السلام
۱۶۲	فصل دوم: موارد احتجاج امام باقر علیه السلام در رابطه با امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۶۲	مناظره اول :
۱۶۳	مناظره دوم :
۱۶۵	مناظره سوم :
۱۷۰	امیر مؤمنان علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام
۱۷۰	اشاره
۱۷۰	محور اول: بیان صفات حضرت امیرمؤمنان علیه السلام
۱۷۰	اشاره
۱۷۲	خدا به محبت حضرت علی علیه السلام فرمان داده است
۱۷۲	منصب الهی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام
۱۷۴	قدرت علوی
۱۷۵	همسر حضرت زهرا علیها السلام:
۱۷۵	امیر مؤمنان علیه السلام برتر از یوسف علیه السلام:
۱۷۵	شهادت ام سلمه بر فضل امیرمؤمنان علیه السلام :
۱۷۶	شکایت رسول خدا صلی الله علیه و آله از ظالم کننده گان به امیر مؤمنان علیه السلام:
۱۷۸	محبت و ولایت امیر مومنان علیه السلام شرط بهشت:
۱۷۸	امیر مؤمنان علیه السلام تقسیم کننده بهشت و آتش:
۱۷۹	زیارت امیر مومنان علیه السلام
۱۷۹	رستگاری :

- ۱۷۹ استجابت دعا:
- ۱۷۹ امیر مؤمنان علیه السلام از تمام امامان علیهم السلام برتر است:
- ۱۸۰ آموزش و ایمنی:
- ۱۸۱ عالم یهودی از پاسخ امیر مؤمنان علیه السلام مسلمان می شود
- ۱۸۳ محور دوم: حدیث غدیر
- ۱۸۳ فضیلت روز غدیر:
- ۱۸۵ دلگرمی ابلیس از وعده منافقین:
- ۱۸۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حضرت علی علیه السلام پیمانی را منعقد کرد که جز کافر آن را نمی شکند
- ۱۸۸ محور سوم: بیان مظلومیت ها و مصائبی که بر حضرت و خاندان او اتفاق افتاد
- ۱۸۸ اشاره
- ۱۹۷ اضطرار امیر مؤمنان علیه السلام:
- ۱۹۸ محور چهارم: جایگاه شیعیان آن حضرت و مقام و منزلت آنان در دنیا و آخرت
- ۱۹۸ اشاره
- ۱۹۸ شفاعت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دوستداران حضرت علی علیه السلام:
- ۲۰۱ فضایل اختصاصی شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام:
- ۲۰۹ محور پنجم: اصل امامت
- ۲۰۹ مرگ جاهلیت در انتظار کسی که امام ندارد:
- ۲۰۹ امام برترین شخص امت است:
- ۲۱۱ منابع و مأخذ
- ۲۱۲ امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
- ۲۱۲ اشاره
- ۲۱۲ مقدمه
- ۲۱۳ نور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۱۳ امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن
- ۲۱۴ فضائل و مناقب اصحاب کسا :
- ۲۱۵ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام و مظلومیت آن حضرت

- ۲۱۶ لزوم تبری جستن از کسانی که در حق اهل بیت علیهم السلام ظلم کردند
- ۲۱۸ فضائل و مناقب امام علی علیه السلام
- ۲۱۹ یک نمونه معجزه در مورد حیوانات
- ۲۲۰ نقش خاتم امام امیرالمؤمنین و امام موسی بن جعفر علیه السلام
- ۲۲۲ ازدواج آن حضرت قبل از خلقت آدم علیه السلام
- ۲۲۳ منابع و مآخذ
- ۲۲۵ آیات فضائل علوی در آینه کلام رضوی علیه السلام
- ۲۲۵ اشاره
- ۲۲۷ امیرالمؤمنین علیه السلام مبین کتاب الله
- ۲۲۸ ۱: همان که فرموده اند، نه بیشتر و نه کمتر!
- ۲۲۹ ۲: آستان امیرالمؤمنین علیه السلام جایگاه ریش گناهان
- ۲۳۰ ۳: مخصوص به رحمت ویژه
- ۲۳۰ ۴: وجه الله!
- ۲۳۱ ۵: دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام مفسدین فی الارض
- ۲۳۱ ۶: موالات مولا علی علیه السلام تمسک به محکم ترین دستگیره
- ۲۳۲ ۷: اسوه انفاق در راه خدا
- ۲۳۲ ۸: باطن قسط و عدل، امام علیه السلام است
- ۲۳۲ ۹: نفس نفیس رسول الله صلی الله علیه و آله ما
- ۲۳۴ ۱۰: تعزیت خضر به امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت رسالت علیهم السلام
- ۲۳۵ ۱۱: خدای متعال، یگانه ولی و یاور عترت:
- ۲۳۶ ۱۲: دل های آکنده از حسد نسبت به او!
- ۲۳۷ ۱۳: امام، امین الله و امامت، امانه الله
- ۲۳۸ ۱۴: امامان نور، فرزندان او
- ۲۳۸ اشاره
- ۲۳۹ حدیث اول:
- ۲۳۹ حدیث دوم:

- ۲۴۰ حدیث سوم :
- ۲۴۱ ۱۵ : صدیق اکبر
- ۲۴۱ ۱۶ : او و اولاد طاهرینش : اولی الامر هستند
- ۲۴۲ ۱۷ : کمال و تمام دین به امامت است
- ۲۴۴ ۱۸ : اگر این پیام را نرساندی رسالت الهی را ادا نکرده ای !
- ۲۴۵ ۱۹ : بانگ لعنت بر ظالمین
- ۲۴۵ ۲۰ : او اعمالمان را می بیند!
- ۲۴۵ ۲۱ : دل شاد باش به ولایتش!
- ۲۴۶ ۲۲ : پیشتاز مومنین و وارث فردوس برین
- ۲۴۶ ۲۳ : او را علی علیه السلام نامیدم
- ۲۴۷ ۲۴ : سینه ای مملو از علم خدادادی
- ۲۴۷ ۲۵ : سخنگویی از زمین!
- ۲۴۸ ۲۶ : امامت، همان امانت الهی است
- ۲۴۸ ۲۷ : خدا خود، حضرت فاطمه علیها السلام را به امیرالمومنین علیه السلام تزویج فرمود
- ۲۴۹ ۲۸ : شهادت به "علی امیرالمومنین ولی الله" جزء توحید است
- ۲۵۰ ۲۹ : کلام پاک چیست؟
- ۲۵۱ امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت جوادالائمه علیه السلام
- ۲۵۱ اشاره
- ۲۵۱ مقدمه
- ۲۵۲ امام جواد علیه السلام راوی بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۵۳ نصایحی به ابوذر غفاری درباره رضای خدا
- ۲۵۳ از دیگر مواظ و نصایح حضرت
- ۲۵۹ منابع و مأخذ
- ۲۶۰ امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت امام هادی علیه السلام
- ۲۶۰ اشاره
- ۲۶۰ پیش گفتار:

- ۲۶۱ مقدمه:
- ۲۶۲ مطلع اول: آثار معرفت به امام معصوم علیهم السلام
- ۲۶۲ ۱. معرفت امام علیه السلام منشأ همه برکات.
- ۲۶۲ ۲. معرفت به خداوند بدون معرفت به امام علیه السلام ممکن نیست.
- ۲۶۳ ۳. هیچ عملی بدون معرفت امام علیه السلام پذیرفته نیست.
- ۲۶۴ مطلع دوم: منابع شناخت امام معصوم علیهم السلام
- ۲۶۴ منبع اول: قرآن
- ۲۶۵ منبع دوم: روایات
- ۲۶۶ منبع سوم: زیارات و ادعیه
- ۲۶۶ اشاره
- ۲۶۶ زیارت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر:
- ۲۶۶ اشاره
- ۲۶۶ زیارت اول:
- ۲۶۸ زیارت دوم:
- ۲۶۸ زیارت سوم:
- ۲۶۸ سند «زیارت غدیریه»:
- ۲۶۹ منابع زیارت غدیریه:
- ۲۶۹ اشاره
- ۲۶۹ ۱. الْمَزَارُ الْكَبِيرُ
- ۲۶۹ ۲. الْمَزَارُ
- ۲۶۹ ۳. فَزَحَهُ الْعَرَى
- ۲۶۹ ۴. بِحَارِ الْأَنْوَارِ
- ۲۷۱ ۵. زَادُ الْمُعَادِ
- ۲۷۱ ۶. هَدْيُهُ الزَّائِرِينَ
- ۲۷۱ ۷. مَفَاتِيحُ الْجَنَانِ
- ۲۷۱ فضایل قرآنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در زیارت غدیریه

- ۲۷۱ اشاره
- ۲۷۳ آیه «نبأ عظیم»
- ۲۷۳ اشاره
- ۲۷۳ «نبأ» در لغت
- ۲۷۳ شأن نزول آیه «نبأ عظیم»
- ۲۷۴ منابع شأن نزول آیه «نبأ عظیم»
- ۲۷۴ «نبأ عظیم» در جنگ أحد
- ۲۷۵ «نبأ عظیم» در جنگ صفین
- ۲۷۵ «نبأ عظیم» از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۷۶ جمع بندی
- ۲۷۶ آیه «صادقین»
- ۲۷۶ اشاره
- ۲۷۷ معنا و مفهوم «صدق و صادقین»
- ۲۷۷ منابع تفسیر آیه «صادقین»
- ۲۷۷ انحصار «صادقین» در اهل بیت علیهم السلام
- ۲۷۸ آیه «تطهیر»
- ۲۷۸ اشاره
- ۲۷۸ شأن نزول آیه «تطهیر»
- ۲۷۸ منابع شأن نزول آیه «تطهیر»
- ۲۸۰ آیه «لیلہ المبیّت»
- ۲۸۰ اشاره
- ۲۸۰ منابع شأن نزول آیه «لیلہ المبیّت»
- ۲۸۰ واقعه «لیلہ المبیّت» قابل انکار نیست
- ۲۸۱ ظهور فضایل حضرت در شب هجرت
- ۲۸۲ آیه «إطعام»
- ۲۸۲ اشاره

- ۲۸۲ شأن نزول آیه «إطعام»
- ۲۸۳ منابع شأن نزول آیه «إطعام»
- ۲۸۴ ویژگی های حضرت علی علیه السلام در آیه «إطعام»
- ۲۸۴ اشاره
- ۲۸۴ ویژگی اول: وفای به نذر:
- ۲۸۵ ویژگی دوم: وفای به نذر:
- ۲۸۵ ویژگی سوم: وفای به نذر:
- ۲۸۵ ویژگی چهارم: وفای به نذر:
- ۲۸۵ ویژگی پنجم: وفای به نذر:
- ۲۸۵ آیه «ولایت»
- ۲۸۵ اشاره
- ۲۸۵ شأن نزول آیه «ولایت»
- ۲۸۷ در منابع شأن نزول آیه «ولایت»
- ۲۸۷ معنای لفظ «ولایت»
- ۲۸۸ چرا در آیه «ولایت»، تعبیر به جمع شده است؟
- ۲۸۹ آیه «تبلیغ»
- ۲۸۹ اشاره
- ۲۸۹ شأن نزول آیه «تبلیغ»
- ۲۹۰ منابع شأن نزول آیه «تبلیغ»
- ۲۹۲ فریاد شیطان در غدیر
- ۲۹۲ حُزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه
- ۲۹۴ امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
- ۲۹۴ اشاره
- ۲۹۴ فرشته ای شبیه حضرت علی علیه السلام
- ۲۹۴ ملاک حب و بغض حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است.
- ۲۹۵ چیزهایی را که فقط حضرت علی علیه السلام دارد

- ۲۹۵ مکالمه حضرت علی علیه السلام با خورشید
- ۲۹۶ شیعیان مخفی و آشکار
- ۲۹۶ ارزشمندترین ملائکه
- ۲۹۷ حضرت علی علیه السلام و مرگ
- ۲۹۷ مکالمه حضرت علی علیه السلام با پرنده
- ۲۹۷ نشان حلال زاده و حرامزاده بودن
- ۲۹۸ حضرت محمد و امیرالمؤمنین علیهما السلام همانند جبرئیل و میکائیل
- ۲۹۸ حضرت علی علیه السلام وارث پیراهن هارون علیه السلام
- ۲۹۹ امیرالمؤمنین ادا کننده قرض پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۹۹ تلقین در قبر توسط خداوند
- ۳۰۰ مکالمه حضرت علی علیه السلام در قبر با انبیاء
- ۳۰۰ منابع و مآخذ
- ۳۰۱ امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۰۱ اشاره
- ۳۰۲ الف : هنگام ولادت مبارک
- ۳۰۲ ب : دوران کودکی
- ۳۰۵ ج : دوران غیبت کوتاه
- ۳۰۶ د : دوران غیبت طولانی
- ۳۰۷ هـ : هنگام ظهور
- ۳۰۷ و : عصر با شکوه ظهور
- ۳۰۸ منابع و مآخذ
- ۳۰۹ درباره مرکز

امیر المؤمنین علیه السلام در کلام چهارده معصوم علیهم السلام

مشخصات کتاب

امیر المؤمنین علیه السلام در کلام چهارده معصوم علیهم السلام

به قلم :

جمعی از فضلاء و محققین

حوزه علمیّه اصفهان

به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال

شهادت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام

ص: ۱

اشاره

شناسنامه کتاب :

نام کتاب: امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام چهارده معصوم علیهم السلام

پدید آورندگان: جمعی از فضلاء و محققین حوزه علمیه اصفهان

ناشر: عطر عترة

تاریخ انتشار: رجب الاصب ۱۴۴۱ قمری / اسفند ماه ۱۳۹۸ شمسی

قیمت :

ص: ۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله ... ۷

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام .. ۳۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت زهرا علیها السلام. ۵۶

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام حسن علیه السلام .. ۶۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام حسین علیه السلام ... ۷۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام سجاد علیه السلام ... ۹۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام باقر علیه السلام ... ۱۰۸

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام .. ۱۴۶

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام کاظم علیه السلام ... ۱۸۳

آیات فضائل علوی در آینه کلام رضوی علیه السلام.. ۱۹۵

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام جواد علیه السلام . ۲۲۰

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام هادی علیه السلام ... ۲۲۹

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام عسکری علیه السلام .. ۲۵۹

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... ۲۶۶

این اثر ناقابل به محضر مبارک :

* خاتم الانبياء ، حضرت محمد بن عبدالله صلى الله عليه و آله که با اشک جاری ، از شهادت مظلومانه امیرالمؤمنین علیه السلام خبر دادند و آن را بزرگ شمردند .

* حضرت زهراى مرضیه علیها السلام که با فداکاری های بزرگ و شهادت جانسوزشان ، پیشگام شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام گشتند .

* همه امامان معصوم علیهم السلام و امامزادگان بزرگواری که به خاطر ادامه راه امیرالمؤمنین علیه السلام و بزرگداشت راه آن حضرت، به شهادت رسیده و یا گرفتار زندان ها و شکنجه ها ، آوارگی ها و مصیبت ها گردیده اند .

* همه بزرگان و فرهیختگان ، دلدادگان و دلسوختگانی که با علم و دانش ، قلم و بیان ، ذوق و ابتکار ، هنر و همت ، سوز و گدازشان ، در طول تاریخ در دفاع از امیرالمؤمنین علی علیه السلام و بزرگداشت شخصیت و شهادت آن حضرت کوشیده اند .

* وارث خون مقدس و جوشان مظلوم بزرگ ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام یعنی مصلح کل ، موعود امم ، منتقم حقیقی حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف اهداء می گردد .

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تبارك و تعالی : « مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا » (۱) در میان مؤمنان مردانی هستند که بر عهده‌ی که با خدا بسته‌اند ، صادقانه ایستاده‌اند ؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و گروهی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند .

در تفسیر قمی ابن ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که : این آیه درباره حضرت حمزه علیه السلام و جعفر و علی علیهما السلام نازل گردیده است. منظور از «مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ»، حضرت حمزه و جعفر علیه السلام و منظور از «مَنْ يَنْتَظِرُ» علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۲)

و در تفاسیر روایی آمده : منظور از «مؤمنین» در مرحله «قضی نجه» و شهادت حمزه سیدالشهدا علیه السلام و در مرحله انتظار در شهادت و پای بندی و وفاداری به اوامر الهی آقا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد. مطلع خلقت با نام مبارک حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بوده تا جایی که آدم خالق خود را با نام ، «یا فاطر بحق فاطمه» (۳)

خواند و مورد عنایت حضرت حق قرار گرفت. حرکتی پربرکت در چهاردهمین قرن شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با نشر کتاب یادواره یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهرا علیها السلام آغاز و با عنایت حضرت صدیقه مبارکه این شجره طیبه به مصداق « تُوْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا » (۴) برکات بی نهایتش را بر همه آشکار می‌سازد. در استمرار

ص: ۵

۱- - احزاب / ۲۳ .

۲- [۲] - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸۸ .

۳- - فطر یعنی خلق و فاطر یعنی خالق .

۴- - ابراهیم / ۲۵ .

این طوفان کوثر نبوی، بعد از بیان شخصیت کم نظیر عموی گرامی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و حامی رسالت حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام و ترسیم سیمای اولین زائر کربلای حسین علیه السلام، و یار و صحابی رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله، حضرت جابر بن عبدالله انصاری و بیان شمه ای از نورانیت چهره تابناک ابوالائمہ پدر بزرگوار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت ابوطالب علیه السلام و بعد از گردآوری کتاب بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در چهاردهمین قرن شهادت آقا امیرالمؤمنین علیه السلام با همت متعالی ارادتمندان به ساحت ملکوتی علوی مخصوصاً استاد بزرگوار، حضرت آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحی دوستان و اساتید حوزه علمیه اصفهان بر آن شدند که در چهاردهمین قرن شهادت آن امام همام، سخنان چهارده معصوم علیهم السلام را در ترسیم آن چهره تابناک آسمان امامت و ولایت بیان کنند. الحمدلله با عنایت نور مبارک چهارده معصوم علیهم السلام، موفق به گردآوری شمه ای از یم دریای بیکران فضائل حضرتش بوده ایم. و ان شاء الله آن حضرتش با نگاه ملکوتی خود عنایاتش را بر ما تمام بدارد.

به ذره گر نظر لطف بوتراب کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

از همه اساتید و دوستان که در جمع آوری و تنظیم این روایات به مصداق «تعاونوا علی البر و التقوی» ما را یاری نمودند، مخصوصاً حضرت آیت الله ابطحی تقدیر و تشکر می نمایم و ثواب نشر این معارف ارزشمند را، تقدیم به روح ملکوتی یگانه یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله و همسر ارزشمند مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام یعنی دُرَدانه خلقت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و شاگردان مکتبشان مخصوصاً استاد فقیه حوزه علمیه اصفهان مرحوم آیت الله حاج سید ضیاء الدین تجویدی رحمه الله علیه و زعیم حوزه علمیه اصفهان مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی رحمه الله علیه می نمایم.

و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید

پنجم شعبان المعظم ۱۴۴۱ ه. ق.

سالروز ولادت حضرت ابالحسن علی بن الحسین زین العابدین، تاج البکائین.

ص: ۶

به قلم: حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمد رضا تجویدی

حمد مخصوص خدایی است که بغض اعداء امیرالمؤمنین را بر ما لازم گردانیده و هم اوست که مهر آن حضرت را در قلوب مؤمنین نهاد. به تصریح آیه هفتم سوره حجرات: « وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ ». آقایی که فرمودند: همه قرآن در حمد و همه حمد در « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » آن خلاصه و من علی نقطه باء « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » سوره حمد قرآن هستیم.

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه الکریم: « فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اٰبْنَاءَنَا وَ اَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ اَنْفُسَنَا وَ اَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلٰی الْکٰذِبِیْنَ؛ بگو بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما نیز فرزندان خود را. ما زنان خویش را دعوت نمایم، شما نیز زنان خود را، ما از نفوس خود (و کسی که همچون جان ماست) دعوت کنیم، شما نیز از نفوس خود. آنگاه مباحله (و نفرین) کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (۱)»

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: « وَ اَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسٰی اِلَّا اَنْهُ لَا نَبِیَّ بَعْدِی ». (۲)

در جایی که خداوند متعال صراحتاً امیرالمؤمنین علیه السلام را جان پیامبر صلی الله علیه و آله می خواند و خود حضرتش امیرالمؤمنین علیه السلام را برادر، وصی و جانشین بلافصل خود می داند دیگر چه جای صحبت است که این قطره کمترین بخواهد از آن دریای بیکران توصیفی در خور مقام ملکوتی حضرتش داشته باشد. وقتی حضرت حق تعالی در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ اَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا؛ بگو: اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگام مرگب

ص: ۷

۱- آل عمران/۶۱.

۲- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۹۳.

شود، دریا پایان می گیرد پیش از آن که کلمات پروردگرم پایان یابد، هر چند همانند آن (دریا) را کمک آن قرار دهیم»^(۱) مطلب از این قرار است که فضائل یعسوب الدین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بی نهایت است و فقط آن که بی نهایت محض، یعنی ذات ربوبی حق تعالی و آنهایی که محو در عظمت بی نهایت او هستند یعنی چهارده معصوم علیهم السلام می توانند مبین چهره آسمانی مردی باشند که عقول از فهم گنه عظمت او قاصر است، لکن:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

در این صحرای تفتیده دنیا که بشریت جویای آب حیات است با تمام توان و البته استمداد از خالقِ اعلی، باید خود را به سرچشمه جوشان ولایت و معرفت او رساند و به اندازه سعه وجودی خود از این زلال هستی بخش بهره برد. خداوند آب را مایه حیات قرار داده آنجا که می فرماید:

« وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا ؛ هر چیز زنده ای را از آب آفریدیم. »^(۲)

و در همین کتاب نورانی می فرماید: « قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ؛ بگو: به من خبر دهید اگر آب های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار می دهد. »^(۳)

در تفاسیر صریحاً از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده، اگر دستتان از وجود حجت خدا دور شود کیست که بتواند آن امام را به شما برساند. لذا با استمداد از ذات ربوبی باری تعالی و البته خلفای برحق او یعنی حضرات محمد و آل محمد علیهم السلام در صدیدیم شمه ای از شخصیت بی نظیر عالم وجود و اولین شخص در رُتبت و منزلت بعد از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را ان شاء الله ترسیم نماییم. امید آن است که آن «كَهْفُ الْوَرَى» و عون عالم وجود ذره پروری نموده که:

ص: ۸

۱- - کَهِف / ۱۰۹.

۲- - انبیاء / ۳۰.

۳- - ملک / ۳۰.

به ذره گر نظر لطف بو تراب کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

و این کلام حضرت حق در بحبوحه جنگ احد است که حتی خود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله موظف به استمداد از وجود ذی وجود حضرت ابوتراب، اسدالله الغالب علی بن ابیطالب علیه السلام است.

نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ تَجِدُهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَابِ كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَيَنْجِلِي بِوَلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ

مرحوم علامه مجلسی رحمه الله علیه در کتاب شریف بحارالانوار جلد ۸۴ صفحه ۱۱۱ چنین روایت نموده اند: راوی نزد امام صادق علیه السلام آمد و از نوشته های مکتوب در عرش خدا سؤال نمود. حضرت در ضمن توضیحاتی فرمودند:

«إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ لِمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ فَلْيَقُلْ عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ؛ هر گاه یکی از شما لا اله الا الله محمد رسول الله گفت، بعد از آن باید علی ولی الله بگوید».

مرحوم علامه مجلسی رحمه الله علیه با نقل این روایت از کتاب شریف «الاحتجاج» مرحوم طبرسی رحمه الله علیه صفحه ۸۳ می فرماید: از عمومیت این روایت استفاده می شود که در اذان بعد از گفتن اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله، گفتن اشهد ان علیاً ولی الله مورد امر امام علیه السلام می باشد. (۱)

والسلام علی من اتبع الهدی

سید محمدرضا تجویدی

حوزه علمیه اصفهان

رجب المرجب / ۱۴۴۱ ه.ق

ص: ۹

هفت خصلت درباره امیرالمؤمنین علیه السلام

حمّاد بن عمرو از امام صادق علیه السلام و او از پدر و جدش از علی بن ابی طالب علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که در وصیتی به او فرمود: یا علی! خداوند در باره تو به من هفت خصلت داد: تو نخستین کسی هستی که (در قیامت) قبر تو با من شکافته می شود و تو نخستین کسی هستی که با من بر صراط می ایستد، و تو نخستین کسی هستی که وقتی من لباس پوشیدم تو هم می پوشی و چون زنده شوم زنده می شوی، و تو نخستین کسی هستی که با من در جایگاه های بلند ساکن می شوی و تو نخستین کسی هستی که با من از باده سر به مهر بهشتی می خوری همان که پایان آن مشکین است. (۱)

احادیث قدسی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام

قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ: «يا محمد اقرأ علي بن ابی طالب امیر المؤمنین فما سمیت بهذا احدا قبله ولا اسمی باحدٍ بعده؛ ای محمد! علی ابن ابی طالب را امیر المؤمنین علیه السلام بخوان. قبل از او این نام را به کسی نگذارده و بعد از او به کسی نامگذاری نخواهم نمود.» (۲)

* لَمَّا اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَى وَلِيَّائِهِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَلَقْتُ النَّارَ؛ اگر همه مردم بر ولایت حضرت علی علیه السلام می پیوستند آتش جهنم را خلق نمی کردم. (۳)

ص: ۱۰

۱- - خصال، صدوق، ج ۲، ص ۷. يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَانِي فِيكَ سَبْعَ خِصَالٍ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ مَعِيَ وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ عَلَى الصِّرَاطِ مَعِيَ وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يُكْسَى إِذَا كُسِيَتْ وَ يَحْيَا إِذَا حَيِيَتْ وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِيَ فِي عِلِّيِّينَ وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَشْرَبُ مَعِيَ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ الَّذِي خَتَمَهُ مِسْكٌ.

۲- - جواهر السنیه ، ص ۲۰۴.

۳- - امالی صدوق، ص ۶۵۷.

* قَدْ جَعَلْتُ عَلِيًّا عَلَمًا لِلنَّاسِ فَمَنْ تَبِعَهُ كَانَ هَادِيًّا؛ به تحقیق حضرت علی علیه السلام را علم (نشانه هدایت) قرار داده ام که پیرو او هدایت می یابد. (۱)

* یا محمد بِحُكِّكَ وَ بِهٖ وَ بِالْمَائِمَةِ مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَ إِمَائِي؛ ای محمد! به واسطه تو و علی علیه السلام و امامانی که از فرزندان تو هستند به بندگانم رحم می کنم. (۲)

* أَلَا يَا مَلَأَ كُنْتِي وَ سُكَّانَ جَنَّتِي بَارِكُوا عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ حَبِيبِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَدْ بَارَكْتُ عَلَيْهِمَا؛ آگاه باشید ای فرشتگان و ساکنان بهشت! به تحقیق من علی علیه السلام حبیب محمد صلی الله علیه و آله و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله را مجد و عظمت دادم و شما پیوسته نسبت به ایشان در این راستا باشید. (۳)

* به یقین دینی و تنفذ احکامی؛ به واسطه علی علیه السلام دین و دستوراتم بر پا می شود. (۴)

* وَ بِهٖ أُحْيِي عِبَادِي وَ بِلَادِي؛ به واسطه علی علیه السلام بندگانم و سرزمین های خودم را احیا می کنم. (۵)

* بِهٖ يُمَيِّزُ حِزْبَ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي؛ به واسطه حضرت علی علیه السلام حزب شیطان از حزب خودم مشخص می شود. (۶)

* لَوْلَا عَلِيٌّ مَا خَلَقْتُ جَنَّتِي؛ اگر علی علیه السلام نبود، بهشتم را نمی آفریدم. (۷)

* إِنَّ عَلِيًّا إِمَامٌ أَوْلِيَّائِي؛ به طور یقین علی علیه السلام امام دوستان درگاه الهی است. (۸)

ص: ۱۱

۱- بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۵۳، ح ۲۴.

۲- امالی صدوق، ص ۶۳۲.

۳- روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۴۵.

۴- جواهر السنیه، ص ۱۸۴.

۵- همان، ص ۴۶۵.

۶- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴۲.

۷- جواهر السنیه، ص ۲۱۱.

۸- بشاره المصطفی لشيعه النرتضي، ص ۳۵؛ امالی صدوق، ص ۳۰۰.

﴿ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ وَعَلَيْ مُقِيمُ الْحُجَّةِ ﴾ ؛ معبودی جز الله نیست؛ محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیامبر رحمت و حضرت علی علیه السلام بر پا کننده حجت است. (۱)

در مدح تو ای مظهر اضداد چه گوئیم

بالاست مقام تو و گفتار قصیر است

با این که تویی پادشه عالم هستی

کرباس تو را جامه و فرش تو حصیر است

فضائل و اوصاف امیر مؤمنان علی علیه السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

چه زیبا گفته خلیل بن احمد وقتی از او درباره فضائل علی علیه السلام پرسش شد: «کیف اصف رجلاً کتم اعادیه محاسنه حسداً و احبائه خوفاً و ما بین الکلمتین ملأ الخائفین؛ (۲) چگونه می توانم مردی را توصیف کنم که دشمنانش از روی حسادت و دوستانش از ترس (دشمنان) محاسن او را پنهان نمودند، در بین این دو رفتار شرق و غرب عالم محامدش را فرا گرفته است.

سُلیم بن قیس می گوید به ابوذر گفتم: عجیب ترین کلامی را که از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله درباره فضائل حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام شنیده ای برای من نقل کن.

ص: ۱۲

۱- ارشادالقلوب دیلمی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲- روضه المتقین، ج ۱۳، ص ۲۶۵.

ابوذر گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: اطراف عرش الهی نود هزار فرشته وجود دارد که تسبیح و عبادتی ندارند جز اطاعت از علی ابن ابیطالب علیه السلام و براءت از دشمنانش و استغفار برای شیعیانش. پس گفتم خدا تو را رحمت کند، کلام دیگری غیر از این در فضائل مولا بگو.

ابوذر گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: خداوند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را به اطاعت از حضرت علی علیه السلام و براءت از دشمنانش و استغفار برای شیعیانش مخصوص گردانیده است. (۱)

حضرت علی علیه السلام را جز خدا و نبی صلی الله علیه و آله نشناختند

راستی این اعجوبه کیست که همه در شناخت او در مانده اند، عده ای او را تا سر حدّ خدایی بالا برده اند، و عده ای حتی در بندگی او شک دارند که: در مسجد کوفه شهیدش کردند. گفتند مگر علی علیه السلام اهل نماز است؟! و آن که او را حقیقتاً شناخت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرِكَ وَ مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي؛ ای علی! خداوند متعال را شناخت به حقیقت شناختش جز من و تو، و تو را شناخت آن گونه که حق شناخت توست، جز خدا و من.» (۲)

و در جای دیگر فرمود: «يا علي لا يعرف الله تعالى الا انا و انت و لا يعرفني الا الله و انت و لا يعرفك الا الله و انا؛ ای علی! خدا را شناخت جز من و تو، و مرا شناخت جز خدا و تو و تو را شناخت مگر خدا و من.» (۳)

ص: ۱۳

۱- کتاب سلیم بن قیس، ص ۳۸۱. عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي ذَرٍّ حَدَّثَنِي رَحِمَكَ اللَّهُ بِأَعْجَبِ مَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ إِنَّ حَوْلَ الْعَرْشِ لَتِسْعِينَ [أَلْفَ] مَلَكٍ لَيْسَ لَهُمْ تَسْبِيحٌ وَ لَا عِبَادَةٌ إِلَّا الطَّاعَةُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ الْإِسْتِغْفَارُ لِشِيَعَتِهِ [قُلْتُ فَغَيْرَ هَذَا رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ خَصَّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ بِطَاعَةِ عَلِيٍّ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ لِشِيَعَتِهِ].

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳- روضه المتقين، ج ۱۳، ص ۲۷۳.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

پیامبری هم که حضرت علی علیه السلام را شناخته اعتراف دارد که فضائل او قابل شماره و احصا نیست.

ابن عباس می گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ أَقْلَامًا وَ الْبَحْرَ مِدَادًا وَ الْجَنِّ حُسَابًا وَ الْإِنْسَ كُتَابًا مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ اگر انبوه درختان (و باغ ها) قلم، و دریا مرکب، و تمام جنیان حسابگر، و تمام انسان ها نویسنده باشند قادر به شمارش فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام نخواهند بود.» (۱)

و در جای دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«به راستی خداوند برای برادرم حضرت علی علیه السلام فضائل بی شماری قرار داده است که اگر کسی یکی از آن فضائل را از روی اعتقاد و اعتراف بیان نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد و اگر کسی یکی از فضائل آن حضرت را بنویسد، تا هنگامی که آن نوشته باقی است، ملائکه برای او استغفار می کنند و اگر کسی یکی از فضائل آن حضرت را بشنود، خداوند همه گناهانی را که از راه گوش انجام داده است می بخشد، و اگر کسی به نوشته ای درباره فضائل حضرت علی علیه السلام نگاه کند، خداوند تمام گناهانی که از راه چشم کرده است می پوشاند و از آن در می گذرد.» (۲)

ص: ۱۴

۱- - کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲- - امالی صدوق، ص ۱۳۸، مجلس ۲۸. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَضَائِلَ لَا يُحْصَى عَدَدَهَا غَيْرُهُ فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَهُ مِنْ فَضَائِلِهِ مُقْرَأً بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ مَنْ كَتَبَ فَضِيلَهُ مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِكَتَابِهِ رَسْمًا وَ مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالِاسْتِمَاعِ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابِهِ فِي فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ.»

حضرت علی علیه السلام تمام اوصاف خوبان عالم را داراست و آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد. بلکه اوصاف تمامی پیامبران اولوالعزم را که عصاره هستی هستند به جز پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در او جمع آمده است.

بیهقی یکی از دانشمندان نامی اهل سنت چنین روایت نموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي تَقْوَاهُ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي هَيْبَتِهِ وَ إِلَى عِيسَى فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ هَر كَسِي مِي خَوَاهِد بَه عِلْم وَ دَانَش آدَم عَلَيْهِ السَّلَام بَنگَرْد وَ مَقَام تَقْوَاي نُوح عَلَيْهِ السَّلَام رَا (مَشَاهِدَه نَمَايِد) وَ بَه بَرْدبَارِي اِبْرَاهِيم عَلَيْهِ السَّلَام (نَظَارَه كَنَد) وَ بَه عِبَادَت مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَام (بِي بِيَرْد) بَايِد بَه حَضْرَت عَلِي بِن اَبِي طَالِب عَلَيْهِ السَّلَام نَظَر بِيِنْدَازَد.» (۱)

محبت و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام

هر کس جامع کمالات باشد محبوب دل ها نیز هست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خود محبوب عالمیان و خوبان و پاکان است، عاشق شیدای حضرت علی علیه السلام است، چرا که به تصریح آیه مباحله، حضرت علی علیه السلام جان پیامبر صلی الله علیه و آله است و جان هر کس شیرین و دوست داشتنی است.

به همین جهت بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي ...؛ هر کس حضرت علی علیه السلام را دوست بدارد به من محبت ورزیده است.» (۲)

*فرمود: «مُحِبُّكَ مُحِبِّي، وَ مُبْغِضُكَ مُبْغِضِي؛ دوستدار تو دوست من است، و دشمن تو دشمن من.» (۳)

ص: ۱۵

۱- - کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲- - بلاغات النساء، ص ۵۸.

۳- - غرر الاخبار، ص ۱۸۸.

*شخصی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ تُحِبُّ عَلِيًّا قَالَ أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ! أَي رَسُولَ خِدا! حضرت علی علیه السلام را دوست می داری؟»

فرمود: مگر نمی دانی که حضرت علی علیه السلام از من و من از اویم.» (۱)

آیا کسی جان شیرین و پاره تنش را دوست نمی دارد؟

*رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ مِنْ أَصْحَابِي وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ هُمْ؟ فَكُلُّنَا نُحِبُّ أَنْ نَكُونَ مِنْهُمْ فَقَالَ: أَلَا إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ: أَلَا إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ ثُمَّ سَكَتَ؛ به راستی خدای عزیز و جلیل مرا امر کرده است به دوستی چهار نفر از اصحاب، و خبر داد مرا که خداوند (نیز) آنها را دوست می دارد.

گفتم: ای رسول خدا! آنها کیستند؟ پس هر یکی از ماها دوست داریم جزو آنان باشیم. پس فرمود: آگاه باشید حضرت علی علیه السلام از آنهاست، سپس سکوت کرد، دوباره فرمود: به راستی حضرت علی علیه السلام از آنهاست و سکوت کرد.» (۲)

عایشه می گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حالت احتضار درآمد فرمود: ادعوا الی حبیبی؛ محبوب مرا بخوانید، من به سراغ ابی بکر رفتم و او را احضار نمودم. وقتی ابابکر بر پیغمبر صلی الله علیه و آله داخل شد حضرت نظری به سوی او افکند سپس از او روی گردانید و (برای مرتبه دوم) فرمود: «ادعوا الی حبیبی؛ محبوب مرا بخوانید. آنگاه حفصه عمر را احضار کرد، پیغمبر صلی الله علیه و آله همان گونه که از ابی بکر روی گردانید از عمر نیز روی گرداند.

عایشه گوید: گفتم: وای بر شما! پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را می خواند، سوگند به پروردگار! جز حضرت علی علیه السلام را نمی خواهد. پس رفتند سراغ حضرت علی علیه السلام،

ص: ۱۶

۱- - کشف الغمه، ج ۱، ص ۹۶.

۲- - تفسیر کنزالدقائق، ج ۴، ص ۱۴۴.

وقتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را دید، او را محکم به سینه چسبانید آنگاه در گوش آن حضرت هزار حدیث بیان فرمود که هر حدیثی راهگشای هزار حدیث بود. (۱)

از ابن عباس نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « عَلِيُّ مِنِّي مِثْلُ رَأْسِي مِنْ يَدَنِي ؛ حضرت علی علیه السلام نسبت به من مانند سر نسبت به بدن است. » (۲)

صد البته که محبت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام صرف محبت عاطفی نیست ، بلکه بر اساس لیاقت ها و کمالاتی است که مولا علی علیه السلام دارا می باشد که به نمونه هایی از کمالات و فضائل آن حضرت، از زبان خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می شود.

علم حضرت علی علیه السلام

علم و دانش حضرت علی علیه السلام اکتسابی نیست تا استاد برتر از خود و شاگردان و هم دوره هایی همسان خود داشته باشد، بلکه علم او «لَدُنِّي» است و ریشه در علم الهی و آسمانی دارد، به این جهت علم او بر همه انسان های معمولی و غیر مرتبط با وحی آسمانی برتری و امتیاز دارد، و به همین جهت است که حتی در منابع عامه از او به عنوان «أَعْلَمُ النَّاسِ» یاد شده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعِيدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛ داناترین امت من بعد از من حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. » (۳)

عبدالله بن مسعود می گوید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قُسِّمَتِ الْحِكْمَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ فَأُعْطِيَ عَلِيُّ تِسْعَةً وَ النَّاسُ جُزْءًا وَاحِدًا ؛ حکمت (و دانش) به ده جزء تقسیم شده است و به حضرت علی علیه السلام نه قسمت آن و به (مابقی مردم) یک دهم داده شده است. » (۴)

ص: ۱۷

۱- - منهاج البراعه، ج ۱۲، ص ۷۷.

۲- - مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۱۷.

۳- - امالی ، صدوق، ص ۱۳.

۴- - کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۱۳.

تمامی علوم بشری و پیشرفت های آن جزء همان یک دهم است، و علم حضرت علی علیه السلام نه برابر دانش تمامی بشریت است. و راز آن هم این است که ریشه در مهبط وحی الهی یعنی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد، که خود فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ مَدِينَةَ الْعِلْمِ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا؛ من شهر علم (الهی و وحیانی) هستم و حضرت علی علیه السلام در آن است پس هر کس می خواهد وارد شهر علم شود، باید از درب (شهر) وارد شود.» (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از تزویج حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت علی علیه السلام به دختر خود فرمود: «زَوْجُكَ خَيْرٌ أَهْلِي، اعلمهم علماً و افضلهم حلماً و اولهم سئماً؛ تو را به تزویج بهترین بستگانم در آوردم، که از نظر دانش داناترین، و از نظر حلم برترین، و از نظر اسلام اولین می باشد.» (۲)

عبادت حضرت علی علیه السلام

عبادت و بندگی مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام شهره جهان است، و مرکز ثقل مقامات و منزلت های علی علیه السلام در کنار علم خدادادی همان عبادت ها و نمازها و ناله ها و نیازهای شبانه اوست، این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که خداوند به ملائکه مباحثات و فخرفروشی به وسیله عبادت های حضرت امیرمؤمنان علیه السلام می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: صبحگاهی جبرئیل با شادی و حالت بشارت بر من وارد شد. گفتم: حیب من چه شده تو را خوشحال و بشارت رسان می بینم؟

گفت: ای محمد! صلی الله علیه و آله چه گونه خوشحال نباشم و حال آن که چشمم به خاطر اکرامی که خداوند نسبت به برادرت و جانشینت و امام امت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روا داشته، روشن شده است، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چگونه خداوند برادرم و امام امتم را گرامی داشته است؟

گفت: خداوند با عبادت دیشب حضرت علی علیه السلام بر ملائکه و حاملان عرش مباحثات نموده است. و فرموده است: ملائکه من نگاه کنید به حجتم بر برندگانم در زمین

ص: ۱۸

۱- تحف العقول، ص ۴۳۰.

۲- عوالم، ج ۱۱، ص ۳۸۴.

بعد از پیغمبرم، به راستی صورت و گونه اش بر خاک نهاده است به خاطر تواضع در مقابل عظمت من، شما را شاهد می گیرم که او (علی) پیشوای مخلوقم، و سرپرست آفریده های من می باشد.» (۱)

در منابع شیعه آن قدر از عبادت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام سخن به میان آمده که نیاز به یک کتاب دارد، خالی از لطف نیست که به ترجمه یک روایت اشاره کنیم:

ضرار بن ضمیره در حضور معاویه درباره حضرت علی علیه السلام چنین گفت: «پس خدا را شاهد می گیرم که او را در بعض جایگاهش دیدم. در وقتی که شب پرده های تاریکی اش را انداخته بود و ستارگان ظاهر شده بودند، در حالی که در محرابش ایستاده بود و محاسن خود را بر دست گرفته و مانند انسان مار گزیده به خود می پیچید و چون انسان غمدیده گریه می کرد... (گویا هنوز آواز او را در گوش جان دارم که می فرمود: آه آه از کمی توشه، طولانی بودن سفر، وحشت راه و بزرگ بودن جایگاه ورود.»

پس آنگاه اشک معاویه جاری شد و با آستینش آن را پاک کرد و دیگران هم اشک ریختند سپس معاویه گفت، آری ابوالحسن چنین بود...» (۲)

امامت حضرت علی علیه السلام

آن علم بی پایان و آن عبادت بی مثال زمینه لیاقت امامت و پیشوایی او را فراهم نموده است. روایاتی که بر امامت بلافصل آن مولا- در منابع اهل سنت وجود دارد بیش از آن است که منعکس گردد و از طرفی حدیث معروف ثقلین، حدیث منزلت، حدیث یوم الدار، حدیث غدیر و امثال آن که معروفند و متواترند بارها مطرح شده و

ص: ۱۹

۱- - التحصین، ص ۶۱۷. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَزَلَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلُ صَبِيحَةَ يَوْمٍ فَرِحًا مُسْتَبْشِرًا فَقُلْتُ حَبِيبِي مَا لَكَ فَرِحًا مُسْتَبْشِرًا فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ وَكَيْفَ لَا أَكُونُ كَذَلِكَ وَقَدْ قَرَّتْ عَيْنِي بِمَا أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ أَحَاكَ وَوَصِيَّتِكَ وَ إِمَامَ أُمَّتِكَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقُلْتُ وَلِمَ أَكْرَمَ اللَّهُ أَخِي وَ إِمَامَ أُمَّتِي قَالَ بَاهِيَ بِعِبَادَتِهِ الْبَارِحَةَ مَلَائِكَتُهُ وَ حَمَلَهُ عَرْشِهِ وَ قَالَ مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى حُجَّتِي فِي أَرْضِي بَعْدَ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ قَدْ عَفَّرَ خَدَّهُ بِالتُّرَابِ تَوَاضَعًا لِعِظَمَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنَّهُ إِمَامٌ خَلَقَنِي وَ مَوْلَى بَرِيَّتِي.

۲- - امالی صدوق، ص ۶۲۵.

در منابع فراوانی آمده است. آنچه در این جا بدان اشاره می کنیم برخی روایاتی است که دلالت صریح تری دارند و کمتر در گفته ها به آن ها اشاره شده است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: انگشتر به دست راست کن تا از مقربین باشی، عرض کرد: یا رسول الله! چه انگشتری بر دست کنم؟

فرمود: عقیق سرخ پس به راستی آن کوه و سنگی است که به وحدانیت خدا اقرار کرده است: «وَلِي بِالنَّبِيِّ وَ لَمَكَ يَا عَلِيُّ بِالْوَصِيَّةِ وَ لَوْلَدِكَ بِالْإِمَامَةِ...» و به نبوت من و جانشینی (بلا فصل) تو و امامت (یازده نفر) فرزندان اقرار نموده است. [\(۱\)](#)

از ابن بریده نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَ وَارِثٌ وَ إِنْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ صِيِّي وَ وَارِثِي؛ برای هر پیغمبری، جانشین و وارثی است، و به راستی حضرت علی علیه السلام جانشین و وارث من است.» [\(۲\)](#)

در روایت مربوط به عبادت آن حضرت آمده که خداوند به ملائکه اش فرمود:

«أَشْهَدُكُمْ أَنَّهُ إِمَامٌ خَلَقِي وَ مَوْلَى بَرِيَّتِي؛ شما را شاهد می گیرم که او (علی) امام مخلوقاتم و سرپرست آفریده های من است.» [\(۳\)](#)

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «انت ولي كل مؤمن بعدى؛ یا علی! تو بعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین هستی.» [\(۴\)](#)

در این حدیث با توجه به کلمه «بعدی» معنای «ولی» صراحت در رهبری و امامت دارد.

راستی باید گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی حضرت علی علیه السلام و بیان منزلت ها و مقامات امیرمؤمنان علیه السلام هرگز کوتاهی نکرد و با شیوه های مختلف محوریت و رهبریت

ص: ۲۰

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲- طرف من الانباء و المناقب، ص ۴۳۱.

۳- مائة منقبة، ص ۱۴۶.

۴- العدد القوية، ص ۲۴۵.

او را به جامعه معرفی نمود، گاه دست او را بالا برد و فرمود: «این علی مولا- و رهبر مردم است» و گاه می فرمود: «عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَفْتَرِقَا...»؛ حضرت علی علیه السلام با قرآن است و قرآن با حضرت علی علیه السلام است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند.» (۱)

و گاه او را محور حق معرفی نمود، در حدیث متواتر این جمله آمده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ حضرت علی علیه السلام با حق است و حق با حضرت علی علیه السلام است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.» (۲)

در روایت دیگر فرمود: «سَيَتَكُونُ مِنْ بَعْدِي فِتْنَةٌ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَالْزَمُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ الْفَارُوقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ؛ به زودی بعد از من فتنه (ها) پیدا می شود، پس همراه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام باشید، زیرا او (معیار) جدا کننده بین حق و باطل است.» (۳)

قرآن در شأن حضرت علی علیه السلام

آیات فراوانی را علمای اهل سنت و مفسرین آنها در شأن حضرت علی علیه السلام تفسیر کرده اند و در تأیید آن روایاتی را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده اند به طوری که برخی از آنها مانند ابن حجر، خطیب بغدادی، سیوطی، گنجی شافعی، ابن عساکر، شیخ سلیمان قندوزی و... از ابن عباس نقل کرده اند که گفت: «نزلت فی علی ثلاث مائة آیه؛ سیصد آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است.» (۴)

ص: ۲۱

۱- - الحیاه، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲- - بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۹.

۳- - مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۹۱.

۴- - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۶۴؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۷۲.

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که آن حضرت فرمود: «ما انزل الله آیه؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا و عَلَيَّ رَأْسُهَا و امیرها؛ و آیه ای که در آن «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آمده، نازل نکرده است خداوند مگر آن که حضرت علی علیه السلام در رأس آن قرار دارد.»(۱)

یعنی تمامی این آیات در ابتدا و قبل از همه در شأن حضرت علی علیه السلام و مربوط به آن حضرت است.

اطاعت از حضرت علی علیه السلام

وقتی حضرت علی علیه السلام امام و پیشوای مردم و محبوب پیغمبر صلی الله علیه و آله است، و دارای علم لدنی و الهی، و در اوج طاعت و بندگی قرار دارد، و معیار حق و باطل و ثقل جدا نشدنی از قرآن به حساب می آید بر مردم است که از او و هر کس را که او تعیین نموده است اطاعت کنند، و این اطاعت لازم و ضروری است.

پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله درباره اطاعت و پیروی از امیرمؤمنان علیه السلام تعبیرات فوق العاده ارزشمندی دارد که به نمونه هایی اشاره می شود:

سلمان از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

بر شما باد به (همراهی) حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، به راستی او مولا و سرپرست شماست پس او را دوست بدارید و بزرگ شماست پس از او پیروی کنید و عالم شماست پس از او اکرام کنید و پیشوای شما به سوی بهشت است پس او را عزیز دارید، هرگاه شما را (به کاری) دعوت کند اجابت کنید، و اگر دستور داد اطاعت کنید، به خاطر دوستی من او را دوست بدارید و به خاطر بزرگی من او را بزرگ شمارید.

(بدانید) من هر چه درباره حضرت علی علیه السلام به شما گفتم خدای بزرگ به آن امر کرده است.»(۲)

ص: ۲۲

۱- شواهد التنزیل، ص ۳۷.

۲- مائه منقبه، ص ۶۳. عَلَيكُمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ مَوْلَاكُمْ فَأَجِبُوهُ وَ كَبِّرُوهُ فَاتَّبِعُوهُ وَ عَالِمُكُمْ فَأَكْرِمُوهُ وَ قَائِدُكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ فَعَزِّرُوهُ وَ إِذَا دَعَاكُمْ فَأَجِبُوهُ وَ إِذَا أَمَرَكُمْ فَأَطِيعُوهُ [وَ أَحِبُّوهُ بِحُبِّي وَ أَكْرِمُوهُ بِكَرَامَتِي مَا قُلْتُ لَكُمْ فِي عَلِيِّ إِلَّا مَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي جَلَّتْ عَظَمَتُهُ.

حدیث آن قدر گویا و روشن است که نیازی به هیچ توضیحی ندارد، و بالصرّاحه می گوید آنچه درباره حضرت علی علیه السلام سفارش شده، تماماً اوامری است که از سوی خداوند متعال صادر شده است. راستی اگر جامعه اسلامی فقط به همین حدیث عمل می کردند، این همه دچار انحراف و اختلاف و انشعاب نمی شدند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عمّار فرمود: «ای عمّار! اگر دیدی حضرت علی علیه السلام به راهی می رود، و مردم به راهی غیر از او، تو با حضرت علی علیه السلام حرکت کن، و مردم را رها کن، زیرا حضرت علی علیه السلام (فقط بر حق هدایت می کند و) بر بدی و پستی راهنمایی نمی کند و از هدایت خارج نمی سازد.» (۱)

و با تأسف باید گفت: اکثریت مردم به هر راهی رفتند و سرشان به سنگ خورد، جز راه حضرت علی علیه السلام را. و فقط گروه خیلی در طول تاریخ با حضرت علی علیه السلام و راه او و اهداف و آرمان هایش ماندند.

محبت به حضرت علی علیه السلام

یقیناً اطاعت و پیروی بدون محبت و عشق یا ممکن نیست و یا بسیار سخت و طاقت فرساست.

آنچه اطاعت و پیروی صددرصد از یک امام و پیشوا را شیرین و سهل و راحت می سازد محبت به آن رهبر است.

*پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سرلوحه و تیترا نامه کردار هر مؤمنی دوستی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. هر کس دوست می دارد زندگیش همانند من باشد و مُردنش همانند من و جایگاهش در بهشتی باشد که پروردگار درختان آن را کاشته باید «دوستدار حضرت علی علیه السلام» باشد و دوستان حضرت علی علیه السلام را نیز دوست بدارد، و به پیشوایان پس از من (از فرزندان حضرت علی علیه السلام) اقتدا نماید؛

ص: ۲۳

۱- بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۹. يَا عَمَّارُ إِنَّ رَأَيْتَ عَلِيًّا قَدْ سَلَكَ وَاذِيًّا وَ سَلَكَ النَّاسُ كُلَّهُمْ وَاذِيًّا فَاسْلُكْ مَعَ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ لَنْ يُدْلِكَ فِي رَدَىٰ وَ لَنْ يُخْرِجَكَ مِنْ هُدَىٰ.

زیرا آنان عترت و ذریه و فرزندان من هستند و از گِل من به وجود آمده اند، و از طرف خدا رزق و علم داده شده اند، وای بر تکذیب کنندگان فضل آنها از امت من، آنانی که صِله من با آنها را قطع می کنند، و خداوند شفاعتم را به آنها نرساند.» (۱)

* جابر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل از طرف خدای عزیز و جلیل ورقه سبزی از یاس را آورد که بر روی آن (با رنگ) سفید نوشته بود:

«إِنِّي افْتَرَضْتُ مَحَبَّةَ عَلِيٍّ عَلَى خَلْقِي، فَبَلَّغَهُمْ ذَلِكَ عَنِّي؛ به راستی من، محبت حضرت علی علیه السلام را بر همه مردم واجب کردم و این را از طرف من (به همه) برسان.» (۲)

* ابوبرزه می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که ما نشسته بودیم فرمود: روز قیامت از چهار چیز پرسش می شود قبل از آن که کسی قدم از قدم بر دارد:

۱- از عمر که کجا فانی نموده،

۲- از بدنش که کجا کهنه کرده،

۳- و از مالش که از کجا آمده و کجا مصرف شده است،

۴- و از دوستی ما اهل بیت علیهم السلام پرسش می شود.

پس عمر به حضرت عرض کرد: نشانه محبت به شما بعد از شما چیست؟

راوی می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر سر حضرت علی علیه السلام - در حالی که در کنارش نشسته بود - قرار داد و فرمود: به راستی محبت به من بعد از (مرگ) من محبت به این شخص است.» (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «یا علی! هرگاه بنده ای خدای عزیز و جلیل را بندگی کند همانند آن مقداری که نوح در میان قومش ماند و برایش به اندازه کوه احد طلا باشد و آن را در راه خدا ببخشد، پس آن را در راه خدا انفاق کند و عمرش به قدری طولانی شود تا هزار مرتبه با پای پیاده به حج مشرف شود سپس در میان

ص: ۲۴

۱- - بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، ص ۱۵۴.

۲- - امالی طوسی، ص ۶۱۹.

۳- - المناقب، ص ۷۷، روایت ۵۹.

(کوه) صفا و مروه مظلومانه شهید گردد، ولی محبت و ولایت تو را نداشته باشد، ای علی! بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد و داخل بهشت نخواهد شد.»(۱)

و راستی با این نمونه ها و صدها امثال آن درباره محبت حضرت علی علیه السلام باز کسی می تواند دشمن حضرت علی علیه السلام باشد، جز کسانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را این گونه معرفی نمود: «فانه لا ینغضک من العرب الّادعی ولا من الانصار الّما یهودی و لا من سائر النّاس الّا شقی؛ (ای علی!) به راستی تو را دشمن نمی دارد از عرب مگر کسی که زنازاده باشد و نه از انصار مگر کسی که یهودی باشد، و نه از سایر مردم مگر کسی که شقی باشد.»(۲)

دوستان حضرت علی علیه السلام

ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: هنگامی که (در شب معراج) مرا به آسمان ها بردند دیدم که بر پایه عرش نوشته شده بود: هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست، محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست. او را به وسیله حضرت علی علیه السلام تایید کردم و به وسیله علی علیه السلام یاری دادم.»(۳)

نور واحد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هزار سال پیش از آن که خداوند آدم را بیافریند من و حضرت علی علیه السلام نوری نزد خدای عزوجل بودیم و آن نور، خدا را تسبیح و تقدیس می کرد. هنگامی که خدا آدم را آفرید آن نور را در صلب وی قرار داد. ما همواره در یک جا بودیم تا آن که در صلب عبدالمطلب جدا شدیم. در من «پیامبری» و در حضرت علی علیه السلام «خلافت» قرار گرفت.»(۴)

ص: ۲۵

۱- - مقتل الحسین، ج ۱، ص ۶۹،

۲- - مناقب، خوارزمی، ص ۳۲۳، روایت ۳۳۰.

۳- - مناقب خوارزمی، ص ۳۲۸.

۴- - مناقب علی ابن ابی طالب، ص ۸۸.

خاک مقدس

سوگند به آن کس که جانم در دست اوست! اگر بیم آن نبود که گروهی از امت من درباره تو همان چیزی را که ترسایان درباره عیسی بن مریم گفتند، بگویند، امروز درباره تو سخنی می‌گفتم که بر هیچ مسلمانی نمی‌گذشتی، جز آنکه خاک پایت را به عنوان تبرک بر می‌داشت (۱).

جایگاه حضرت علی علیه السلام

جایگاه حضرت علی علیه السلام نسبت به من، مثل جایگاه من نسبت به پروردگارم است. (۲)

تردید در حضرت علی علیه السلام مساوی با کفر است

حضرت علی علیه السلام بهترین فرد بشر است هر که تردید به خود راه دهد کافر است. (۳)

کسی که در حق حضرت علی علیه السلام شک کند کافر است. (۴)

شبهه کعبه

ابوذر غفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود:

مثل حضرت علی علیه السلام بین شما همچون مثل کعبه پوشیده است. نگاه کردن بر آن عبادت و رفتن به سوی او واجب است. (۵)

فرشتگانی از نور صورت حضرت علی علیه السلام

همانا خدا از نور صورت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرشتگانی آفریده که (خداوند را) تسبیح گویند و تقدیس نمایند و ثواب آن را برای دوستان حضرت علی علیه السلام و دوستان فرزندان ایشان علیهم السلام ثبت و ضبط کنند. (۶)

ص: ۲۶

۱- معجم کبیر طبرانی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- دوائر العقبی، ص ۶۴.

۳- تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۳.

۴- بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۳۵.

۵- مناقب علی ابن ابی طالب، ص ۱۰۷.

۶- مقتل الحسین، ج ۱، ص ۹۷.

یک نور در دو بدن

من و حضرت علی علیه السلام نوری بودیم در برابر خدای متعال، چهارده هزار سال پیش از این که آدم آفریده شود. چون خدای تعالی حضرت آدم علیه السلام را آفرید آن نور را دو نیمه کرد؛ نیمی از آن منم و نیمه دیگر حضرت علی علیه السلام است. (۱)

نوشته ای بر در بهشت

هزار سال پیش از این که خدا آسمان ها و زمین را بیافریند بر در بهشت نوشته شده است: «خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خدا است و علی علیه السلام برادر پیامبر خدا است.» (۲)

هر کس کینه حضرت علی علیه السلام را در دل داشته باشد

هر کس بمیرد در حالی که در دلش کینه حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام وجود داشته باشد یهودی و یا نصرانی از دنیا می رود. (۳)

مَثَل سوره «قل هو الله احد»

ای علی! تو مثل سوره «قل هو الله احد» هستی. هر کس تو را در دل دوست بدارد گویی یک سوم قرآن را خوانده است و هر کس تو را در دل دوست بدارد و با زبانش تو را یاری کند گویی دو سوم قرآن را خوانده است و هر کس تو را در دل دوست بدارد و با زبانش تو را یاری کند و با دستش به یاریت بیاید همه قرآن را تلاوت کرده است. (۴)

امتیاز هایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله داده نشد

سه فضیلت به من داده شد که حضرت علی علیه السلام نیز در آنها شریک است، و سه امتیاز به حضرت علی علیه السلام داده شد که به من داده نشده است.

ص: ۲۷

۱- - الرياض النضرة، ج ۳، ص ۱۲۰.

۲- - كنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۴.

۳- - الفردوس بما ثور الخطاب، ج ۳، ص ۵۰۸.

۴- - تفسير نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۰۱.

لوای حمد برای من است و حضرت علی علیه السلام حامل آن، کوثر مال من است و حضرت علی علیه السلام ساقی آن؛ و بهشت و آتش به دست من است و حضرت علی علیه السلام تقسیم کننده آن. اما آن سه ویژگی که تنها به حضرت علی علیه السلام داده شده و من سهمی از آن ندارم این است که به او پدر زنی داده شده که نظیرش به من داده نشده است حضرت فاطمه علیها السلام همسر اوست و مانند آن به من داده نشده است و به او دو پسر داده شده که مانندشان به من داده نشده است. (۱)

رابطه حب و بغض نسبت به حضرت علی علیه السلام

دروغ گفته است هر کس گمان می کند مرا دوست دارد در حالی که با حضرت علی علیه السلام دشمن است. (۲)

تمام ایمان در مقابل تمام کفر

حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه گرفت و به سوی میدان رفت. در این حال پیامبر صلی الله علیه و آله در فضیلت جهاد حضرت علی علیه السلام فرمودند: اینک تمام ایمان با تمام کفر روبرو شده است. (۳)

ضربت حضرت علی علیه السلام در روز خندق برتر از تمام عبادت های جن و انس تا روز قیامت است. (۴)

برای شیعیان

یا علی! تو و شیعیانت در بهشت هستید نخستین کسی که زمین برایش شکافته می شود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سپس شما هستید اولین کسی که مورد تکریم قرار می گیرد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سپس شما هستید، نخستین کسی که خلعت داده می شود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سپس شما هستید. (۵)

ص: ۲۸

۱- بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۹۰.

۲- تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۶۸.

۳- شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۸۵.

۴- ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۸۲.

۵- مناقب خوارزمی، ص ۱۱۳.

الأمالی، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش

الأمالی، طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسه البعثه، ناشر: دار الثقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، طبری آملی، عماد الدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، ناشر: المكتبه الحیدریه، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.

بلاغات النساء، ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، ناشر: الشریف الرضی، قم، چاپ اول، بی تا.

التحصين لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، ابن طاووس، علی بن موسی، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، ناشر: مؤسسه دار الکتاب، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.

تفسیر نور الثقلین، العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.

الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مترجم: کاظمی خلخالی، زین العابدین، انتشارات دهقان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.

الحیاه، حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، مترجم: آرام، احمد، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، مجلسى، محمد تقى بن مقصودعلى، محقق / مصحح: موسى كرماني، حسين و اشتهاردى على پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.

شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد، ابن أبى الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، محقق / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، ناشر: مكتبه آيه الله المرعشى النجفى، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، حسانى، عبيد الله بن عبد الله، محقق / مصحح: محمودى، محمدباقر، ناشر: التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامى، مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

طرف من الأنباء و المناقب، ابن طاووس، على بن موسى، محقق / مصحح: عطار، قيس، ناشر: تاسوعا، مشهد، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.

العدد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه، حلى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر (برادر علامه حلى)، محقق / مصحح: رجائى، مهدي و مرعشى، محمود، ناشر: كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

عوامل العلوم و المعارف والأحوال - الإمام على بن أبى طالب عليه السلام، بحرانى اصفهانى، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحى اصفهانى، محمد باقر، ناشر: مؤسسه الإمام المهدي ۴، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.

غرر الحكم و درر الكلم، تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائى، سيد مهدي، ناشر: دار الكتاب الإسلامى، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

الفردوس بما ثور الخطاب، ابوشجاع الديلمى الهمداني، انتشارات دارالكتب الاسلاميه، بيروت، الطبعة الاولى، ۱۴۰۶ ق.

كشف الغمه فى معرفه الأئمه، اربلى، على بن عيسى، محقق / مصحح: رسولى محلاتى، سيد هاشم، ناشر: بنى هاشمى، تبريز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.

کتاب سلیم بن قیس، هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، ناشر: الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

کنزالفوائد، کراچکی، محمد بن علی، محقق / مصحح: نعمه، عبد الله، ناشر: دارالذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين و الأئمه، ابن شاذان، محمد بن احمد، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ناشر: مدرسه الإمام المهدی عج، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.

من لا يحضر الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

مناقب آل أبي طالب:، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ناشر: علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق.

منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمره ای، محمد باقر، محقق / مصحح: میانجی، ابراهیم، ناشر: مکتبه الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ق.

اشاره

به قلم: حجت الاسلام و المسلمین سید مجید نبوی

مقدمه

چهاردهمین قرن شهادت مولا- امیرالمؤمنین علیه السلام بهانه ای شد تا در کنار فعالیت های عظیم علاقمندان حضرتش در سراسر عالم، این نوشته نیز به رشته تحریر بیاید؛ برای همین منظور کتاب های: «علی علیه السلام از زبان علی علیه السلام» نوشته دکتر سید جعفر شهیدی و «علی علیه السلام از زبان علی علیه السلام» نوشته استاد محمد محمدیان را تورقی کردیم و به خاطر ایجاز و اختصار از میان صدها سخن مولا، بسنده به بعضی از فرمایشات ایشان در منابع اهل سنت نمودیم.

ایمان در دوران کودکی

روز دوشنبه نبوت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ و آن حضرت به رسالت مبعوث شدند و من صبح روز سه شنبه اسلام آوردم و ایمان خویش را به رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلام کردم. از آن روز به بعد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به نماز می ایستادند و من در سمت راست ایشان می ایستادم و با آن حضرت نماز می خواندم.

در آن روزها هیچ مردی با آن حضرت همراه نبود، جز من. (۱)

محبوب ترین فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله

یک بار رسول خدا صلی الله علیه و آله دستشان را بر سینه ام نهادند و دعا کردند که خداوند دلم را پر از علم و فهم و حکمت و نور کند به آن گرامی عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد از آن روز که در حق من دعا کردید چیزی را فراموش نکرده ام و حتی مطالبی را هم که نوشته ام از یاد نبرده ام آیا فکر می کنید از این به بعد دچار فراموشی شوم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نه من نگرانی ندارم که گرفتار فراموشی شوی. (۲)

روزی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم، آن حضرت در یکی از اتاق های منزل خویش بودند، اجازه خواستم که وارد شوم، اجازه دادند و فرمودند: ای علی! آیا نمی دانی که خانه من، خانه توست؟ چرا برای ورود اجازه می خواهی؟! عرض کردم: یا رسول الله! دوست دارم با اجازه وارد شوم.

ص: ۳۲

پیامبر صلی الله علیه و آله مرا تأیید کردند و فرمودند: ای علی! این رفتار تو سبب جلب محبت خدا و ادبی از آداب الهی است. سپس فرمودند: ای علی! تو برادر من هستی و خدایی که خالق و روزی بخش من است، نمی خواهد که رازی را از تو پنهان نگه دارم! ای علی! تو جانشین من هستی و بعد از من مظلوم واقع خواهی شد و صدمات فراوان خواهی دید. آن کسی که همراه تو ثابت قدم بماند، همانند کسی است که با من همراهی کرده است و کسانی که از تو فاصله بگیرند و جدا شوند، در حقیقت از من جدا شده اند. ای علی، دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد و در عین حال باتو دشمنی می کند؛ زیرا خداوند من و تو را از یک نور آفریده است. (۱)

در یکی از روزها که فرشته وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، این پیام را برای آن حضرت آورد: ای محمد! این فرمان خداست که حضرت علی علیه السلام را دوست بداری و به دوستان او نیز محبت بورزی؛ زیرا خداوند متعال حضرت علی علیه السلام را دوست دارد و دوستان او را نیز دوست می دارد. (۲)

دلیل محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله

اینکه من نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله موقعیت خاصی داشتم و آن حضرت مرا دوست داشت و یار نزدیک و معتمد خود می شمرد، هرگز به این دلیل نبود که خویشاوند او بودم؛ بلکه

ص: ۳۳

۱- - کنز الفوائد، ج ۲، ص ۵۶.

۲- - مناقب، خوارزمی، ص ۲۱۳، رقم ۱۸.

دلیل آن همه لطف و محبت، فقط و فقط جهاد و تلاش من در راه خدا از یک سو و خیرخواهی و دلسوزی من از سوی دیگر بود. (۱)

برادری با رسول خدا صلی الله علیه و آله

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به میان اصحاب خویش پیمان برادری برقرار کردند، به آن حضرت عرض کردم: ای رسول خدا! در میان همه اصحاب خویش برادری ایجاد کردی؛ ولی مرا تنها گذاشتی و کسی را برای برادری با من انتخاب نکردید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمودند: تو را برای برادری با خودم انتخاب کرده ام. تو در دنیا و آخرت برادر من هستی و جایگاه تو نزد من، همانند جایگاه هارون نزد موسی علیه السلام است.

از جای خویش برخاستم و همین طور که از شدت شادی، اشک شوق از چشمانم جاری بود، این اشعار را سرودم:

جانم فدای تو ای مصطفی!

که خداوند ما را توسط تو هدایت کرد و از ظلمت جهل رهانید.

تمام هستی من فدای تو باد!

که جان من ناقابل است برای اینکه فدای تو که اصل و فرع من بودی، شود!

جانم فدای کسی که جدش، جد من و عمویش، پدر من و دخترش، همسر من و خاندان او، فرزندان من است.

جانم فدای کسی که مرا در کودکی در دامن خود گرفت و با خوبی ها و نعمت ها و لطف هایش پرورش داد.

جانم فدای کسی که هنگام برقراری پیمان برادری میان یارانش، مرا به برادری خویش انتخاب کرد و فضیلت مرا آشکار ساخت.

ای رسول خدا که خاتم رسولانی، وجود تو سراسر خیر است و من تا زنده ام، برای احسانی که در حق من کرده ای، شاکر و

سپاسگزارم. (۲)

ص: ۳۴

۱- - الحکم المنثور، ص ۳۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۹۹.

۲- - کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۸۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۳؛ الفصول المهمه، ص ۲۱.

مراسم عقد در مسجد و با حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحاب برگزار شد. در مراسم، خطبه عقد را این چنین خواندم:

حمد و سپاس مخصوص خدایی است که کلید دستیابی به علمش را به گویندگان الهام کرد، دل های اهل تقوا را با نور عظمتش روشن ساخت، با بیان احکامش، راه های درست را از نادرست روشن کرد، به دست پسر عمویم، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، راه حق را به روی جهانیان گشود، دعوت او را بر همه ادعاهای ملحدان برتری بخشید، سخن او را بر همه سخن های مطرح شده گمراهان غلبه داد و آن بزرگوار را خاتم پیامبران و سید رسولان معرفی فرمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز پیام الهی را ابلاغ کرد و برای برپا کردن امر پروردگار از هیچ کوششی دریغ نکرد و آیات خداوند را به مردم رسانید؟

حمد و سپاس از آن خدایی است که بندگان را با قدرت خویش آفرید، آنها را در پرتو دین خویش عزت بخشید، با وجود پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله، به آنان کرامت داد و رحمتش را به آنان ارزانی داشت.

حمد و سپاس از آن خدایی است که صاحب نعمت های فراوان و الطاف بیکران است.

شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست. امید است این شهادت مقبول درگاه خدا قرار گیرد و موجب رضای پروردگار باشد. از خدا می خواهم صلوات خویش را که موجب نزول برکات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سرور و شادی ایشان است، بر آن حضرت فرو فرستد.

ازدواج از اموری است که خداوند اجازه آن را صادر کرده و حتی به آن امر فرموده است. این مجلس که اکنون برپاست، برای ازدواج و اطاعت از امر او و جلب رضای او تشکیل شده و اینک رسول خدا، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، به ازدواج دخترش، فاطمه علیها السلام با من رضایت داده است. من مهریه وی را چهارصد درهم و دینار قرار داده ام و به این کار راضی و خشنودم. شما نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کنید و به این امر گواهی دهید.

مسلمانان حاضر در مجلس از آن حضرت سؤال کردند: ای رسول خدا! آیا دخترت حضرت فاطمه علیها السلام را به ازدواج حضرت علی علیه السلام درآوردی؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنان مرا تأیید کردند و مسلمانان هم به رسول خدا صلی الله علیه و آله تبریک گفتند و از خداوند خواستند که این ازدواج را مبارک کند. (۱)

در میدان های نبرد

جنگ بدر

هنگامی که در میدان جنگ بدر حاضر شدیم، در میان ما غیر از مقداد، کس دیگری سوار بر اسب نبود! در شب بدر چشم همه به خواب رفت، جز رسول خدا صلی الله علیه و آله که آن شب لحظه ای نخوابیدند. آن حضرت تا صبح، در پای درختی ایستاده بودند و نماز می خواندند و به دعا مشغول بودند. (۲)

جنگ اُحد

رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: ای علی! آیا صدای فرشتگان را می شنوی که زبان به مدح و ثنای تو گشوده اند؟ و فرشته ای که نام او «رضوان» است، ندا سر داده است: «لا سیف الا ذوالفقار، لا فتی الا علی!» (شمشیری همچون ذوالفقار و جوانمردی همانند علی نیست!)

با شنیدن این بشارت، اشک شوق از چشمانم جاری شد و خداوند را بر این نعمت و لطفی که به من ارزانی کرده بود، شکر گزاردم. (۳)

ص: ۳۶

۱- دلائل الامامه، ص ۹۰؛ البدایه والنهایه، ج ۷، ص ۳۴۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۱.

۲- الارشاد، ج ۱، ص ۷۳؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۲۵ و ۱۲۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۳۵؛ إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۱.

۳- الإرشاد، ج ۱، ص ۸۶؛ مسند أبی یعلی الموصلی، ج ۱، ص ۲۷۸؛ أسد الغابه، ج ۴، ص ۲۱؛ إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۴.

جنگ خیبر

همه در انتظار بودند که ببینند در روز سوم، پرچم جنگ به دست چه کسی سپرده خواهد شد و آن مردی که خدا و رسولش را دوست می دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، کیست.

آن روز من به چشم درد سختی گرفتار بودم و از درد به خود می پیچیدم. رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را در پی من فرستاد. من با همان حال نزد ایشان رفتم. وقتی آن حضرت مشاهده کردند که به شدت از درد چشم رنج می برم، دست خویش بر چشمان من نهادند و فرمودند: «خداوندا! حضرت علی علیه السلام را از گزند سرما و گرما محافظت فرما!»

با این دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله درد چشم من برطرف شد و از آن روز به بعد، من از سرما و گرما هرگز اذیت نشدم. (۱)

پس از فتح قلعه خیبر

به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم. آن حضرت با گرمی از من استقبال کردند و فرمودند:

ای علی! می ترسم که امتم همانند مسیحیان که درباره عیسی سخنان کفرآمیز و اغراق گونه گفتند درباره تو چنان سخنانی بر زبان آورند، و گرنه امروز مطالبی را درباره فضیلت تو می گفتم که پس از آن برهر جمعی گذر کنی، خاک پای تو و قطرات آب وضوی تو را برای شفا و تبرک برگیرند! اما به همین مقدار بسنده می کنم که تو از من هستی و من از تو هستم، تو وارث من هستی و من وارث تو هستم، تو برای من همانند هارون برای موسی هستی، جز اینکه پس از من پیامبری نخواهد بود. تعهدات مرا تو برعهده می گیری. جنگ و مبارزه تو مطابق و

ص: ۳۷

۱- - مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۹۹؛ العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۱۴؛ مناقب ابن المغازلی، ص ۱۷۹؛ تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۲۱۶
تذکره الخواص، ص ۲۴ تا ۲۵؛ فرائد السمطين، ص ۲۶۴؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۲؛ الفصول المهمه، ص ۲۰.

هماهنگ با سنت و روش من خواهد بود. در آخرت نزدیک ترین فرد به من هستی و در آن روز اولین کسی خواهی بود که در کنار حوض کوثر با من ملاقات می کنی. تو در سیراب کردن مؤمنان از حوض کوثر، جانشین و خلیفه من خواهی بود. منافقان را از اطراف آن حوض دور خواهی کرد و تو اولین فرد از امت من هستی که همراه من وارد بهشت خواهی شد.

در آن روز، شیعیان تو بر منبرهایی از نور خواهند ایستاد و از حوض کوثر خواهند نوشید و سیراب خواهند شد و با چهره های غرق در نور به دور من حلقه خواهند زد. من نیز در آن روز، شیعیان تو را شفاعت خواهم کرد. آنها همسایگان من در بهشت خواهند بود. اما دشمنان تو، در آن روز از شدت تشنگی بی تاب و روسیاه و گرفتار خواهند بود!

ای علی! کسانی که به نبرد با تو برخیزند، در حقیقت با من در نبرد هستند و کسانی که تسلیم امر تو باشند، در مقابل من تسلیم هستند. تو در آشکار همانند من رفتار می کنی و رازهای درون سینه تو همان رازهای سینه من است. تو دروازه علم و دانش من هستی. فرزندان تو فرزندان من هستند؛ زیرا گوشت تو از گوشت من و خون تو از خون من است. همیشه و پیوسته، حق همراه تو و بر زبان تو جاری است. آنچه می گویی حق است که اعماق دل تو را فرا گرفته و پیوسته در مقابل دیدگان تو قرار دارد. ایمان با گوشت و خون تو آمیخته شده، همان گونه که با گوشت و خون من مخلوط شده است. خداوند به من دستور داده است به تو مژده دهم که تو و خاندانت و دوست دارانت در بهشت خواهید بود و دشمنان تو در آتش خواهند بود.

ای علی! کسانی که بغض و دشمنی تو را در دل دارند، به حوض کوثر راه نخواهند یافت و دوست داران تو از حوض کوثر محروم نخواهند شد.

با شنیدن این بشارت ها و مژده ها، پیشانی برخاک گذاشتم و سجده شکر به جا آوردم و خدا را سپاس گفتم که نعمت اسلام و قرآن را به من ارزانی کرده و مرا نزد خاتم پیامبران و سید رسولان این چنین محبوب قرار داده است. (۱)

ص: ۳۸

یوم الانذار

یوم الانذار (۱)

در یوم الانذار آنگاه رسالت خود را به خویشاوندان رساند و فرمود: کدام یک از شما مرا در این کار یاری می کند تا برادر و وصی من و خلیفه من در میان شما باشد؟ همه خاموش ماندند. حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«ای فرستاده خدا! آن منم.»

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«این وصی من و خلیفه من در میان شماست. سخن او را بشنوید و از او فرمان برید.» (۲)

روز غدیر خم

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.» (۳)

با نزول این آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله تکبیر گفتند و فرمودند: «الله اکبر، پیامبری من با ولایت حضرت علی علیه السلام بعد از من تکمیل شد و بدین ترتیب دین خدا کامل شد.»

ابوبکر و عمر از جای برخاستند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: یا رسول الله! آیا این آیات اختصاص به حضرت علی علیه السلام دارد و کس دیگری را شامل نمی شود؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: آری! فقط درباره حضرت علی علیه السلام و جانشینان من تا روز قیامت است.

پرسیدند: یا رسول الله! جانشینان خود را برای ما معرفی کنید.

ص: ۳۹

۱- یوم الانذار که در اوائل بعثت پیغمبر اکرم آیه آمد: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» [شعراء/۲۱۴] خویشاوندان نزدیک را انذار و اعلام خطر کن.

۲- طبری، تاریخ الرسل و الملوك، ج ۳، ص ۱۱۷۲ و ۱۱۷۱.

۳- مائده / ۳.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اولین وصی من حضرت علی علیه السلام است که برادر، یاور، وارث، وصی من و جانشین من در میان امت من است و بعد از من ولی هر مؤمنی خواهد بود. بعد از او فرزندان امام حسن علیه السلام و سپس امام حسین علیه السلام جانشینان من هستند. بعد از امام حسین علیه السلام نه تن از فرزندان او علیهم السلام، یکی پس از دیگری جانشینی مرا برعهده خواهند داشت. قرآن با آنان و آنان با قرآن خواهند بود و هیچگاه بین آنان و قرآن جدایی و فاصله نخواهد افتاد تا اینکه در کنار حوض نزد من آیند. (۱)

مسدود شدن همه درها به جز درب خانه حضرت علی علیه السلام

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه آمدند و مسجد مدینه را بنا نهادند، جمعی از مهاجران در اطراف مسجد خانه هایی ساختند و برای سهولت رفت و آمد به مسجد، دری از خانه خویش به مسجد باز کردند. چندی بدین گونه گذشت تا اینکه دستور الهی نازل شد که همه این درها مسدود شود؛ اما تنها خانه ای که از این دستور مستثنی شد، خانه من بود. این استثنا بر یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله سنگین آمد. در توضیح این مسئله رسول خدا صلی الله علیه و آله دست مرا گرفتند و فرمودند: موسی از خدا خواست که مسجد او به دست هارون تطهیر شود، من نیز از خدا خواسته ام که مسجد مرا به دست تو و نسل تو تطهیر کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از این توضیح به سراغ ابوبکر فرستادند و دستور دادند که درب خانه اش را که به مسجد باز می شود، مسدود کند. او ابتدا کلمه استرجاع بر زبان آورد و سپس از دستور خدا اطاعت کرد و درب منزل خویش را مسدود کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از وی، به سراغ عمر و عباس نیز فرستادند و دستور بستن در خانه ها را به آنها نیز ابلاغ کردند. پس از این اقدامات، رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش چنین توضیح دادند: من به میل و خواست خود ورودی خانه های

ص: ۴۰

شما را به مسجد نبستم و به خواست خودم اجازه باز بودن در خانه حضرت علی علیه السلام را صادر نکردم. این هر دو دستور از جانب خداوند بود. (۱)

کینه های بدر و اُحد

به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در اطراف شهر مدینه راه می رفتم، به باغی رسیدیم، به آن حضرت گفتم: یا رسول الله! چه باغ زیبایی است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خیلی زیباست؛ ولی در بهشت برای تو زیباتر از این هست. به باغ دیگری رسیدیم. عرض کردم: یا رسول الله! این باغ چقدر زیباست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بسیار زیباست؛ ولی برای تو در بهشت زیباتر از این هست .

تا آنکه از هفت باغ گذشتیم. در هر کدام من عرض می کردم: یا رسول الله چه زیباست! و حضرت می فرمودند: در بهشت برای تو زیباتر از این هست .

وقتی راه خلوت شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا در آغوش گرفتند و با گریه شدید فرمودند: پدرم فدای بی یاور شهید!

عرض کردم: ای رسول خدا! چرا گریه می کنید؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کینه های انباشته ای در دل برخی افراد است که آنها را بعد از وفات من بر تو آشکار می کنند. این کینه ها از جنگ بدر و جنگ اُحد در دل ها باقی مانده است .

عرض کردم: آیا در آن هنگام دین من سالم خواهد بود؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آری! در آن روز دین تو سالم خواهد بود. ای علی! بشارت باد تو را. زیرا در این دنیا همراه من و در آخرت نیز با من خواهی بود. تو برادر و جانشین من هستی، تو انتخاب شده من، وزیر، وارث و اداکننده تعهدات من هستی. تو قرض مرا ادا و به وعده های من وفا می کنی و ذمه مرا بری می سازی و امانت های در دست مرا به صاحبانشان باز می گردانی. تو طبق سنت من با ناکثین، قاسطین و مارقین از امت من می جنگی. رابطه تو با من همانند رابطه هارون با موسی است. هارون الگوی

ص: ۴۱

مناسب و زیبایی برای توست، آن هنگام که قومش او را ضعیف شمردند و تا مرز کشتن او پیش رفتند. پس تو نیز بر ستم قریش و هم دستی آنان در برابر خود صبر پیشه کن؛ چرا که تو چونان هارون نسبت به موسی و پیروانش هستی و آنان همچون گوساله سامری و پیروانش هستند. هنگامی که موسی هارون را به جانسینی خود در میان آن ها انتخاب کرد، به او دستور داد که اگر مردم گمراه شدند و او یارانی داشت که به کمک وی بشتابند، با گمراهان مقابله و جهاد کند. اما اگر یارانی پیدا نکرد، دست نگه دارد و خونس را حفظ کند و بین آنان اختلاف نیندازد.

علی جان! خداوند هر پیامبری را که مبعوث کرد، گروهی با اختیار و علاقه و گروهی دیگر بدون خواست قلبی تسلیم او شدند. بعد از پیامبران، در بین آن دو گروه درگیری پدید آمد. آنان که بدون علاقه قلبی تسلیم شده بودند، بر گروه اول مسلط شدند و حتی به قتل آنها اقدام کردند و موجب بیشتر شدن اجر و پاداش آنها شدند.

ای علی! هر امتی بعد از پیامبران اختلاف کردند، در نتیجه اختلاف، باطل گرایانشان برحق گرایانشان غالب شدند. امت ما نیز همانند امت های گذشته اند و خداوند در این امت نیز راه تفرقه و اختلاف را باز گذاشته است! و البته اگر خدا می خواست، می توانست آنان را در مسیر هدایت گرد آورد، تا آنجا که حتی دو نفر با هم اختلاف نداشته باشند و در امور الهی باهم درگیر نشوند و کسی فضیلت و برتری انسان های بافضیلت و برجسته را انکار نکند. آری! اگر خدا می خواست حتی در همین دنیا از ظالمان انتقام می گرفت و نعمتش را از آنها دریغ می کرد، تا برای همگان روشن شود که اهل باطل در مسیر گمراهی قدم برمی دارند و اهل حق به سوی سعادت رهسپارند. اما خداوند چنین نخواست و تقدیر الهی این است که دنیا محلی برای انجام اعمال و آخرت محل قرار و صحنه جزا و پاداش باشد.

«لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» ؛ تا آنان که بد کردند، به سبب عملشان جزا داده شوند و آنان که نیکی کردند، به نیکی جزا داده شوند.» (۱)

ص: ۴۲

پس از شنیدن سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: خداوند را به خاطر نعمت هایش شکر می گذارم و در برابر
آزمون های او صبر می کنم و به تقدیرات او راضی هستم. (۱)

غصب خلافت

آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت کرد، گروهی از مردم در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند و به ستیز با
یکدیگر پرداختند، سوگند به خدا! به فکر کسی خطور نمی کرد که عرب خلافت را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از
اهل بیت او دریغ کند؛ چنان که انتظار نمی رفت پس از بیعت مردم با من و قرار گرفتن بر مسند خلافت، آن عهد را بشکنند.

شتافتن جمعی از مردم از هر سو برای بیعت با ابوبکر واقعه ای بس شگفت و نگران کننده بود؛ چه اینکه من خود را در میان
مردم به جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله از هر کس دیگری شایسته تر می دیدم و به راستی از کسانی که این امر را
برعهده گرفتند، استحقاق بیشتری داشتم. با این همه دست از خلافت باز کشیدم. (۲)

و هنگامی که خداوند متعال پیامبرش صلی الله علیه و آله را به جانب خود فراخواند و روحش را برگرفت، قریش [بدون توجه
به پیمانی که رسول خدا از آنان گرفته بودند،] گفتند: امیر و حاکم باید فردی از میان ما باشد. در مقابل آنان انصار قد
برافراشتند و گفتند: امیر باید از میان ما انتخاب شود.

قریش گفتند: چون محمد صلی الله علیه و آله از قریش است، ما به حکومت سزاوارتریم، و انصار در برابر استدلال آنها تسلیم
شدند و این حق را برای آنان پذیرفتند و حکومت را به ایشان تسلیم کردند. این در حالی است که اگر استدلال قریش را
درست بدانیم و خویشاوندی با پیامبر را ملاک برتری قریش بر انصار به شمار آوریم، باید بپذیریم

ص: ۴۳

۱- - مسند ابی یعلی الموصلی، ج ۱، ص ۲۸۴؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۹۸، خوارزمی، مناقب، ص ۲۶؛ تاریخ دمشق، ج ۲،
ص ۳۲۲؛ فرائد السمطین، ج ۱، باب ۳۰؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۸.

۲- - الإرشاد، ج ۱، ص ۱۹۰. ۲. الغارات، ج ۱، ص ۲۰۲؛ شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۹۵؛ الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۷۵.

که نزدیک ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله شایسته ترین فرد برای خلافت است [و در این صورت، آیا کسی از من به رسول خدا نزدیک تر بوده است؟!]. اگر هم این استدلال از اساس پذیرفته نشود، قریش هیچ امتیازی بر دیگران نخواهد داشت و سهم انصار از حکومت و قدرت، از بقیه بیشتر خواهد بود.

به هر حال نمی دانم آیا اصحاب من (مهاجران از قریش) از اینکه حق مرا صنایع کرده اند، هیچ نگرانی ندارند و احساس امنیت می کنند؟ با اینکه من به عنوان نزدیک ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله در امر خلافت حقی نداشته ام و آنان که با شعرا قرابت، حق را به مهاجران داده و از انصار دریغ کرده اند، در حقیقت به انصار ستم روا داشته اند؟ آنچه می دانم این است که حق من زیر پا گذاشته شد؛ هرچند من آن را برای همان ها واگذاشتم و از خداوند می خواهم که از آن ها بگذرد. (۱)

شرایط پذیرش خلافت

وقتی اصرار مردم از حد گذشت و چاره ای جز پذیرش نداشتیم، به آنها گفتم:

حال که جز بیعت با من، به چیز دیگری راضی نیستید و من نیز چاره ای ندارم جز پذیرش درخواست شما، پس به مسجد می رویم و بیعت با حضور همه مردم و رضای مسلمانان انجام می گیرد. آنجا هر کس خواست، با من بیعت می کند. (۲) و بدانید که اگر درخواست شما را برای بیعت پذیرفتم، با شما چنان رفتار کنم که خود به علم و تشخیص برسم و به گفته گوینده و ملامت سرزنش کننده ای گوش نمی دهم.

مردم این شرط را پذیرفتند و گفتند: ما به احکامی که تو صادر کنی، راضی هستیم و در میان ما کسی مخالف تو نیست. با ما مطابق تشخیص خود رفتار کن. (۳)

ص: ۴۴

-
- ۱- - العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۲۶؛ خوارزمی، مناقب، ج ۲۵۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۷۸.
 - ۲- - تذکره الخواص، ص ۵۷؛ أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۰۹؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۵۰؛ الکامل، ج ۲، ص ۳۰۲؛ الفصول المهمه، ص ۶۳.
 - ۳- - نهج البلاغه، کلام ۹۲، ص ۱۳۶؛ الجمل، ص ۱۲۹؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۵۶.

به سوی نیرومند کردن دینتان و خواندن نماز و پرداخت زکات و خیرخواهی برای پیشوایتان بشتابید. کتاب خدا را یاد بگیرید و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را تصدیق کنید. به عهد و پیمان خود وفادار باشید. وقتی برکاری امین شدید، امانت را به صاحب آن برگردانید. به سوی نیکی و پاداش الهی گام بردارید. از عذاب خداوند بگریزید. کار نیک انجام دهید تا در روزی که هرکس به واسطه نیکی کردن رستگار می شود رستگار شوید. (۱)

شما مسئولید حتی در برابر سرزمین ها و حیوانات

و همانا خداوند متعال کتابی هدایتگر فرستاد و نیکی و بدی و خیر و شر را آشکارا در آن بیان کرد. پس راه خیر را در پیش گیرید تا هدایت شوید و از شر و بدی پرهیز کنید تا در راه راست قرار بگیرید.

واجبات، واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند. همانا خداوند چیزهایی را حرام کرده است که ناشناخته نیستند و چیزهایی را حلال کرده که از عیب خالی هستند و در این میان، حرمت مسلمان را بر هر حرمتی برتری بخشیده و حفظ حقوق مسلمانان را با اخلاص و توحید پیوند داده است.

پس مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او آزاری نینند، مگر آنجا که حق باشد و آزار مسلمان روا نیست، جز در آنچه واجب باشد.

به سوی مرگ بشتابید که همگانی است و فرد فرد شما را از آن گریزی نیست. همانا مردم در پیش روی شما می روند و قیامت از پشت سر، شما را می خواند. سبک بار شوید تا به قافله برسید، که پیش رفتگان در انتظار بازماندگان اند.

از خدا بترسید و در ارتباط با بندگان خدا و شهرهای خدا تقوا پیشه کنید؛ زیرا شما در پیشگاه خداوند مسئول هستید، حتی در برابر سرزمین ها و حیوانات! از خدا اطاعت

ص: ۴۵

کنید و از فرمان خدا سرپیچی نکنید. اگر خیری مشاهده کردید، آن را دریابید و اگر با شر و بدی روبه رو شدید، از آن دوری کنید. (۱).

در انتظار شهادت

تاویل آیه

روزی بالای منبر بودم که شخصی در باره این آیه سؤال کرد :

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»؛ در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. (۲).

در پاسخ گفتم:

بار پروردگارا، طلب عفو و بخشش می‌کنم. این آیه درباره من و عمویم، حمزه، و پسرعمویم، عبیده، نازل شده است. عبیده در جنگ بدر پیمان خود را به آخر برد و به شهادت رسید. حمزه در جنگ احد پیمان خود را به آخر رساند و به شهادت رسید و اما من در انتظار به سر می‌برم! من منتظر شقی ترین فرد امت هستم که محاسنم را با خون سرم رنگین کند. این وعده ای است که محبوب من، رسول خدا صلی الله علیه و آله، به من داده‌اند. (۳).

امید آن دارم که وفاتم نزدیک شده باشد

چند روز قبل از شهادت، در یکی از سخنرانی‌هایم گفتم:

از روزی که خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث کرد، روی راحتی و آسایش ندیدم و خدا را برای این نعمت سپاسگزارم.

ص: ۴۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷، ص ۲۴۲؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۵۷؛ الکامل، ج ۲، ص ۳۰۵.

۲- احزاب / ۲۳.

۳- الفصول المهمه، ص ۱۳۱؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۹۰.

به خدا سوگند! از هنگام خردسالی بود که بیم و هراس آغاز شد و تا بزرگسالی در میدان جهاد و مبارزه بودم. با مشرکان می جنگیدم و هدف عداوت منافقان بودم، تا اینکه خداوند پیامبرش را قبض روح کرد و وی را به ملاء اعلا برد. به راستی که مصیبت ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان سخت بود که گویی قیامت کبرا برپا شده بود!

بعد از ارتحال آن بزرگوار نیز پیوسته در هراس به سر می بردم و همیشه نگران وقوع حوادثی بودم که پذیرش آنها برایم ممکن نباشد و البته در این مدت، به لطف و عنایت الهی، جز خیر و نیکی ندیدم.

به خدا سوگند! از نوجوانی شمشیر می زدم تا اینکه به پیری رسیدم و آنچه در این مدت تسلی بخش دلم بود و مرا به پایداری و استقامت فرا می خواند، این بود که همه این گام ها و تحمل سختی ها برای خدا و یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.

اما اکنون امید آن دارم که وفاتم نزدیک شده باشد و در آینده ای نزدیک، هنگام آسایشم فرا رسد، که البته اسباب آن را نیز فراهم می بینم. (۱)

هر از گاهی که با مردم سخن می گفتم یا خطبه ای می خواندم، به نزدیک بودن زمان شهادتم اشاره می کردم و می گفتم: آیا هنگام آن فرا نرسیده است که شقی ترین امت برخیزد و این محاسن را با خون سرم رنگین کند؟ (۲)

چه مانعی رخ داده است که شقی ترین امت، این محاسن را با خون سر رنگین نمی کند؟ به خدا سوگند، این محاسن با خون سرم خضاب خواهد شد... خضاب با خون و نه خضاب با عطر و عنبر!؟ (۳)

آیا برای شقی ترین امت وقت مناسب فرا نرسیده است؟ آری، حتما این محاسن با خون سرم رنگ خواهد شد. (۴)

در ماه رمضان برای افطار به منزل فرزندانم می رفتم. یکی از شب ها از آنها پرسیدم:

ص: ۴۷

۱- - الإرشاد، ج ۱، ص ۲۸۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲- - شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۳۸، رقم ۱۱۰۰؛ تذکره الخواص، ص ۱۷۲.

۳- - الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۲۰.

۴- - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۳۷.

چند روز از ماه گذشته است؟

آن ها پاسخ دادند، و من زمزمه کردم:

در دهه آخر این ماه است که پدر خویش را از دست خواهید داد!^(۱)

چند روز قبل از شهادت بود که همسر (ام جعفر)، آب می ریخت و من دست هایم را می شستم. دست به محاسنم بردم و آنها را بالا آوردم و گفتم:

چقدر زیبا می شوی، هنگامی که روز جمعه با خون رنگین شوی؟^(۲)

یک شب یا دو شب بیشتر نمانده است

افطار را در منزل فرزندانم بودم و در هر افطار بیش از سه لقمه غذا نمی خوردم یکی از شب ها از من پرسیدند: چرا غذا کم می خورید؟

پاسخ دادم: می خواهم هنگامی که امر الهی فرا می رسد، شکم خالی باشد و سبک بار باشم.

به راستی که یک شب یا دو شب بیشتر نمانده است.^(۳)

ملاقات با رسول خدا صلی الله علیه و آله در رؤیا

چند روز قبل از شهادت

در حال سجده و راز و نیاز با خدا و درخواست خیر بودم که لحظاتی خواب بر چشمانم غلبه کرد و در آن حال، رؤیای شگفتی دیدم. رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده بودند و خطاب به من فرمودند: «ای ابالحسن! دوری تو از من به درازا کشید. چقدر مشتاق دیدار توام! خداوند وعده ای را که به من داده بود، درباره تو محقق ساخت و به عهدش وفا کرد!»

ص: ۴۸

۱- الفضاائل، ص ۱۰۴؛ الفتوح، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲- مقتل ابن ابی دنیا، ص ۶۰؛ أنساب الاشراف، ص ۵۰۱، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۵؛ تذکره الخواص، ص ۱۷۵.

۳- شرح الأخبار، ج ۲، ص ۲۹۱ و ۴۲۹؛ أعلام الوری، ص ۱۵۵؛ ص ۲۰۱؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۹۲؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۷۱؛ أسد الغابه، ج ۴، ص ۳۵؛ الفصول المهمه، ص ۱۳۹؛ الکامل، ج ۳، ص ۳۸۸.

عرض کردم: یا رسول الله! خداوند کدامین وعده را درباره من محقق ساخت؟

فرمودند: «این وعده درباره تو، همسرت، فرزندان و خاندان تو بود که شما را در والاترین درجات قرب در مقام علین جای دهد.»

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله! پس شیعیان ما در چه جایگاهی قرار دارند؟

فرمودند: «شیعیان ما همراه ما هستند و قصرهایشان در اطراف قصرهای ما و منازلشان در مقابل منازل ماست.»

پرسیدم: یا رسول الله! به شیعیان ما در دنیا چه عنایتی خواهد شد؟

فرمودند: «امنیت و عافیت.»

پرسیدم: شیعیان ما در هنگام مرگ چگونه خواهند بود؟

فرمودند: «چگونگی مرگ بر عهده خود آنان گذاشته می شود. فرشته مرگ مأمور به اطاعت از آن هاست و با هر نوع مرگ که بخواهند، با همان می میرند. آری! شیعیان ما به اندازه محبتی که به ما دارند، مرگ بهتری هم خواهند داشت.»

عرض کردم: آیا توضیح بیشتری برای فهم این مسئله وجود دارد؟

فرمودند: «آری! جان دادن شیعیانی که بیشترین محبت را به ما دارند، مانند این است که آب سرد و گوارایی در روز گرم تابستان بنوشند و دلشان خنک شود. بقیه شیعیان نیز به راحتی جان می دهند و چشمان شان با مرگ روشن می شود، مانند اینکه وارد رختخواب خود شوند و به خواب روند.» (۱)

شکایت به رسول خدا صلی الله علیه و آله از رفتارهای مردم عراق

آنچه در رؤیا دیده بودم، برای فرزندم امام حسین علیه السلام نقل کردم:

دیشب حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم. در آن حال از رفتارهای مردم عراق با خودم، پس از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله، شکایت کردم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به من بشارت دادند که به زودی از دست آنان آسوده خواهم شد! (۲)

ص: ۴۹

۱- تأویل الآیات الظاهره، ص ۷۵۲.

۲- شرح الأخبار، ج ۲، ص ۴۲۹.

رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد و غبار از رخسارم زدودند

چند روز قبل از شهادت به دخترم گفتم: دخترم! فکر می کنم حضور من در کنار شما به پایانش نزدیک شده است. او پرسید: پدرجان، مقصودت چیست؟ خوابی را که دیده بودم، برایش نقل کردم و گفتم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم. آن بزرگوار دست به صورت من می کشیدند و درحالی که گرد و غبار رخسارم را می زدودند، فرمودند: «یا علی! دیگر مسئولیتی برعهد تو نیست. آنچه بر عهده تو بود، به جای آوردی.»^(۱)

یا رسول الله از امت تو چه تلخی ها چشیدم

در همان شبی که سحرگاهش ضربت خوردم، به فرزندم حسن علیه السلام گفتم:

فرزندم، امشب در لحظاتی که به خواب رفته بودم، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم.

به ایشان عرض کردم: یا رسول الله! چه سختی های خستگی آور و چه دشمنی های تلخ که از امت تو تحمل کردم!

فرمودند: «نفرتشان کن!»

و من اینگونه خواستم: بار پروردگارا، بهتر از آنان را نصیب من فرما و بدتر از ما نصیب آنان کن!^(۲)

امشب همان شب موعود است

در آن شب، بسیار از اتاق بیرون می آمدم و آسمان را می نگریستم و می گفتم:

به خدا سوگند! به من دروغ گفته نشده است و من نیز دروغ نمی گویم! قطعاً امشب همان شب موعود است.

هنگامی که وقت اذان صبح شد، لباسم را پوشیدم و از اتاق بیرون آمدم و این اشعار را زمزمه می کردم:

ص: ۵۰

۱- شرح الأخبار، ج ۲، ص ۴۵۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۱۱؛ روضه الواعظین ج ۱، ص ۱۳۵؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۸۷.

۲- الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۲۰؛ الامامه و السیاسة، ج ۱، ص ۱۸۰؛ أنساب الاشراف، ص ۴۹۴؛ الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۶؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۶ و ۵۵۹.

کمربند خود را برای مرگ محکم ببند

که مرگ را ملاقات خواهی کرد و وقتی مرگ به وادی تو رسید،

بیتابی مکن. (۱)

با آن ها کاری نداشته باشید

در بیرون خانه، مرغابی ها اطرافم را گرفتند و سروصدا کردند.

اهل منزل سعی کردند که آن ها را از اطراف من دور کنند. به آنان گفتم:

با آنها کاری نداشته باشید. آنها نوحه خوانی و مرثیه سرایی را شروع کرده اند! (۲)

کمربند خود را برای مرگ محکم ببند

وقتی خواستم در خانه را باز کنم، لباسم به میخ در گیر کرد و کمربندم باز شد. آن را محکم بستم و دوباره این ابیات را تکرار کردم:

کمربند خود را برای مرگ محکم ببند

که مرگ را ملاقات خواهی کرد.

و وقتی مرگ به وادی تو رسد،

بیتابی مکن.

کسانی را می شناسم

که از مال دنیا بهره ای ندارند و تهیدست اند،

اما با دلاوری، شتابان به سوی مرگ قدم برمی دارند و مرگ را بر زندگی آمیخته با شرّ ترجیح می دهند! (۳)

ص: ۵۱

۱- - الإرشاد، ج ۱، ص ۱۶؛ الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۱۸۲؛ أنساب الاشراف، ص ۴۹۹؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۵؛ جواهر المطالب، ج ۲، ص ۹۴.

۲- - الفتوح، ج ۱، ص ۵۰۵؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۵۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۲؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۵؛ مناقب

آل أبي طالب، ج ٣، ص ٣١٩؛ أسد الغابه، ج ٤، ص ٣٦؛ الكامل، ج ٣، ص ٣٨٨؛ تذكرة الخواص، ص ١٧٧؛ جواهر المطالب، ج ٢، ص ٩٤.

٣- - المناقب، ج ٣، ص ٣١٥؛ الفتوح، ج ١، ص ٥٠٦؛ مروج الذهب، ج ٢، ص ٤٦٥.

باز کنید راه جهادگر و مجاهد راه خدا را

از منزل که بیرون آمده و به طرف مسجد می رفتم، این ابیات را زمزمه می کردم:

باز کنید راه جهادگر و مجاهد راه خدا را!

مجاهدی که عمر خویش را پیوسته در جهاد برای خدا سپری کرد

و غیر از خدای واحد را نپرستید

و در بیداری مردم و دعوت آنان به عبادت کوشش ها کرد. (۱)

آماده نماز باشید

وارد مسجد شدم و برای اینکه مردم متوجه وقت نماز صبح شوند، ندا سردادم:

ای مردم! برای نماز برخیزید! آماده نماز باشید! (۲)

برخیزید برای نماز

مردم را که برای نماز صبح بیدار می کردم، دیدم ابن ملجم را که در میان آنان خود را به خواب زده بود. او را هم صدا زدم:

برخیز برای نماز! (۳)

سوگند به خدای کعبه، رستگار شدم

در محراب مسجد قرار گرفتم و نماز را شروع کردم. ابن ملجم فریاد زد: یا علی! حکم به خدا اختصاص دارد، نه به تو و نه به

اصحاب تو! سپس ضربت را بر سرم وارد کرد.

ابتدا گفتم: مراقب باشید این مرد از دست شما فرار نکند. (۴) و سپس گفتم: سوگند به خدای کعبه، رستگار شدم! (۵)

ص: ۵۲

۱- المناقب، ج ۳، ص ۳۱۹؛ الفتوح، ج ۱، ص ۵۰۶.

۲- شرح الأخبار، ج ۲، ص ۴۴۲؛ أنساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۹۵؛ الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۳۶؛ المعجم الكبير، ج ۱، ص ۹۹؛

مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۵۹؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۹.

۳- شرح الأخبار، ج ۲، ص ۴۳۰.

۴- الامامه و السياسه، ج ۱، ص ۱۸۰؛ أنساب الاشراف، ص ۴۹۲ تا ۴۹۵؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۱۲؛ مروج الذهب، ج ۲،

ص ۴۵۹؛ مقاتل الطالبیین، ص ۲۱؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۸۳؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۹ و ۵۶۱؛ أسد الغابه، ج ۴، ص ۳۷؛

مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٤١.

٥- - جواهر المطالب، ج ٢، ص ٩٦؛ الامامه و السياسه، ص ١٨٠؛ أنساب الاشراف، ص ٤٨٨ و ٤٩٩؛ شرح الأخبار، ج ٢، ص ٤٤٢؛
تاريخ دمشق، ج ٤٢، ص ٥٦١؛ أسد الغابه، ج ٤، ص ٣٨.

پدر تو از امروز به بعد دیگر ناراحتی نخواهد دید

فرزندم حسن آمد و سرم را به دامن گرفت. او را دلداری دادم:

به خدا سوگند! رستگار شدم. پدر تو از امروز به بعد دیگر ناراحتی نخواهد دید. (۱)

از همان غذایی که به من می دهید، او را نیز اطعام کنید

هنگامی که مرا به منزل آوردند، اولین سؤالی که پرسیدم درباره قاتلم، ابن ملجم، بود. گفتند: او را دستگیر کرده ایم. سفارش کردم:

با همان غذایی که به من می دهید، او را نیز اطعام کنید؛ با همان نوشیدنی هایی که برای من می آورید، او را نیز سیراب کنید. اگر زندگی من ادامه داشت، خودم درباره او تصمیم می گیرم و اگر از دنیا رفتم، فقط یک ضربت بر او وارد کنید و از زیاده روی پرهیزید. (۲)

و به حسن و حسین علیهم السلام تأکید کردم: این اسیر را در حبس نگه دارید، اطعامش کنید و سیرابش نمایید و به نیکی با اسیر رفتار کنید. اگر ماندم، بهتر از دیگران می دانم با او چه رفتاری کنم: اگر خواستم قصاص می کنم یا از او می گذرم و عفو می کنم یا به گونه دیگری با او مصالحه می کنم. و اگر از دنیا رفتم، اختیار با شماست؛ اما اگر تصمیم گرفتید وی را بکشید، مبادا که او را قطعه قطعه کنید! (۳)

اگرچه این ضربت را او بر من وارد کرده است، با او به نیکی رفتار کنید و رختخواب نرمی برای او بگسترانید! اگر زنده ماندم، تصمیم می گیرم که او را ببخشم یا قصاص کنم؟ (۴)

آیا در حق تو نیکی نکردم؟

از فرزندانم خواستم ابن ملجم را بیاورند تا با وی سخن بگویم. از وی پرسیدم ای دشمن خدا! آیا من در حق تو نیکی نکردم؟! آیا آن همه احسان و خوبی را به یاد نداری؟

ص: ۵۳

۱- -المسترشد، ص ۳۶۷؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲- -مقتل ابن ابی الدنيا، ص ۴۰؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۸۸.

۳- -شرح الأخبار، ج ۲، ص ۴۳۰؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۱۲.

۴- -المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۳؛ أنساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۹۵؛ الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۷؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۹؛ أسد الغابه، ج ۴، ص ۳۷.

گفت: آری، قبول دارم.

پرسیدم: پس چرا چنین کردی؟

او در پاسخ گفت: چهل روز بود که این شمشیر را تیز می کردم؛ سپس از

خدا خواستم که به وسیله آن بتوانم بدترین خلق خدا را بکشم!

به وی گفتم: آری! چنین خواهد بود؛ این گونه می بینم که تو بدترین خلق خدایی که با همان شمشیر کشته خواهی شد؟^(۱)

به خدا سوگند! در حالی که تو آن همه نیکی می کردم که می دانستم تو قاتل من خواهی بود! ولی آن گونه رفتار می کردم،

تا در محضر الهی حجت را بر تو تمام کرده باشم.^(۲)

یک ضربت در مقابل یک ضربت

به اطرافیانم تذکر جدی دادم: ای فرزندان عبدالمطلب! مبادا پس از من در خون مسلمانان فروروید و دست به کشتار بزنید و برای توجیه عمل خویش بگویید که امیرالمؤمنین کشته شده است. بدانید که نباید برای قصاص خون من، جز قاتل من، کس دیگری کشته شود.

درست بنگرید! اگر من از ضربت او کشته شدم، او را فقط یک ضربت بزنید در مقابل ضربتی که وارد کرده است و دست و پا و دیگر اعضای او را قطع نکنید؛ زیرا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند:

«بپرهیزید از بریدن اعضای مرده، هرچند سگ دیوانه باشد.»^(۳)

و خطاب به فرزندم حسن علیه السلام گفتم: فرزندم، در مقابل یک ضربت، یک ضربت بزن و نه بیشتر!^(۴)

ص: ۵۴

۱- تاریخ طبری، ص ۱۱۱؛ المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۹۹؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۸۳؛ الکامل، ج ۳، ص ۳۹۰؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۴۱؛ تذکره الخواص، ص ۱۷۷.

۲- الإرشاد، ج ۱، ص ۱۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۸۲؛ العدد القویه، ص ۲۴۱.

۳- نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۴۲۲؛ المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۰۰؛ ج ۳، ص ۳۱۲؛ ذخائر العقبی، ص ۱۱۶؛ مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۲۴۹؛ ج ۹، ص ۱۴۲.

۴- المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۰۰.

در آخرین لحظات عمر، چشمم را گشودم و به اطرافیانم گفتم:

بهشت برین و جمع انبیا، نیکوترین قرارگاه و برترین مکان برای آرامش است. اگر از دنیا رفتم، در برابر ضربت قاتلم، فقط یک ضربت به او بزنید یا او را عفو کنید!

آری! رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که سه بار به من فرمودند: «امشب را با آسودگی و خرسندی نزد ما بیا.»

دخترم! بی تابمی کرد و با صدای بلند می گریست. به وی گفتم: دخترم، بی تابمی مکن. هم اکنون رسول خدا صلی الله علیه و آله را می بینم که با دستشان به من اشاره می کنند و می فرمایند: «علی جان! به سراغ ما بیا که آنچه نزد ما هست، برای تو بهتر است.»

لحظاتی از حال رفتم. وقتی چشمانم را باز کردم، گفتم:

آفرین بر شما! خوش آمدید! سپاس خدایی را که هر وعده ای به ما داد، راست بود و بهشت را نصیب ما فرمود.

بشارت ها آورده اند کسانی که در اطرافم جمع بودند، پرسیدند: چه می بینی؟ گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله و برادرم جعفر و عمویم حمزه علیه السلام را می بینم. درهای آسمان باز شده است و فرشتگان فرود می آیند و به من سلام می کنند و بشارت ها آورده اند.

فاطمه علیها السلام را می بینم که حورالعین ها اطرافش حلقه زده اند و منزل هایی در بهشت برای من فراهم شده است.

به قلم: حجت الاسلام و المسلمین سید امیرحسین طالقانی

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- کلام حضرت فاطمه علیها السلام هنگام پذیرش ازدواج با امیرالمؤمنین علیه السلام

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تقاضای امیرالمؤمنین علیه السلام برای ازدواج با حضرت فاطمه علیها السلام روبرو شدند، خواسته حضرت علی علیه السلام را به دختر خود منتقل کردند و در آن موقع، برخی از فضائل حضرت علی علیه السلام را برشمردند، حضرت فاطمه علیها السلام در جواب فرمودند:

«رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِكَ يَا أَبَتَاهُ نَبِيًّا وَبِابْنِ عَمِّي بَعْلًا وَوَلِيًّا؛ ای پدرم، راضی هستم که خداوند متعال پروردگارم و شما پیامبرم و پسر عمویم شوهر و ولی من باشد.» (۱)

۲- کلام حضرت فاطمه علیها السلام پس از شروع زندگی مشترک

چند روز پس از شروع زندگی مشترک حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای دیدار دختر و داماد خود به خانه آنان آمدند و جویای حالشان شدند، سپس در حالی که حضرت فاطمه علیها السلام تنها بودند از ایشان پرسیدند: دخترم، همسرت را چگونه یافتی؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند:

«يَا أَبَتِ، خَيْرُ زَوْجٍ؛ پدرم، او را بهترین همسر یافتم.» (۲)

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام پدران امت هستند

حضرت فاطمه علیها السلام در بیان فضیلت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

ص: ۵۶

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۱؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۷۵.

۲- کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۳؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۲۸.

« أَبَوَا هَيْدِهِ الْأَمَّةِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ يُقِيمَانِ أَوْدَهُمْ وَيُتَّقِدَانِهِمْ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا وَيُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَاَفَّقُوهُمَا ؛ حضرت محمد و علی علیه السلام پدران این امت هستند ، و انحرافات آنان را اصلاح می نمایند، اگر مردم از آندو اطاعت کنند، آنها مردم را از عذاب همیشگی نجات خواهند داد، و اگر مردم آن دو را همراهی نمایند، آنها مردم را به نعمت های همیشگی خواهند رساند.»(۱)

۴ - بیان مقام خاص « اخوت » و برادری با پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه فدکیه

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام هنگام سخنرانی در برابر غاصبین در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله تصریح فرمودند: هیچ مردی با پیامبر صلی الله علیه و آله عقد اخوت ندارد و تنها این فضیلت برای حضرت علی علیه السلام است که برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله است :

« ..تَمَّ قَالَتْ أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَقُولُ عَوْدًا وَ يَدْوًا وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا ، (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ) فَإِنْ تَعَزَّوهُ ، وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ . ؛ سپس حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند : ای مردم ! بدانید که من فاطمه علیها السلام هستم و پدرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که درود خدا بر او و خاندانش باد ، ابتدا و انتهای سخنم یکی است و در آن هیچ تناقضی وجود ندارد . هرگز سخن نادرستی نمی گویم و در کارهایم از حق فاصله نمی گیرم ، پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به (خیر و صلاح) شما بسیار علاقمند است و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است . اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را بشناسید و بدانید او با چه کسانی نسبت دارد ، می بینید که او فقط پدر من است و هیچ یک از زنان ، این وابستگی را با او ندارند ، و در می یابید که

ص: ۵۷

او فقط با پسر عموم امیرالمؤمنین علیه السلام، برادر است و هیچیک از مردان، برادر او نیستند. (۱)

۵- بیان رشادت های امیرالمؤمنین علیه السلام در صدر اسلام، در خطبه فدکیه

حضرت فاطمه علیها السلام هنگام سخنرانی در برابر غاصبین در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله، در ادامه بیان فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، فرمودند:

«... أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَّتْ فَاعِزَّةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَمَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهْوَاتِنَهَا، فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ وَيُخِمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُشْتَرِفاً نَاصِحاً مُجِدِّداً كَادِحاً لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَمَائِمٍ...؛ ... آری، هرگاه فتنه های شیطان چون شاخ حیوان درنده ای آشکار می شد و ازدهای مشرکان دهان خود را می گشود، پدرم، برادرش امیرالمؤمنین علیه السلام را در کام دشمن می افکند، امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز، تا آنان را لگد مال قدرت خود نمی کرد، از کارزار بر نمی گشت و تا شراره فتنه را با شمشیر خود خاموش نمی کرد، از جنگ و پیکار دست بر نمی داشت.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، همان کسی است که در راه خدا، هر سختی و رنجی را به جان می خرید، او در اجرای دستور خدا تلاش بسیار می کرد، او به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک بود، او سید و سرور اولیای خدا بود، او در راه خدا بلند همت و برای مردم، خیرخواه بود او برای خدا بسیار تلاش می کرد و در راه او کوشش می نمود، هیچ کس نمی توانست با سرزنش خود او را از راه خدا منحرف سازد... (۲)

ص: ۵۸

۱- - الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲- - الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۱.

۶- یادآوری غدیر و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام در کنار مزار حضرت حمزه علیه السلام

شخصی به نام محمود بن لیبید می گوید: پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام نزد قبور شهدای احد می آمدند و بر سر مزار حضرت حمزه علیه السلام گریه می کردند، نزدیک شدم و سلام کردم و عرض کردم:

ای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله! با گریه های خود بند دلم را پاره کردی، چرا این گونه گریه می کنید؟

حضرت فرمودند: برای من که عزادار مصیبت از دست دادن بهترین پدر و رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم، سزاوار است که این گونه بگریم.

عرض کردم سوالی برایم پیش آمده، آیا پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از رحلت خود بر امامت و پیشوایی حضرت علی علیه السلام تصریح فرمودند؟

حضرت فرمودند: «وَاعْجَبَا أَنْ نَسِيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ حُجْمٍ؛ بسیار عجیب است، آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟»

عرض کردم: روز غدیر که بود اما جواب سئوالم را بفرمایید،

حضرت فرمودند: ... أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى لَقَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ - عَلِيٌّ خَيْرٌ مَنْ أُخْلِفَ فِيكُمْ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ سِبْطَايَ وَ تَشَعُّهُ مِنْ صَيْلِبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَهُ أَبْرَارٌ لَنْ اتَّبَعْتُمُوهُمْ وَجَدْتُمُوهُمْ هَادِينَ مَهْدِيَيْنَ وَ لَنْ خَالَفْتُمُوهُمْ لِيَكُونَ الْاِخْتِلَافُ فِيكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ...؛ خدا را گواه می گیرم، که شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند: حضرت علی علیه السلام بهترین کسی است که در بین شما جانشین خود قرار می دهد و او امام و پیشوا و جانشین پس از من است و همچنین دو نوه من امام حسن و امام حسین علیهم السلام و نه امام و جانشینی که از نسل امام حسین علیه السلام هستند که همه آنان نیکو پیشوایانی هستند، اگر از آنان پیروی

نمایید آنان را هدایت گرانی راه یافته خواهید یافت و اگر از آنان نافرمانی کنید تا روز قیامت اختلاف در بین شما خواهد بود.»^(۱)

۷- دفاع و حمایت از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و غدیر

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند :

« أنسیتم قول رسول الله صلى الله عليه و آله يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه؟ آیا سخن رسول خدا که درود و صلوات خدا بر او و خاندانش باد، در روز غدیر را فراموش کرده اید، که حضرت فرمودند هر کسی که من مولا و سرپرست او هستم، پس حضرت علی علیه السلام هم مولا و سرپرست او است.»^(۲)

۸- گریه حضرت فاطمه علیها السلام برای مصائب حضرت علی علیه السلام

در ساعات پایانی عمر حضرت فاطمه علیها السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام بر بالین همسر خود نشسته بودند که دیدند حضرت فاطمه علیها السلام گریه می کنند، فرمودند علت گریه شما چیست؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند :

« أَبْكِي لِمَا تَلَقَى بَعْدِي ؛ گریه می کنم بر آنچه که پس از من، شما با آن روبرو می شوید.»^(۳)

ص: ۶۰

۱- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۲.

۲- احقاق الحق، ج ۲۱، ص ۲۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۱۸.

به قلم: حجت الاسلام و المسلمین جلال الدین ناصحی

هزار و چهارصد سال است دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام در تلاش برای خاموش کردن نور پرفروغ ولایت می باشند. هزار و چهارصد سال دوستان و ارادتمندان در راه ولایت به جرم شیعه بودن از وطن آواره شدند یا به شهادت رسیدند.

به مناسبت هزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای تلاش بیشتر در راه شناخت و نیز شناساندن شخصیت بی نظیر آن امام، نویسندگان، شعرا؛ دلباختگان به حضرت هر یک قدم بر می داریم در ماه مبارک رمضان انفاق و کمک به دوستداران حضرت در پرتو نام مبارک حضرت انجام گیرد بنده مصمم شدم از دیدگاه سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام حضرت را بشناسیم.

خطبه امام حسن علیه السلام بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام

«لَقَدْ قُبِضَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ لَمْ يَسْبِقْهُ الْأَوْلُونَ بِعَمَلٍ وَلَا يُدْرِكُهُ الْآخِرُونَ بِعَمَلٍ لَقَدْ كَانَ يُجَاهِدُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فَيَقِيهِ بِنَفْسِهِ وَ كَمَا أَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُوجِّهُهُ بِرَأْيِهِ فَيَكْنُفُهُ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ ميكائيلُ عَنْ يَسَارِهِ فَلَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدَيْهِ؛ در شبی که گذشت مردی از دنیا رفت که پیشینان در عمل بر او سبقت نگرفتند و آیندگان عمل او را نخواهند کرد. پیوسته همراه پیامبر صلی الله علیه و آله می جنگید و با جانش از او محافظت می نمود، همیشه پیامبر صلی الله علیه و آله او را با پرچمش می فرستاد و جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ محافظتش می کردند پس بر نمی گذشت مگر این که خداوند به دست او پیروزی را نصیب مسلمانان کرده بود.»(۱)

ص: ۶۱

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: همانا حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام تیر خداوند بود که به سینه دشمنان خدا اصابت می کرد. آن بزرگوار در مقام علم بالاترین و نزدیک ترین مرتبه را به پیامبر صلی الله علیه و آله ، خدا داشت و مرد الهی این امت بود و او هرگز خیانتی به مال خداوند نکرد. (۱)

چرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن همه قدر مظلوم و غریب واقع شد؟

۱: کینه های بر جا مانده از جنگ های بدر و خنین

چون حضرت علی علیه السلام به فرمایش امام سجاد علیه السلام نخستین ایشان را به جهنم فرستاد و آخرین ایشان را به ننگ مبتلا ساخت. (۲)

۲: حسادت

حضرت علی علیه السلام در علم و دانش افضل الناس بودند و برتری حضرت علی علیه السلام بر مردم الهی بود. «أَمْ يَحْسِبُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ آیا مگر به آنچه خداوند از لطف خویش (به بعضی از) مردمان بخشیده رشک می برید.» (۳)

حسادت به علی علیه السلام، حسادت به پیامبر صلی الله علیه و آله است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به حضرت علی علیه السلام حسادت کند، به من حسادت کرده و کسی که به من حسادت کند، داخل آتش می شود.» (۴)

عامل حسادت در شعر عُرْفی

ما يحسد المرء الا من فضائله بالعلم و الظرف او بالبأس و الجود

ص: ۶۲

۱- - ملحقات احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۳۵۳.

۲- - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۹۰؛ دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۳۰۰.

۳- - نساء / ۵۴.

۴- - دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۳۳۵.

انسان ، جز به خاطر فضائلش (مانند علم، اندیشه، نیرو و بخشش) مورد حسادت قرار نمی گیرد.

چه کسی می تواند فریاد بزند و به مردم بگوید: «سلونی قبل ان تفقدونی»

هر کس ادعا کرد رسوا و نابود شد به غیر علی بن ابیطالب علیه السلام

با کدام بخشش ولی خدا معرفی می گردد؟

اطعام با اخلاص

« إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا؛ ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم.» (۱)

زکات با اخلاص در نماز

« إِنَّمَا وَرِثِكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.» (۲)

اقدامات معاویه بر علیه امیرالمؤمنین علیه السلام

(۱): جعل حدیث در مذمت امیرالمؤمنین علیه السلام

اشاره

معاویه صد هزار درهم به «سمره بن جندب» بخشید تا وی روایت کند که آیه « وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ؛ و از میان مردم کسی که سخنش در زندگی این دنیا، تو را خوش آید و خدا را بر آنچه در دل دارد، گواه می گیرد، و حال آن که او سخت ترین دشمنان است» (۳)، «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (۴)

درباره حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.

ص: ۶۳

۱- انسان / ۹.

۲- مائده / ۵۵.

۳- بقره / ۲۰۴.

۴- بقره / ۲۰۵.

این آیات درباره «اخنس بن شریق» نازل شده، وی مردی زیبا و خوش بیان بود، تظاهر به دوستی پیغمبر صلی الله علیه و آله می کرد و خود را مسلمان جلوه می داد، هر وقت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد و با او می نشست اظهار ایمان می کرد و با اینکه مرد منافقی بود، سوگند می خورد که او را دوست دارد و به خدا ایمان آورده، پیامبر صلی الله علیه و آله هم با او گرم می گرفت و وی را مورد لطف و محبت خویش قرار می داد. هنگامی که بین او و طایفه «ثقیف» جنگ در گرفت، بر آنها شبیخون زد و چهارپایان آنها را کشت و زراعتشان را به آتش کشید.

جعل حدیث دیگر

« وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ » (۱)

معاویه نیز به سمره گفت این آیه را تفسیر به ابن ملجم کن. سمره بن جندب قبول نکرد و معاویه دویست هزار درهم داد و او قبول نکرد. معاویه سیصد هزار درهم داد و او قبول نکرد. آنگاه چهارصد هزار درهم داد و وی قبول کرد و آن را روایت نمود. (۲)

۲: دشنام گویی به حضرت علی علیه السلام و نفرین فرستادن به وی

در طول چهل سال، از زمان شهادت امیرمؤمنان علیه السلام تا زمان عمر بن عبدالعزیز به عنوان یک عادت پایدار، بر روی منبرها، در همه شهرهای اسلامی از شام تا ری، تا کوفه تا بصره، تا پایتخت اسلام (مدینه) تا حرم امن خداوند (مکه)، تا شرق و غرب جهان اسلام و در بین همه جوامع اسلامی به اجرا در آمد.

مردم این بدعت زشت را به عنوان یک عقیده پایدار، یا یک واجب مسلم و یا یک سنت قابل پیروی پذیرفتند. (۳)

ص: ۶۴

۱- - بقره/۲۰۷.

۲- - الغدير، ج ۵، ص ۲۰۹.

۳- - الغدير، ج ۱۰، ص ۲۵۷-۲۷۱.

(۳): شکنجه کردن دوستداران امیرالمؤمنین علیه السلام و آواره ساختن و کشتن آنان:

«کتب معاویه الی عماله فی جميع الآفاق الا یجیزوا لاحد من شیعة علی علیه السلام و اهل بیده شهادة؛ معاویه به همه کارگزاران خود نوشت گواهی هیچ یک از شیعیان علی علیه السلام و خاندان وی را نپذیرند.»

(۴): محروم شدن از بیت المال

ثم کتب الی عماله نسخه واحده الی جميع البلدان: انظروا من قامت علیه البینه انه یحب علیا و اهل بیده من الادیوان و اسقطوا عطاوه و رزقه» معاویه در بخش نامه ای به کارگزارانش در همه شهرها نوشت: «بنگرید و هر کس را که علیه وی دلیلی (مبنی بر اینکه وی علی و خاندانش را دوست دارد) اقامه شد، نامش را از دیوان پاک و عطا و سهمیه اش (از بیت المال) را قطع کنید.» (۱)

(۵): ممنوعیت نام گذاری به نام حضرت علی علیه السلام

الکامل ، مبرد به نقل از ابوالعباس: درباره حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام که رحمت خدا بر او باد روایت شده است که وی در هنگام نماز ظهر، عبدالله بن عباس را ندید، به یاران خود فرمود: چرا ابن عباس نیامده است؟ گفتند: بچه دار شده است.

هنگامی که حضرت علی علیه السلام نماز را خواند فرمود: نزد ابن عباس برویم. آنگاه نزد وی رفت و به وی تبریک گفت و فرمود: خداوند بخشانیده را شکر می گذارم در آنچه به تو داده است، برای تو برکت قرار دهد. نامش را چه گذاشته ای؟

ابن عباس گفت: آیا رواست که من، قبل از تو، وی را نام گذاری کنم.

ابن عباس بچه را خواست و نزد حضرت علی علیه السلام آورد. حضرت علی علیه السلام بچه را گرفت و کام وی را برداشت و برایش دعا کرد. سپس او را بر ابن عباس برگرداند و

ص: ۶۵

فرمود: آن را بگیر، ای پدر پادشاهان او را علی نامیدم و کنیه اش را ابوالحسن قرار دادم.

هنگامی که معاویه به قدرت رسید، به این عباس گفت: حق گذاشتن نام و کنیه علی را بر فرزندانان ندارید. من این فرزندت را ابومحمد کنیه دادم. (۱)

احتجاج امام حسن علیه السلام با معاویه

ای معاویه! در مورد تو چیزی نمی گویم مگر آن که پایین تر و پست تر از آنی که هستی.

«أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ الرَّجُلَ الَّذِي شَتَمْتُمُوهُ صَلَّى الْقِبْلَتَيْنِ كِلْتَيْهِمَا وَأَنْتَ تَرَاهُمَا جَمِيعاً وَأَنْتَ فِي ضَمَالَةٍ تَعْبُدُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى؛ شما را به خدا سوگند می دهم آیا شما نمی دانید مردی را که دشنام می دهید به دو قبله با رسول خدا نماز خواند؟ در حالی که ای معاویه! تو آن دو را می دیدی و تو در گمراهی بودی و لات و عزی را عبادت می کردی؟

آیا حضرت علی علیه السلام نبود که دوبار با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت نمود و در بیعت رضوان و بیعت فتح، رسول خدا صلی الله علیه و آله را یاری نمود در حالی که تو ای معاویه در بیعت اول کافر بودی و در بیعت دوم از آن امتناع نمودی. (۲)

احتجاجات امام مجتبی علیه السلام با گروهی از منکرین فضیلت آن حضرت و فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام در مجلس معاویه

اسامی منکرین فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام

(۱): معاویه بن ابی سفیان؛ (۲): عمر بن عثمان بن عفان؛ (۳): عمرو بن عاص؛ (۴): عتبه بن ابی سفیان؛ (۵): ولید بن عقبه بن ابی معیط؛ (۶): مغیره بن شعبه.

شما را به خدا سوگند می دهم! آیا شما نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که در حال احتضار بود، اهل بیت خود را جمع نمود و فرمود: خداوندا! اینان اهل بیت من و عترت من می باشند هر کس آنان را دوست می دارد دوست بدار و دشمنان آنان را دشمن بدار.

و فرمود: به راستی اهل بیت من مانند کشتی نوح هستند هر کس داخل آن شود نجات می یابد و هر کس از آن خارج شود هلاک می گردد.

ص: ۶۶

۱- دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۴۸۲.

۲- احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۷۲.

شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا نمی‌دانید که حضرت علی علیه السلام اولین کسی بود که در بین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله همه شهوات را بر خود حرام نمود پس خداوند متعال این آیه را در شأن او نازل فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (۱)

احتجاج امام مجتبی علیه السلام با عمرو بن عاص ملعون

با کمال وقاحت و بی شرمی اعلام نمودی که من محمد را ابتر خواندم و پدرت عاص بن وائل هم گفت که حضرت محمد صلی الله علیه و آله مردی ابتر و بی فرزند است، هرگاه بمیرد یاد و ذکر او هم خواهد مرد. خداوند متعال در مقابل این توهین تو در قرآن فرمود:

«إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (۲)

و «و رفعنا لك ذكرك؛ و آوازه او را بلند کردیم.» (۳)

نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه اسلام و نام قرآن همه جا پیچید و از آن بهتر اینکه نام پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار نام الله هر صبح و شام بر فراز مآذنه ها و هنگام اذان برده می شود و شهادت به رسالت تو در کنار شهادت به توحید و یگانگی خداوند نشان اسلام و دلیل پذیرش این آیین پاک است.

ص: ۶۷

۱- - مائده / ۸۷-۸۸.

۲- - کوثر / ۳.

۳- - انشراح / ۴.

حسان بن ثابت شاعر معروف پیامبر صلی الله علیه و آله در مدح آن حضرت می گوید:

وَ ضَمَّ الْإِلَهَ اسْمَ النَّبِيِّ إِلَى اسْمِهِ
إِذَا قَالَ فِي الْخَمْسِ الْمُؤَذِّنُ أَشْهَدُ
وَ شَقَّ لَهُ مِنْ اسْمِهِ كَيْ يُجِلَّهُ
فَدُو الْعَرْشِ مَحْمُودٌ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ

خداوند اسم پیامبر صلی الله علیه و آله را به اسم خود ضمیمه کرد. در آن هنگام که مؤذن در پنج نوبت اشهد ... می گوید.

و از نام خود نامی برای او انتخاب کرد تا احترامش کند . لذا خداوند صاحب عرش «محمود» است و او «محمد» است.

سیمرغ فهم هیچکس از انبیا نرفت

آنجا که تو به بال کرامت پریده ای

هر یک به قدر خویش به جایی رسیده اند

آنجا که جایی نیست به جایی رسیده ای. (۱)

احتجاج امام مجتبی علیه السلام با عقبه بن ابی سفیان

تو فرزند همان پدرانی هستی که خداوند در قرآن آنها را این گونه یاد می کند:

«عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً * تُشْقِي مِنْ عَيْنِ آئِنِهِ * لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ * لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ» (۲)

فَوَاللَّهِ مَا أَنْتَ بِحَصِيفٍ فَأَجَابَكَ

و اما تو ای عقبه بن ابی سفیان! به خدا سوگند که تو کسی نیستی که در حساب و شمار آیی تا من متوجه جواب تو گردم.

... لِأَنَّكَ عِنْدِي لَسْتَ بِكُفُوٍ لِعَبْدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

ص: ۶۸

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۲۶.

۲- غاشیه / ۳-۶.

زیرا تو نزد من همتا با بردهٔ حضرت علی علیه السلام هم نیستی.

فَأَرَدْتُ عَلَيْكَ وَأُعَاتِبُكَ

تا پاسخ یاوه هایت را گویم.

وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَكَ وَ لِأَبِيكَ وَ أُمِّكَ وَ أَخِيكَ لِالْمِرْصَادِ

بلکه خداوند در کمینگاه تو و پدر و مادر و برادرت می باشد.

فَأَنْتَ ذُرِّيَّةُ آبَائِكَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ

و تو از نسل افرادی هستی که خداوند در قرآن اینگونه وصفشان فرمود:

فَقَالَ: «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ. تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً. تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ إِلَى قَوْلِهِ مِنْ جُوعٍ» (۱)

احتجاج امام حسن علیه السلام با مروان ملعون

وقتی مروان ملعون توهین به امام حسن علیه السلام و امام علی علیه السلام نمود، حضرت امام مجتبی علیه السلام فرمود: اما ای مروان! من نه تو و نه پدرت را سب گویم،

وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعْنَكَ وَ لَعْنَ آبِيَاكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ وَ مَا خَرَجَ مِنْ صُلْبِ أَبِيكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ؛ بلکه خود خدا، تو و پدرت را و همه اهل بیت و نسل و ذریه و اولادی که از صلب پدرت تا روز قیامت متولد شدند را بر زبان رسولش محمد صلی الله علیه و آله مشمول لعن خود ساخته است.

وَ اللَّهُ يَا مَرْوَانَ مَا تُنْكِرُ أَنْتَ وَ لَا أَحَدٌ مِمَّنْ حَضَرَ - هَذِهِ اللَّعْنَةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَكَ وَ لِأَبِيكَ مِنْ قَبْلِكَ

به خدا، ای مروان! نه تو و نه هیچ کدام از این حضار منکر این نیست که این لعنت از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله ویژه تو بوده و هست.

ص: ۶۹

يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نَخَوْفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (١)

وَ أَنْتَ يَا مَرْوَانَ وَ ذُرِّيَّتَكَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
فَوَثَبَ مُعَاوِيَةَ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى فَمِ الْحَسَنِ (٢)

عایشه رو به مروان کرد و گفت:

لعن الله اباك و انت في صلبه فانت بعض من لعنه الله؛ خدا پدر تو را لعنت کرده، در حالی که تو در صلب او بودی، بنابراین تو بخشی از کسی که خدایش لعن کرده است. (٣)

شروط صلح نامه امام مجتبی علیه السلام با معاویه ملعون

قال الطبرسی: «وَ كَتَبَ إِلَيْهِ مُعَاوِيَةُ فِي الْهُدْيَةِ وَ الصُّلْحِ وَ بَعَثَ بِكُتُبٍ أَصْحَابِهِ إِلَيْهِ فَأَجَابَهُ إِلَى ذَلِكَ بَعِيدًا أَنْ شَرَطَ عَلَيْهِ شُرُوطًا كَثِيرَةً مِنْهَا أَنْ يَتْرُكَ سَبَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَ الْقُنُوتَ عَلَيْهِ فِي الصَّلَوَاتِ وَ أَنْ يُؤْمِنَ شِيعَتِهِ وَ لَا يَتَعَرَّضَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ بِسُوءٍ وَ يُوصِلَ إِلَى كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ...»

طبرسی می گوید:

معاویه درباره صلح و سازش ، نامه ای به امام حسن علیه السلام نوشت و آن را همراه نامه های اصحاب وی به معاویه، برای او فرستاد.

امام حسن علیه السلام پس از آن که شروط فراوانی برای صلح قرارداد، آن را پذیرفت از جمله شروط این بود: معاویه ناسزاگویی به امیرمؤمنان، به ویژه در قنوت نماز را ترک کند. شیعیان او را امان دهد به هیچ یک از آنان بدی نرساند و حق هر صاحب حقی را به او برساند...» (٤)

ص: ٧٠

١- - اسرا / ٦٠.

٢- - احتجاج، ج ١، ص ٢٧٩.

٣- - تفسیر نمونه، ج ١٢، ص ١٧٤، به نقل از تفسیر قرطبی، ج ٦، ص ٣٩٠٢؛ و تفسیر فخررازی، ج ٢٠، ص ٢٣٧.

٤- - ارشاد، ص ١٩١؛ کشف الغمه، ج ١، ص ٥١٥؛ اعلام الوری، ج ١، ص ٤٠٣.

فرهنگ جامع سخنان امام حسن عليه السلام ، تالیف: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام ، محمود شریفی و دیگران، قم، نشر معروف، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲ش.

احتجاج، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مترجم: بهزاد جعفری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بازار سلطانی، ۱۳۸۱ش.

امام مجتبی علیه السلام ، روح قلب مصطفی صلی الله علیه و آله ، آیت الله شیخ احمد رحمانی همدانی، مترجم: محمد ظریف، غلامرضا توکلی، انتشارات عطر عترت، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.

اشاره

به قلم: حجت الاسلام و المسلمین مهدی آقابابایی

مقدمه

امام حسین علیه السلام مدت شش سال از دوران کودکی خود را در زمان جد بزرگوارش سپری کرد و پس از شهادت آن بزرگوار، مدت سی سال در کنار پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی کرد و در حوادث مهم دوران خلافت ایشان به صورت فعال شرکت داشت. پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام (در سال ۴۰ هجری) مدت ده سال در صحنه سیاسی و اجتماعی در کنار برادر بزرگ خود امام حسن علیه السلام قرار داشت و پس از شهادت برادر بزرگوارش (در سال ۵۰ هجری) به مدت ده سال، در اوج قدرت معاویه بن ابی سفیان، بارها با وی پنجه در افکند و پس از مرگ وی نیز در برابر حکومت پسرش یزید قیام کرد و در محرم سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا به شهادت رسید. در این مقاله که به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت مولی الکونین، ابوالحسنین، سیدالعرب و العجم، امیرالمؤمنین علیه السلام، پیرامون مبارزات و دفاعیات حضرت سیدالشهدا علیه السلام از پدر بزرگوارشان مطالبی که در تاریخ آمده است تا آنجا که ما توانستیم و بررسی کردیم را می آوریم باشد که مورد قبول حضرت علی علیه السلام واقع گردد.

مبارزات حضرت حسین بن علی علیه السلام قبل از دوران امامت

حضرت امام حسین علیه السلام از دوران نوجوانی که شاهد انحراف دستگاه حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود بود، از موضع گیری های سیاسی پدر خود پیروی و حمایت می کرد، چنانکه در زمان خلافت عمر بن خطاب، روزی وارد مسجد شد و دید عمر بر فراز منبر نشسته است، بادیدن این صحنه، بالای منبر رفت و به عمر گفت: از منبر پدرم پایین بیا و بالای منبر پدرت برو!

عمر که قافیه را باخته بود، گفت: پدرم منبر نداشت! آنگاه او را در کنار خود نشانید، و پس از آنکه از منبر پایین آمد، او را به منزل خود برد و پرسید: این سخن را چه کسی به تو یاد داده است؟

حضرت پاسخ داد: هیچ کس! (۱)

در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین

حضرت در دوران خلافت پدرش، امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار حضرت بود. او در هر سه جنگی که در این دوران برای پدر بزرگوارش پیش آمد، شرکت فعال داشت. (۲)

در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام به عهده وی بود. در جنگ صفین، چه از راه سخنرانی های پرشور و تشویق یاران حضرت علی علیه السلام جهت شرکت در جنگ، و چه از رهگذر پیکار با قاسطین نقشی فعال داشت. در جریان حکمیت نیز یکی از شهود این ماجرا از طرف حضرت علی علیه السلام بود. (۳)

دوران امامت امام حسین علیه السلام

اشاره

در زمان امام حسین علیه السلام انحراف از اصول و موازین اسلام، که از «سقیفه» شروع شده و در زمان عثمان گسترش یافته بود، به اوج خود رسیده بود. در آن زمان معاویه که سال ها از سوی خلیفه دوم و سوم به عنوان استاندار در منطقه شام حکومت کرده و موقعیت خود را کاملاً تثبیت کرده بود، به نام خلیفه مسلمین سرنوشت و مقدرات کشور اسلامی را در دست گرفته حزب ضد اسلامی اموی را بر امت اسلام مسلط ساخته بود و به کمک عمال ستمگر و یغماگر خود مانند: زیاد بن ابیه، عمرو بن عاص، سمره بن جندب و . حکومت سلطنتی استبدادی تشکیل داده، چهره اسلام را وارونه ساخته بود.

ص: ۷۳

۱- سیره پیشوایان، ص ۱۴۴، به نقل از الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲- الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳- سیره پیشوایان، ص ۱۴۵.

معاویه از یک سو، سیاست فشار سیاسی و اقتصادی را در مورد مسلمانان آزاده و راستین اعمال می کرد و با کشتار و قتل و شکنجه و آزار، و تحمیل فقر و گرسنگی بر آنان، از هرگونه اعتراض و جنبش و مخالفت جلوگیری می کرد، و از سوی دیگر، با احیای تبعیض های نژادی و رقابت های قبیله ای در میان قبائل، آنان را به جان هم می انداخت و از این رهگذر نیروهای آنان را تضعیف می کرد تا خطری از ناحیه آنان متوجه حکومت وی نگردد، و از سوی سوم، به کمک عوامل مزدور خود با جعل حدیث و تفسیر و تأویل آیات قرآن به نفع خود، افکار عمومی را تخدیر زده، و به حکومت خودش وجهه مشروع و مقبول می بخشید.

این سیاست ضد اسلامی، به اضافه عوامل دیگری همچون ترویج فرقه های باطل نظیر: جبریه و مرجئه که از نظر عقیدتی با سیاست معاویه همسو بودند، آثار شوم و مرگباری در جامعه به وجود آورده و سکوت تلخ و ذلتباری را بر جامعه حکمفرما ساخته بود.

در اثر این سیاست شوم، شخصیت جامعه اسلامی مسخ و ارزش ها دگرگون شده بود، به طوری که مسلمانان، با آنکه می دانستند اسلام هیچ وقت اجازه نمی دهد آنان مطیع زمامداران بیدادگری باشند که به نام دین بر آنها حکومت می کنند، با این حال بر اثر ترس و ناآگاهی، از زمامداران ستمگر پشتیبانی می کردند. در اثر این سیاست، مسلمانان، بر خلاف منطق قرآن و تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله، تبدیل به افرادی ترسو، سازشکار، و ظاهر ساز گشته بودند.

ولی با این وضعیت با مطالعه تاریخ می بینیم که حضرت امام حسین علیه السلام در برابر بدعت ها و بیدادگری های بی شمار معاویه نمی تواند سکوت نماید و تا آنجا که توان دارد، در برابر مظالم معاویه به مبارزه و مخالفت بر می خیزد که در این جا به جنایات معاویه که بعضی از سیاست های عوامفریبانه وی و فرعون مآبانه اش را در طی چهل سال حکومتش بر مسلمانان اشاره می کنیم و لازم به ذکر است که او برای طرح اجرای بعضی از این سیاست های خود از مشاور حيله گر مکاری همچون عمرو عاص بهره می برد که در اغفال مردم از شیطان درس های بزرگی گرفته بود و همچنین به مبارزات حضرت امام حسین علیه السلام می پردازیم:

معاویه در دشمنی نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پیش رفت و دشنام و لعن آن حضرت را در مجالس عام و خاص، اعلام نمود و به همه عمال و والیانش دستور داد تا ناسزاگویی آن حضرت را در میان مردم انتشار دهند، دشنام به امام علیه السلام در همه مناطق جهان اسلام سرایت یافت. معاویه خود در میان مردم شام به خطبه پرداخت و به آنها گفت: «ای مردم! رسول خدا صلی الله علیه و آله به من گفت: بعد از من، تو به خلافت خواهی رسید، پس سرزمین مقدس (شام) را انتخاب کن که صالحان در آنجا هستند و من شما را برگزیدم [العیاذ بالله] پس ابوتراب را لعن کنید.

مردم شام هم به دشنام امام پرداختند. معاویه در میان آن وحشیان به خطبه پرداخت و به آنان گفت: «چه گمانی دارید در مورد مردی که - یعنی علی علیه السلام - که با برادرش عقیل نیکی نمی کند! ای مردم شام! ابولهب نکوهش شده در قرآن، عموی علی بن ابیطالب است.

مورخان می گویند: هرگاه معاویه خطبه می خواند، خطبه خود را با این گفته به پایان می برد: خداوندا! ابوتراب در دین تو الحاد ورزید! و از راه تو برگشته است، پس او را به سختی لعن کن و به عذابی دردناک گرفتار ساز».

این کلمات را بر روی منبرها می گفتند.

معاویه با این کار می خواست که دل های مردم را از امام علیه السلام دور سازد و میان مردم و اصول آن حضرت فاصله بیندازد؛ اصولی که حتی در کاخ های معاویه، وی را تعقیب می نمود.

هنگامی که معاویه «مغیره بن شعبه» را به امارت کوفه منصوب ساخت، مهم ترین چیزی که به وی سفارش نمود این بود که در ناسزاگویی به امام علیه السلام، رحمت فرستادن بر عثمان، عیب جویی یاران علی علیه السلام و دور ساختن آنها کوتاهی ننماید، مغیره بن شعبه، هفت سال والی کوفه بود در این مدت مذمت حضرت علی علیه السلام ناسزاگویی به آن حضرت را رها نمود.

(۲) - پنهان ساختن فضائل اهل بیت علیهم السلام

معاویه با همه توانایی هایش تلاش کرد تا فضائل اهل بیت علیهم السلام را پنهان سازد و بزرگواری های آنان را از دید مسلمین دور سازد و از انتشار آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله در فضیلت آنها وارد شده بود ممانعت به عمل آورد. (۱)

(۳) - پرهیز از یاد کردن امام

حکومت اموی تا حد زیاد در ستیز با امیرالمؤمنین علیه السلام زیاده روی نمودند؛ زیرا دستور دادند تا هر نوزادی را که به نام «علی» نامیده شود به قتل برسانند.

مورخان می گویند: علما و محدثان، از یاد کردن امام و نقل روایت از آن حضرت به خاصر ترس از بنی امیه، پرهیز داشتند و هر گاه می خواستند مطلبی را از آن حضرت روایت کنند، می گفتند: پدر زینب روایت کرد. (۲)

(۴) - برخورد با شیعیان

شیعیان در زمان معاویه در همه مناطق به طور رسمی مورد ستم واقع شدند و با شدت و خشونت فراوان رو به رو گشتند؛ زیرا معاویه، با قساوت از آنان انتقامی سخت گرفت و مرکز حکومتش را بر اجساد قربانیان آنان به پیش راند. چنانچه امام باقر علیه السلام نمونه های هولناکی از ستم امویان نسبت به شیعیان اهل بیت علیهم السلام را بیان کرده و می فرماید:

شیعیان ما در هر شهری کشته می شوند و دست ها و پاها ی آنان تنها به ظن و گمان بریده می شد، هر کس به دوستی و پیروی از ما یاد می شد، به زندان می افتاد و یا دارائیش غارت می شد و یا خانه اش ویران می گشت. (۳)

ص: ۷۶

۱- - زندگانی حضرت امام حسین علیه السلام، شریف قرشی، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲- - همان، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳- - همان، ص ۲۱۶.

اشاره

معاویه، به نابودی نیروهای متفکر و اندیشمند شیعه پرداخت و گروهی از آنان را به میدان های اعدام روانه ساخت و سوگ و اندوه را در خانه هایشان حاکم ساخت که بعضی از آنان عبارتند از:

الف: حجر بن عدی

اشاره

حجر وقتی دید در نظام حاکم، دشنام به امیرالمؤمنین علیه السلام را آشکارا اعلام می کند و مردم را به براءت از آن حضرت مجبور می سازد، زبان به اعتراض گشود و آشکارا به حاکمان کوفه پاسخ داد. زیاد بن ابیه خونش را مباح اعلام نموده و او را همراه با گروهی از برادرانش به اسارت نزد معاویه فرستاد و آنان را در «مرج عذراء» متوقف ساختند تا اینکه فرمان اعدام آنها از دمشق صادر شد و آنها را به شهادت رساندند.

یادداشت امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام از دریافت خبر کشته شدن حجر، بسیار پریشان گشت و یادداشت شدیدالحنی برای معاویه فرستاد و در آن، جرایم و بدعت هایش را بر شمرد که از جمله کشتن حجر و یاران درستکار وی می باشد و در آن یادداشت آمده بود: «آیا تو قاتل حجر، برادر کنده و نمازگزاران پارسایی که ظلم را نمی پسندیدند و بدعت ها را گناهی بزرگ می دانستند و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسیدند، نیستی... آنها را به ظلم و تعدی کشتی پس از آنکه سوگندهای سخت و پیمان های مؤکد به آنها سپردی که آنان را به خاطر حادثه ای که میان تو و آنان بوده و یا به کینه ای که در دل نسبت به آنها داشتی، به کیفر نرسانی...»

ب: عمرو بن حمق خزاعی

امام حسین علیه السلام هنگام شنیدن خبر کشته شدن عمرو، به شدت متأثر گردید و یادداشتی برای معاویه فرستاد که در آن، جنایات وی را بر شمرد و ظلم و ستمی که امت در روزگار وی متحمل می شود را متذکر شد. در آن یادداشت در خصوص عمرو آمده بود:

«آیا تو قاتل عمرو بن حقم، یار رسول خدا آن عبد صالحی که عبادت او را نحیف ساخته، بدنش را رنجور گشته و رنگش زرد شده بود، نیستی، بعد از آنکه به او امان داده و از عهد و پیمان های خدا آن قدر به وی گفته بودی که اگر به پرنده ای می گفستی، از بالای کوه به نزد تو فرود می آمد، سپس او را با گستاخی بر پروردگار و ناچیز شمردن آن پیمان، به قتل رساندی.» (۱)

ج: حضرمی و یارانش

اشاره

وقتی که حضرمی که از شیعیان خالص امیرالمؤمنین علیه السلام بود با یارانش مظلومانه به شهادت رسیدند امام حسین علیه السلام از این خبر اندوهگین شدند با فرستادن یادداشتی بر معاویه اعتراض نمود.

اعتراض امام حسین علیه السلام

در آن یادداشت آمده بود: «آیا تو قاتل حضرمی نبوده ای که زیاد به تو نوشته بود وی بر دین علی علیه السلام است و تو به وی نوشتی: هر کس را بر دین علی باشد به قتل برسان. و زیاد آنان را کشت و به دستور تو آنان را تکه تکه نمود. در حالی که دین علی علیه السلام، همان دین عموزاده اش علیه السلام می باشد که تو را در این جایگاهی که در آن هستی نشانده است و اگر او نمی بود، شرافت تو و پدران، تحمل سختی دو مسافرت می بود، سفر زمستان و سفر تابستان».

و ده ها نمونه دیگر که توسط معاویه و عمالش به شهادت رسیدند که تاریخ پر از اینگونه جنایات اوست.

(۶) - ویران کردن خانه های شیعیان

(۷) - محروم کردن شیعیان از بیت المال

از فجایع اندوه باری که شیعیان در روزگار معاویه با آنها دست به گریبان بودند این بود که معاویه به همه عاملانش طی بخشنامه ای چنین نوشته بود: «بنگرید هر کس را که دلیل

ص: ۷۸

بر او باشد مبنی بر اینکه وی علی و اهل بیتش را دوست می دارد، نام او را از دیوان محو کنید و عطا و روزی او را ساقط نمایید.»

۸- بیعت با یزید (مخالفت با ولیعهدی یزید)

معاویه به انواع وسایل ددمشانه دست زد تا سلطنت را در خاندانش موروثی سازد.

از جمله آزادگان و مصلحان جهان اسلام، که ردّ قاطع خود را در مورد بیعت یزید اعلام نمودند و او را به عنوان حاکم مسلمانان نپذیرفتند حضرت امام حسین علیه السلام بود که یزید را حقیر شمرد و خوی های نکوهیده اش را نمی پسندید و او را به صاحب شراب و شکار، توصیف نمود و اینکه او به طاعت شیطان در آمده، طاعت رحمان را ترک نموده و فساد را ظاهر ساخته، حدود را تعطیل نموده و به خود اختصاص داده، حرام خدا را حلال و حلال او را حرام گردانیده است. (۱)

۹- ضبط اموال مردم (بیت المال)

کاروانی که از یمن که حامل مقداری از بیت المال بود، از طریق مدینه، رهسپار دمشق بود. امام حسین علیه السلام با اطلاع از این موضوع، آن را ضبط کرد و در میان مستمندان بنی هاشم و دیگران تقسیم کرد و نامه ای بدین شرح به معاویه نوشت:

«کاروانی از یمن از اینجا عبور می کرد که حامل اموال و پارچه ها و عطریاتی برای تو بود تا آنها را به خزانه دمشق سرازیر کنی و به خویشانت که تاکنون شکم ها و جیب های خود را از بیت المال پر کرده اند، ببخشی، من نیاز به آن اموال داشتم، و آنها را ضبط کردم، و السلام! معاویه از این اقدام سخت ناراحت شد و نامه تندی به امام نوشت. (۲)

بی شک این اقدام امام حسین علیه السلام یک گام آشکار در جهت نامشروع معرفی نمودن حکومت معاویه و مخالفت صریح با وی به شمار می رفت، و در آن شرایط هیچ کس جز آن حضرت، جرأت چنین کاری را نداشت.

ص: ۷۹

۱- همان، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲- حیاة الامام الحسين بن علی، شریف القرشی، ج ۲، ص ۲۳۱.

امام حسین علیه السلام با معاویه بیعت نکرد

ابن شهر آشوب روایت نموده: ... (بعد از صلح امام حسن علیه السلام) معاویه از امام حسین علیه السلام خواست تا با او بیعت کند. امام حسن علیه السلام فرمود: ای معاویه! حسین را مجبور نکن او هرگز بیعت نکند مگر آنکه کشته شود و هرگز کشته نشود مگر آنکه خاندانش کشته شوند و خاندانش کشته نشوند مگر آنکه شامیان کشته شوند. (۱)

سخنی با معاویه

قاضی نورالله تستری می گوید: یک بار امام حسین علیه السلام در مجلس معاویه فرمود: «من فرزند آب آسمان و ریشه های خاک نمناکم، من فرزند کسی هستم که در بزرگواری برجسته، و در شرافت والا، و در نیک نام بر همه اهل دنیا سرور است. من فرزند کسی هستم که خشنودی او خشنودی خدای رحمان و خشم او خشم خدای رحمان است».

سپس رو به معاویه کرد و فرمود: آیا پدر تو، همچون پدر من است؟ آیا پیشینه تو همچون پیشینه من است؟ اگر بگویی: نه، شکست خورده ای و اگر بگویی آری، دروغ گفته ای. (۲)

مبارزه امام حسین علیه السلام با مروان فرماندار معاویه در حجاز

ابن جوزی می گوید: محمد بن اسحاق گفته است: مروان بن حکم که فرماندار بود کسی را نزد امام حسن (و امام حسین علیه السلام) فرستاد به او پیام دهد: مروان می گوید: پدر تو کسی است که در جامعه تفرقه انداخت و عثمان را کشت و علما و زهاد (خوارج) را نابود کرد. امام حسین علیه السلام به نامه رسان فرمودند به مروان بگو: ای فرزند زن بدکاره که در بازار (ذی المجاز) مردم را به خود فرا می خواند و در بازار

ص: ۸۰

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۵۷، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۴۲، البته امام حسین علیه السلام به پیمان صلحی که بین امام حسن و معاویه نوشته شد احترام می گذاشت.

۲- امام حسین علیه السلام، وارث انبیا، ص ۳۱۸ به نقل از: احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۹۵۹.

عکاظ ، دارای پرچم (فاحشه گری) بود! ای فرزند آن مرد تبعیدی و نفرین شده رسول خدا صلی الله علیه و آله (۱) اکنون خود و مادر و پدرت را بشناس. (۲)

سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج و بیان فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

سلیم بن قیس می گوید: (معاویه پس از احتجاج ابن عباس با او) از این تاریخ تصمیم گرفت فشار خود را بر شیعیان علی تشدید کند و آنان را بیش از پیش مورد شکنجه و آزار قرار دهد تا آنجا که مطمئن شود نامی از اهل بیت و کسی از پیروان آنان باقی نمانده است و در این گیر و دار مصیبت و گرفتاری اهل کوفه بیش از دیگران بود؛ زیرا شیعیان علی علیه السلام در کوفه بیش از سایر نقاط بودند و طبعاً فشار پسر ابوسفیان به این شهر بیش از نقاط دیگر بود؛ لذا فرمانداری و حکومت کوفه را به زیاد بن سمیه محول نمود و بصره را ضمیمه آن ساخت. زیاد هم در مقابل این محبت معاویه و لطف فوق العاده پسر ابوسفیان، در از بین بردن شیعیان کوتاهی روا نداشت و از هر گوشه و کنار و از زیر هر سنگ و کلوخی شیعیان علی علیه السلام را پیدا کرد به قتل رسانید، و در دل شیعیان علی علیه السلام ترس و وحشت عجیبی ایجاد کرد. دست و پای آنان را قطع می کرد و چشمان شان را از کاسه سر بیرون می آورد. در نتیجه این جنایات، شیعیان علی از عراق فرار کردند و به نقاط دوردست پناهنده شدند و عقیده خود را از مردم مخفی نمودند. خلاصه در کوفه از شیعیان معروف و سرشناس کسی باقی نماند.

بخش نامه های معاویه

سلیم بن قیس می گوید: پسر ابوسفیان به فرماندارانش دستور داد که شهادت شیعیان علی علیه السلام و خاندانش را قبول نکنند و مراقب باشد که اگر در محیطشان از شیعیان و طرفداران عثمان و خاندانش و از کسانی که فضایل و مناقب عثمان را

ص: ۸۱

۱- - حکم (پدر مروان) در کوچه های مدینه پشن سر پیامبر صلی الله علیه و آله راه می رفت و حضرت را مسخره می کرد و پیامبر او را نفرین کرده و از مدینه تبعید نمود.

۲- - امام حسین علیه السلام وارث انبیاء، ص ۳۲۰.

نقل می کنند کسانی پیدا می شوند، در مجالس رسمی مورد احترام قرار بدهند و در اعزاز و اکرام آنان کوتاهی نکنند و آنچه از مناقب عثمان نقل می شود با مشخصات کامل ناقل آن حدیث به دربار معاویه در شام گزارش شود. فرمانداران طبق این دستور عمل نمودند و درباره هر کسی که جمله ای در فضیلت عثمان نقل می نمود پرونده ای تشکیل دادند و حقوق و مزایایی معین نمودند و این رویه سبب گردید که درباره عثمان مطالب زیادی نقل گردید؛ زیرا ناقلان این گونه حدیث ها از جایزه ها و عطیه های مخصوص معاویه برخوردار می شدند! در اثر این بذل و بخشش معاویه و تشویق حکام وی، جعل حدیث در تمام شهرهای اسلامی شیوع یافت و هر شخصی مبعوض و مطرود که نزد یکی از عمال و استانداران معاویه حدیث و فضیلتی درباره عثمان نقل می نمود بدون چون و چرا مقبول واقع می شد و اسم او در دفتر عطایا به ثبت می رسید و شفاعت او درباره دیگران رد نمی شد.

سلیم بن قیس چنین ادامه می دهد: معاویه پس از یک دوره نقل حدیث درباره عثمان، به استاندارانش چنین نوشت: حدیث درباره عثمان زیاد گردیده و به حد کافی به تمام نقاط مملکت رسیده. با رسیدن این بخشنامه مردم را دعوت کنید که درباره فضایل صحابه و دو خلیفه (عمر و ابوبکر) حدیث نقل کنند، و هر حدیث و فضیلتی که درباره «ابوتراب» نقل گردیده است حدیثی مشابه آن را درباره صحابه بیاورید و این کار مورد علاقه و باعث روشنی چشم من و کوبیدن «ابوتراب» و شیعیان اوست. متن این نام برای مردم خوانده شد و مضمون آن در میان عموم افراد منتشر گردید، بلافاصله اخبار زیادی در مناقب صحابه که همه اش جعلی و عاری از حقیقت بود نقل گردید و عده ای در نقل چنین اخبار جدیت و کوشش فراوان به خرج دادند تا به جایی که ابن فضائل جعلی را در منابر و در ضمن خطبه نمازها برای مردم خواندند و به مسلمانان دستور داده شد که آنها را به کودکان یاد بدهند و از این فضایل به مقدار زیاد به اطفال و نوباوگان تعلیم داده شد که مانند آیات قرار در حفظ آنها کوشش کردند حتی به زنان و دختران و خدمتکاران هم این فضائل را یاد دادند و مدتی نیز به این منوال گذشت.

سلیم بن قیس باز می گوید: پس از گذشت مدتی معاویه به استانداران و عمالش سومین بخش نامه را بدین مضمون صادر کرد:

مراقب باشید که هر کس متهم به دوستی علی علیه السلام و خاندانش باشد و کوچک ترین دلیل بر این اتهام پیدا شود اسم او از دیوان و دفتر حقوق و مزایا محو و سهمیه او از بیت المال قطع شود. و در تعقیب این بخشنامه، بخشنامه دیگری بدین مضمون صادر نمود: هر کسی را که متهم به دوستی خاندان علی علیه السلام باشد، تحت فشار شدید قرار بدهید و خانه را بر سرش خراب کنید تا برای دیگران نیز عبرت باشد.

سلیم بن قیس می گوید: اهل عراق مخصوصاً اهل کوفه مصیبتی بزرگتر از این حادثه ندیده اند؛ زیرا شیعیان علی علیه السلام در اثر این فرمان و سختگیری های استانداران و حکمرانان در ترس و وحشت عجیبی به سر می بردند به طوری که گاهی دو نفر دوست از شیعیان علی علیه السلام به خانه همدیگر می رفتند، صاحبخانه از ترس غلام و خدمتکارانش حاضر نبود به مهمانش مطلبی بگوید مگر پس از قسم خوردن و پیمان گرفتن از خدمتکار که راز او را فاش نکند، بدین صورت حدیث های جعلی در نکوهش علی علیه السلام و خاندانش پیدا شد و محدثان و قضات و فرمانداران از همان جعلیات پیروی کردند و بدترین مردم از نظر امتحان، محدثان ریاکار و سست عقیده بودند که تظاهر به ایمان و عبادت می کردند و به جهت تقرب به حکام و نیل به ثروت و مال دنیا، جعل حدیث می نمودند تا اینکه به مرور زمان این خبرهای دروغ و حدیث های جعلی به دست افراد متدین و پرهیزکار افتاد که خود را از دروغ و بهتان پروا داشتند، اما با حسن عقیده و سادگی همان جعلیات را قبول کردند و به دیگران نقل نمودند که اگر به بطلان و جعلی بودن آنها پی می بردند از نقل آنها اجتناب می نمودند. (۱)

ایراد خطبه در منی توسط امام حسین علیه السلام

اشاره

سلیم بن قیس می گوید:

ص: ۸۳

این فشار و اختناق همچنان ادامه داشت ولی پس از شهادت حسن بن علی علیه السلام بیشتر و بلا و مصیبت بزرگتر گردید و اولیای خدا در ترس دایمی و رعب شدید قرار گرفتند، زیرا یا به قتل می رسیدند و یا در حالت خفا و دوری از شهر و دیار خویش به سر می بردند و در مقابل آنان دشمنان خدا از هر جهت پیروز و در اظهار ظلم و ستم و در اعمال بدعت، خود را آزاد می دیدند. سلیم اضافه می کند: در این اوضاع و احوال و دو سال قبل از هلاکت معاویه (۱) حضرت حسین بن علی علیه السلام عزم سفر حج کرد و عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر را همسفر خود انتخاب نمود و در مکه از مردان و زنان بنی هاشم و از گروه انصار افرادی را که آن حضرت و بنی هاشم می شناختند دعوت به عمل آورد و به همه آنان مأموریت داد که از افراد ذی صلاح و متعهد از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و از تابعین، برای شرکت در جلسه ای که قرار است در منی تشکیل شود دعوت کنند. چون مدعوین تعدادشان به هزار نفر (یا بیشتر) بالغ می گردید، در منی و زیر خیمه حضرت حسین بن علی علیه السلام گرد آمدند، حضرت سخن آغاز کرد و پس از حمد و ثنای خداوند چنین آغاز فرمود:

اما بعد! شما از جنایاتی که معاویه این جبار طاغیه بر ما و شیعیان ما روا داشته آگاهید و شاهد ستمگری های او هستید، اینک من مطالبی را (درباره پدرم) مطرح می کنم که اگر درست بود تصدیق کنید و اگر نادرست بود از من نپذیرید، گفتار مرا بشنوید و سخنان مرا بنویسید و تذکرات مرا به خاطر بسپارید، آنگاه که به شهر و دیار خود مراجعت می کنید آنچه را که فرا گرفته اید به اقوام و عشیره مورد وثوق و افراد مورد اعتماد از دوستان و آشنیان خود ابلاغ کنید؛ زیرا ترس آن دارم که این آیین مندرس گردد و این مذهب حق از بین برود. «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (۲)

ص: ۸۴

۱- در بعضی از نسخ آمده: یک سال قبل از هلاکت معاویه خطبه را ایراد نمودند.

۲- - صف / ۸.

(۱): حدیث مواخاة

شما را به خدا آیا می دانید وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان صحابه و یارانش پیمان «اخوت» می بست برای اخوت خویش، علی علیه السلام را انتخاب کند؟

گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه می گیریم که درست است.

(۲): حدیث سد ابواب

قَالَ أَنشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اشْتَرَى مَوْضِعَ مَسْجِدِهِ وَ مَنَازِلِهِ فَأَبْتَنَاهُ ثُمَّ ابْتَنَى فِيهِ عَشْرَةَ مَنَازِلَ تَشِيَعَهُ لَهُ وَ جَعَلَ عَاشِرَهَا فِي وَسْطِهَا لِأَبِي ثُمَّ سَدَّ كُلَّ بَابٍ شَارِعٍ إِلَى الْمَسْجِدِ غَيْرَ بَابِهِ فَتَكَلَّمَ فِي ذَلِكَ مَنْ تَكَلَّمَ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَ فَتَحْتُ بَابَهُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِسَدِّ أَبْوَابِكُمْ وَ فَتَحِ بَابَهُ ثُمَّ نَهَى النَّاسَ أَنْ يَنَامُوا فِي الْمَسْجِدِ غَيْرَهُ وَ كَانَ يُجَنَّبُ فِي الْمَسْجِدِ وَ مَنَزِلُهُ فِي مَنَزِلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَلِدَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَهُ فِيهِ أَوْلَادٌ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ.

شما را به خدا می دانید آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله محل ساختمان مسجد و خانه خویش را خریداری و در کنار مسجد، ده حجره بنا کرد؛ نه باب از این حجره ها را به خود و حجره دهمی را که در وسط آنها قرار داشت به پدرم «علی» اختصاص داد سپس دستور داد درب همه حجره های مردم را که به مسجد باز می شد ببندند مگر درب حجره علی علیه السلام را، و چون بعضی از صحابه در این مورد اعتراض کردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من این دستور را از پیش خود صادر نکردم، بلکه خدا چنین فرمانی به من داد، آن گاه مردم را از خوابیدن در مسجد منع نمود مگر علی علیه السلام را که حجره اش در داخل مسجد و در کنار حجره رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت و خداوند در همین منزل ها فرزندان را به رسول خدا و علی علیه السلام عطا نمود؟

گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه می گیریم که درست است.

۳. حدیث غدیر

قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ أَوْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَصَبَهُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ وَقَالَ لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

شما را به خدا! آیا می دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در غدیر خم به مقام ولایت نصب کرد، سپس دستور داد که این جریان را حاضران به غائبان برسانند؟
گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه می گیریم که درست است.

۴: حدیث منزلت

قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ أَوْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهُ فِي غَزْوِهِ تَبُوكَ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

شما را به خدا آیا می دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام حرکت به سوی «جنگ تبوک» به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی. و همچنین فرمود: تو پس از من ولی و سرپرست همه مؤمنانی؟

گفتند: اللهم نعم؛ خدایا تو را گواه می گیریم که درست است.

۵: حدیث مباحله

قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ أَوْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ دَعَا النَّصَارَى مِنْ أَهْلِ نَجْرَانَ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ لَمْ يَأْتِ إِلَّا بِهِ وَبِصَاحِبَتِهِ وَابْنَتِهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی مسیحیان نجران را به مباحله دعوت کرد کسی جز او و همسرش و دو پسرش را نیاورد؟

گفتند: آری به خدا قسم.

۶. حدیث لوای خبیر

قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ أَوْ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ دَفَعَ إِلَيْهِ اللَّوَاءَ يَوْمَ خَيْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَأَذْفَعُهُ إِلَى رَجُلٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَيُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ كَرَارًا غَيْرُ فَرَارٍ يَفْتَحُهَا اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز خیبر علم را به او سپرد و فرمود: «آن را به دست کسی خواهم سپرد که خدا و رسولش او را دوست دارند و او خدا و رسولش را دوست دارد. پشت سر هم حمله می‌کند و فرار نمی‌کند، و خداوند خیبر را به دست او فتح می‌کند».

گفتند: آری به خدا قسم.

۷. ابلاغ سوره براءت

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَهُ بِبِرَاءَةٍ وَقَالَ لَا يُبَلِّغُ عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مَنِّي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ تَنْزِلْ بِهِ شِدَّةٌ قَطُّ إِلَّا قَدَمَهُ لَهَا ثِقَةٌ بِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يَدْعُهُ بِاسْمِهِ قَطُّ إِلَّا أَنْ يَقُولَ يَا أَخِي وَ اذْعُوا لِي أَخِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می‌دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله او را برای ابلاغ سوره براءت فرستاد و فرمود: «از جانب من کسی جز خودم یا کسی که از من باشد نباید پیامی ابلاغ کند».

گفتند: آری به خدا قسم.

۸. علی علیه السلام صاحب اختیار هر مؤمن

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَضَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ جَعْفَرٍ وَ زَيْدٍ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ وَ أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ [وَ مُؤْمِنِهِ] بَعْدِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می‌دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله بین او و جعفر و زید قضاوت کرد و فرمود: «یا علی! تو از من و من از توام. و تو صاحب اختیار هر مرد و زن مؤمنی بعد از من هستی».

گفتند: آری به خدا قسم.

۹. سؤال و خلوت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ كَانَتْ لَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُلِّ يَوْمٍ خَلْوَةٌ وَ كُلُّ لَيْلَةٍ دَخَلَهُ إِذَا سَأَلَهُ أَعْطَاهُ وَ إِذَا سَيَّكَتَ أَبْدَاهُ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می دانید که او در هر روز با پیامبر صلی الله علیه و آله خلوتی و در هر شب حضوری داشت، که هر گاه مطلبی می پرسید پاسخ می فرمود و هر گاه سکوت می کرد خود آن حضرت شروع می فرمود.

گفتند: آری به خدا قسم.

۱۰. علی علیه السلام بهترین اهل بیت

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَضَّلَهُ عَلَى جَعْفَرٍ وَحَمْزَةَ حِينَ قَالَ لِفَاطِمَةَ: زَوْجُكَ خَيْرُ أَهْلِ بَيْتِي أَقْدَمَهُمْ سَلَامًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

فرمود: آیا می دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله او را بر جعفر و حمزه فضیلت داد آن هنگام که به فاطمه علیها السلام فرمود: «تو را به بهترین اهل بیت و مقدم ترین آنان در اسلام و بالاترین آنان در حلم و بیشترین آنها در علم تزویج نمودم»؟

گفتند: آری به خدا قسم.

۱۱. سیادت پنج تن علیهم السلام

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ أَخِي عَلِيُّ سَيِّدُ الْعَرَبِ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ ابْنَايَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

فرمود: آیا می دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من سید فرزندان آدم هستم، و برادرم علی سید عرب، و فاطمه سیده زنان اهل بهشت، و دو پسر من حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت هستند»؟

گفتند: آری به خدا قسم.

۱۲. غسل پیامبر صلی الله علیه و آله به دست علی علیه السلام

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَهُ بِغُسْلِهِ وَ أَخْبَرَهُ أَنَّ جِبْرِئِيلَ يُعِينُهُ عَلَيْهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

فرمود: آیا می دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله او را دستور به غسلش داد و به او خبر داد که جبرئیل او را در غسل کمک می کند؟ گفتند: آری به خدا قسم.

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي آخِرِ خُطْبِهِ خُطْبَهَا [أَيُّهَا النَّاسُ] إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلَ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین خطابه ای که برای مردم ایراد کرد فرمود: «ای مردم، من در میان شما دو چیز گرانبها باقی گذاشتم: کتاب خدا و اهل بیتم. به این دو تمسک کنید تا گمراه نشوید».

گفتند: آری به خدا قسم.

۱۴. آیات و احادیث مربوط به اهل بیت علیهم السلام

فَلَمْ يَدْعُ شَيْئًا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةً وَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ لَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَّا نَاشَدَهُمْ فِيهِ فَيَقُولُ الصَّحَابَةُ اللَّهُمَّ نَعَمْ قَدْ سَمِعْنَا وَ يَقُولُ التَّابِعِيُّ اللَّهُمَّ قَدْ حَدَّثَنِيهِ مَنْ أَثِقَ بِهِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ .

سلیم بن قیس می گوید: حسین بن علی علیه السلام غیر از اینها فضائل زیادی را که درباره علی و اهل بیت او : در قرآن نازل گردیده و یا از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده شده بود بر شمرد و از حضار مجلس (آنان که از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند) می گفتند: آری. به خدا سوگند! این را شنیده ایم و تابعین (آنان که شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله را ندیده بودند) می گفتند: ما هم این فضیلت را از فلان صحابه مورد وثوق و اعتماد شنیده ایم. حسین بن علی علیه السلام در پایان سخنانش ، درباره فضائل امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: شما را به خدا بگویند این را هم شنیده اید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دوستی مرا ادعا کند در حالی که با علی علیه السلام دشمنی دارد دروغ گفته است ؛ زیرا دوستی من با دشمنی علی علیه السلام در یک دل می گنجد. در این هنگام شخصی سؤال کرد یا رسول الله! چگونه محبت تو با دشمنی علی علیه السلام نمی سازد؟

فرمود: زیرا علی علیه السلام از من و من از علی علیه السلام هستم هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر که علی علیه السلام را دشمن بدارد با من دشمنی کرده و هر که با من دشمنی کند خدا را دشمن داشته است»^(۱).

و نکته آخر اینکه امام حسین علیه السلام در وصیت خود به برادرشان محمد حنفیه فرمودند: «أَسِيرٌ بِسَيِّرِهِ جَدِّي وَ أَبِي»^(۲) و نکته مهم این است که امام حسین علیه السلام در کنار نام جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله مقتید به بردن نام پدرشان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و این اشاره به فرمایش خود رسول خداست که فرمود: « وَ لَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي»^(۳)، یعنی اگر نام تو نباشد سیره مرا به نفع خودشان مغرضان تغییر می دهند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

اقبال بالاعمال الحسنه، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

امام حسین علیه السلام وارث انبیاء، مجلسی کوپایی، غلامحسین، ناشر: مؤلف، چاپ اول، ۱۳۹۷ ش.

زندگانی حضرت امام حسین علیه السلام، القرشی، باقر شریف، مترجم: محفوظی حسین، نشر: بنیاد معارف اسلامی، قم، مرکز نشر، ۱۳۸۰ ش.

سیره پیشوایان، پیشوایی، مهدی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ پانزدهم، پائیز ۱۳۸۲ ش.

کتاب سلیم بن قیس، هلالی، سلیم بن قیس، ناشر: الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

ص: ۹۰

۱- کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۹۰.

۲- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۳- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص ۵۰۷.

به قلم: حجت الاسلام و المسلمین غلامحسین مجلسی

امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام در سال ۳۸ قمری دیده به جهان گشود و دوران کودکی خود را در شهر مدینه سپری کرد. حدود دو سال از خلافت جدش امیرمؤمنان علیه السلام را درک کرد و پس از آن مدت ده سال شاهد حوادث دوران عموی خویش امام حسن مجتبی علیه السلام بود و پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام در سال ۵۰ قمری به مدت ده سال در دوران امامت پدرش حسین بن علی علیه السلام که در اوج قدرت معاویه با او در ستیز و مبارزه بود در کنار او قرار داشت. در محرم سال ۶۱ هجری در روز عاشورا با شهادت پدرش امام حسین علیه السلام امامت او در سخت ترین دوران ها آغاز شد و بعد از ۳۴ سال امامت در سال ۹۵ هجری در مدینه به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

خلفای معاصر حضرت

(۱) - یزید بن معاویه (۶۱ تا ۶۴ ه.ق)

(۲) - عبدالله بن زبیر (در مکه، عراق و مصر) (۶۱-۷۳) در این مدت دو خلیفه در دو منطقه از کشور اسلامی حکمرانی می کردند.

(۳) - معاویه بن یزید (چند ماه از سال ۶۴ق)

(۴) - مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵ق)

(۵) - عبدالملک بن مروان (۶۵ تا ۸۶ق)

(۶) - ولید بن عبدالملک (۸۶ تا ۹۶ق)

سخت ترین دوران امامت

«مسعودی» مورخ نامدار، تصریح می کند که: علی بن الحسین علیه السلام امامت را به صورت مخفی و با تقیه شدید در زمانی دشوار عهده دار گردید. (۱)

ص: ۹۱

و امام صادق علیه السلام در ترسیم این وضع تلخ و اندوه بار می فرماید: «ارتد الناس بعد الحسين الا ثلاث؛ پس از شهادت امام حسین علیه السلام همه از دین و اطراف خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله برگشتند مگر سه نفر.»^(۱)

و امام سجاد علیه السلام اشاره به این وضع ناگوار می فرماید: «ما بمکه و المدینه عشرون رجلا یحبنا؛ در تمام مکه و مدینه بیست نفر نیستند که ما را دوست بدانند.»^(۲)

دوران امامت امام سجاد علیه السلام مصادف با یکی از سیاه ترین ادوار حکومت در تاریخ اسلام بود. رؤسای حکومت در این زمان، به صورت آشکار و بدون هیچ گونه پرده پوشی، به مقدسات اسلامی توهین می کردند و آشکارا اصول اسلامی را زیر پا می گذاشتند و هیچ کس هم جرأت کوچکترین اعتراضی را نداشت.

مسعودی در مروج الذهب می نویسد: «فساد و آلودگی یزید به اطرافیان و عمال وی نیز سرایت کرد در زمان او ساز و آواز در مکه و مدینه آشکار گردید و مجالس بزم برپا شد و مردم آشکارا به شرابخواری می پرداختند.»^(۳)

این وضع در زمان خلفای بعد هم ادامه پیدا کرد تا آنجا که در زمان عبدالملک مروان نه تنها مردمان عادی، بلکه فقیهان و زاهدان نیز به مجالس آنان می شتافتند. حتی کار به جایی رسیده بود که وقتی یکی از مشهورترین زنان آوازده خوان آن عصر به نام «جمیله» سفری به مکه کرد در طول مسیر آن چنان از وی استقبال شد که در مورد هیچ مفتی و فقیه و محدث و مفسر و قاضی و زاهدی سابقه نداشت.^(۴)

در کنار این وضع اندوه بار وقتی که ناآگاهی مردم از تعالیم اسلامی حتی احکام نماز، و پیدایش بدعت ها و انحراف ها را در نظر بگیریم عمق فاجعه بیشتر روشن می گردد.

ص: ۹۲

۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۴، باب ۸.

۲- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۴.

۳- مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۷؛ سیره پیشوایان، ص ۲۶۵.

۴- اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۱۱؛ سیره پیشوایان، ص ۲۶۷.

بیشترین دوران امامت حضرت سجاد علیه السلام مصادف با دوران خلافت عبدالملک بن مروان بود که مدت بیست و یک سال طول کشید. (۶۵ تا ۸۶ قمری)

او حاکمی شرابخوار و خون ریز بود و جهت سرکوبی عبدالله بن زبیر در مکه شخص سفاکی چون حجاج بن یوسف ثقفی را مأمور کرد و زمانی که عبدالله بن زبیر به مسجد الحرام و کعبه پناه آورد حجاج آن مکان مقدس را با منجنیق سنگباران کرد. عبدالملک بعد از شکست عبدالله بن زبیر، حجاج را به مدت دو سال استانداری حجاز (مکه و مدینه و طائف) منصوب کرد.

حجاج در مدینه گردن گروهی از صحابه مانند جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک، سهل بن سعدی و جمعی دیگر را به قصد خوار کردن آنان داغ نهاد.

دستاویز او در این کار پیروی آنها از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و شرکت در قتل عثمان بود. حجاج بن یوسف یحیی به نام طویل را به جرم دوستی و پیروی از امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام، دست ها و پاهای او را قطع کرد و وی را به شهادت رسانید.

او هنگام ترک مدینه، به مردم مدینه و منبر و حرم رسول الله توهینی آشکار کرد که از ذکر آن معذوریم.

پس از آنکه حجاج مکه و مدینه را مطیع ساخت عبدالملک او را در سال ۷۵ ق به حکومت عراق (بصره و کوفه) منصوب کرد.

او وقتی وارد کوفه شد در اولین سخنرانی خود گفت: مردم کوفه! سرهایی را می بینم که چون میوه رسیده موقع چیدن آنها فرا رسیده و باید از تن جدا شود ... حجاج همراه با دو هزار نفر از سپاهیان شام و ... وارد بصره شد و در اولین سخنرانی خود گفت: خلیفه وقتی مرا به این سمت منصوب کرد دو شمشیر به من داد: یکی شمشیر رحمت و دیگری شمشیر عذاب و کیفر. شمشیر رحمت در راه از دستم افتاد اما شمشیر عذاب اینک در دست من است و مردم در این هنگام از پای منبر به او سنگ پرتاب کردند پس حجاج با نقشه قبلی دستور به کشتار آنها داد و مأموران تقریباً تمام حاضرین در مسجد را کشتند به صورتی که جوی خون تا درب مسجد و بازار سرازیر شد.

حجاج بیست سال فرمانروایی کرد و تعداد کسانی که در این مدت با شمشیر دژخیمان یا زیر شکنجه جان سپردند صد و بیست هزار نفر بود. هنگام مرگ حجاج در زندان مشهور وی (که از شنیدن نام آن لرزه به بدن ها می افتاد) پنجاه هزار مرد و سی هزار زن زندانی بودند که ۱۶ هزار نفر آنها عریان و بی لباس بودند.

سهل بن شعیب، یکی از بزرگان مصر می گوید: روزی به حضور علی بن الحسین علیه السلام رسیدم و گفتم: حال شما چگونه است؟

حضرت فرمود: فکر نمی کردم شخصیت بزرگی از مصر مثل شما نداند حال ما چگونه است. اینک اگر وضع ما را نمی دانی برایت توضیح می دهم.

وضع ما در میان قوم خود، مثل وضع بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسرانشان را می کشند و دخترانشان را زنده نگه می داشتند. امروز وضع بر ما به قدری تنگ و دشوار است که مردم، با سب و ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما بر فراز منبرها، به دشمنان ما تقرب می جویند. (۱)

و امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرمایند: ... حتی ان الرجل ليقال به زنديق او كافر احب اليه من ان يقال شيعة علي ؛ در زمان حجاج کار به جایی رسید که اگر به مردی، بت پرست یا کافر می گفتند او بیشتر دوست می داشت که به او «شیعه علی» بگویند. (۲)

امام سجاد علیه السلام در این اوضاع سیاسی برای ترویج شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از روش های خاصی استفاده نمودند تا ضمن اینکه مردم را به راه اسلام و تشیع دعوت می نمایند حکومت او را نسبت به فعالیت های خود حساس نکنند که این تبلیغات امام سجاد علیه السلام را در چند بخش می توان خلاصه کرد:

ص: ۹۴

۱- - سیره پیشوایان، ص ۲۶۱، به نقل از طبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۲۰.

۲- - بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۶۸.

(۱) - زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

امام زین العابدین علیه السلام با گریه بر شهیدان کربلا و زنده نگه داشتن خاطره آنها مبارزه منفی خود را با حکومت اعلام می کرد تا ظلم و جنایت بنی امیه در کربلا فراموش نشود و از طرف دیگر قلب های مرده محبین اهل بیت علیهم السلام زنده و متوجه امر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت او علیهم السلام گردند.

(۲) - موعظه و ارشاد مردم

اشاره

امام زین العابدین علیه السلام در قالب موعظه، مردم را با دستورات و احکام اسلامی آشنا می کرد و در ضمن نصایح خود به مسئله امامت نیز می پرداخت.

شیخ صدوق در امالی در مجلس دوم، سخنان مفصلی را از امام سجاد علیه السلام ذکر کرده که حضرت هر روز جمعه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را برای مردم بیان می کرد که به بخش کوتاهی از این مواعظ توجه کنید:

مردم! پرهیزگار باشید. بدانید به سوی خدا باز خواهید گشت... نخستین اموری که در قبر، دو فرشته منکر و نکیر از شما سؤال خواهند کرد، این است که: خدای تو که آن را عبادت می کنی کیست؟ پیامبرت چه نام دارد و دین تو و کتاب آسمانی تو کدام است و امام تو که ولایتش را پذیرفته ای که خواهد بود.

معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام در شام

امام زین العابدین علیه السلام در شام در مقابل یزید و بنی امیه و مردمی که چهل سال تحت تأثیر تبلیغات معاویه از دشمنان سرسخت علی بن ابیطالب علیه السلام بودند خطبه ای خواند و در قسمت اعظم سخنرانی خود به معرفی حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و فضائل ایشان پرداختند. ایشان بعد از حمد و ثنا فرمودند:

خداوند به ما خاندان پیامبر شش امتیاز ارزانی داشته و با هفت فضیلت بر دیگران برتری بخشیده است. شش امتیاز ما این است که خدا به ما علم، حلم، بخشش، بزرگواری، فصاحت و شجاعت داده و محبت ما را در دل های مؤمنان قرار داده است.

هفت فضیلت ما این است که: پیامبر برگزیده خدا از ماست، صدیق (علی بن ابیطالب علیه السلام) از ماست، جعفر طیار از ماست، شیر خدا و شیر رسول خدا (حمزه سیدالشهدا علیه السلام) از ماست، دو سبط این امت امام حسن و امام حسین علیهما السلام از ماست. زهرای بتول از ماست. مردم هر کس مرا شناخت که شناخت و هر کس نشناخت خود را به او معرفی می‌کنم: من پسر مکه و منایم، من پسر زمزم و صفایم، منم فرزند آن بزرگواری که حجرالاسود را با گوشه و اطراف عبا برداشت، منم فرزند بهترین کسی که احرام بست و طواف و سعی به جا آورد، منم فرزند بهترین انسان‌ها، منم فرزند کسی که در شب معراج از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برده شد. منم پسر کسی که در سدره المنتهی رسید. منم پسر کسی که آن قدر به حق نزدیک شد که به مقام قاب قوسین او ادنی کشید. منم فرزند کسی که با فرشتگان آسمان نماز گذارد. منم فرزند کسی که خداوند بزرگ به او وحی کرد. منم فرزند محمد مصطفی، منم فرزند علی مرتضی، منم فرزند کسی که آن قدر با مشرکان جنگید تا زبان به «لا اله الا الله» گشودند، منم فرزند کسی که در رکاب پیامبر خدا با دو شمشیر و دو نیزه جهاد کرد و دو بار هجرت کرد، دوبار با پیامبر بیعت نمود. در بدر و حنین شجاعانه جنگید و لحظه‌ای به خدا کفر نوزید، من فرزند کسی هستم که صالح ترین مؤمنان وارث پیامبران، نابود کننده کافران، پیشوای مسلمانان، نور مجاهدان، زیور عابدان، فخر گریه کنندگان، شکیباترین صابران، بهترین قیام کنندگان از تبار یاسین فرستاده خداست. نیای من کسی است که پشتیبانش جبرئیل، یاورش میکائیل و خود پاسدار ناموسی مسلمانان بود. او با مارقین (از دین به در رفتگان) و ناکثین (پیمان شکنان) و قاسطین (ستمگران) جنگید و با دشمنان کینه توز خدا جهاد کرد. منم پسر برترین مرکز قریش که پیش از همه به پیامبر گروید و پیشگام همه مسلمانان بود. او خصم گردنکشان، نابود کننده مشرکان، تیرخدایی برای نابودی منافقان، زبان حکمت عابدان، یاری کننده دین خدا، ولی خدا، بوستان حکمت الهی و کانون علم او بود ...

اشاره

دعا پیوندی است معنوی میان انسان و خدا که اثر تربیتی و سازندگی مهمی دارد و امام سجاد علیه السلام با دعاهای خود که همراه با گریه و انابه شدید بود، دل های مردم را به سوی خدا و رسول خدا و اهل بیت او جذب می نمودند و در ضمن بیان مسائل امامت، حاکمان ظلم و زور را مورد لعنت و نفرین قرار می دادند.

مجموعه دعاهای حضرت به نام «صحیفه سجادیه» معروف است که انجیل اهل بیت علیهم السلام و زبور آل محمد صلی الله علیه و آله لقب گرفته است.

در اینجا من باب نمونه به فرازهایی از دعای عرفه و ابوحمزه ثمالی اشاره می کنیم:

امام علیه السلام در دعای عرفه چنین می فرماید:

پروردگارا! درود فرست به پاکترین افراد خاندان پیامبر که آنان را برای رهبری امت و اجرای اوامر خود برگزیده ای، و آنان را خزانه داران علمت، نگهبانان دینت، جانشینان خود در زمین و حجت های خویش بر بندگانت قرار داده ای و به خواست خود آنان را از هر گونه پلیدی و یکباره پاک کرده ای و آنان را وسیله ارتباط با خود و راه بهشت قرار داده ای ... خدایا! تو در هر زمان دین خود را به وسیله امامی تأیید فرموده ای که او را برای بندگانت رهبر و پرچمدار و مشعل هدایت قرار داده ای. پس از آنکه او را با ارتباط عینی با خود مرتبط ساخته ای و او را وسیله خشنودی خود قرار داده ای و پیروی از او را واجب کرده ای. و از نافرمانی او بیم داده ای و به اطاعت از او و پذیرش نهی او دستور داده ای و مقرر داشته ای که هیچ کس از او سبقت نگیرد، و هیچ کس از پیروی او باز نماند ...

زیارت امین الله از زبان امام زین العابدین علیه السلام

زیارت امین الله به عنوان یکی از زیارت های امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام از زبان زین العابدین علیه السلام به ما رسیده است.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله علیه در مفاتیح الجنان در باب زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام می نویسد:

زیارت دوم آن حضرت زیارت معروف به امین الله است که در نهایت اعتبار می باشد و در تمام کتب مزاریه و مصابیح نقل شده است و علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که: آن بهترین زیارات است از جهت متن و سند. (۱) و باید که در جمیع روضات مقدسه بر این مواظبت نمایند و کیفیت آن چنان است که به سندهای معتبر روایت شده از جابر از امام محمدباقر علیه السلام که زین العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریه کرد و فرمود: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَلَزَمَ أَغْدَاءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيَّاكَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ ...»

پس پهلوی روی مبارک خود بر قبر گذاشت و فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّ وَ سُؤْلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَهُ ...»

و در پایان زیارت فرمود:

«اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ اقْبَلْ ثَنَائِي وَ اعْطِنِي جَزَائِي وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ: إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَانِي وَ مُنْتَهَى مَنَائِي وَ غَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا وَ كُفِّ عَنَّا أَغْدَاءَنَا وَ اشْعَلْهُمْ عَنَّا أَذَانًا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ ادْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

پس حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: هر که از شیعیان ما این زیارت و این دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، البته حق تعالی این زیارت و

ص: ۹۸

دعای او را در نامه ای از نور بالا برد و مُهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن بزند و هم چنین محفوظ باشد تا تسلیم نمایند به قائم آل محمد صلی الله علیه و آله پس استقبال نماید صاحبش را به بشارت و تحیت و کرامت ان شاء الله تعالی.

۴- عبادت های حضرت زین العابدین علیه السلام

یکی از ویژگی های حضرت زین العابدین علیه السلام عبادت های شبانه روزی آن حضرت بود که لقب هایی همچون: زین العابدین، سیدالساجدین، تاج البکائین، دلیل بر این مطلب است. و اما نکته ای که در این عبادت ها قابل توجه است این که حضرت با این همه عبادت می فرمودند چه کسی می تواند مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خدا را عبادت کند و با این یک جمله کوتاه به مقام والای امیرالمؤمنین علیه السلام در عبادت اشاره می کردند .

از امام صادق علیه السلام منقول است که امام باقر علیه السلام فرمودند: روزی بر پدرم علی بن الحسین علیه السلام داخل شدم دیدم که عبادت در آن حضرت بسیار تأثیر کرده و رنگ مبارکش از بیداری زرد گردیده و دیده اش از گریه بسیار مجروح گشته و پیشانی مبارکش از کثرت سجود پینه کرده و قدم شریفش از وفور قیام در نماز ورم کرده، چون او را بر این حال مشاهده کردم بسیار گریه کردم آن حضرت متوجه تفکر بودند. بعد از زمانی به جانب من نظر افکندند و فرمودند: بعضی از کتاب ها که عبادت امیرالمؤمنین علیه السلام در آنجا مسطور است را به من بده چون کتاب ها را آوردم مقداری از آنان را خواندند و فرمودند: چه کسی توانایی آن را دارد که مانند علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت کند. (۱)

به حضرت علی بن الحسین علیه السلام که در نهایت عبادت بود گفته شد: عبادت تو در مقابل جدت چه جایگاهی دارد؟ حضرت علیه السلام در جواب فرمود: «عبادتی عند عباده جدی کعباده جدی عند عباده رسول الله صلی الله علیه و آله ؛ عبادت من در مقابل جدم مانند عبادت جدم در مقابل

ص: ۹۹

عبادت رسول الله صلى الله عليه و آله است.»(۱)

در دعای ابو حمزه ثمالی، حضرت زین العابدین علیه السلام به جایگاه رفیع نبوت و امامت و قبور مطهر آنها اشاره کرده و زیارت آن مشاهد با شرافت و موافق با کرامت را از خداوند می طلبد.(۲)

و در فراز دیگری از دعا می فرمایند:

خدایا! ما را در بهشت به اولیا صالح خود یعنی حضرت محمد و آل او که پاک و پاکیزه و برگزیده تو هستند ملحق گردان و خدایا! درود و رحمت و برکات خودت را به آنها و بر اجساد و ارواح آنها بفرست.(۳)

(۵) - دستگیری از در ماندگان و جذب قلوب فقرا به سوی امامت

یکی از عبادت های حضرت زین العابدین علیه السلام بردن غذا به در خانه فقرا و مستمندان مدینه بود و حضرت در طول سال ها به قدری این کار را انجام داده بود که بر پشت شانه حضرت جای انبان پینه بسته بود. و جالب اینکه آن حضرت این عمل را شبانه و مخفیانه انجام می داد و فقرا ایشان را به صاحب انبان می شناختند.(۴)

و اهل مدینه می گفتند ما صدقه پنهانی را هنگامی از دست دادیم که علی بن الحسین در گذشت.

ص: ۱۰۰

۱- بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۴۹.

۲- وَ ارْزُقْنِي حَيْجَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ لَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ، وَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ.

۳- وَ اَلْحَقْنِي بِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْاَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ صَلَّى لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ اَجْسَادِهِمْ وَ اَرْوَاحِهِمْ وَ رَحْمَهُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

۴- منتهی الآمال، تاریخ امام سجاد علیه السلام، فصل دوم، روایت نهم.

شیه بن نعامه گفت: امام سجاد علیه السلام ضعیف و لاغر شده بود و هنگامی که در گذشت ناکهان متوجه شدند که او عهده دار مسئولیت چهارصد خانه است در صورتی که مردم از نان بی خبر بودند. (۱)

و این یکی از راه های موفق جذب قلوب مردم به سوی امامت و ولایت بود.

۶- خانه امام علیه السلام محل تربیت بردگان

از دیگر فعالیت های مهم و چشم گیر حضرت زین العابدین علیه السلام خریداری بردگان و پرورش و تربیت آنها و سپس آزاد کردن آنها به صورت انسان های نمونه و متخلق به اخلاق امام علیه السلام بود. بردگانی که در طی مدتی که در خانه امام سجاد علیه السلام زندگی می کردند و حال و هوای عبادت ها و دعاها و گریه های امام سجاد علیه السلام را می دیدند و دست نوازش و مهربانی او را در زندگی خود همیشه احساس می کردند و با دیدن این صحنه های زیبا و معنوی راه اسلام و تشیع را انتخاب کرده و بعد از آزادی ضمن ارتباط با امام علیه السلام به تبلیغ دین و امامت می پرداختند.

حضرت زین العابدین علیه السلام در هر سال و هر ماه (بالاخص در ماه رمضان) به مناسبت های مختلف این امر را تکرار می کردند تا آنجا که گروه عظیمی از مردم مدینه را بندگان و کنیزان آزاد شده آن حضرت تشکیل داده بود. (۲)

لازم به ذکر است بعضی از این بردگان پله های ترقی معنویت را تا مقام استجاب دعا طی کردند و حضور این قشر از افراد که پیشینه ذهنی از اسلام نداشتند و فقط در خانه امام سجاد علیه السلام تربیت یافته و مشرف به مذهب اسلام و تشیع شده بودند برای تغییر جامعه آن روز مدینه که دچار مشکلات معنوی شده بود بسیار مؤثر بود و این برنامه امام زین العابدین علیه السلام با توجه به محدودیت هایی که او در ارشاد و هدایت مستقیم جامعه با آنان روبرو بود بسیار در خور توجه و بررسی است.

۷- معجزات امام زین العابدین علیه السلام دلیل بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام

اشاره

معجزه ، همیشه یکی از دلائل نبوت و امامت بوده و هست. دلیلی که نشان می دهد آن کسی که ادعای امامت می کند ارتباطی مستقیم با قدرت الهی دارد. امام زین العابدین علیه السلام هم معجزات فراوانی داشته اند که البته بعضی از معجزه های این امام بزرگوار مستقیم در رابطه با اثبات امامت ایشان و وجدشان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است که از جمله آنها، معجزه اقرار حجر الاسود به امامت ایشان و حبابه و البیه است.

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام عده ای قائل به امامت محمد حنفیه شدند (چون او فرزند بزرگ امیرالمؤمنین علیه السلام و دارای مقام معنوی بالایی بود و زمانی که پیامبر خبر ولادت او را به حضرت علی علیه السلام داده بودند فرمودند: اسم و کنیه من را برای او قرار بده) (۳)

به همین علت محمد حنفیه و امام زین العابدین علیه السلام برای اثبات امامت و رفع شبهه از جامعه شیعه، نزد حجرالاسود آمدند تا به اقرار این سنگ بهشتی امام معصوم مشخص گردد. ابتدا محمد حنفی به پیشگاه خدا تضرع نمود و خدا را خواند

ولی حجر جوابی نداد و پس از آن امام زین العابدین علیه السلام به آن صورت که می خواست دعا نمود پس فرمود: ای حجر درخواست می کنم از تو به حق خداوندی که عهد و میثاق پیامبران و اوصیاء و تمامی مردمان را در تو قرار داد به ما خبر دهی که بعد از امام حسین علیه السلام وصی و امام کیست؟

پس حجر چنان جنبشی کرد که نزدیک بود از جای خود کنده شود آنگاه به زبان عربی فصیح به نطق در آمد و گفت: امامت و وصایت بعد از حسین بن علی علیه السلام پسر فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله مخصوص تو است. آنگاه محمد حنفی پای مبارک آن حضرت را بوسید و گفت: امامت مخصوص توست. (۴)

ص: ۱۰۱

-
- ۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳.
 - ۲- سیره پیشوایان، ص ۳۰۲.
 - ۳- منتهی الآمال.
 - ۴- منتهی الآمال، بخش زین العابدین، فصل معجزات آن حضرت.

شیخ صدوق و دیگران از حبابه والیه روایت کرده اند که گفت: دیدم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در شرطه الخمیس و با آن حضرت تازیانه ای بود که می زد به فروشندگان ماهیان حرام. پس به دنبال ایشان رفتم تا در مجلس خود نشست در این وقت من خدمتش رسیدم و عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! دلیل امامت شما چیست؟

حضرت فرمود: بیاور به نزد من آن سنگریزه را (با دست اشاره کرد) من سنگ را پیش ایشان بردم آنگاه حضرت خاتم (مهر) خود را بر آن فشار داد و از روی اعجاز نقش آن بر سنگ نقش بست. آنگاه به من فرمود: ای حبابه هر کس مدعی امامت باشد و قدرت داشته باشد که این سنگ را نقش نماید همچنان که من کردم را دیدی پس بدان که او امام واجب الاطاعه است. و امام هر چیزی را که اراده نماید از وی پوشیده نماند پس من رفتم این گذشت تا وقتی که حضرت علی علیه السلام شهید گشت امام حسن علیه السلام و سپس امام حسین علیه السلام (به تفصیلی که در روایات آمده) این سنگ را مهر نمودند. حبابه می گوید: پس از امام حسین علیه السلام خدمت علی بن الحسین علیهم السلام رسیدم، در آن وقت پیری در من اثر کرده و مرا درمانده و بیچاره کرده بود و سنین عمر من به صد و سیزده سال رسیده بود. پس دیدم آن حضرت را پیوسته در رکوع و سجود مشغول به عبادت است و فراغی نیست پس مأیوس شدم از توجه ایشان پس اشاره فرمود به من با انگشت سبابه خویش، از معجزه آن حضرت جوانی به من برگشت. آنگاه فرمود: آنچه با تو است بیاور پس من آن سنگ ریزه را خدمتش آوردم. پس همچون امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن خاتم زد و نقش بست و پس از آن امام باقر امام صادق و موسی بن جعفر و امام رضا: آن سنگ را خاتم زدند ... و حبابه بعد از آن نه ماه زندگی کرد و وفات کرد. (۱)

ص: ۱۰۲

یکی از راه های شناخت و معرفت نسبت به اهل بیت علیهم السلام مطالعه دقیق متن زیارت آن بزرگواران می باشد و در حقیقت اهل بیت علیهم السلام برای معرفی خودشان مطالب را در قالب زیارت بیان کرده اند مخصوصاً در دوران های سختی که حکومت های ظالم وقت بسیار بر اهل بیت سخت می گرفتند که نمونه بارز بر این مطلب زیارت جامعه کبیره از زبان امام هادی علیه السلام است. و با مطالعه زمان امامت حضرت زین العابدین علیه السلام در زمان حکومت بنی امیه حداقل سه مرتبه از مدینه به قصد زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام به کوفه مشرف می شوند و این در حالی است که قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن زمان مخفی بوده است و حجاج بن یوسف ثقفی بیش از چهل قبر را شکافته تا به جسد امیرالمؤمنین علیه السلام جسارت کند. ما به جهت اهمیت این موضوع، مطلب را بیشتر توضیح می دهیم:

مرحوم شیخ عباس قمی بعد از ذکر زیارت هفتم امیرالمؤمنین علیه السلام از مصباح الزائر سید بن طاووس می نویسد: سید عبدالکریم بن طاووس در «فرحة الغری» روایت کرده که: امام زین العابدین علیه السلام وارد کوفه شد و داخل مسجد شد. در مسجد ابوحمزه ثمالی که از زاهدین و مشایخ آن شهر بود حضور داشت. حضرت دو رکعت نماز گذاشت. ابوحمزه گفت: آن بزرگوار نزد ستون هفتم ایستاد و دست ها را برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع موهای بدن من از دهشت آن راست ایستاد. چهار رکعت نماز گذارد و رکوع و سجودش را نیکو به عمل آورد و سپس این دعا را خواند: «الهی ان کنت قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک الخ» (این دعایی است که در اعمال کوفه بیاید. و موافق روایت سابقه آن بزرگوار برخاست و رفت. ابوحمزه گفت: من عقب او رفتم تا «مناخ کوفه» و آن مکانی بود که شتران را در آنجا می خوابانند دیدم در آنجا غلام سیاهی است و با او است شتر گزیده و ناقه، به آن غلام گفتم: ای سیاه! این مرد کیست؟

گفت: او یخفی علیک شمائله. از سیما و شمائلش او را نشناختی؟ او حضرت علی بن الحسین علیه السلام است.

ابوحمزہ گفت: پس خود را روی قدم های آن حضرت انداختم و آن را بوسیدم که آن جناب نگذاشت و با دست خود سر مرا بلند کرد و فرمود: مکن، سجود نشاید مگر برای خدای عزوجل.

گفتم: یا بن رسول الله! برای چه اینجا آمدید؟

فرمود: از برای آنچه که دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه و اگر مردم بدانند چه فضیلتی در آن است به سوی آن بیایند اگر چه به روش کودکان خود را به زمین کشند (یعنی بیایند هر چند در نهایت سختی باشد راه رفتن برایشان مانند اطفالی که راه نیفتاده اند) پس فرمود: آیا میل داری که زیارت کنی با من قبر جدم علی بن ابیطالب علیه السلام را؟

گفتم: بلی. پس حرکت فرمود و من در سایه ناقه او بودم و حدیث می کرد مرا تا به غریین رسیدیم و آن بقعه ای بود سفید که نور آن می درخشید پس از شتر خویش پیاده شده و او طرف روی خود را بر آن زمین گذاشت و فرمود: ای اباحمزہ! این قبر جد من علی بن ابیطالب علیه السلام است پس زیارت کرد آن حضرت را به زیارتی که اول آن: «السلام علی اسم الله الرضی و نور وجهه المضی است» پس وداع کرد با آن قبر مطهر و رفت به سوی مدینه و من به سوی کوفه برگشتم. و سپس مؤلف با توضیحات می نویسد: این زیارت همان زیارت هفتم است.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در زیارت چهارم امیرالمؤمنین علیه السلام می نویسد: در مستدرک الوسائل از مزار قدیم نقل کرده که روایت است از مولای ما امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: با پدرم امام زین العابدین علیه السلام رفتیم به زیارت قبر جدم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در نجف، پس پدرم نزد قبر مطهر ایستاد و گریست و فرمود: «السَّلَامُ عَلَیْ أَبِي الْأَمِّمَةِ وَ خَلِيلِ الثُّبَوِّهِ الْمَخْضُوصِ بِالْأَخُوِّهِ السَّلَامِ عَلَیْ يَعْسُوبِ الدِّينِ وَ الْإِيْمَانِ وَ كَلِمَةِ الرَّحْمَنِ السَّلَامِ عَلَیْ مِيزَانِ الْأَعْمَالِ وَ مُقَلَّبِ الْأَحْوَالِ وَ

سَيْفِ ذِي الْجَلَالِ وَ سَاقِي السَّلْسِيلِ الزُّلَالِ السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّنَ وَ الْحَاكِمِ يَوْمَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَى شَجَرِهِ
التَّقْوَى وَ سِيَامِعِ السَّرِّ وَ النَّجْوَى السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ وَ نِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ وَ نِعْمَتِهِ الدَّامِغَةِ السَّلَامُ عَلَى الصَّرَاطِ الْوَاضِحِ وَ النَّجْمِ
الْمَلَّاحِ وَ الْإِمَامِ النَّاصِحِ وَ الزَّنَادِ الْقَادِحِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ» (۱)

نکته ها

(۱): حضرت زین العابدین علیه السلام حداقل سه مرتبه برای زیارت جدشان امیرالمؤمنین علیه السلام از مدینه به کوفه مسافرت کرده اند. و این در حالی است که قبر امیرالمؤمنین علیه السلام در آن زمان هنوز از عموم مردم مخفی بوده است.

(۲): امام زین العابدین علیه السلام زیارت جدشان را ایستاده و با بکاء و گریه شروع می کنند و صورت خود را روی قبر مطهر می گذارند و به این صورت بعضی از آداب زیارت را به شیعیان می آموزند.

(۳): امام زین العابدین علیه السلام در ضمن زیارت به بعضی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می کنند مانند: امین الله، حجه الله، جهاد فی سبیل الله، عمل به کتاب الله، تبعیت از سنت رسول الله، ابن الائمه، خلیل النبوه، المخصوص بالا-خوه، یعسوب الايمان، میزان الاعمال، سيف ذی الجلال، صالح المؤمنین، وارث علم النبیین و ...

(۴): امام زین العابدین علیه السلام بعد از سلام و زیارت آن حضرت به دعا و راز و نیاز با خداوند پرداخته اند تا به شیعیان بیاموزند که هرگاه به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدند توفیق در جایگاهی را پیدا کرده اند که مهبط فرشتگان الهی و محل رفت و آمد اولیاء الله می باشد و دعای آنها به اجابت بسیار نزدیک است پس باید از این فرصت استثنایی پیش آمده بیشترین استفاده را ببرند.

(۵): امام زین العابدین علیه السلام در پایان زیارت خود، برای استجاب دعاى خود، خدا را به حق پیامبر و علی و اهل بیت او :
قسم می دهند.

ص: ۱۰۵

امام زین العابدین علیه السلام در طی ۳۵ سال امامت خود توانست جامعه ای را که با سه شیعه تحویل گرفت با هزاران شیعه به دست فرزندش امام محمد باقر علیه السلام برساند. او توانست شمشیرها را از دست مردم بگیرد و به جای آن، قلم به دست آنها بدهد تا کرسی درس امام محمد باقر علیه السلام با هزاران شاگرد شروع به کار کند.

به قلم: حجت الاسلام و المسلمین سید مهدی شفتی

فصل اول: آیات موؤله قرآن کریم به امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام باقر علیه السلام

آیه اول: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ ما را به راه راست هدایت کن.» (۱)

آیه دوم: «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؛ الله پروردگار من و شماست. بپرستیدش که راه راست این است.»

(۲)

آیه سوم: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ و هر که به خدا تمسک جوید به راه راست هدایت شده است.» (۳)

آیه چهارم: «وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ و به راه راست هدایتشان کردیم.» (۴)

۱. امام محمد باقر علیه السلام از اجدادش از رسول خدا نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که را خوش آید که چون برق جهنده بر صراط گذرد و بی حساب به بهشت رودریال باید ولایت ورزد با ولی و وصی و رفیق و خلیفه من بر خاندان و اتمم علی بن ابی طالب علیهما السلام و هر که را خوش آید به دوزخ رود ترک ولایتش کند. به عزت و جلال پروردگارم! که او است باب الله که جز از آن نیابند و او است صراط مستقیم و او است که روز قیامت از ولایتش پرسش شود. (۵)

ص: ۱۰۷

۱- - حمد / ۶.

۲- - آل عمران / ۵۱.

۳- - آل عمران / ۱۰۱.

۴- - صافات / ۱۱۸.

۵- - سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْيَعْقُوبِيِّ عَنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجُوزَ عَلَى الصِّرَاطِ كَالرَّيْحِ الْعَاصِفِ وَ يَلْجِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيَتَوَلَّ وَلِيِّي وَ وَصِيَّي وَ صَاحِبِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي وَ أُمَّتِي عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ وَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْجِ النَّارَ فَلْيَتْرِكْ وَ لَآئِيْتَهُ فَمَوْعِزَهُ رَبِّي وَ جَلَالِهِ إِنَّهُ لَنَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ إِنَّهُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ إِنَّهُ الَّذِي يَسْأَلُ اللَّهُ عَنْ وَ لَآئِيْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. امالی صدوق، ج ۱، ص ۲۸۸؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۵۷؛ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۹۸؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۲.

۲. عن أبي جعفر، قال: آل محمد الصراط الذي دلَّ الله عليه ؛

ابو جعفر امام باقر عليه السلام فرمودند: خاندان محمد صلی الله علیه و آله همان راهی است که خدا به آن راهنمایی کرده است. (۱)

آیه پنجم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَهُ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا - يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ * الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ؛ (خدا ابایی ندارد که به پشه و کمتر از آن مثل بزند. آنان که ایمان آورده اند می دانند که آن مثل درست و از جانب پروردگار آنهاست. و اما کافران می گویند که خدا از این مثل چه می خواسته است؟ بسیاری را بدان گمراه می کند و بسیاری را هدایت. اما تنها فاسقان را گمراه می کند. * کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین فساد می کنند، زیانکارانند). (۲)

حضرت باقر علیه السلام فرمودند وقتی خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ» مردم مثلی زده شده و اسم مگس را برد در این آیه: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا؛ کسانی را که پرستش می کنید غیر از خدا نمی توانند مگسی بیافرینند» و فرمود: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ

ص: ۱۰۸

۱- - شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۷۹.

۲- - بقره ۲۶/ - ۲۷.

بَيْنًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ مثل کسانی که جز خدا را دوست خود می گیرند مانند عنکبوت است که برای خود خانه ساخته سست ترین خانه ها، خانه عنکبوت است اگر بفهمند». و در این سوره مثل زد بکسی که آتشی افروزد و یا بیارانی که از آسمان فرو ریزد ناصیبان و کفار گفتند این چه مثل هایی است بدین وسیله بر پیغمبر صلی الله علیه و آله خورده می گرفتند خداوند فرمود: یا محمد! «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي؛ خداوند از خجالت رها نمی کند، أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مِثَالِ زَدْنَ را جهت توضیح حق برای مؤمنین چه مثل به پشه باشد یا بالاتر از پشه (مگس) این مثل ها را می زند وقتی صلاح و نفع بندگان در آن باشد «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا» اما کسانی که ایمان به خدا و ولایت محمد و علی و آل پاک او: دارند و تسلیم پیامبر و ائمه علیهم السلام و احکام و اخبار و احوال آنهایند زبان به اعتراض نمی گشایند و کنجکاوای در رموز و اسرار آنها نمی کنند و آنها را فاش نمی نمایند مگر با اجازه ایشان فَيَعْلَمُونَ آنها می دانند «أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ» که این مثل برای توضیح یک واقعیت است.

وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا کسانی که کافر به محمدند و اعتراض می کنند به او در مورد علی علیه السلام که چرا و چگونه به او این مقام داده شده و پیروی نمی کنند از آنچه باید پیروی کنند «فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا؛ می گویند با این مثل خدا گروهی را گمراه و گروهی را هدایت می کند» پس این مثل فایده ای ندارد؛ زیرا اگر چه کسی که هدایت می یابد نفع می برد، ولی کسی که گمراه می شود زیان می بیند خداوند سخن آنها را رد می کند و می فرماید: «وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» با این مثل جز تبهکاران کس دیگری گمراه نمی شود جنایت کارانی که دقت نمی کنند و از آن بر خلاف استفاده می نمایند. آن گاه شروع به توضیح مشخصات آنها می کند: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ» کسانی که پیمان خدا را که از ایشان به ربوبیت و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و امامت علی علیه السلام و محبت و مقام شیعیان آن دو گرفته می شکنند «مَنْ بَعْدَ مِيثَاقِهِ» با اینکه بسیار پیمانی شدید و محکم بود.

«وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ؛ وَ قَطَعَ رَابِطَهُ خَوِيشَاوندی که باید توجه به آن داشته باشند و حقوقشان را ادا کنند می نمایند»، مهمترین خویشاوند و لازمترین حق خویشاوندان محمد صلی الله علیه و آله هستند؛ زیرا حق آنها به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. چنانچه حق خویشاوندان به واسطه پدر و مادر لازم می شود و حق محمد گرامی تر از حق پدر و مادر شخص است همین طور حق خویشاوندانش و قطع آن بدتر و نارواتر است. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» در زمین تبهکاری می کنند با دشمنی نسبت به کسانی که امامت آنها از جانب خدا تعیین شده و اعتقاد به امامت کسانی که خداوند مخالفت با آنها را لازم شمرده: «أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ چنین اشخاصی زیان کرده اند» چون رهسپار جهنم می شوند و از بهشت محرومند وای چه زیبایی که برای همیشه انسان را در عذاب قرار دهد و برای همیشه از نعمت محروم نماید. (۱)

ص: ۱۱۰

۱- - قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ وَ ذَكَرَ الذُّبَابَ فِي قَوْلِهِ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا إِلَّا يَهْدِيهِمْ وَ لَمَّا قَالَ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ وَ ضَرْبَ الْمَثَلِ فِي هَذِهِ السُّورَةِ بِالَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا وَ بِالصَّيْبِ مِنَ السَّمَاءِ قَالَتِ النَّوَاصِبُ وَ الْكُفَّارُ وَ مَا هَذَا مِنَ الْأَمْثَالِ فَتَضَرَّبُ يُرِيدُونَ بِهِ الطَّعْنَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَقَالَ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي لَأَيُّكُمْ حَيَاءٌ أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا لِلْحَقِّ يُوضِّحُهُ بِهِ عِنْدَ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ مَا بَعُوضَهُ مَا هُوَ بَعُوضُهُ الْمَثَلِ فَمَا فَوْقَهَا فَمَا فَوْقَ الْبَعُوضِ وَ هُوَ الذُّبَابُ يَضْرِبُ بِهِ الْمَثَلُ إِذَا عَلِمَ أَنْ فِيهِ صِلَاحٌ عِبَادِهِ وَ نَفْعُهُمْ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ بَوَالِيهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ وَ سَلِمَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ لِلْمَأْمَنَةِ : أَحْكَامُهُمْ وَ أَخْبَارُهُمْ وَ أحوَالُهُمْ وَ لَمْ يُقَابِلَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ وَ لَمْ يَتَعَاطَ الدُّخُولَ فِي أَسْرَارِهِمْ وَ لَمْ يُفْشِ شَيْئًا مِمَّا يَقِفُ عَلَيْهِ مِنْهَا إِلَّا يَأْذِنُهُمْ فَيَعْلَمُونَ هَوْلَاءِ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هَذِهِ صِفَتُهُمْ أَنَّهُ الْمَثَلُ الْمَضْرُوبُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ أَرَادَ بِهِ الْحَقُّ وَ إِبْرَانَتَهُ وَ الْكُشْفَ عَنْهُ وَ إِضْرَاحَهُ وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بِمَعَارَضَتِهِمْ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِلَمْ وَ كَيْفَ وَ تَرْكِهِمُ الْإِنْتِقَادَ لَهُ فِي سَائِرِ مَا أَمَرَ بِهِ فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ بِهَذَا الْمَثَلِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا أَيْ فَلَا مَعْنَى لِلْمَثَلِ لِأَنَّهُ وَ إِنَّ نَفْعَ بِهِ مَنْ يَهْدِيهِ فَهُوَ يُضَرُّ بِهِ مَنْ يُضِلُّهُ بِهِ فَردَّ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ قِيلَهُمْ فَقَالَ وَ مَا يُضِلُّ بِهِ يَعْنِي مَا يُضِلُّ اللَّهُ بِالْمَثَلِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ الْجَانِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِتَرْكِهِمْ تَأْمَلُهُ وَ بَوْضِعِهِ عَلَى خِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِوَضْعِهِ عَلَيْهِ ثُمَّ وَصَفَ هَوْلَاءِ الْفَاسِقِينَ الْخَارِجِينَ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ مِنْهُمْ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ الْمِيْأُخُودَ عَلَيْهِمْ لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِعَلِيِّ بِالْإِمَامَةِ وَ لِشَيْعَتَيْهِمَا بِالْمَحَبَّةِ وَ الْكِرَامَةِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ إِحْكَامِهِ وَ تَغْلِيظِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ مِنَ الْأَرْحَامِ وَ الْقَرَابَاتِ أَنْ يَتَعَاهَدُوا وَ هُمْ وَ يَقْضُوا حُقُوقَهُمْ وَ أَفْضَلُ رَحِمٍ وَ أَوْجِبُهُ حَقًّا رَحِمٌ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَإِنَّ حَقَّهُمْ بِمُحَمَّدٍ كَمَا أَنَّ حَقَّ قَرَابَاتِ الْإِنْسَانِ بِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ مُحَمَّدٌ أَعْظَمُ حَقًّا مِنْ أَبِيهِ كَذَلِكَ حَقُّ رَحِمِهِ أَعْظَمُ وَ قَطِيعَتُهُ أَفْضَلُ وَ أَفْضَحُ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ فَرْضِ اللَّهِ إِمَامَتَهُ وَ اعْتِقَادِ إِمَامِهِ مَنْ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ مُخَالَفَتَهُ أُولَئِكَ أَهْلُ هَذِهِ الصِّفَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ لَمَّا صَارُوا إِلَى النَّيْرَانِ وَ حُرِّمُوا الْجَنَانَ فَيَا لَهَا مِنْ خَسَارِهِ أَلَزَمَتْهُمْ عَذَابُ الْأَبَدِ وَ حَرَمَتْهُمْ نَعِيمَ الْأَبَدِ.

آیه ششم: «بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ آری! آنان که مرتکب کاری زشت شدند و گناهشان گرد بر گردشان بگرفت، اهل جهنمند و جاودانه در آن.» (۱)

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره قول خدای جل و عز: «بلکه هر کس کار بدی کند و گناهش او را فراگیرد. فرمود: چون امامت امیر المؤمنین علیه السلام را انکار کند، آنها دوزخیانند و در آنجا جاودانند.» (۲)

آیه هفتم: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ * فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ

ص: ۱۱۱

۱- - بقره / ۸۱.

۲- - الکافی (ط-الإسلامیه)، ج ۱، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۸۲. عَنْ يُونُسَ عَنْ صَبَّاحِ الْمُزَنِّيِّ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ حَيْلٌ وَعَزٌّ - بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ قَالِ إِذَا جَحَدَ إِمَامَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ .

فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ؛ بگوئید: ما به خدا و آیاتی که بر ما نازل شده و نیز آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبط ها نازل آمده و نیز آنچه به موسی و عیسی علیه السلام فرستاده شده و آنچه بر پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان آمده است، ایمان آورده ایم. میان هیچ یک از پیامبران فرقی نمی نهیم و همه در برابر خدا تسلیم هستیم. اگر به آنچه شما ایمان آورده اید، آنان نیز ایمان بیاورند، هدایت یافته اند. اما اگر روی برتافتند، پس با تو سرِ خلاف دارند و در برابر آنها خدا تو را کافی است که او شنوا و داناست.» (۱)

محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از حسن بن محبوب، از محمد بن نعمان، از سلام، از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است در قول خدای تعالی: «أَمَّنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا ؛ گرویده ایم به خدا و آنچه فرو فرستاده شد به سوی ما». که آن حضرت فرمود: «مقصود خدا از آن، علی و فاطمه و حسن و حسین : است. و بعد از ایشان این آیه در باب ائمه علیهم السلام جاری است. بعد از آن، سخن خدا برگشت نمود در باب سنیان و در باب ایشان تکلم کرد و فرمود: «فَإِنْ آمَنُوا»، یعنی: پس اگر ایمان بیاورند سنیان، «بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ ؛ بمانند آنچه شما ایمان آورده اید به آن» یعنی: علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام ، «فَقَدْ اهْتَدَوْا ؛ پس هر آینه راه راست یافته اند». «وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ؛ و اگر برگردند از ایمان به آن، پس، جز این نیست که ایشان با حق در خلاف و نزاع اند.» (۲)

ص: ۱۱۲

۱- - بقره / ۱۳۶-۱۳۷.

۲- - الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۴۱۶؛ اثبات الهداه، ج ۲، ص ۱۹؛ مرآت العقول، ج ۵، ص ۲۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ سَلَامٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى - قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا قَالَ إِنَّمَا عَنَى بِذَلِكَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ جَرَتْ بَعْدَهُمْ فِي الْأَيْمَةِ : ثُمَّ يَرْجِعُ الْقَوْلُ مِنَ اللَّهِ فِي النَّاسِ فَقَالَ فَإِنْ آمَنُوا يَعْنِي النَّاسَ بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ يَعْنِي عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ : فَقَدْ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ .

آیه هشتم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، همگان به اطاعت درآید و پای به جای پای شیطان مگذارید که او دشمن آشکار شماست.» (۱)

۱: جابر از امام باقر علیه السلام در قول خدای عزوجل: «یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه» نقل می کند: سلم ال محمدصلی الله علیه و آله هستند که خدا مردم را به داخل شدن در آن امر کرده است. (۲)

۲: از امام باقر نقل شده: «السلم» ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام و اوصیاء بعد از اوست. (۳)

۳: امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت در قول خداوند «ادخلوا فی السلم کافه» فرمود: السلم ولایت ماست. (۴)

۴: محمد بن مسلم از حضرت باقر و صادق علیهما السلام نقل کرد که در باره آیه: «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه» فرمودند: یعنی مردم مأمور به معرفت ما خانواده هستند. (۵)

ص: ۱۱۳

۱- - بقره / ۲۰۸.

۲- - تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۰۶. عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» قال، السلم هم آل محمد صلى الله عليه و آله أمر الله بالدخول فيه.

۳- - ينابيع الموده، ص ۲۵۰؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۰۶؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۵۳۶. عن أبي جعفر عليه السلام: انه قال السلم ولايه علی ابن ابی طالب و الاوصیاء من بعده.

۴- - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۲؛ بحار، ج ۷، ص ۱۲۳؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۰۸. عن أبي بكر الكلبي عن جعفر عن أبيه ۸ فی قوله: «ادخلوا فی السلم کافه» هو ولايتنا.

۵- - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۲؛ بحار، ج ۷، ص ۱۲۳؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۰۸؛ الصافی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ إثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵. عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا سَأَلْنَا هُمَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً قَالَ أَمُرُوا بِمَعْرِفَتِنَا.

۵: در ارشاد القلوب: جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند: سلم یعنی ولایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام. (۱)

آیه نهم: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ خدا مثلی می زند: مردی را که چند تن در او شریکند و بر سر او اختلاف دارند. و مردی که تنها از آن یکی باشد. آیا این دو با هم برابرند؟ سپاس خدا را. نه، بیشترشان نمی دانند.» (۲)

۱: ابو خالد کابلی گفت: از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم تفسیر این آیه را: «وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ» فرمود: مرد فرمانبردار برای مردی دیگر حضرت علی علیه السلام و شیعه او است. (۳)

۲: ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد در مورد آیه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا» فرمود: شخصی چند نفر در او شریک هستند آن اولی است (ابا بکر) که گروهی مختلف را به ولایت خویش ترغیب نموده هر دسته ای دسته دیگر را لعنت می کنند و از هم بیزارند اما

ص: ۱۱۴

۱- بحار الانوار، ج ۲۴ ، ص ۱۶۰. الدَّيْلِمِيُّ فِي إِرْشَادِ الْقُلُوبِ، عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ السَّلْمُ وَ لَعَائِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ :

۲- زمر / ۲۹.

۳- کنز جامع الفوائد، ص ۲۷۰؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۰. عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَائِلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ قَالَ الرَّجُلُ السَّالِمُ لِرَجُلٍ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شِيعَتُهُ .

مردی که پیرو یک نفر است آن مرد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که پیرو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و شیعیان او نیز پیرو پیامبرند. (۱)

آیه دهم: « وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲) »

؛ و مثل کسانی که اموال خویش را برای طلب رضای خدا از روی یقین و اعتقاد انفاق می کنند، مثل بوستانی است بر تپه ای، که بارانی تند، بر آن بارد و دو چندان میوه دهد، و اگر نه بارانی تند که نرم بارانی بر آن بارد. خدا به کارهای شما بیناست.

۱: سلام ابن مستنیر از امام باقر علیه السلام در قول خداوند « و مثل الذين ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله » نقل می کند که این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده. (۳)

۲: در کتاب شواهد التنزیل حاکم حسکانی روایت کرده است به اسنادش از امام باقر علیه السلام که این آیه در مورد حضرت علی علیه السلام نازل شده است. (۴)

ص: ۱۱۵

۱- - روضه الکافی، ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۰. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلِمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا قَالَ أَمَا الَّذِي فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ فَلَأَنَّ الْأَوَّلُ يُجْمَعُ الْمُتَفَرِّقُونَ وَ لَأَيَّتَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَلْعَنُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ يَبْرَأُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ فَأَمَّا رَجُلٌ سَلِمَ لِرَجُلٍ فَإِنَّهُ الْأَوَّلُ حَقًّا وَ شِيعَتُهُ .

۲- - بقره / ۲۶۵ .

۳- - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۴۸؛ الصافی، ج ۱، ص ۲۲۶؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۵۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۸۴. عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي قَوْلِهِ « وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ » قَالَ: أَنْزَلَتْ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

۴- - شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۰۴. روى فى شواهد التنزیل بسنده عن ابى جعفر عليه السلام قال: انزلت فى على عليه السلام.

آیه یازدهم: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسِينًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَمْ يَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ پس پروردگارش آن دختر را به نیکی از او پذیرفت. و به وجهی پسندیده پرورشش داد و زکریا را به سرپرستی او گماشت. و هر وقت که زکریا به محراب نزد او می رفت، پیش او خوردنی می یافت. می گفت: ای مریم! اینها برای تو از کجا می رسد؟ مریم می گفت: از جانب خدا زیرا او هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می دهد.» (۱)

امام محمد باقر علیه السلام فرماید: حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت علی علیه السلام تعهد داد که تمام کارهای داخل خانه را از قبیل خمیر کردن آرد، پختن نان، نظافت منزل و غیره را انجام دهد و حضرت علی علیه السلام نیز تعهد نمود که امور خارج از خانه مانند آوردن هیزم و تهیه طعام را انجام دهد. در یکی از روزها حضرت علی علیه السلام به حضرت فاطمه علیها السلام گفت: ای فاطمه! آیا در خانه چیزی داری؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: سوگند به آن خدایی که حقّ تو را بزرگ قرار داده، مدّت سه روز است که چیزی نداریم تا بتوانم آن را برایت بیاورم.

حضرت علی علیه السلام فرمود: چرا این امر را به من خبر ندادی؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا نهی نموده از اینکه چیزی از تو بخواهم و فرموده است: اگر حضرت علی علیه السلام چیزی برای تو آورد بپذیر و در غیر این صورت هرگز از او چیزی نخواه.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: پس حضرت علی علیه السلام از خانه خارج شد و در بین راه فردی را ملاقات نموده و یک دینار از او قرض کرد تا طعامی برای خانه فراهم کند، در راه بازگشت با مقداد بن اسود روبرو گردید و از او سؤال کرد که به چه دلیل از خانه خارج شده و به دنبال چیست؟

ص: ۱۱۶

مقداد پاسخ داد: ای امیر مؤمنان! به حق آن خدایی که حق تو را بر ذمه ما عظیم کرده، گرسنگی موجب خروج من از منزل شده است. راوی گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا در آن زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنده بودند؟

امام فرمود: آری زنده بودند و ادامه دادند: حضرت علی علیه السلام به مقداد گفت: من نیز به همین علت از خانه خارج شده ام و برای تهیه طعام یک دینار قرض کرده ام و اکنون آن را به تو می دهم. و آن دینار را به مقداد داده و به طرف خانه خود بازگشت، و هنگامی که وارد خانه گردید مشاهده نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته و حضرت فاطمه علیها السلام در مصلائی خویش مشغول نماز است و یک ظرف سر پوشیده نیز در میان ایشان قرار دارد، پس حضرت فاطمه علیها السلام از نماز فارغ شد، آن ظرف را جلو کشید و چون نگاه کردند دیدند که کاسه ای پر از نان و گوشت است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: ای فاطمه! این غذا از کجاست؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: از طرف خدا آمده، همانا خداوند هر که را بخواهد رزق بی حساب دهد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای علی! آیا دوست داری برایت بگویم مثل تو و حضرت فاطمه علیها السلام چیست؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: آری.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تو مانند حضرت زکریا علیه السلام هستی؛ زیرا آن حضرت هم وقتی در مصلائی حضرت مریم علیها السلام غذایی دید، از او پرسید که آن غذا را از کجا آورده و حضرت مریم علیها السلام در جواب او گفت: از طرف خدا آمده، و خداوند هر که را بخواهد بدون حساب رزق و روزی می دهد.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: حضرت علی و حضرت فاطمه علیهم السلام مدت یک ماه از آن

غذا می خوردند و تمام نمی شد، آن کاسه همان است که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از

آن خواهد خورد، و آن، هم اکنون نزد ماست. (۱)

آیه دوازدهم: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْ بَعْدَ نِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ اٰيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ؛ و همگان دست در ريسمان خدا زنيـد و پراکنده مشويد و از نعمتي که خدا بر شما ارزاني داشته است ياد کنيد. آن هنگام که دشمن يکديگر بوديد و او دل هياتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شديـد. و بر لبه پرتگاهي از آتش بوديد، خدا شما را از آن برهانيد. خدا آيات خود را براي شما اينچنين بيان مي کند، شايد هدايت يابيد.» (۲)

ص: ۱۱۸

۱- - تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۷۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۸۲. عَنْ سَيْفِ عَن نَجْمٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ضَمِنَتْ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينَ وَالْخُبْزَ وَقَمَّ الْبَيْتِ وَ ضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقْلَ الْحَطَبِ وَ أَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ فَقَالَ لَهَا يَوْمًا يَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدِكَ شَيْءٌ قَالَتْ وَالَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ مَا كَانَ عِنْدَنَا مِنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ شَيْءٌ نَقْرِيكَ بِهِ قَالَ أَفَلَا أَخْبَرْتَنِي قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله نَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئًا فَقَالَ لَا تَسْأَلِينَ ابْنَ عَمِّكَ شَيْئًا إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ [عَفْوًا] وَ إِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ قَالَ فَخَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَقِيَ رَجُلًا فَاسْتَفْرَضَ مِنْهُ دِينَارًا ثُمَّ أَقْبَلَ بِهِ وَ قَدْ أَمْسَى فَلَقِيَ مِقْدَادَ بْنِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لِلْمِقْدَادِ مَا أَخْرَجَكَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ قَالَ الْجُوعُ وَ الَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله حَتَّى قَالَ وَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله حَتَّى قَالَ فَهُوَ أَخْرَجَنِي وَ قَدْ اسْتَفْرَضْتُ دِينَارًا وَ سَأَوْتُرِكَ بِهِ فَدَفَعَهُ إِلَيْهِ فَأَقْبَلَ فَوَجَدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله جَالِسًا وَ فَاطِمَةَ تُصَلِّي وَ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ مُعْطَى فَلَمَّا فَرَعَتْ اجْتَرَتْ ذَلِكَ الشَّيْءَ فَأِذَا جَفْنُهُ مِنْ خُبْزٍ وَ لَحْمٍ قَالَ يَا فَاطِمَةُ أَنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَلَا أَحَدْتُكَ بِمَثَلِكَ وَ مَثَلَهَا قَالَ بَلَى قَالَ مَثَلُكَ مَثَلُ زَكْرِيَّا إِذَا دَخَلَ عَلَى مَرْيَمَ الْمُحْرَابِ فَوَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَمَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَأَكَلُوا مِنْهَا شَهْرًا وَ هِيَ الْجَفْنَةُ الَّتِي يَأْكُلُ مِنْهَا الْقَائِمُ ۴ وَ هِيَ عِنْدَنَا.

۲- - آل عمران / ۱۰۳.

جابر از امام باقر علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمودند: سلم، آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که خداوند امر به داخل شدن در آن کرده است و آنها حبل الله هستند که خداوند امر به چنگ زدن به آن نموده است و فرموده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱)

آیه سیزدهم: «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به آیین پیشین خود باز می گردید؟ هر کس که باز گردد هیچ زیانی به خدا نخواهد رسانید. خدا سپاسگزاران را پاداش خواهد داد.» (۲)

حنان از پدرش از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: همه مردم بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله اهل رده بودند جز سه کس. من گفتم: آن سه کس که بودند؟

در پاسخ فرمود مقداد بن اسود و ابوذر غفاری و سلمان فارسی رحمه الله و برکاته علیهم. سپس اندکی مردم دیگر هم پس از مدت کمی معرفت پیدا کردند، فرمود: هم-اینانند که گردونه حق بر آن ها گردید و دست بیعت ندادند تا امیر المؤمنین علیه السلام را آوردند و به زور از او بیعت گرفتند و این است معنی گفته خدا تعالی و نیست محمد صلی الله علیه و آله مگر رسولی که پیش از وی رسولانی در گذشته اند آیا اگر او هم مُرد و یا کشته شد مرتجع شوید و به عقب برگردید و هر کس بر سر دو

ص: ۱۱۹

-
- ۱- - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۲؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۰۸. و روی جابر عن ابي جعفر عليه السلام قال السلم هو آل محمد أمر الله بالدخول فيه، و هم حبل الله الذي أمر بالاعتصام به قال الله: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».
 - ۲- - آل عمران / ۱۴۴.

باشنه خود به عقب برگشت و پشت به حق داد هرگز هیچ زبانی به خدا نرساند و محققاً به زودی خداوند به شاکران پاداش نیک دهد. (۱)

آیه چهاردهم: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا؛ و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش به او ایمان آورد و عیسی در روز قیامت به ایمانشان گواهی خواهد داد.» (۲)

۱: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمومنان علیه السلام فرمود: ای علی! در تو مثلی از حضرت عیسی ابن مریم علیها السلام است. خدا متعال می فرماید: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» ای علی! مردی که بر عیسی ابن مریم علیهما السلام افترا زد، نمرد تا اینکه قبل از مرگش به او ایمان آورد و در مورد او معتقد به حق شد زمانی که این اقرار نفعی به حال او نداشت. تو نیز مثل حضرت عیسی علیه السلام خواهی بود. دشمن تو نخواهد مرد تا تو را ببیند و تو موجب خشم او شوی تا او در مورد امامت تو اعتراف به حق کند و در مورد تو حقیقت را معتقد شود و به ولایت تو اقرار کند زمانی که که این اقرار نفعی به حال او نخواهد داشت اما دوست تو را هنگام مرگ می بیند و تو شفیع و بشارت دهنده او و نور چشم او خواهی بود. (۳)

ص: ۱۲۰

۱- - الکافی، ج ۸، ص ۲۴۵؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۹۹. حَنَانٌ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ النَّاسُ أَهْلَ رِدِّهِ بَعِيدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةً فَقُلْتُ وَمَنِ الثَّلَاثَةُ فَقَالَ الْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرِّ الْغَفَارِيِّ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَرَفَ أَنَسُ بْنُ بَعْدَ يَسِيرٍ وَ قَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ دَارَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحَى وَ أَبَوَا أَنْ يُبَايَعُوا حَتَّى جَاءُوا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُكْرَهًا فَبَايَعَ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى - وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ .
۲- - نساء / ۱۵۹.

۳- - تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۱۶؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۹۴. فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مُعْتَمِنًا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَا عَلِيُّ إِنَّ فِيكَ مِثْلَ [مَثَلًا] مِنْ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ اللَّهُ [تَعَالَى] وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا يَا عَلِيُّ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ رَجُلٌ يَفْتَرِي عَلِيَّ عِيسَى [ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ] حَتَّى يُؤْمِنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَقُولُ فِيهِ الْحَقُّ حَيْثُ لَمَّا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ شَيْئًا وَ إِنَّكَ عَلِيٌّ لَمَّا يَمُوتُ عَيْدُوكَ حَتَّى يَرَاكَ عِنْدَ الْمَوْتِ فَتَكُونَ عَلَيْهِ غَيْظًا وَ حُزْنًا حَتَّى يُقَرَّ بِالْحَقِّ مِنْ أَمْرِكَ وَ يَقُولُ فِيكَ الْحَقُّ وَ يُقَرَّ بِوَلَايَتِكَ حَيْثُ لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ شَيْئًا وَ أَمَا وَلِيِّكَ فَإِنَّهُ يَرَاكَ عِنْدَ الْمَوْتِ فَتَكُونُ لَهُ شَفِيعًا وَ مُبَشِّرًا وَ قُرَّةَ عَيْنٍ. قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا.

۲: جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت در قول خداوند: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ - وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» فرمودند:

نیست هیچ یک از اهل همه ادیان از اولین و آخرین مگر اینکه هنگام موت حقا می بیند رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام را (۱).

آیه پانزدهم: «إِنَّمَا وَثَّيْتُكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می خوانند و هم چنان که در رکوعند انفاق می کنند.» (۲)

۱: عمر بن اذینه از زراره و فضیل و بکیر و ابن مسلم و برید و ابی الجارود، همگی از امام باقر علیه السلام روایت کنند که فرمود: خدای عز و جل رسولش را به ولایت حضرت علی علیه السلام امر کرد و آیه «سرپرست شما تنها خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده، نماز به پا دارند و زکات دهند» را بر او نازل فرمود و ولایت اولو الامر (کار داران) را واجب ساخت، مردم ندانستند مقصود از ولایت چیست، خدا

ص: ۱۲۱

۱- - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۴. عن جابر عن أبی جعفر علیه السلام فی قوله: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ - وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» قال: لیس من أحد من جميع الأديان يموت - إلا رأى رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام حقا - من الأولین و الآخیرین.

۲- - مائده / ۵۵.

به حضرت محمد صلی الله علیه و آله امر فرمود تا ولایت را برای آنها توضیح دهد، چنان که نماز و زکات و روزه و حج را توضیح داد، و چون امر به ولایت از جانب خدا به پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید حضرتش دلتنگ شد و ترسید مردم از دین برگردند و او را تکذیب کنند، از این جهت دلتنگ شد و به پروردگارش مراجعه کرد. خدای عز و جل به او وحی فرستاد «ای پیغمبر! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده برسان، و اگر نکنی پیام او را نرسانیده ای، خدا تو را از گزند مردم حفظ می کند» او هم امر خداوند متعال را اعلان کرد و به امر ولایت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر خم قیام نمود و مردم را برای نماز جماعت بانگ زد و فرمان داد که حاضرین به غائبین برسانند.

عمر بن اذینه (که از آن شش نفر روایت می کند) گوید: همگی جز ابی الجارود گفتند: امام باقر علیه السلام فرمود: واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می شد و امر ولایت آخرین آنها بود، که خدای عز و جل این آیه را نازل فرمود: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم».

امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل می فرماید: بعد از این واجبی بر شما نازل نکنم، واجبات را برای شما کامل کردم. (۱)

ص: ۱۲۲

۱- - الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۲۸۹. عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفَضْلِ بْنِ يَسَّارٍ وَ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ وَ أَبِي الْجَارُودِ جَمِيعًا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُوْلَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ - إِنَّمَا وَئِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ فَرَضَ وَ لَايَةَ أَوْلِيَ الْأَمْرِ فَلَمْ يَدْرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ يُفَسِّرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَ الزَّكَاةَ وَ الصَّوْمَ وَ الْحَجَّ فَلَمَّا أَتَاهُ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُوْلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَخَوَّفَ أَنْ يَزْتَدُوا عَنْ دِينِهِمْ وَ أَنْ يُكَذِّبُوهُ فَضَاقَ صَدْرُهُ وَ رَاجَعَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ - يَا أَيُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِي مَمَكًا مِنَ النَّاسِ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ فَقَامَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَنادَى الصَّلَاةَ حَيَامِعَةً وَ أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ قَالَ عُمَرُ بْنُ أَدِيْنَةَ قَالُوا جَمِيعًا غَيْرَ أَبِي الْجَارُودِ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَتْ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ بَعِيدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى وَ كَانَتْ الْوَلَايَةَ آخِرَ الْفَرَايِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَايِضَ.

۲. امام باقر علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل: «همانا ولی شما خدا و رسول او است آنان که ایمان دارند تا آخر آیه» فرمود: جمعی از یهودیان مسلمان شدند مانند عبد الله بن سلام و اسد و ثعلبه و ابن یامین و ابن صوریا و نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: یا نبی الله! موسی یوشع بن نون را وصی خود کرد وصی شما کیست؟ چه کسی پس از تو سرپرست ما است. این آیه نازل شد که ولی شما خدا و رسول او است و آن کسانی که گرویدند و نماز برپا کردند و زکات پرداختند و در رکوعند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برخیزید، برخاستند و به مسجد آمدند. ناگاه سائلی بیرون می شد. فرمود: ای سائل کسی چیزی به تو نداد؟

گفت: چرا این خاتم را دادند.

فرمود: چه کسی به تو داد؟

گفت: این مردی که نماز می خواند.

فرمود: در چه حالی به تو خاتم را داد؟

گفت: در حال رکوع.

پیغمبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفت و اهل مسجد هم تکبیر گفتند. فرمود: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پس از من ولی شما است.

گفتند: به پروردگاری خدا خوشنودیم و به دین اسلام و به پیغمبری محمد صلی الله علیه و آله و به ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، خدا این آیه فرستاد هر که خدا را ولی خود داند و رسولش و آنها که گرویدند به راستی حزب خدا غالبند.

ص: ۱۲۳

از عمر بن خطاب روایت شده که من چهل خاتم تصدق دادم در حال رکوع تا در باره من نازل شود آنچه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شد و چیزی نازل نشد. (۱)

۳: امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند و نزد آن حضرت عده ای از یهود بودند که در میان آنها عبدالله بن سلام بود که این آیه نازل شد پس پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل به سوی مسجد خارج شد پس سائلی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. حضرت فرمودند: آیا کسی چیزی به تو عطا کرد؟

عرض کرد: بله این شخص نماز گزار. پس پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و دید که او امیرالمؤمنین علیه السلام است. (۲)

ص: ۱۲۴

۱- - الأمالی (للسدوق)، ص ۱۲۴. أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ [سَعِيدٍ] الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ عَيَّاشٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الْآيَةَ قَالَ إِنَّ رَهْطًا مِنَ الْيَهُودِ أَشْلَمُوا مِنْهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ وَ أَسَدٌ وَ ثَعْلَبَةٌ وَ ابْنُ يَامِينَ وَ ابْنُ صُورِيَا فَأَتَوْا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَصَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهُ إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْصَى إِلَى يُوْشَعَ بْنِ نُونٍ فَمَنْ وَصَّيْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ وَ لِيْنَا بَعْدَكَ فَتَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ - إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قَوْمُوا فَقَامُوا فَأَتَوْا الْمَسِيحَ جَدًّا فَإِذَا سَائِلٌ خَارِجٌ فَقَالَ يَا سَائِلُ أَمَا أُعْطَاكَ أَحَدٌ شَيْئًا قَالَ نَعَمْ هَذَا الْخَاتَمُ قَالَ مَنْ أُعْطَاكَ قَالَ أَعْطَانِيهِ ذَلِكَ الرَّجُلُ الَّذِي يُصَلِّي قَالَ عَلِيُّ أَىِّ حَالٍ أُعْطَاكَ قَالَ كَانَ رَاكِعًا فَكَبَّرَ النَّبِيُّ ص وَ كَبَّرَ أَهْلُ الْمَسِيحِ جَدِّ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ لِيْكُمْ بَعْدِي قَالُوا رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ لِيًّا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ فَرَوَى عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّهُ قَالَ وَ اللَّهُ لَعَدُ تَصَدَّقْتُ بِأَرْبَعِينَ خَاتَمًا وَ أَنَا رَاكِعٌ لِيُنزَلَ فِيَّ مَا نَزَلَ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا نَزَلَ.

۲- - تفسير القمی، ج ۱، ص ۱۷۰. عَنْ صَيْفَوَانَ عَنْ أَبِيانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله جَالِسٌ - وَ عِنْدَهُ قَوْمٌ مِنَ الْيَهُودِ فِيهِمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ، إِذْ نَزَلَتْ عَلَيْهِ هَذِهِ الْآيَةُ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِلَى الْمَسِيحِ جَدِّ فَاسْتَقْبَلَهُ سَائِلٌ، فَقَالَ هَلْ أُعْطَاكَ أَحَدٌ شَيْئًا - قَالَ نَعَمْ، ذَاكَ الْمُصَلِّي - فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

۴: عبدالله بن عطاء گفت: با امام محمد باقر علیه السلام در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته بودم، در حالی که عبدالله سلام نیز در صحن مسجد نشسته بود. عرض کردم: فدایت شوم! آیا این فرد، همان کسی است که علم کتاب در نزد اوست؟

امام فرمود: خیر، بلکه چنین کسی ولی شما حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام است که درباره اش نازل شد: «إِنَّمَا وَثِقُكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» و نیز آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...». پس پیامبر صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را در روز غدیر خم گرفت و فرمود: هر کس که من مولای اویم، حضرت علی علیه السلام مولای اوست. (۱)

۵: محمد بن مسلم می گوید: نزد امام باقر علیه السلام در دو صف نشسته بودیم در حالی که آن حضرت بر روی تخت نشسته بود و گوهرهایی از حدیث بر ما روایت می فرمود و ما نیز مسرور از شنیدن این احادیث گوهربار بودیم که گویی در بهشت سیر می کردیم که خدمتکار ایشان وارد شد و عرض کرد: سلام، جعفری بر در است اجازه ورود می فرماید؟

ص: ۱۲۵

۱- - تفسیر فرات الکوفی ، ص ۱۲۴. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ [ابْنُ] عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ جَالِسٌ فِي صَاحِنِ الْمَسْجِدِ قَالَ [فَقُلْتُ] جَعَلْتُ فِدَاكَ هَذَا [ابْنُ] الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ لَا وَ لَكِنَّهُ صَاحِبُكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَ فِيهِ إِنَّمَا وَثِقُكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا إِلَى آخِرِ آيَةٍ وَ نَزَلَ فِيهِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ [إِلَى آخِرِ آيَةٍ] فَأَخَذَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] بِيَدِ [يَدِ] عَلِيِّ [ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ] يَوْمَ غَدِيرِ [خُمٍ] وَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ.

فرمود: بیاید. لذا دچار غم و اندوه گشتیم مبادا که حال خوش ما از بین برود. چون وارد شد به حضرت سلام نمود و امام نیز پاسخ داد سپس عرض کرد: ای پسر رسول خدا! خُثیمه به نقل از شما می گوید که آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» حضرت درباره علی ابن ابی طالب علیه السلام نازل شده است؟

امام فرمودند: خُثیمه راست می گوید. (۱)

۶: از امام باقر علیه السلام نقل است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خود نماز می خواند که فقیری بر آن حضرت گذر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا صدقه ای به تو داده شده است؟

عرض کرد: بلی نزد مردی در حال رکوع رفتم و او انگشتر خویش را به من داد و با دست خود به آن شخص اشاره نمود و معلوم گشت که آن شخص حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام است آنگاه آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» نازل گردید پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: او پس از من ولی شماست. (۲)

ص: ۱۲۶

۱- - تفسیر فرات الکوفی ، ص ۱۲۳-۱۲۴. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُلُوسًا صَيِّفَيْنِ وَهُوَ عَلَى السَّرِيرِ وَقَدْ دَرَّ عَلَيْنَا بِالْحَدِيثِ [و] فِينَا مِنَ الشُّرُورِ وَقَرَّهَ الْعَيْنَ مَا شَاءَ اللَّهُ فَكَأَنَّا فِي الْجَنَّةِ فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذَا بِالْأَذَانِ [بِالْأَذَانِ] فَقَالَ سَلَامٌ الْجُعْفِيُّ بِالْبَابِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ أَتَدْنُ لَهُ فَدَخَلْنَا غَمًّا وَهُمْ وَمَشَقَّةً كَرَاهِيَةً أَنْ يَكُفَّ عَنَّا مَا كُنَّا فِيهِ فَدَخَلَ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ أَبُو جَعْفَرٍ ثُمَّ قَالَ سَلَامٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنِي عَنْكَ خَيْثَمَةَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ صَدَقَ خَيْثَمَةُ.

۲- - تفسیر فرات الکوفی ، ص ۱۲۴. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُصَلِّي ذَاتَ يَوْمٍ فِي مَسْجِدٍ فَمَرَّ بِهِ مَسِيكِينَ [فَقِيْرٌ] فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَيْلُ تُصَدِّقُ عَلَيْكَ بِشَيْءٍ قَالَ نَعَمْ مَرَرْتُ بِرَجُلٍ رَاكِعٍ فَأَعْطَانِي خَاتَمَهُ وَأَشَارَ [فَأَشَارَ] بِيَدِهِ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ [بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ وَلِيُّكُمْ [مِنْ] بَعْدِي.

۷: حسین بن سعید از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که آیه: «أَنَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» درباره حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام نازل گردیده است. (۱)

آیه شانزدهم: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ ای پیامبر! آنچه را از پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان. اگر چنین نکنی امر رسالت او را ادا نکرده ای. خدا تو را از مردم حفظ می کند، که خدا مردم کافر را هدایت نمی کند. (۲)

۱: امام باقر علیه السلام در قول خداوند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» می فرماید: چون آیه نازل شد و تصمیم خداوند در روزی بسیار گرم به پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ گشت آن حضرت بیرون آمد و ندا در داده شد سپس مردم اجتماع کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد زیر چند درخت را جارو کردند و خار و خاشاک آن را کنار زدند. سپس فرمود: ای مردم! چه کسی ولی شما و از شما به خودتان سزاوارتر است؟

عرض کردند: خدا و رسول او. پس فرمود هر که من مولای او بودم اینک علی علیه السلام مولای اوست خداوند دوستدار او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار و یاری دهنده اش را نصرت فرما و خوار کننده اش را خوار و ذلیل گردان و سه بار آن را تکرار فرمود. (۳)

ص: ۱۲۷

۱- - تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۲۵. حَدَّثَنِي الْحَسَيْنُ [بْنُ سَعِيدٍ] مُعْتَمِرًا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا نَزَلَ [نَزَلَتْ] فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۲- - مائده / ۶۷.

۳- - تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۳۰؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۷۱. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ مُعْتَمِرًا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِلَى آخِرِ آيَاتِهِ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ [النَّبِيُّ] حِينَ أَتَتْهُ عَزْمَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي يَوْمٍ شَدِيدٍ الْحَرِّ فَنُودِيَ فِي النَّاسِ فَاجْتَمَعُوا وَآمَرَ بِشَجَرَاتٍ فَقُمَّ مَا تَحْتَهُنَّ مِنَ الشُّوكِ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ وَلِيُّكُمْ [وَالْيُكُم] وَ[أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ] قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ [فَهَذَا عَلِيٌّ] مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

۲: جعفر بن محمد فزاری روایت کرده است امام محمد باقر علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل خارج شد در حالی که سواره بود. حضرت علی علیه السلام نیز ایشان را همراهی می کرد در حالی که پیاده راه می رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابالحسن! یا سوار شو و یا برگرد؛ چرا که خداوند به من امر کرده که چون من سوار باشم تو نیز سوار باشی و چون من پیاده باشم تو نیز پیاده باشی و چون من نشستم تو نیز بنشینی؛ جز آن که حدی از حدود خدا در کار باشد و چاره ای جز قیام در آن نداشته باشی. خداوند به هیچ ارجی مرا ارجمند نداشته جز آن که به همانندش تو را نیز ارج نهاده است. مرا ممتاز به نبوت و رسالت نمود و تو را ولی و جانشین آن قرار داد که به کارهای دشوارش رسیدگی می کنی. سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، آن که به تو کافر باشد، به من ایمان ندارد و آن که تو را تکذیب کند، تصدیق نکرده و آن که تو را انکار کند، به خداوند ایمان نیاورده است. فضل تو از فضل من و فضل من از فضل خداست. و این همان کلام پروردگرم است: بگو: باید به فضل و رحمت خدا شاد باشد که آن بهتر است از آن چه دشمنان فراهم می آورند.

ای علی! به خدا سوگند تو تنها از آن رو آفریده شده ای که نشانه های دین از تو شناخته شود و راه های فرسوده از تو بهبود یابد، به راستی آن که از تو گمراه شود، گمراه است و آن که سوی تو و ولایت تو راه بیاید، سوی خدا راه نیافته است و این همان کلام پروردگرم است: و به راستی من آمرزنده کسی هستم که توبه کن و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد. یعنی سوی ولایت تو هدایت شود. خداوند مرا امر کرده تا آن حقی را که برای خود واجب گرداندم، برای تو نیز واجب گردانم. پس هر که به من ایمان آورد، هم چنان که حق من بر او واجب است،

حق تو نیز بر او واجب گردد. اگر تو نبودی حزب خدا شناخته نمی شد و به وسیله تو دشمن خدا شناخته می شود و هر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند، بدون هیچ چیز او را ملاقات کرده است و بی تردید جایگاه من والا تر است از جایگاه کسی که در پی من می آید. و خداوند این آیه را درباره تو نازل فرمود: ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم ابلاغ کن یعنی ولایت تو را ای علی! و اگر چنین نکنی، پیام او را نرسانده ای. اگر آن چه را که بدان امر شده بودم ابلاغ نمی کردم، هر آینه عملم تباہ می شد و هر کس خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند، عملش تباہ شده است. چنین است که هر آن چه برای من گویم، همه سخن پروردگارم است که درباره تو نازل شده است. از روی گرداندن امتم بر تو و از آنچه که پس از من در حق تو روا می دارند، به سوی خدا شکایت می کنم.

ای علی! آن که با تو بجنگد، از جنگ با من کناره نگرفته و آن که با تو جنگ افروزد، با من در آشتی نیست. همانا تو صاحب اکواب و مواقف محموده در زیر سایه عرش خدایی. هر کجا بایستم و مرا فرا خوانند، تو نیز فراخوانده می شوی و چون زنده شوم، تو نیز زنده می شوی و چون لباس بر تنم شود، تو نیز پوشانده می شوی. کلمه عذاب برای کسی که قول مرا در مورد تو تصدیق نمی کند، راست است و کلمه رحمت برای کسی که مرا تصدیق کند، حق است. پا در امری نگذاشته ام جز آن که تو در آن پا گذاشته ای. هیچ غیبت کننده ای تو را بد نمی گوید و هیچ کس دشمن تو را یاری نمی دهد جز آن که در جرگه ابلیس است و آن کس که تو را یار باشد و پس از تو نیز با یاران تو باشد، او در گروه حزب الله است و ایشان رستگارند. (۱)

ص: ۱۲۹

۱- - تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۸۰؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۳۹. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ رَاكِبٌ وَخَرَجَ [أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ] عَلِيُّ [بْنُ أَبِي طَالِبٍ] عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَمْشِي فَقَالَ النَّبِيُّ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَا أَبَا الْحَسَنِ إِمَّا أَنْ تَرْكَبَ وَإِمَّا أَنْ تَنْصِيرَ فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ تَرْكَبَ إِذَا رَكِبْتُ [وَتَمْشِي إِذَا مَشَيْتُ] وَتَجَلِسَ إِذَا جَلَسْتُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ خِدَاءً مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لَا بِيَدٍ لَكَ مِنَ الْقِيَامِ وَالتَّعَوُّدِ فِيهِ وَ مَا أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِكَرَامِهِ إِلَّا وَ قَدْ أَكْرَمَكَ بِمِثْلِهَا حَصْنِي بِالسُّبُوهِ وَ الرَّسَالِهِ وَ جَعَلَكَ وَلِيَّ ذَلِكَ تَقَوْمٌ فِي [حُدُودِهِ وَ فِي] صَعْبِ أُمُورِهِ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ [أَنْكَرَكَ كَفْرَكَ] وَ لَمَّا أَقْرَبَنِي مِنْ جَحْدِكَ وَ لَا آمَنَ بِاللَّهِ مَنْ أَنْكَرَكَ وَ إِنْ فَضَلَكَ مِنْ [لَمِنَ] فَضْلِي وَ فَضْلِي لَكَ فَضْلٌ [لِي] وَ إِنْ فَضْلِي لَفَضْلُ اللَّهِ [وَ هُوَ] قَوْلُ رَبِّي قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ وَ اللَّهُ يَا عَلِيُّ مَا خَلَقْتَ إِلَّا لِيَعْرِفَ بِكَ مَعَالِمَ الدِّينِ [وَ يَصِلِحَ بِكَ لِي] دَارِسُ السَّبِيلِ وَ لَقَدْ ضَلَّ مَنْ ضَلَّ عَنْكَ وَ لَمْ يَهْتِدْ إِلَى اللَّهِ مِنْ لَمْ يَهْتِدْ إِلَيْكَ [وَ إِلَى وَ لَأَيَّتِكَ] وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي وَ إِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى [يَعْنِي] إِلَى وَ لَأَيَّتِكَ وَ لَقَدْ أَمَرَنِي [رَبِّي] أَنْ أَفْتَرِضَ مِنْ حَقِّكَ مَا أَمَرَنِي أَنْ أَفْتَرِضَ مِنْ حَقِّي فَحَقُّكَ مَفْرُوضٌ عَلَيَّ مِنْ آمَنَ بِي كَأَفْتَرِضَ حَقِّي عَلَيْهِ وَ لَوْلَاكَ لَمْ يُعْرِفَ حِزْبُ اللَّهِ وَ بِكَ يُعْرِفُ عَدُوُّ اللَّهِ وَ لَوْ لَمْ يَلْقَوْهُ بِوَلَايَتِكَ مَا لَقَّوهُ بِشَيْءٍ ءِ وَ إِنْ مَكَانِي لِأَعْظَمُ مِنْ مَكَانٍ مَنْ تَبِعَنِي [أَتَّبَعَنِي] وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ [يَعْنِي] مِنْ وَ لَأَيَّتِكَ يَا عَلِيُّ] وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ فُلَوْ لَمْ أَبْلُغْ مَا أُمِرْتُ بِهِ لَحِطَ عَمَلِي [وَ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ وَ لَأَيَّتِكَ فَفَعْدُ حِطَّ عَمَلُهُ] مَوْعُودٌ مَا أَقُولُ لَكَ إِلَّا مَا يَقُولُ رَبِّي وَ إِنْ الَّذِي أَقُولُ لَكَ لَمِنْ اللَّهِ نَزَلَ فِيكَ فَإِلَى اللَّهِ أَشْكُو تَظَاهَرَ أُمَّتِي عَلَيْكَ وَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مَا يُرَكَّبُونَكَ [يُرَكَّبُونَكَ] بِهِ بَعْدِي أَمَّا إِنَّهُ يَا عَلِيُّ مَا

تَرَكَ قِتَالِي مَنْ قَاتَلَكَ وَ لَمَّا سَلَّمَ لِي مَنْ نَصَبَ لَكَ [نَصَيْبَكَ] وَ إِنَّكَ لَصَاحِبُ الْأَكْوَابِ وَ صَاحِبُ الْمَوَاقِفِ الْمَحْمُودَةِ فِي ظِلِّ
الْعَرْشِ أَيْنَمَا أُوقِفُ فَتُدْعَى إِذَا دُعِيْتُ وَ تُحْيَا إِذَا حُيِّتُ وَ تُكْسَى إِذَا كُسِيْتُ [وَ] حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعِيَابِ عَلَيَّ مَنْ لَمْ يُصِدِّقْ قَوْلِي
فِيكَ وَ حَقَّتْ كَلِمَةُ الرَّحْمَةِ لِمَنْ صَدَّقَنِي وَ مَا رَكِبْتُ [بِأَمْرِ إِلَّا وَ قَدْ رَكِبْتُ] بِهِ وَ مَا اغْتَابَكَ مُغْتَابٌ وَ لَا [أَوْ] أَعَانَ عَلَيْكَ إِلَّا [وَ]
هُوَ فِي حِزْبِ إِبْلِيسَ وَ مَنْ وَالَاكَ وَ وَالَى [وَ ولى] مَنْ هُوَ مِنْكَ مِنْ بَعْدِكَ كَانَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۳: امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که جبرئیل در حجه الوداع با اعلان امر حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و آیه: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» را ابلاغ نمود رسول خدا صلی الله علیه و آله سه روز درنگ فرمود تا اینکه به جحفه رسید و دست حضرت علی علیه السلام را از بیم مردم بالا نبرد و چون در روز غدیر در جحفه و در مکانی به نام مهیعه فرود آمد ندای الصلاه جامعه داد پس مردم

ص: ۱۳۰

گرد آمدند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی اولی از خودتان به شماست؟ سپس مردم با صدای بلند گفتند: خدا و رسول او. سپس برای بار دوم سؤال خود را تکرار کرد باز هم گفتند: خدا و رسول او. بار سوم نیز همین سؤال را پرسید و آنها گفتند: خدا و رسول او. سپس دست حضرت علی علیه السلام را بلند کرده و فرمود: «هر کس من مولای او هستم اینک علی مولای اوست. خداوندا دوست بدار دوست دارش را و دشمن باش با آنکه با او دشمنی کند و یاری کن هر کس را که یاریش کند و خوار و ذلیل کن آنکه او را واگذارد زیرا او از من است و من از او و او برای من منزلت هارون از موسی را دارد با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد بود.»(۱)

۴: ابی جارود از امام باقر علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمودند: زمانی که این آیه نازل شد: «پیغمبر آنچه از پروردگارت به تو نازل شده برسان، و اگر نکنی رسالت خدا را نرسانده ای. خدا تو را از شر مردم ننگه می دارد و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند.» پس رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: ای مردم! خدا همه پیغمبران پیش از مرا عمری معین داد و سپس به جانب خود خواند و آنها هم اجابتش کردند (از دار فانی به عالم باقی رهسپار گشتند) و نزدیک است که مرا هم بخواند و اجابت کنم، من مسئولیت دارم و شما هم مسئولیت دارید، اکنون

ص: ۱۳۱

۱- - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۳۹. عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ بِإِعْلَانِ أَمْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِلَى آخِرِ آيَاتِهِ قَالَ فَمَكَثَ النَّبِيُّ ص ثَلَاثًا حَتَّى أَتَى الْجُحْفَةَ فَلَمْ يَأْخُذْ بِيَدِهِ فَرَقًا مِنَ النَّاسِ فَلَمَّا نَزَلَ الْجُحْفَةَ يَوْمَ الْعُدَيْرِ فِي مَكَانٍ يُقَالُ لَهُ مَهْيَعُهُ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَاجْتَمَعَ النَّاسُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالَ فَجَهَرُوا فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ ثُمَّ قَالَ لَهُمُ الثَّانِيَةَ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ ثُمَّ قَالَ لَهُمُ الثَّلَاثَةَ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَآخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصِرْ مَنْ نَصِرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ وَهُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ مِنْ بَعْدِي.

شما چه می گوید؟ آنها گفتند: گواهی دهیم که تو ابلاغ کردی و خیرخواهی نمودی و آنچه بر تو بود رسانیدی، خدا بهترین پادشاه پیغمبران را به تو دهد. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدایا شاهد باش، سپس فرمود: ای گروه مسلمین! باید کسی که شاهد است به غایب ابلاغ کند که وصیت می کنم کسی را که ایمان به من آورد و مرا تصدیق نمود به ولایت حضرت علی علیه السلام آگاه باشید ولایت حضرت علی علیه السلام ولایت من است و ولایت من ولایت پروردگارم است و این عهدی بود که خداوند با من بسته بود و امر نموده بود به شما ابلاغ کنم سپس فرمود: آیا شنیدید؟ و سه مرتبه تکرار کرد. پس شخصی گفت: به تحقیق شنیدیم ای رسول خدا. (۱)

۵: ابی الجارود گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: خدای عز و جل پنج چیز بر بندگان واجب ساخت و آنها چهار چیز را گرفتند و یکی را رها کردند، عرض کردم: قربانت کردم: آنها را برای من نام می بری؟

فرمود: ۱- نماز، و مردم نمی دانستند چگونه نماز گزارند تا جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت: ای محمد! وقت های نماز را به مردم خبر ده. ۲- زکات پس از نماز نازل شد، جبرئیل گفت: ای محمد! راجع به زکات آنها را خبر ده چنان که راجع به

ص: ۱۳۲

۱- - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۳۴؛ بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۴۱. عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا أُنزِلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ قَالَ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِمَّنْ كَانَ قَبْلُ إِلَّا وَقَدْ عُمِّرْتُمْ ثُمَّ دَعَا اللَّهَ فَأَخْبَاهُ وَأَوْشَكَ أَنْ أَدْعَى فَأُجِيبَ وَأَنَا مَسْئُومٌ وَأَنْتُمْ مَسْئُومُونَ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ قَالُوا نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَّحْتَ وَأَدَّيْتَ مَا عَلَيْكَ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ أَوْصِي مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي بِوَلَايَةِ عَلِيِّ إِلَّا أَنْ وَوَلَايَةَ عَلِيٍّ وَوَلَايَتِي وَوَلَايَةَ رَبِّي عَهْدًا عَهْدَهُ إِلَيَّ رَبِّي وَأَمْرَنِي أَنْ أُبَلِّغَكُمْوَهُ ثُمَّ قَالَ هَلْ سَمِعْتُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَقُولُهَا فَقَالَ قَائِلٌ قَدْ سَمِعْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ.

نماز خیر دادی. ۳- روزه بعد از زکات نازل شد، چون روز عاشورا می آمد، پیغمبر صلی الله علیه و آله به دهات اطراف خود کس می فرستاد تا آن روز را روزه بدارند، سپس روزه ماه رمضان، میان شعبان و شوال نازل شد. ۴- سپس امر به حج رسید، و جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت: چنان که در باره نماز و زکات و روزه به مردم خبر دادی، در باره حج هم خبر ده. ۵- سپس امر به ولایت رسید، و آن امر روز جمعه در عرفه رسید، و خدای عز و جل آیه «امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم» را نازل کرد، و کمال دین به سبب ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود، پیغمبر صلی الله علیه و آله در آنجا فرمود: امت من هنوز به دوران جاهلیت نزدیکند (تازه از جاهلیت به اسلام گراییده اند) اگر من نسبت به پسر عمویم به آنها خیری دهم، هر کسی نقی می زند- من این مطلب را بدون اینکه به زبان آورم در دلم می گفتم- تا آنکه فرمان حتمی خدای عز و جل به من رسید و مرا تهدید کرد که اگر ابلاغ نکنم، عذابم خواهد کرد، و این آیه نازل شد: «ای پیغمبر آنچه از پروردگارت به تو نازل شده برسان، و اگر نکنی رسالت خدا را نرسانیده ای. خدا تو را از شر مردم ننگه می دارد و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند.» (۱) پس

رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: ای مردم! خدا همه پیغمبران پیش از مرا عمری معین داد و سپس به جانب خود خواند و آنها هم اجابتش کردند (از دار فانی به عالم باقی رهسپار گشتند) و نزدیک است که مرا هم بخواند و اجابت کنم، من مسئولیت دارم و شما هم مسئولیت دارید، اکنون شما چه می گوید؟

آنها گفتند: شهادت می دهیم که تو ابلاغ کردی و خیرخواهی نمودی و آنچه بر تو بود رسانیدی، خدا بهترین پادشاه پیغمبران را به تو دهد. پیغمبر صلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمود: خدایا شاهد باش، سپس فرمود: ای گروه مسلمین! این (شخصی که روی دست من و نامش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است) ولی شماست پس از من، شما که حاضرید به غائبین برسانید.

ص: ۱۳۳

امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا که حضرت علی علیه السلام امین خدا بر خلقش بود و راز پنهانش و دینی که برای خود پسندیده بود، سپس وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله فرا رسید، آن حضرت علیه السلام، حضرت علی علیه السلام را طلبید و به او فرمود: ای علی! می خواهم آنچه را که خدا مرا بر آن امین ساخته و به من سپرده، تو را بر آن امین سازم و به تو سپارم و آن راز پنهان خدا و علم خدا و مخلوق خدا و دینی است که برای خود پسندیده. امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا ای زیاد هیچ کس را در اینها شریک حضرت علی علیه السلام نساخت. سپس وفات حضرت علی علیه السلام فرا رسید، آن حضرت فرزندان را که دوازده پسر بودند، نزد خود خواند و به آنها فرمود: فرزندان عزیزم! خدای عز و جل اراده حتمی فرمود که سنتی از یعقوب در من قرار دهد. یعقوب دوازده پسر داشت، آنها را نزد خود خواند و صاحب آنها (و جانشین خود را) به آنها معرفی کرد، آگاه باشید که من هم صاحب شما را معرفی می کنم، همانا این دو، پسران رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهما السلام، از آنها بشنوید و فرمان برید و پشتیبانی نمایید که من آنچه را رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سپرده و خدا به او سپرده بود به آنها می سپارم، و آن چیز مخلوق خدا و راز پنهان خدا و دینی است که او برای خود پسندیده است. پس خدا برای آنها از جانب حضرت علی علیه السلام واجب ساخت، آنچه را که برای حضرت علی علیه السلام از جانب پیغمبر صلی الله علیه و آله واجب ساخت (و آن شنیدن و فرمانبری و پشتیبانی امت از ایشان است) و هیچ یک از آن دو بر دیگری برتری نداشت، جز به واسطه بزرگسالی (که مخصوص امام حسن علیه السلام بود) و چون امام حسین علیه السلام به محضر امام حسن علیه السلام می آمد، در آن مجلس سخن نمی گفت تا برمی خواست.

سپس وفات امام حسن علیه السلام فرا رسید و او آن سپرده را به امام حسین علیه السلام تسلیم نمود، سپس وفات امام حسین علیه السلام فرا رسید، آن حضرت دختر بزرگترش فاطمه بنت الحسین علیه السلام را طلبید و مکتوبی پیچیده و وصیتی آشکار به او سپرد و

حضرت علی بن الحسین علیه السلام بیماری از نظر معده داشت که در حال احتضارش می دیدند، پس فاطمه علیها السلام آن مکتوب را به علی بن الحسین علیه السلام داد، سپس به خدا آن مکتوب به ما رسید. (۱)

ص: ۱۳۵

۱- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۲۹۰. عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ خَمْسًا أَخَذُوا أَرْبَعًا وَتَرَكُوا وَاحِدًا قُلْتُ أَسَمِيَهُنَّ لِي جُعِلَتْ فِتْمَاكَ فَقَالَ الصَّلَاةُ وَكَانَ النَّاسُ لَا يَدْرُونَ كَيْفَ يُصَلُّونَ فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْهُمْ بِمَوَاقِيتِ صَلَاتِهِمْ ثُمَّ نَزَلَتِ الرَّكَاهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْهُمْ مِنْ زَكَاتِهِمْ مَا أَخْبَرْتَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ ثُمَّ نَزَلَ الصَّوْمُ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ بَعَثَ إِلَى مَا حَوْلَهُ مِنَ الْقُرَى فَصَامُوا ذَلِكَ الْيَوْمَ فَنَزَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ بَيْنَ شَعْبَانَ وَشَوَّالٍ ثُمَّ نَزَلَ الْحَجُّ فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَخْبِرْهُمْ مِنْ حَجِّهِمْ مِمَّا أَخْبَرْتَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَزَكَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ ثُمَّ نَزَلَتِ الْوَلَايَةُ وَ إِنَّمَا آتَاهُ ذَلِكَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ بِعَرَفَةَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَكَانَ كَمَالُ الدِّينِ بَوْلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ عِنْدَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُمَّتِي حَرِيدِي عَهْدِي بِالْجَاهِلِيَّةِ وَمَتَى أَخْبَرْتَهُمْ بِهَذَا فِي ابْنِ عَمِّي يَقُولُ قَائِلٌ وَيَقُولُ قَائِلٌ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْطِقَ بِهِ لِسَانِي فَأَتَيْتَنِي عَزِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَثْلَةً أَوْعِدَنِي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ أَنْ يُعِيدَنِي فَنَزَلَتْ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِمَّنْ كَانَ قَبْلِي إِلَّا وَقَدْ عَمَّرَهُ اللَّهُ ثُمَّ دَعَا فَأَجَابَهُ فَأَوْشَكَ أَنْ أَدْعَى فَأَجِيبْ وَأَنَا مَسْئُولٌ وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ - فَمَاذَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ فَقَالُوا نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَأَدَيْتَ مَا عَلَيْكَ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ هَذَا وَلِيِّكُمْ مِنْ بَعْدِي فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ وَاللَّهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِينَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَغَيْبِهِ وَدِينِهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَضَرَ فَدَعَا عَلِيًّا فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَمِّنَّكَ عَلَيَّ مَا أَتَمَّنَّنِي اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ غَيْبِهِ وَعِلْمِهِ وَمِنْ خَلْقِهِ وَمِنْ دِينِهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ فَلَمْ يُشْرِكْ وَاللَّهُ فِيهَا يَا زِيَادُ أَحَدًا مِنَ الْخَلْقِ ثُمَّ إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَضَرَ الَّذِي حَضَرَ فَدَعَا وَوَلَدَهُ وَكَانُوا اثْنَيْ عَشَرَ ذَكَرًا فَقَالَ لَهُمْ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَبِي إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ فِيَّ سُنَّةً مِنْ يَعْقُوبَ وَإِنَّ يَعْقُوبَ دَعَا وَوَلَدَهُ وَكَانُوا اثْنَيْ عَشَرَ ذَكَرًا فَأَخْبَرَهُمْ بِصَاحِبِهِمْ أَلَا وَإِنِّي أَخْبِرُكُمْ بِصَاحِبِكُمْ أَلَا إِنَّ هَذَيْنِ ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَاسْمَعُوا لَهُمَا وَاطِيعُوا وَوَارِزُواهُمَا فَإِنِّي قَدْ أَتَمَّنَّنِيهِمَا عَلَيَّ مَا أَتَمَّنَّنِي عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِمَّا أَتَمَّنَّنِيهِ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ وَمِنْ غَيْبِهِ وَمِنْ دِينِهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ فَأَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمَا مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا أَوْجَبَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ بِأَفْضَلٍ عَلَيَّ صَاحِبِهِ إِلَّا بِكِبَرِهِ وَإِنَّ الْحُسَيْنَ كَانَ إِذَا حَضَرَ الْحَسَنَ لَمْ يَنْطِقْ فِي ذَلِكَ الْمَجْلِسِ حَتَّى يَقُومَ ثُمَّ إِنَّ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَضَرَ الَّذِي حَضَرَ فَسَلَّمَ ذَلِكَ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ إِنَّ حُسَيْنًا حَضَرَ الَّذِي حَضَرَ فَدَعَا ابْنَتَهُ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَفَعَ إِلَيْهَا كِتَابًا مَلْفُوفًا وَوَصِيَّةً ظَاهِرَةً وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَبْطُونًا لَا يَرُونَ إِلَّا أَنَّهُ لِمَا بِهِ فَدَفَعَتْ فَاطِمَةُ الْكِتَابَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ صَارَ وَاللَّهِ ذَلِكَ الْكِتَابُ إِلَيْنَا.

۶: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: در گفتار خداوند: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» خارج شد رسول خدا در روزی که بسیار گرم بود پس ندا در داده شد میان مردم که جمع بشوند سپس فرمود ای مردم چه کسی ولی شما و اولی به شما از خودتان است گفتند خدا و رسولش سپس فرمود: هر که را من مولای او هستم پس علی مولای اوست. بار خدایا دوست بدار دوست دار او را و دشمن بدار دشمن او را و یاری کن یاری کننده او را و هلاک کن و هلاک کننده او را سپس این دعا را سه مرتبه فرمود. (۱)

ص: ۱۳۶

۱- - تفسیر فرات الکوفی ، ص ۱۳۰. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِلَى آخِرِ آيَةِ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ [النَّبِيُّ] حِينَ أَتَتْهُ عَزْمَةٌ مِنَ [اللَّهِ فِي] يَوْمٍ شَدِيدِ الْحَرِّ فَنُودِيَ فِي النَّاسِ فَاجْتَمَعُوا وَ أَمَرَ بِشَجَرَاتٍ فُقِمَ مَا تَحْتَهُنَّ مِنَ الشُّوكِ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ وَلِيَّكُمْ وَ [وَالِيكُمْ وَ] أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ [فَهَذَا عَلَي] مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذْ مَنْ خَذَلَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

آیه هفدهم: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.» (۱)

۱: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: آخرین فریضه ای که خداوند آن را نازل نمود ولایت بود و پس از آن فریضه ای بر پیامبرش نازل نکرد. سپس نازل فرمود: آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» را بر پیامبرش سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله امر ولایت را در منطقه جحفه (غدیر) اقامه فرمود و پس از آن خداوند فریضه ای نازل نکرد. (۲)

۲: حسین ابن سعید از امام باقر علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود: اکمال دین و اتمام نعمت در آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» به واسطه ولایت حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام است. (۳)

۳: امام باقر علیه السلام در قول خداوند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» فرمود: این آیه مخصوص حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام است نه مردمان دیگر. (۴)

ص: ۱۳۷

۱ - - مائده ۳/.

۲ - - تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۶۲. عَنْ صَيْفَوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ آخِرُ فَرِيضَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ الْوَلَايَةَ - ثُمَّ لَمْ يُنَزَلْ بَعْدَهَا فَرِيضَةٌ - ثُمَّ أَنْزَلَ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» بِكَرَاعِ الْغَنَمِ فَأَقَامَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بِالْجُحْفَةِ فَلَمْ يُنَزَلْ بَعْدَهَا فَرِيضَةٌ .

۳ - - تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۱۷. الْحَسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ مُعَنَّأً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ بَعْلِي [بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ].

۴ - - تفسیر فرات، ص ۱۱۹. الْحَسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَفْصِ الْعَوْسِيِّ [الْعَرَسِيُّ] قَالَ حَدَّثَنَا يَقُطِينُ الْجَوَالِيقِيُّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ [قَوْلِ اللَّهِ] الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةً دُونَ النَّاسِ.

۴: ابی الجارود می گوید شنیدم که امام باقر علیه السلام در مورد آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» فرمود: کمال دین به ولایت حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام است. (۱)

فصل دوم: موارد احتجاج امام باقر علیه السلام در رابطه با امیرالمؤمنین علیه السلام

مناظره اول :

نقل است که نافع بن ازرق خدمت حضرت باقر علیه السلام رسیده و نزد او نشست و از مسائلی در حلال و حرام پرسش نمود. پس آن حضرت در ضمن سخنان خود به نافع فرمود: به این مارقه (خوارج) بگو چگونه جدا شدن از امیر المؤمنین علیه السلام را جایز دانستید با اینکه در پرتو پیروی از او و تقرّب به خدا در یاری او (پیش از جریان حکمین) خون های خویش در رکابش ریختید؟ پس در پاسخ تو خواهند گفت: او درباره دین خدا داور قرار داد، پس بدیشان بگو: خود خداوند نیز در شریعت پیغمبرش داوری به دو مرد از بندگانش سپرده در آنجا که (در باره اختلاف میان زن و شوهر) فرموده: «پس داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برانگیزید، اگر آن دو (زن و شوهر) سازش و آشتی خواهند خداوند میانشان سازگاری پدید آورد-»، (۲)

و همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله در جریان جنگ بنی قریظه و تعیین سرنوشت آنان داوری به سعد بن معاذ داد، و داوری او را خداوند امضاء فرمود. مگر نمی دانید که همانا امیر المؤمنین علیه السلام به آن دو نفر دستور داد که از روی حکم قرآن داوری کنند، و از آن تجاوز نکنند، و شرط فرمود که آنچه مردان بر خلاف قرآن حکم کنند آن را ردّ کنید، و آنگاه که به او گفتند: تو کسی را بر خود داور ساختی که به زیان تو حکم کرد؟ فرمود: من بنده ای را

ص: ۱۳۸

۱- - تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۱۹. فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعْتَمِدًا عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ حِينَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ فَكَأَنَّ كَمَالَ الدِّينِ بَوْلَايَهُ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۲- - نساء / ۳۵.

داور نساختم بلکه من کتاب خدا؛ قرآن را داور کردم. پس این خوارج کجا می توانند حمل به گمراهی کسی کنند که دستور به حکم قرآن داده و فرموده: «آنچه مخالف قرآن است رد کنید» جز اینکه می خواهند در دست زدن به این ادعا؛ بهتان و افترا زنند؟ نافع بن ازرق گفت: به خدا سوگند! این سخنی است که هرگز به گوش من نخورده بود و به ذهنم خطور نمی کرد و بخواست خدا سخن حق و درستی است. (۱)

مناظره دوم:

و نقل است که سالم بر امام باقر علیه السلام وارد شده و گفت: نزد تو آمده ام تا درباره آن مرد صحبت کنم!

حضرت فرمود: کدام مرد؟

گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام.

فرمود: در باره کدام کارش؟

گفت: در باره احداث و بدعت هایش!

ص: ۱۳۹

۱- احتجاج، ترجمه جعفری، ص ۱۶۲، ح ۲۰۳. رُوِيَ أَنَّ نَافِعَ بْنَ الْأَزْرَقِ جَاءَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَجَلَسَ بَيْنَ يَدَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنْ مَسَائِلَ فِي الْحَمَالِ وَالْحَرَامِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ فِي عَرْضِ كَلَامِهِ قُلْ لِهَذِهِ الْمَارِقَةِ بِمَا اسْتَحَلَلْتُمْ فِرَاقَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَقَدْ سَفَكْتُمْ دِمَاءَ كُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ فِي طَاعَتِهِ وَ الْقُرْبَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِنُصْرَتِهِ؟ فَسَيَقُولُونَ لَكَ إِنَّهُ حَكَمَ فِي دِينِ اللَّهِ فَقُلْ لَهُمْ قَدْ حَكَمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي شَرِيْعِهِ نَبِيِّهِ رَجُلَيْنِ مِنْ خَلْقِهِ - قَالَ جَلَّ اسْمُهُ فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِضِيْلًا حَقًّا يُؤَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا وَ حَكَمَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَعْدَ بْنَ مُعَاذٍ فِي بَنِي قُرَيْظَةَ فَحَكَمَ بِمَا أَمَضَاهُ اللَّهُ أَوْ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّمَا أَمَرَ الْحَكَمَيْنِ أَنْ يَحْكُمَا بِالْقُرْآنِ وَ لَمَّا يَتَعَدَّيَا وَ اشْتَرَطَ رَدَّ مَا خَالَفَ الْقُرْآنَ مِنْ أَحْكَامِ الرِّجَالِ؟ وَ قَالَ حِينَ قَالُوا لَهُ حَكَمْتَ عَلَيَّ نَفْسَكَ مِنْ حَكَمِ عَلَيَّكَ فَقَالَ مَا حَكَمْتُ مَخْلُوقًا إِنَّمَا حَكَمْتُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَيُّنَ تَجِدُ الْمَارِقَةَ تَضْلِيلَ مَنْ أَمَرَ بِالْحُكْمِ بِالْقُرْآنِ وَ اشْتَرَطَ رَدَّ مَا خَالَفَهُ وَ لَوْ لَا ارْتِكَابُهُمْ فِي بَدْعَتِهِمُ الْبُهْتَانَ فَقَالَ نَافِعُ بْنُ الْأَزْرَقِ - هَذَا وَ اللَّهُ مَا طَرَقَ بَسْمِعِي قَطُّ وَ لَا خَطَرَ مِنِّي بِنَالٍ هُوَ الْحَقُّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

فرمود: به احادیثی که روایت از پدرانشان نقل کرده و نزد تو موجود است نیک بنگر.

راوی گوید: سپس نسب اینان را بر شمرد، و فرمود: ای سالم! آیا این خبر به تو رسیده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز خیبر سعد بن معاذ را با رایات انصار به میدان فرستاد ولی شکست خورده بازگشت، سپس عمر بن خطاب و او را با رایات مهاجرین و انصار گسیل داشت و این بار سعد مجروح بازگشت و عمر نیز با تمام افرادش دچار ترس و هراس شد، در اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این بود کار مهاجر و انصار»، تا اینکه آن را سه بار تکرار کرد، سپس فرمود: «فردا این رایات را به دست کسی خواهم داد که بی هیچ فرار و گریزی دائماً به قلب دشمن می زند، خدا و رسول را دوست دارد و محبوب آن دو است!».

راوی گوید: سالم و همراهانش همگی این مطالب را تأیید نموده و گفتند: آری.

امام باقر علیه السلام فرمود: ای سالم! اگر معتقد باشی که خداوند او را دوست داشته ولی از کاری که می کند بی خبر باشد؛ کافر شده ای، و اگر بگویی که خداوند او را دوست دارد و می داند چه می کند، دیگر چه جایی برای احداث و بدعت های علی علیه السلام باقی می ماند؟!

سالم گفت: این مطلب را دوباره برایم تکرار کن!.

آن حضرت تکرار نمود، سالم [پس از اینکه متوجه خطایش شد] گفت: هفتاد سال خدا را به گمراهی می پرستیدم! (۱)

ص: ۱۴۰

۱- - الإحتجاج ، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۲۰۹. رَوَى: أَنَّ سَالِمًا دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ جِئْتُ أَكَلْمُكَ فِي أَمْرِ هَذَا الرَّجُلِ قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ؟ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي أَيِّ أُمُورِهِ؟ قَالَ فِي أَخِي دَاثِهِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ انْظُرْ مَا اسْتَقَرَّ عِنْدَكَ مِمَّا جَاءَتْ بِهِ الرَّوَاهُ عَنْ آبَائِهِمْ قَالَ ثُمَّ نَسَبَهُمْ ثُمَّ قَالَ يَا سَالِمُ أَسَلِمُكَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ بَعَثَ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ بِرَأْيِهِ الْأَنْصَارِ إِلَى خَيْبَرَ فَرَجَعَ مُنْهَزِمًا ثُمَّ بَعَثَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ بِرَأْيِهِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَآتَى سَعْدُ جَرِيحًا وَجَاءَ عُمَرُ يُجَبِّنُ أَصْحَابَهُ وَ يُجَبِّنُونَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَكَذَا يَفْعَلُ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ - حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ لَأُعْطِينَ الرَّأْيَةَ غَدًا رَجُلًا كَرَارًا لَيْسَ بِفَرَارٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ يُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ قَالَ نَعَمْ وَ قَالَ الْقَوْمُ جَمِيعًا أَيضًا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ يَا سَالِمُ إِنَّ قُلْتَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبُّهُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ صَانِعٌ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ إِنَّ قُلْتَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبُّهُ وَهُوَ يَعْلَمُ مَا هُوَ صَانِعٌ فَأَيُّ حَدِيثٍ تَرَى لَهُ؟ فَقَالَ أَعِدُّ عَلَيَّ فَأَعَادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ فَقَالَ سَالِمٌ عَبَدْتُ اللَّهَ عَلَى ضَلَالَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.

از امام حسن عسکری علیه السلام نقل است که فرمود:

روزی امام سجّاد علیه السلام در جای خود نشسته بود که فرمود: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور شد به تبوک رود، دستور یافت که علیّ را جانشین و خلیفه خود در مدینه سازد، در مقابل علیّ علیه السلام گفت: ای رسول خدا! من هیچ میل ندارم که در هیچ موردی از رکاب شما تخلّف کنم، و محروم از دیدار مبارک شما گردم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علیّ! آیا تو راضی و خشنود نمی شوی که منزلت و جایگاه هارون نسبت به موسی را نزد من داشته باشی جز آنکه پس از من پیامبری نخواهد بود؟! در مدینه بمان که اجر و پاداش آن برابر با هم رکابی من است، و اجر تو برابر با اجر تمام افرادی است که از سر یقین و مطیع با رسول خدا خارج شده اند، و به جهت محبّتی که به من داری بر خداوند است که رخسار مرا در تمامی امور به مشاهدت تو در آورد، و جبرئیل را امر فرماید که موانع مشاهده را در تمام مسیر از پیش روی تو بردارد و دیده ات را تیز نماید تا به خوبی محمّد و أصحاب وی را ببینی، به نوعی که دلت برای اینان تنگ نشده و نیاز به مکاتبه و نامه نگاری نداشته باشی. در اینجا مردی در مجلس امام سجّاد علیه السلام برخاسته و فرمود: ای زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله، این برای حضرت علیّ علیه السلام چگونه بود؟ که آن مخصوص انبیاء است نه غیر ایشان.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: این معجزه ای برای محمّد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود نه دیگری، زیرا خداوند این کار را بنا به درخواست محمد صلی الله علیه و آله انجام داد، و ازدیاد نور دیده علیّ علیه السلام نیز بنا به دعای محمد صلی الله علیه و آله بود، تا به آن مقام از مشاهده و ادراک رسید. سپس امام

باقر علیه السلام به او فرمود: ای بنده خدا! چقدر ظلم این امت بر علی علیه السلام زیاد است و انصافشان در حق او کم؟! چیزی که به سایر صحابه دادند از حضرت علی علیه السلام منع می کنند با اینکه حضرت علی علیه السلام افضل ایشان است، چگونه منزلتی که برای دیگران قائل شده اند برای او رد می کنند؟

یکی پرسید: این چگونه است ای زاده رسول خدا؟

فرمود: زیرا شما موالات محبین ابو بکر را می کنید، و تا بوده و هست از دشمنان او اظهار براءت و بیزاری می نمایید، و همین رفتار را در باره عمر دارید، و نیز عثمان، ولی تا نوبت به علی بن ابی طالب علیه السلام می رسد می گوید: موالات محبین او را می کنیم ولی از دشمنانش براءت و بیزاری نمی کنیم بلکه اینان را دوست می داریم؟! این چه توجیهی دارد، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام فرموده: «خدایا! دوستان او را دوست بدار و دشمنانش را دشمن، یاری دهندگانش را یاری فرما و آنان که از او دست کشیده اند را تنها و مخذول رها فرما!». فکر می کنید خدا با دشمنانش عداوت نمی کند؟! یا کسانی که از او دست کشیده اند را تنها و مخذول رها نمی فرماید؟! این منصفانه نیست! مطلب دیگر اینکه: ایشان به محض برخورد با مطلبی که به دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله مختص حضرت علی علیه السلام شده و کرامتی که نزد خدا به دست آورده همه را انکار می کنند ولی همان مطالب را در باره دیگر صحابه می پذیرند، چه چیزی حضرت علی علیه السلام را از دیگر صحابه ممنوع ساخته؟! مثلاً عمر بن خطاب، اگر نقل شود: عمر در مدینه به منبر خطبه می خواند که ناگاه در خلال سخنرانی فریاد زد: ای ساریه؛ کوه! اطرافیان به شگفت آمده و گفتند: این چه مطلبی در خطبه بود؟ پس در اتمام خطبه و نماز گفتند: منظورت از مطلب «ای ساریه، کوه!» چه بود؟! گفت: بدانید که من در حال ایراد خطبه بودم ناگاه دیده ام به جایی افتاد که برادران شما در نهان در حال نبرد با کافرانند، و امیرشان سعد بن ابی وقاص است، پس خداوند برای من تمام حجاب و پرده ها را گشوده و دیده ام را نیرو داده تا اینکه ایشان را

مشاهده نمودم که همگی در مقابل کوهی در آنجا به صف شده اند، ناگاه گروهی از کافران آمدند تا ساریه و دیگران را از پشت محاصره کرده و همه را بکشند، پس فریاد کنان گفتم: ای ساریه، کوه! تا در پشت آن پناه گرفته و مانع محاصره آنان شود، سپس به جنگ پرداخته و در آخر خداوند اهل ایمان را بر کافران چیره ساخت و سرزمین هایشان را برای آنان فتح فرمود. این ساعت را به خاطر بسپارید، که همین مطالب که گفتم به شما خواهد رسید. و میان مدینه و نهاوند بیش از پنجاه روز راه بود. امام باقر علیه السلام فرمود: اگر چنین داستانی برای عمر باشد، چرا نمی شود برای حضرت علی علیه السلام نیز رخ داده باشد، ولی چه حاصل که اینان جماعتی بی انصاف بلکه اهل ستیزه اند. (۱)

ص: ۱۴۳

۱- - الإحتجاج ، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۱۸۵. عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسِي كَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ جَالِسًا فِي مَجْلِسِهِ فَقَالَ يَوْمًا فِي مَجْلِسِهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَمَرَ بِالْمَسِيرِ إِلَى تَبُوكَ أَمَرَ بِأَنْ يُخَلَّفَ عَلِيًّا بِالْمَدِينَةِ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ أَتَخَلَّفَ عَنْكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أُمُورِكَ وَأَنْ أُغَيَّبَ عَنْ مُشَاهَدَتِكَ وَالنَّظَرَ إِلَيَّ هَدِيكَ وَسَيِّمَتِكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى - إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي تُقِيمُ يَا عَلِيُّ وَإِنَّ لَكَ فِي مَقَامِكَ مِنَ الْمَاجِرِ مِثْلَ الَّذِي يَكُونُ لَكَ لَوْ خَرَجْتَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَكَ أَجُورُ كُلِّ مَنْ خَرَجَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُوقِنًا طَائِعًا وَإِنَّ لَكَ عَلَى اللَّهِ يَا عَلِيُّ لِمَحَبَّتِكَ أَنْ تُشَاهِدَ مِنْ مُحَمَّدٍ سَيِّمَتَهُ فِي سَائِرِ أَحْوَالِهِ بِأَنْ يَأْمُرَ جَبْرَائِيلُ فِي جَمِيعِ مَسِيرِنَا هَذَا أَنْ يَرْفَعَ الْأَرْضَ الَّتِي يَسِيرُ عَلَيْهَا وَالْأَرْضَ الَّتِي تَكُونُ أَنْتَ عَلَيْهَا وَيَقْوَى بِصَيْرِكَ حَتَّى تُشَاهِدَ مُحَمَّدًا وَ أَضِحَابَهُ فِي سَائِرِ أَحْوَالِكَ وَ أَحْوَالِهِمْ فَلَمَّا يَفُوتُكَ الْأَنْسُ مِنْ رُؤْيَيْهِ وَ رُؤْيِهِ أَضِحَابِهِ وَ يُغَيِّبُكَ ذَلِكَ عَنِ الْمَكَاتِبِ وَ الْمُرَاسِلَةِ فَقَامَ رَجُلٌ مِنْ مَجْلِسِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ لَمَّا ذَكَرَ هَذَا وَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَيْفَ يَكُونُ وَ هَذَا لِلنَّبِيِّاءِ لَا لِغَيْرِهِمْ؟ فَقَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا هُوَ مُعْجَزَةٌ لِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ لَا لِغَيْرِهِ لِأَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا رَفَعَهُ بِدُعَاءِ مُحَمَّدٍ وَ زَادَ فِي نُورِ بَصِيرِهِ أَيْضًا بِدُعَاءِ مُحَمَّدٍ حَتَّى شَاهِدَ مَا شَاهِدَ وَ أَذْرَكَ مَا أَذْرَكَ ثُمَّ قَالَ لَهُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا أَكْثَرَ ظُلْمَ كَثِيرٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَقْلَ أَنْصَارِهِمْ أَمْ يَمْنَعُونَ عَلِيًّا مَا يُعْطُونَهُ سَائِرَ الصَّحَابَةِ وَ عَلِيُّ أَفْضَلُهُمْ؟ فَكَيْفَ يُمْنَعُ مَنْزِلُهُ يُعْطُونَهَا غَيْرَهُ؟ - قِيلَ وَ كَيْفَ ذَاكَ؟ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ - قَالَ لَأَنْكُمْ تَتَوَلَّوْنَ مُحَبِّبِي أَبِي بَكْرٍ بِنِ أَبِي قَحِيْفَةَ وَ تَتَبَرَّؤُونَ مِنْ أَعْدَائِهِ كَأَنَّكَ مَنْ كَانَ وَ تَتَوَلَّوْنَ عُثْمَانَ بِنَ عَفَانَ - وَ تَتَبَرَّؤُونَ مِنْ أَعْدَائِهِ كَأَنَّكَ مَنْ كَانَ حَتَّى إِذَا صَارَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا نَتَوَلَّى مُحَبِّبِهِ وَ لَمَّا تَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِهِ بِيْلٍ نُحِبُّهُمْ فَكَيْفَ يَجُوزُ هَذَا لَهُمْ وَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي عَلِيِّ اللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عِبَادِهِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصَرُهُ مَنْ نَصَرَهُ وَ أَخَذَلُ مَنْ خَذَلَهُ؟ أَفَتَرَوْنَهُ لَا يُعَادِي مَنْ عَادَاهُ وَ لَا يَخْذُلُ مَنْ خَذَلَهُ لَيْسَ هَذَا بِأَنْصَافٍ ثُمَّ أُخْرِي إِنَّهُمْ إِذَا ذُكِرَ لَهُمْ مَا أَنْصَخَ اللَّهُ بِهِ عَلِيًّا بِدُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ كَرَامَتِهِ عَلَى رَبِّهِ تَعَالَى جَحْدُوهُ وَ هُمْ يَقْبَلُونَ مَا يُذَكِّرُ لَهُمْ فِي غَيْرِهِ مِنَ الصَّحَابَةِ فَمَا الَّذِي مَنَعَ عَلِيًّا مَا جَعَلَهُ لِسَائِرِ أَضِحَابِ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا عَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ - إِذَا قِيلَ لَهُمْ إِنَّهُ كَانَ عَلَى الْمِثْبَرِ بِالْمَدِينَةِ ظِيرِدْ ظَالِمْهُ؟ فَلَمَّا قُضِيَ الْخُطْبَةُ وَ الصَّلَاةُ قَالُوا مَا قَوْلُكَ فِي خُطْبَتِكَ يَا سَارِيَةَ الْجَبَلِ؟ - فَقَالَ اغْلَمُوا أَنِّي وَ أَنَا أَخْطَبُ إِذْ رَمَيْتُ بِبَصِيرِي نَحْوِ النَّاحِيَةِ الَّتِي خَرَجَ فِيهَا إِخْوَانُكُمْ إِلَى غَزْوَةِ الْكَافِرِينَ بِنَهَاوَنَدَ وَ عَلَيْهِمْ سَيِّدُ بَنِي أَبِي وَقَّاصٍ فَفَتَّحَ اللَّهُ لِي الْأَشْيَاءَ وَ الْحُجُبَ وَ قَوَى بَصِيرِي حَتَّى رَأَيْتُهُمْ وَ قَدِ اضْطَفُّوا بَيْنَ يَدَيِ جَبَلِ هُنَاكَ وَ قَدْ جَاءَ بَعْضُ الْكُفَّارِ لِيُدَوِّرَ خَلْفَ سَارِيَةَ وَ سَائِرِ مَنْ مَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَحِيطُوا بِهِمْ فَيَقْتُلُوهُمْ فَقُلْتُ يَا سَارِيَةَ الْجَبَلِ لِيُتَجَبَّى إِلَيْهِ فَيَمْنَعَهُمْ ذَلِكَ مِنْ أَنْ يُحِيطُوا بِهِ ثُمَّ يَقَاتِلُوا وَ

مَنَحَ اللَّهُ إِخْوَانَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ أَكْنَافَ الْكَافِرِينَ وَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِلَادَهُمْ فَاحْفَظُوا هَذَا الْوَقْتَ فَسَيَرِدُ عَلَيْكُمْ الْخَبْرُ بِذَلِكَ وَكَانَ بَيْنَ الْمَدِينَةِ وَنَهَاوَنْدَ مَسِيرَهُ أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِينَ يَوْمًا قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا كَانَ مِثْلُ هَذَا لِعُمَرَ فَكَيْفَ لَا يَكُونُ مِثْلُ هَذَا لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يُنْصِفُونَ بَلْ يُكَابِرُونَ.

به قلم: حجت الاسلام و المسلمین رئوف حق پرست

عصر حضرت امام صادق علیه السلام وجود اختلافات سیاسی و منازعات بین امویان و مروانیان از یک طرف و عباسیان از طرف دیگر، فضای مناسبی برای حضرت امام صادق علیه السلام به وجود آورد تا حقایق و معارف دین مبین اسلام را در محیطی آرام و بدون دغدغه بیان کنند. حضرت با تشکیل جلسات درس و مناظرات با علما و طرفداران سایر ادیان و مذاهب، حقانیت دین اسلام و مذهب تشیع را چنان آشکار کردند که این مذهب به مذهب جعفری مشهور گردید. تبیین مسائل فقهی، اعتقادی، تاریخی و تفسیر قرآن از عمده ترین محورهای مدرسه آن حضرت بود.

از آنجایی که موضوع این مقاله در کتاب پیش رو، بیان پاره ای از فرمایشات امام صادق علیه السلام در توصیف حضرت علی علیه السلام است، بر آن شدیم که کلماتی از حضرت را در چند محور مورد توجه قرار دهیم:

محور اول: بیان صفات امیر مؤمنان علیه السلام

محور دوم: بیان جایگاه و منزلت امیر مؤمنان علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله

محور سوم: بیان مظلومیت ها و مصائبی که بر حضرت و خاندان او اتفاق افتاد.

محور چهارم: جایگاه شیعیان آن حضرت و مقام و منزلت آنها در دنیا و آخرت

محور پنجم: جایگاه اصل امامت .

محور اول: بیان صفات حضرت امیر مؤمنان علیه السلام

از صادق آل محمد صلی الله علیه و آله درباره چگونگی ایمان حضرت علی علیه السلام سوال کردند، حضرت فرمودند: پدرم امام محمد باقر علیه السلام می فرمودند: موقعی که فضائل و مناقب ذکر می شوند در تشریح ایمان امیر مؤمنان علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارتی وجود دارد که ذهن ها را باز و رغبت ها را زیاد می نماید؛ زیرا که حب علی علیه السلام بر مؤمنین فرض و بر منافقین

غیظ و غضب خواهد بود، کسی که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را دوست داشته باشد رسول الله صلی الله علیه و آله بیشتر دوست می دارد، کسی که از دوست داشتن آن حضرت خودداری کند حَقًّا که خدا را معصیت کرده و از راه نجات باز مانده است؛ زیرا که امیر مؤمنان علیه السلام اولین مردی بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد و با آن حضرت نماز به جای آورد، آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله از طرف خدا آورد تصدیق نمود، و به اعمالی که موجب رضای خدا و رسول بودند سبقت گرفت و در هر سختی و ضروری بر مشکلات و گرفتاری ها صبر کرد و خیر خواهی او از سایر اصحاب بیشتر بود و بیشتر از تمام اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله را با جان و مال همدردی کرد. یکی از بزرگترین نعمت هایی که خدا بر امیر مومنان علیه السلام عطا فرمود ... آن است که که قبل از بعثت در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافت و حضرت به او از همان غذایی می داد که خود می خورد... (۱)

ص: ۱۴۶

۱- - و روی عبد الله بن محمد بن غیاث عن ابی نصر رجاء بن سهل الصاغانی قال حدَّثنا وهب بن متبه القرشی عن ابی عبد الله جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام انه سئل عن بدو ایمان امیر المؤمنین علیه السلام برسول الله صلی الله علیه و آله فقال أبو عبد الله جعفر علیه السلام: اذا ذكرت الفضائل و المناقب ففی شرح ایمان امیر المؤمنین علیه السلام برسول الله صلی الله علیه و آله ما تنفتح الأذهان، و تكثر الرغائب لأن حبَّ علیّ علیه السلام فرض علی المؤمنین، و غیظ علی المنافقین، فمن أحبَّ علیًّا فلرسول الله صلی الله علیه و آله أحبَّ و من أمسك عنه فقد عصی الله و نكب عن سبیل النجاه لأنه أول من آمن برسول الله صلی الله علیه و آله، و صلّی معه، و صدّق بما جاء من الله و سارع الی مرضاه الله و مرضاه رسول الله صلی الله علیه و آله و صبر علی البأساء و الضراء فی کلّ شدّه و عسر، و كان أكثر أصحابه نصحا له، و أكثرهم و أشدهم مواساة بنفسه و ذات یده له، و كان ممّا منّ الله به علی امیر المؤمنین علیه السلام فی دلائله، و اختصه بفضائله، و منحه من الكرامه، و الحباء و شرفه بسوابق الزلفی، انه كان فی حجر رسول الله صلی الله علیه و آله قبل مبعثه، یغذوه بما یغذو به نفسه... إثبات الوصیه، المسعودی، ص ۱۳۴.

خدا به محبت حضرت علی علیه السلام فرمان داده است

امام صادق علیه السلام فرمودند؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند مرا به دوست داشتن چهار تن فرمان داده است.

پرسیدند: ای رسول خدا! آنان کیستند؟

فرمودند: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و سکوت کردند.

دوباره فرمودند: خداوند مرا به دوست داشتن چهار تن فرمان داده است.

پرسیدند: ای رسول خدا! آنان کیستند؟

فرمودند: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و سکوت کردند. و همچنان در مورد دیگران سکوت کردند. آنگاه برای بار سوم فرمودند: خداوند مرا به دوست داشتن چهار تن فرمان داده است.

پرسیدند: ای رسول خدا! آنان کیستند؟

فرمودند: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و مقداد بن اسود و ابوذر غفاری و سلمان فارسی (۱).

منصب الهی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: آنچه علی علیه السلام آورده انجام می دهد و از آنچه نهی فرموده باز می ایستم، برای او همان فضیلت آمده که برای محمد صلی الله علیه و آله آمده و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر تمام مخلوق خدای عز و جل فضیلت است، خرده گیر بر حکمی

ص: ۱۴۷

۱- - الاختصاص ، ص ۹ . وَ عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ قَالُوا وَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ قَالُوا وَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ قَالُوا وَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْمُقَدَّادُ بْنُ أَسْوَدَ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ .

که علی آورده مانند خرده گیر بر خدا و رسولش باشد و کسی که در موضوعی کوچک یا بزرگ علی را رد کند در مرز شرک به خداست، امیرالمؤمنین علیه السلام تنها در گاه رسیدن به خدا است و راه به سوی او است، هر که جز آن پوید هلاک شود و این امتیازات همچنین برای ائمه هدی: یکی پس از دیگری جاریست. خدا ایشان را ارکان زمین قرار داده تا زمین اهلش را متزلزل نکند و حجت رسای خویش برای مردم روی زمین و زیر خاک قرار داد. امیرمؤمنان علیه السلام بسیار می فرمود: من از طرف خدا قسمت کننده بهشت و دوزخم (میان آن دو مکان ایستاده موالیانم را به بهشت و دشمنانم را به دوزخ راهنمایی می کنم) و من فاروق اعظم هستم (میان حق و باطل یا میان بهشتی و دوزخی) و من صاحب عصا و میسمم، تمام ملائکه و روح القدس و پیمبران به فضیلت من اقرار نمودند چنان که به فضیلت محمد صلی الله علیه و آله اقرار کردند. مرا بر مرکبی مانند مرکب او نشانیده اند و آن مرکب از جانب پروردگار است [مرکوب من در قیامت همان مرکوب پیغمبر و از جانب خداست] رسول خدا صلی الله علیه و آله (در قیامت) خوانده شود و جامه در بر شود من هم خوانده شوم و جامه در بر شوم، او باز پرسى شود و من هم باز پرسى شوم و طبق گفته او سخن گویم، به من خصلت هایی عطا شده که هیچ کس نسبت به آنها بر من پیشی نگرفته است: مرگ مردم و بلاها و انساب و فصل الخطاب (قرآن یا تشخیص حق از باطل) را می دانم، آنچه پیش از من بوده از دستم نرفته و آنچه نزد من حاضر نیست (از امور آینده) بر من پوشیده نیست، به اذن خدا بشارت می دهم و از جانب او ادای وظیفه می کنم، همه اینها از طرف خداست که او به علم خود مرا نسبت به آنها توانا ساخته است. (۱)

ص: ۱۴۸

۱- - اصول الکافی، ترجمه مصطفوی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۹ ش باویرایش ناقل؛ ۱- أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا جَاءَ بِهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخَذُ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ أَنْتَهَى عَنْهُ جَرَى لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مِثْلُ مَا جَرَى لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْمُتَعَقِّبُ عَلَيْهِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْكَامِهِ كَالْمُتَعَقِّبِ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الرَّادِّ عَلَيْهِ فِي صَغِيرِهِ أَوْ كَبِيرِهِ عَلَى حَيْدِ الشُّرُكِ بِاللَّهِ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ هَلَكَ وَ كَذَلِكَ يَجْرِي الْأَيْمَةُ الْهُدَى وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ السَّمَاءِ وَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرًا مَا يَقُولُ أَنَا قَسِيمٌ اللَّهُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ أَنَا الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ وَ أَنَا صَاحِبُ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ وَ لَقَدْ أَقَرَّتْ لِي جَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ وَ الرُّسُلُ بِمِثْلِ مَا أَقَرُّوا بِهِ لِمُحَمَّدٍ ص وَ لَقَدْ حُمِلْتُ عَلَى مِثْلِ حِمْلِهِ وَ هِيَ حُمُولَةُ الرَّبِّ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُدْعَى فَيُكْسَى وَ أُدْعَى فَأُكْسَى وَ يُسَدِّتُنْطَقُ وَ أُسَدِّتُنْطَقُ فَانْطَقُ عَلَى حَيْدِ مَنْطِقِهِ وَ لَقَدْ أُعْطِيتُ خِصَالًا مَا سَبَقَنِي إِلَيْهَا أَحَدٌ قَبْلِي عَلَّمْتُ الْمَنَائِمَ وَ الْبَلَايَا وَ الْأَنْسَابَ وَ فَضْلَ الْخِطَابِ فَلَمْ يَفْتِنِي مَا سَبَقَنِي وَ لَمْ يَغْرُبْ عَنِّي مَا غَابَ عَنِّي أَبْشُرُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُودِي عَنْهُ كُلُّ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ مَكْنِي فِيهِ بَعْلَمِهِ. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۱، ص ۱۹۶.

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

مالک اشتر می گوید: با خود گفتم من از امیر مؤمنان قوی تر هستم که ناگاه امیر مؤمنان علیه السلام با مرکب خود به طرف ذی الکلاع حمیری تاخت و او را از بالای زین اسبش برداشت و به بالا پرتاب کرد و با شمشیر وی را دو نیمه نمود . سپس فرمود: ای اشتر من یا تو؟

عرضه داشتم: بلکه شما ای امیر مؤمنان!^(۱)

ص: ۱۴۹

۱- - الثاقب فی المناقب، ابن حمزه الطوسی، ص ۲۵۷. عن المفضّل، عن أبي عبد الله صلوات الله عليه، قال: «إنّ مالكا الأشتر رضی الله عنه قال: حدّثتني نفسي أنّي أشدّ من أمير المؤمنين صلوات الله عليه، فحرّك دابّته إلى ذی الکلاع الحمیری فاستلبه من فوق سرجه، و رمى به إلى فوق و تلقاه بسيفه، فقدّه نصفين، ثم قال: «يا اشتر، أنا أم أنت؟» فقلت: بل أنت يا أمير المؤمنين.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند! اگر خدا حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام را نمی آفرید، برای حضرت فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت آدم علیه السلام و غیر او کفو و هم رتبه ای پیدا نمی شد.

امیر مؤمنان علیه السلام برتر از یوسف علیه السلام:

امام صادق علیه السلام فرمودند: یوسف بن یعقوب پیامبر فرزند پیامبر فرزند ابراهیم خلیل و صدیق و رسول بود. به خدا قسم! پدرم امیر مؤمنان علیه السلام از او برتر بود.

از امام صادق علیه السلام درباره منزلت امیر مؤمنان علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند، حضرت فرمود: هیچ برتری میان او و حضرت رسول وجود نداشت جز در رسالت. (۱)

شهادت ام سلمه بر فضل امیر مؤمنان علیه السلام:

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند که رسول خدا به ام سلمه فرمودند: ...ای ام سلمه! بشنو و شاهد باش این علی بن ابیطالب علیه السلام برادر من در دنیا و برادر من در آخرت است. ای ام سلمه! بشنو و شاهد باش این علی بن ابیطالب علیه السلام حامل پرچم من است در دنیا و حامل آن فردای قیامت در آخرت است. ای ام سلمه! بشنو و شاهد باش این علی بن ابیطالب علیه السلام وصی و خلیفه بعد از من و ادا کننده وعده های من و نگهبان حوض من است.

ص: ۱۵۰

۱- - تفضیل امیر المؤمنین علیه السلام، المفید، ص ۳۲-۳۳. قَوْلُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُفٌّ مِّنَ الْخَلْقِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. وَقَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ نَبِيًّا بْنِ نَبِيِّ بْنِ خَلِيلِ اللَّهِ وَكَانَ صِدِّيقًا رَسُولًا وَكَانَ وَاللَّهِ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَيِّمَاتُهُ أَفْضَلَ مِنْهُ. وَقَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سُرِّئَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَتْ مَنَزِلَتُهُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ فَضْلٌ سِوَى الرَّسَالَةِ.

ای ام سلمه! بشنو و شاهد باش این علی بن ابیطالب علیه السلام سرور مسلمانان و امام متقیان و قائد پیشانی سفیدان و کشنده ناکثین و قاسطین و مارقین است.

پرسیدم: ای رسول خدا ناکثین چه کسانی هستند؟

فرمودند: کسانی که با او در مدینه بیعت می کنند و در بصره بیعت می شکنند.

پرسیدم: قاسطین چه کسانی هستند؟

فرمودند: معاویه و اصحاب او از اهل شام.

پرسیدم: مارقین چه کسانی هستند؟

فرمودند: اصحاب نهروان... (۱)

شکایت رسول خدا صلی الله علیه و آله از ظالم کننده گان به امیر مؤمنان علیه السلام:

امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش فرمودند: ای گروه اصحاب من! خدای تعالی حضرت علی علیه السلام را پرچم میان ایمان و نفاق قرار داد، کسی که او را دوست داشته باشد مؤمن است و کسی که به او کینه ورزد منافق است.

خدای تعالی علی علیه السلام را وصی من و چراغ هدایت قرار داده است. بنابراین او موضع سرّ و ظرف علم من و در میان خاندانم جانشین من است از افراد امتم که به او ظلم می کنند به خدا شکایت می کنم. (۲)

ص: ۱۵۱

۱- - بشاره المصطفی، عماد الدین الطبری، ص ۵۸... یا أُمّ سَلَمَةَ اسْمَعِي وَ اشْهَدِي هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ أَخِي فِي الْآخِرَةِ يَا أُمّ سَلَمَةَ اسْمَعِي وَ اشْهَدِي هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حَامِلٌ لَوَائِي فِي الدُّنْيَا وَ حَامِلٌ لَوَائِي فِي الْآخِرَةِ غَدًا فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَا أُمّ سَلَمَةَ اسْمَعِي وَ اشْهَدِي هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ صَيِّ وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَ قَاضِي عِدَاتِي وَ الذَّائِدُ عَنْ حَوْضِي يَا أُمّ سَلَمَةَ اسْمَعِي وَ اشْهَدِي هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ قَاتِلُ النَّكَثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ النَّكَثِينَ قَالَ الَّذِينَ يُبَايِعُونَهُ بِالْمَدِينَةِ وَ يَنْكُثُونَ بِالْبَصِيرَةِ قُلْتُ مِنَ الْقَاسِطِينَ قَالَ مُعَاوِيَةُ وَ أَصْحَابُهُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ قُلْتُ وَ مِنَ الْمَارِقِينَ قَالَ أَصْحَابُ النَّهْرَوَانَ.

۲- - بشاره المصطفی، عماد الدین الطبری، ص ۳۳... حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ نَعِيمِ الْوَرَّاقِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ذَاتَ يَوْمٍ لِأَصِيْحَابِهِ: مَعَاشِرَ أَصِيْحَابِي إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ عَلَيَّا عِلْمًا بَيْنَ الْإِيْمَانِ وَ النِّفَاقِ فَمَنْ أَحَبَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَبْغَضَهُ كَانَ مُنَافِقًا إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ جَعَلَ عَلَيَّا وَصِيَّي وَ مَنَارَ الْهُدَى فَهُوَ مَوْضِعُ سِرِّي وَ عَيْبَةُ عِلْمِي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي إِلَى اللَّهِ

أَشْكُو ظَالِمِيهِ مِنْ أُمَّتِي.

امام صادق علیه السلام فرمودند: جابر بن عبدالله می گوید: من یک طرف پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و علی علیه السلام در طرف دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، ناگاه عمر با مردی کت بسته وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: او را چه شده؟

عمر گفت: ای رسول خدا از شما نقل کرده است که گفته اید: کسی که بگوید "لا اله الا الله محمد رسول الله" داخل بهشت می شود. و اگر مردم این را بشنوند در اعمال کوتاهی خواهند کرد. آیا واقعاً شما چنین گفته اید؟

حضرت فرمودند: آری، در صورتی که به محبت و ولایت این شخص (علی بن ابیطالب علیه السلام) تمسک کند(۱).

امیر مؤمنان علیه السلام تقسیم کننده بهشت و آتش:

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چون روز قیامت شود تو را بر حجله ای از نور می آورند در حالی که بر سر تاجی چهارگوش داری که بر هر گوشه اش سه سطر وجود دارد؛ لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی کلید بهشت است، پس از

ص: ۱۵۲

۱- - بشاره المصطفی، عماد الدین الطبری، ص ۱۳۳... حَدَّثَنَا أَبُو عَاصِمٍ الضَّحَّاكُ بْنُ مَخْلَدٍ النَّبِيلُ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ جَانِبِ وَ عَلِيٍّ مِنْ جَانِبِ إِذْ أَقْبَلَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ وَ مَعَهُ رَجُلٌ قَدْ تَلَبَّبَ فَقَالَ مَا بَالُهُ؟ قَالَ حَكِيَ عَنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْكَ قُلْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ هَذَا إِذَا سَمِعَهُ النَّاسُ فَرَّطُوا فِي الْأَعْمَالِ أَ فَأَنْتَ قُلْتَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَعَمْ إِذَا تَمَسَّكَ بِمَحَبَّتِهِ هَذَا وَ وَلَّيْتِهِ.

آن، تختی را که معروف به کرسی کرامت است برایت قرار می دهند و بر آن می نشینی. بعد از آن تمام اولین و آخرین را در یک زمین برای جمع می کنند. پس برای شیعیان امر به بهشت می کنی و برای دشمنان امر به آتش. پس تو قسمت کننده بهشت و آتش هستی. حتماً کسی که ولایت تو را قبول کند رستگاری می شود و ناامید و زیانکار می شود کسی که با تو دشمنی کند پس تو در آن روز امین خدا و حجت آشکار او هستی. (۱)

زیارت امیر مومنان علیه السلام

رستگاری :

امام صادق علیه السلام : کسی که حضرت علی علیه السلام را بعد از وفات او زیارت کند بهشت برای اوست. (۲)

استجاب دعا:

امام صادق علیه السلام: هنگامی که زیارت کننده امیرمؤمنان علیه السلام دعا کند درهای آسمان باز می گردند. (۳)

امیر مؤمنان علیه السلام از تمام امامان علیهم السلام برتر است:

امام صادق علیه السلام : کسی که زیارت امیرمؤمنان علیه السلام را ترک کند، خدای تعالی به او نظر نمی کند. چرا به زیارت کسی که ملائکه و پیامبران به زیارت او می روند،

ص: ۱۰

۱- - بشاره المصطفی، عماد الدین الطبری، ص ۲۱۰. عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آيَاتِهِ : قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُوتَى بِحِكِّكَ يَا عَلِيُّ عَلَى حَجَلِهِ مِنْ نُورٍ وَعَلَى رَأْسِكَ تَاجٌ لَهُ أَرْبَعَةُ أَرْكَانٍ عَلَى كُلِّ رُكْنٍ ثَلَاثَةٌ أَسَاطِيرَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُوضَعُ لَكَ كُرْسِيٌّ يُعْرَفُ بِكُرْسِيِّ الْكِرَامَةِ فَتَقْعُدُ عَلَيْهِ يُجْمَعُ لَكَ الْأَوْلَادُ وَالْآخِرُونَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَتَأْمُرُ لِشِيعَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَبِأَعْدَائِكَ إِلَى النَّارِ فَأَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَأَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ لَقَدْ فَازَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَخَابَ وَخَسِرَ مَنْ عَادَاكَ فَأَنْتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَمِينُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ الْوَاضِحَةُ.

۲- - خصائص الأئمة، ص ۴۰.

۳- - خصائص الأئمة، ص ۴۰.

نمی‌روید؟ امیرمؤمنان از تمام امامان برتر است و مانند ثواب اعمال آنان را دارد و آنان به اندازه اعمالشان برتری یافتند. (۱)

آمزش و ایمنی:

امام صادق علیه السلام فرمودند: ... هر شبانه روزی هفتاد هزار فرشته نازل می‌شوند پس به بیت المعمور رفته طواف می‌کنند. پس از آن نازل شده بر گرد کعبه طواف می‌کنند بعد از آن نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رفته سلام می‌کنند. پس از آن نزد قبر امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام رفته سلام می‌کنند. پس از آن نزد قبر حسین علیه السلام رفته سلام می‌کنند. پس از آن به آسمان می‌روند. و تا روز قیامت همین طور است. و فرمود: کسی که قبر امیرمؤمنان را زیارت کند در حالی که به حق او معرفت داشته باشد جبار و متکبر نباشد. خدا برای او اجر صد هزار شهید می‌نویسد و گناهان گذشته و آینده‌ی او را می‌آمرزد. و در زمره افراد ایمن مبعوث می‌شود و حساب او را آسان می‌گیرند و ملائکه به استقبال او می‌آیند و هنگامی که بمیرد تا قبر، با استغفار، او را تشییع می‌کنند... (۲)

ص: ۱۵۳

۱- - خصائص الأئمة، السيد الرضی، ص ۴۰. روى عن الصادق عليه السلام عن آبائه عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال من زار عليا بعد وفاته فله الجنة وقال الصادق عليه السلام إن أبواب السماء لتفتح عند دعاء الزائر لأمر المؤمنين عليه السلام وقال عليه السلام من ترك زيارة أمير المؤمنين عليه السلام لم ينظر الله تعالى إليه ألا تزورون من تزوره الملائكة والنبون: إن أمير المؤمنين عليه السلام أفضل من كل الأئمة وله مثل ثواب أعمالهم و على قدر أعمالهم فضلوا.

۲- - بشاره المصطفى، عماد الدين الطبري، ص ۱۰۸. ... أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ إِنَّهُ لَيُنزَلُ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَيَأْتُونَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ فَيَطُوفُونَ بِهِ فَإِذَا هُمْ طَافُوا بِهِ نَزَلُوا فَطَافُوا بِالْكَعْبَةِ فَإِذَا طَافُوا بِهَا أَتَوْا قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ أَتَوْا إِلَى قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ أَتَوْا قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ عَرَجُوا وَ يُنَزَّلُ مِنْهُمْ أَيْدَاءٌ هَكَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَجَبِّرٍ وَ لَا مُتَكَبِّرٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ غَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بُعِثَ مِنَ الْأَمِينِينَ وَ هُوَ عَلَيْهِ الْحِسَابُ وَ اسْتَقْبَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَإِذَا انْصَرَفَ شَيْعُوهُ إِلَى مَنْزِلِهِ فَإِذَا مَرَضَ عَادُوهُ وَ إِنْ مَاتَ تَبِعُوهُ بِالْأَسْتِغْفَارِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَ وَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ وَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: امام حسن علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: پدر جان پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند: کسی که من یا پدرت یا تو را و یا برادر تو را زیارت کند، بر من واجب است روز قیامت او را زیارت کنم تا از گناهانش نجاتش دهم (۱).

عالم یهودی از پاسخ امیر مؤمنان علیه السلام مسلمان می شود

از صالح بن عقبه نقل است که از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است:

وقتی أبو بکر وفات یافته و عمر را جانشین خود ساخت، عمر به مسجد رفته و آنجا نشست، در این حال مردی به آنجا آمده و گفت: ای امیر مؤمنان من مردی یهودی و از افراد دانشمند ایشان می باشم، و قصد دارم از شما سؤالاتی بپرسم که در صورت پاسخ به آنها، اسلام خواهم آورد.

عمر گفت: آنها چیست؟

گفت: سه تا، و سه تا، و یکی، اگر مایل باشی بپرسم، و اگر در میان شما فردی عالمتر از تو هست مرا نزد او بفرست.

ص: ۱۵۴

۱- - بشاره المصطفی، عماد الدین الطبری، ص ۲۴۵. قَالَ: حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آيَائِهِ: قَالَ: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَتِ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى أُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ.

عمر گفت: مطلوب تو این جوان است- و منظور حضرت امیر علیه السلام بود- پس خدمت حضرت رسیده و سؤالش را تکرار کرد، آن حضرت فرمود: چرا گفتی سه تا و سه تا و یکی، و از اول نگفتی هفت تا؟ گفت: در این صورت فردی جاهل باشم، اگر سه تا اول را پاسخ ندهی مرا کافی است، فرمود: اگر به همه اش پاسخ دهم مسلمان می شوی؟
گفت: آری.

فرمود: حال بپرس.

گفت: نام نخستین سنگی که بر روی زمین نهاده شد، و نخستین چشمه ای که جوشید، و نخستین درختی که روید چیست؟
فرمود: ای یهودی، شما قائلید که نخستین سنگ بر روی زمین سنگی است در بیت المقدس، حال اینکه دروغ می گوئید، آن همان حجر الأسودی است که با آدم از بهشت نازل شد.

یهودی گفت: به خدا راست گفتم، این مطلب به خطّ هارون و املائی موسی علیه السلام است.

حضرت امیر علیه السلام فرمود: و اما نخستین چشمه؛ شما قائلید که آن چشمه ای است در بیت المقدس، و دروغ می گوئید، و آن «چشمه حیات» است؛ همان که حضرت موسی علیه السلام شخص «نون» را در آن غسل داد، و آن همان چشمه ای است که جناب خضر از آن نوشید، و هر که از آن می نوشید عمر جاودانی می یافت.

یهودی گفت: به خدا راست گفتم، این مطلب به خطّ هارون و املائی موسی علیه السلام است.

حضرت فرمود: و اما نخستین درخت، شما قائلید که آن درخت زیتون است، ولی دروغ گفته اید، و آن درخت عجوه است که با آدم از بهشت نازل شد.

یهودی گفت: به خدا راست گفتم، این مطلب به خطّ هارون و املائی موسی علیه السلام است.

یهودی پرسید: سه مسأله دوم این است که این امت چند امام هدایت شده دارند که اگر آنان را تنها گذارند هیچ زیانی متوجه ایشان نخواهد شد؟

حضرت فرمود: دوازده امام و پیشوا.

یهودی گفت: به خدا راست گفتم، این مطلب به خطّ هارون و املائی موسی علیه السلام است.

پرسید: پیامبر شما در کجای بهشت مأوی و مسکن می کند؟

فرمود: در بالاترین درجه، و شریفترین مکان؛ که همان جنّات عدن است.

یهودی گفت: به خدا راست گفתי، این مطلب به خطّ هارون و املائی موسی علیه السلام است.

پرسید: چه کسی در منزل او نازل می شود؟

فرمود: همان دوازده امام هدایت شده.

یهودی گفت: به خدا راست گفתי، این مطلب به خطّ هارون و املائی موسی علیه السلام است.

پرسید: هفتمین سؤال باقی مانده، و آن این است که وصیّ پیامبرتان چند سال پس از وفات او زندگی می کند؟

فرمود: سی سال.

پرسید: آیا به مرگ طبیعی می میرد یا به شهادت می رسد؟

فرمود: بر فرق سر او شمشیری وارد شده و ریش او را به خون سرش رنگین می سازد.

یهودی گفت: به خدا راست گفתי، این مطلب به خطّ هارون و املائی موسی علیه السلام است! سپس آن یهودی به طریقی

نیکو مسلمان شد. (۱)

محور دوم: حدیث غدیر

فضیلت روز غدیر:

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین عیدهای امتم روز عید غدیر خم است و آن روزی است که خدای تعالی مرا فرمان داد برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام را برای امامت امتم نصب کنم تا پس از من به واسطه او رهبری شوند. و آن روزی است که خدا دین را در آن کامل کرد و در آن نعمت را بر امتم تمام کرد و اسلام را دین پسندیده آنها ساخت. سپس فرمود: ای گروه مردم! به راستی علی علیه السلام از من است و من از علی علیه السلام. از گِل من خلق شده و بعد از من امام خلق است. آنچه از سنت مورد اختلاف واقع می شود برای آنها بیان می کند، او امیر

ص: ۱۵۶

مؤمنان و پیشوای دست و پیشانی سفیدان است و یعسوب مؤمنین و بهترین اوصیا و شوهر سیده زنان عالمیان است و پدر امامان رهبر است.

گروه مردم! هر کس حضرت علی علیه السلام را دوست دارد دوستش دارم و هر کس حضرت علی علیه السلام را دشمن دارد دشمنش دارم هر که به حضرت علی علیه السلام پیوندد با او پیوندم و هر که از حضرت علی علیه السلام ببرد از او بپریم هر که به حضرت علی علیه السلام جفا کند به او جفا کنم و هر که با حضرت علی علیه السلام دوست داری کند با او دوستی کنم و هر که با حضرت علی علیه السلام عداوت ورزد با او عداوت ورزم.

ای گروه‌های مردم! من شهر حکمتم و علی بن ابی طالب علیه السلام دروازه آن است و به شهر نیابند مگر از دروازه اش. دروغ می‌گوید هر که گمان دارد مرا دوست داشته و با حضرت علی علیه السلام دشمن است.

ای گروه مردم! قسم به آن خدایی که مرا مبعوث به نبوت کرده و بر همه خلق برگزیده من حضرت علی علیه السلام را برای امتم در زمین به خلافت نگماردم تا آنکه خدا نامش را در آسمان‌ها بلند کرد و ولایتش را بر ملائکه واجب نمود. (۱)

ص: ۱۵۷

۱- - الأمالی (للصدوق) ، ترجمه کمره ای ، ص ۱۲۵. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ظَهْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيُّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آيَاتِهِ : قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِيهِ بِنَصْبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِمًا لِأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَآتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ النُّعْمَةَ وَرَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ثُمَّ قَالَ : مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ خَلِقَ مِنْ طِبْتِي وَ هُوَ إِمَامُ الْخَلْقِ بَعْدِي يُبَيِّنُ لَهُمْ مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ سُنَّتِي وَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ زَوْجُ سَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ أَبُو الْأَثَمَةِ الْمَهْدِيِّينَ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا أَبْغَضَنِي وَ مَنْ وَصَلَ عَلِيًّا وَصَلْتُهُ وَ مَنْ قَطَعَ عَلِيًّا قَطَعْتُهُ وَ مَنْ جَفَا عَلِيًّا جَفَوْتُهُ وَ مَنْ وَالَى عَلِيًّا وَالَيْتُهُ وَ مَنْ عَادَى عَلِيًّا عَادَيْتُهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا مَدِينَةُ الْحُكْمِ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَابُهَا وَ لَنْ تُؤْتِيَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُ عَلِيًّا مَعَاشِرَ النَّاسِ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَ اصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ مَا نَصَبْتُ عَلِيًّا عَلِمًا لِأُمَّتِي فِي الْأَرْضِ حَتَّى تَوَّهَ اللَّهُ بِاسْمِهِ فِي سَمَاوَاتِهِ وَ أَوْجَبَ وَلايَتَهُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ. [۱]- الأمالی (للصدوق) ، ترجمه کمره ای ، ص ۱۲۵.

امام صادق علیه السلام: هنگامی که خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله خود را دستور داد تا امیر المؤمنین علیه السلام را برای مردم نصب کند و فرمود: ای رسول! آنچه بر تو از جانب پروردگارت در باره حضرت علی علیه السلام نازل شده است ابلاغ کن و (رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را در غدیر خم جمع کرد و) فرمود: «آن کس که من مولای او هستم پس علی مولای اوست»، شیاطین نزد ابلیس اکبر آمدند و (گریه و زاری) بر سر خود خاک ریختند.

ابلیس گفت: شما را چه شده؟

گفتند: این مرد امروز پیمانی را منعقد کرد که تا روز قیامت چیزی نمی تواند آن را باز کند.

ابلیس گفت: هرگز چنین نیست. اطرافیانیش درباره او به من وعده ای داده اند و هرگز خلاف آن عمل نمی کنند.

در این هنگام خدا بر رسول خود این آیه را نازل کرد: «وَلَقَدْ صَدَّقَ ابْلِيسَ ظَنَّهُ...» (۱).

ص: ۱۵۸

۱- عوالم العلوم و المعارف و الأحوال الإمام علی بن ابی طالب علیهما السلام، ص ۱۳۵. و منه: ابی، عن ابن ابی عمیر، عن ابن سنان، عن ابی عبد الله علیه السلام، قال: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهٖ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَنْصِبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لِلنَّاسِ فِي قَوْلِهِ: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ خَمًّا؛ فَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» جَاءَتْ الْأَبَالِسَةُ إِلَى ابْلِيسِ الْأَكْبَرِ، وَحَثُوا التُّرَابَ عَلَى رِءُوسِهِمْ، فَقَالَ لَهُمْ ابْلِيسُ: مَا لَكُمْ؟ فَقَالُوا: إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ عَقَدَ الْيَوْمَ عَقْدَهُ لَا يَحُلُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. فَقَالَ لَهُمْ ابْلِيسُ: كُلًّا إِنَّ الْعٰذِينَ حَوْلَهُ قَدْ وَعَدُونِي فِيهِ عِدَّةً لَنْ يَخْلِفُونِي. فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ: وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ ابْلِيسُ ظَنَّهُ ... الْآيَةَ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حضرت علی علیه السلام پیمانی را منعقد کرد که جز کافر آن را نمی شکند

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی این آیه برای ولایت نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دادند زیر درختان غدیر خم را جارو بزنند و بعد از آن منادی با جمله الصلوه جامعه مردم را فرا خواند. رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از آن چنین فرمودند: ای مردم آیا من نسبت به مؤمنین از خوشان اولی نیستم؟

گفتند: آری.

فرمود: آنکه من مولای او هستم پس حضرت علی علیه السلام مولای اوست، پروردگارا، دوست بدار کسی را که او را دوست بدارد و دشمن دار کسی را که او را دشمن بدارد. سپس مردم را امر به بیعت با او نمود، احدی نمی آمد مگر آنکه با وی بیعت می کرد و سخنی نمی گفت. تا آنکه ابوبکر آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای ابوبکر با حضرت علی علیه السلام بر ولایت بیعت کن.

ابوبکر گفت: از طرف خدا است یا از طرف رسول او؟

حضرت فرمودند: از طرف خدا و از طرف رسول او.

بعد از او عمر آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: با حضرت علی علیه السلام بر ولایت بیعت کن. گفت آیا از جانب خداست یا از جانب رسول او؟

حضرت فرمودند: از جانب خدا و از جانب رسول او. عمر با تکبر و نخوت به ابوبکر رو کرد و گفت: برای محکم کردن چه چیزی دو دست پسر عمویش را بالا برد؟ سپس با سرعت از میان لشکرگاه خارج شد. طولی نکشید که خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: ای رسول خدا! برای کاری از لشکرگاه بیرون رفتم. پس مردی را دیدم که لباس های سفیدی بر تن داشت و نیکوتر از او ندیده بودم. چهره او از زیباترین چهره های مردم و بوی او از خوشبوترین بوها و چنین گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای علی پیمانی را منعقد کرد که جز کافر آن را نمی شکند.

حضرت فرمودند: ای عمر آیا می دانی او چه کسی بود؟

عمر گفت: نه.

حضرت فرمودند: او جبرئیل علیه السلام بود. پس بر حذر باش از آنکه تو خود اولین کسی باشی که آن پیمان را نقض کند که کافر می گردی. پس از آن حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: دوازده هزار نفر در غدیر حضور داشتند و همگی شاهد علی بن ابیطالب علیه السلام بودند اما حضرت نتوانست حق خود را بگیرد در حالی که هر یک از شما صاحب مال و حق باشد و دو شاهد داشته باشد، حق خود را می گیرد!!

«فانَّ حزب الله هم الغالبون» یعنی "مسلماً حزب خدا غالب هستند" در حق علی علیه السلام است(۱).

ص: ۱۶۰

۱- - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال-الإمام علی بن أبی طالب علیهما السلام، ص ۱۳۸-۱۳۹. ... عن صفوان الجمال، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لما نزلت هذه الآية بالولاية، أمر رسول الله صلى الله عليه وآله بالدوحات - دوحات غدیر خم - فقممن، ثم نودی: الصلاة جامعہ، ثم قال: أيها الناس! أ لست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: بلى. قال: «فمن كنت مولاه فعلي مولاه، ربّ وال من والاه، و عاد من عاداه». ثم أمر الناس ببيعته، و بايعه الناس، لا يجيىء أحد إلّا بايعه لا يتكلّم، حتى جاء أبو بكر، فقال: يا أبا بكر! بايع عليّاً بالولاية. فقال: من الله أو من رسوله؟ فقال: من الله و من رسوله. ثم جاء عمر، فقال: بايع عليّاً بالولاية. فقال: من الله أو من رسوله؟ فقال: من الله و من رسوله؛ ثم ثنى عطفه، فالتفت فقال لأبي بكر: لشدّ ما يرفع بضبعي ابن عمّه؟ ثم خرج هاربا من العسكر، فما لبث أن أتى النبيّ صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله! إنني خرجت من العسكر لحاجه، فرأيت رجلا عليه ثياب [بيض] لم أر أحسن منه، و الرجل من أحسن الناس وجهها و أطيبهم ريحا، فقال: لقد عقد رسول الله صلى الله عليه وآله عليّ عقدا لا يحلّه إلّا كافر. فقال: يا عمر! أتدرى من ذاك؟ قال: لا. قال: ذاك جبرئيل، فاحذر أن تكون أوّل من تحلّه فتكفر. ثم قال أبو عبد الله عليه السلام: لقد حضر الغدير اثنا عشر ألف رجل يشهدون لعليّ بن أبی طالب عليهما السلام فما قدر علي أخذ حقّه، و إنّ أحدكم يكون له المال و له شاهدان، فيأخذ حقّه؛ فإنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ فِي عَلِيّ عَلَيْهِ السَّلَام.

از حمّاد بن عثمان نقل است که امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی با ابو بکر بیعت شد و خلافت او بر همه مهاجر و انصار محقق و ثابت شد، فردی را از جانب خود به سرزمین فدک فرستاده و دستور داد تا نماینده حضرت زهرا علیها السلام را از آنجا اخراج کند. در پی این اقدام حضرت فاطمه علیها السلام نزد ابو بکر آمده و فرمود: چرا مرا از ارث پدری محروم نموده و نماینده ام را از آنجا بیرون کردی، حال این که پدرم آنجا را به دستور خدا برای من قرار داده بود؟

ابو بکر گفت: بر این مطلب شاهد بیاور، آن حضرت نیز امّ ایمن را آورد.

ام ایمن گفت: پیش از اینکه شهادت و گواهی بدهم باید از تو- ای ابو بکر- بپرسم: تو را به خدا قسم آیا این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول داری که فرمود: «امّ ایمن یکی از زنان بهشتی است»؟

گفت: آری قبول دارم.

گفت: بنا بر این من نیز شهادت می دهم که خداوند عزّ و جلّ بر پیامبر وحی فرستاد که: «حقّ نزدیکانت را بده»^(۱)

پس آن رسول گرامی نیز فدک را به دستور خداوند برای حضرت فاطمه علیها السلام قرار داد.

سپس علیّ علیه السلام نیز وارد شده و به نفع حضرت فاطمه علیها السلام شهادت داد، با دیدن آن ابو بکر نیز مجاب شده و نامه ای نوشته و به حضرت زهرا علیها السلام داد، در این حال عمر وارد شده و گفت: این نامه چیست؟

گفت: فاطمه ادّعی فدک را نموده و امّ ایمن و حضرت علیّ علیه السلام برای او شهادت دادند! عمر بن خطّاب نامه را از دست حضرت فاطمه علیها السلام گرفته و بر آن آب دهان انداخت و

پاره کرد! حضرت زهرا علیها السلام نیز گریان خارج شده در حالی که می فرمود: هر که نامه مرا پاره کرد خداوند شکمش را پاره کند!

پس از آن حضرت علی علیه السلام به مسجد آمد و خطاب به أبو بکر - که میان جماعت مهاجر و انصار بود - فرمود: برای چه حضرت فاطمه علیها السلام را از میراث پدری او محروم ساختی حال اینکه او در زمان حیات رسول خدا مالک آن شده بود؟! أبو بکر گفت: این فیء (مال همه) مسلمین است، اگر شهودی را بیاورد که رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش به او بخشیده قبول است و گر نه او هیچ حقی در فدک ندارد.

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای أبو بکر، آیا در باره ما خلاف دستور خداوند در باره مسلمانان حکم می کنی؟ گفت: نه این طور نیست.

فرمود: اگر در دست یکی از مسلمانان چیزی باشد و من ادعا کنم که مالک آن هستم، تو از کدامیک از ما درخواست شهود می نمایی؟

گفت: معلوم است که فقط از تو طلب شاهد می کنم، فرمود: پس چرا از حضرت فاطمه علیها السلام طلب شاهد می کنی؟ با اینکه او فدک را از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تصاحب کرده و تا بعد از وفات او نیز مالک آن بوده، حال اینکه از مسلمانان دیگر - که مدعی هستند - درخواست شهادی نمی کنی؟

أبو بکر ساکت شده و مجاب گشت. عمر گفت: ای علی! دست از این سخنان بردار، که ما قادر به بحث و احتجاج با تو نیستیم، اگر در اثبات این مالکیت شاهدانی آوردید که قبول است و گر نه، فدک مال همه مسلمین بوده؛ نه تو و نه حضرت فاطمه علیها السلام هیچ حقی در آن ندارید!!

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای أبو بکر آیا قرآن خوانده ای؟

گفت: آری، فرمود: به من بگو آیا آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلِيَّ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً» در باره ما نازل شده، یا دیگران؟

أبو بکر گفت: بلکه در باره شما نازل شده.

فرمود: ای ابو بکر اگر جماعتی گرد آمده و شهادت دهند که حضرت فاطمه علیها السلام دخت پیامبر مرتکب فاحشه ای شده است تو چه خواهی کرد؟

گفت: مانند زنان دیگر مسلمان حد را بر او جاری می سازم.

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای ابوبکر در این صورت در نزد خدا از کافران خواهی بود.

گفت: برای چه؟

فرمود: زیرا تو منکر گواهی خداوند بر طهارت او شده و شهادت گروهی از مردمان را پذیرفته ای، به همین ترتیب حکم خدا و رسول را در مسأله فدک - که آن را در زمان حیات پیامبر تصاحب نموده - رد نموده و در مقابل، شهادت فردی اعرابی را که بر پاشنه پای خود ادرار می کند پذیرفته ای، و فدک را از او غصب نمودی، و پنداشته ای که آن غنیمت (مال همه) مسلمین است، حال اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله خود فرموده بود که: «دلیل و اثبات بر عهده شخصی است که به زیان دیگری ادعایی دارد، و دیگری تنها باید سوگند یاد کند»، و تو از این فرمایش پیامبر نیز غافل شده و درست عکس آن عمل نموده ای، و از حضرت فاطمه علیها السلام که فدک را تصاحب نموده اقامه شاهد می کنی!!

با شنیدن این کلام بی نقص و سرتاسر منطقی جماعت حاضر متأثر و متحیر شده و به یک دیگر خیره شدند، و یک صدا گفتند: به خدا قسم! حضرت علی علیه السلام راست می گوید!!

حضرت امیر علیه السلام به خانه خود باز گشت.

سپس حضرت زهرا علیها السلام داخل مسجد شده و ضمن طواف قبر پدر این آیات را می خواند:

(۱) ما تو را از دست دادیم همچون زمینی که بارانی نافع را از دست دهد، قوم تو به اختلاف افتادند، پس تو خود شاهد امور ایشان باش!!

(۲) پس از تو اخبار و اکاذیبی منتشر شد که اگر شما حاضر بودی کار مردم تا این حد سخت نمی شد!!

(۳) در گذشته فرشته وحی جبریل با آیات خدا مونس ما اهل بیت بود، چون از میان ما رفتی او نیز غایب شده و تمام خوبیها از ما پوشیده شد!!

(۴) تو همچون ماه شب چارده و نوری بودی که از تو بهره مند می شدند، و بر تو از جانب خداوند عزیز آیات نازل می شد..

(۵) گروهی از مردمان نسبت به ما روی ترش کرده و مقام ما را کوچک و سبک شمردند، چون از میان ما غایب شدی امروز ما مورد غضب و خشم واقع شدیم!!

(۶) این را بدان که تا دم مرگ و تا زمانی که چشم های ما اشکی برای ریختن داشته باشد بر تو خواهیم گریست!!

أبو بکر و عمر از مسجد خارج شده و به خانه رفتند، أبو بکر کسی را دنبال عمر فرستاده و او را حاضر کرده و گفت: دیدی مجلس ما با حضرت علیّ علیه السلام امروز چگونه پایان یافت، به خدا سوگند! اگر این مجلس در روز دیگر تکرار شود بی شک کار ما متزلزل شده و اساس حکومت ما را به تباهی خواهد کشاند، نظرت چیست و باید چه کنیم؟

عمر گفت: باید دستور دهی که او را بکشد!

أبو بکر گفت: چه کسی عهده دار آن شود؟

عمر گفت: خالد بن ولید.

پس به دنبال خالد فرستاده و نزد آن دو آمد، گفتند: می خواهیم مأموریت سختی را به تو بدهیم، گفت: برای هر کاری آماده ام، هر چند کشتن حضرت علیّ بن ابی طالب علیهما السلام باشد.

گفتند: همین است!

خالد گفت: زمانش را معین کنید.

أبو بکر گفت: داخل مسجد شده کنارش می نشینی، و چون من سلام نماز را دادم گردنش را می زنی.

گفت: بسیار خوب.

خبر این توطئه شوم به اسماء بنت عمیس که در آن روز همسر أبو بکر بود رسید، سریعاً به کنیزش گفت: به منزل حضرت علیّ و حضرت فاطمه علیهما السلام برو و سلام مرا به آن دو برسان و به علیّ بگو: جماعت قصد جان تو را کرده اند از شهر بیرون رو که من خیرخواه تو هستم.

حضرت امیر علیه السلام پس از استماع کلام به کنیز گفت: نزد مولای خود بازگشته و به او بگو: خداوند بین آنان و قصد شومشان حائل خواهد شد. سپس برخاست و آماده نماز شده و به مسجد رفت، و پشت ابو بکر به نماز ایستاد(۱)، خالد نیز مسلح کنار او به نماز ایستاد، وقتی ابو بکر برای تشهد نشست در فکر رفته و از این عمل پشیمان شده و از عواقب امر ترسیده و شدت و سختی علی را به خاطر آورد، و پیوسته در این افکار بود و جرأت سلام دادن را نداشت تا آنجا همه فکر کردند که او گرفتار سهو و خطا شده است.

ص: ۱۶۵

۱- - الإحتجاج ، ترجمه جعفری ؛ ج ۱ ، ص ۲۱۳: مترجم گوید: «با اینکه انجام چنین عملی از چنین افراد ظالمی دور از ذهن نیست، ولی تنها مطلبی که به نظر می رسد این است که آیا حضرت امیر علیه السلام در صفوف نماز جماعت آن هم پشت سر ابو بکر حاضر می شده یا نه، از شواهد تاریخی و روایی شیعه دوازده امامی نیک مشخص می شود که آن وجود نازنین پس از اتمام مسأله بیعت ابو بکر با آن وضعیتی که گذشت، بنا بر عهد معهودی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله دریافتی بود صبر اختیار نموده و جز در مسائل مهمّ امت اسلام؛ در کار حکومت دخالت نکرده و خلفای ثلاث را به رسمیت نشناخت»..

سپس رو به خالد کرده و گفت: ای خالد! آنچه را که گفتم انجام نده؛ و السّلام علیکم و رحمه اللّٰه و برکاته.

حضرت امیر علیه السلام رو به خالد کرده و فرمود: تو را به چه چیز امر کرده بود؟

گفت: به کشتن تو.

فرمود: آیا واقعا آن کار را می کردی؟

گفت: آری به خدا قسم! اگر کار را به بعد از سلام نماز موکول نکرده بود حتماً تو را می کشتم.

در این وقت حضرت امیر او را گرفته و نقش زمین ساخت، مردم دور او جمع شده و عمر گفت: به خدای کعبه که او را خواهد کشت!! مردم یکپارچه آن حضرت را قسم به خدا و پیامبر داده که او را رها سازد، او نیز خالد را رها نموده و عمر را گرفته و گلویش را فشار سختی داده و فرمود: ای پسر صُهاک، به خدا سوگند که

ص: ۱۶۶

اگر عهد و وصیت رسول خدا و تقدیر الهی نبود نیک در می یافتی که کدامیک از ما ضعیف تر و بی یاورتر است! سپس به منزل رفت. (۱)

ص: ۱۶۷

۱- - الإحتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۲۰؛ الإحتجاج، ج ۱، ص ۹۰. عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا بُوِيعَ أَبُو بَكْرٍ وَاسْتَقَامَ لَهُ الْأَمْرُ عَلَى جَمِيعِ الْمُهِاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ بَعَثَ إِلَى فِدْكَ مَنْ أَخْرَجَ وَكَيْلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ مِنْهَا- فَجَاءَتْ فَاطِمَةَ الرَّهَاءُ ۳ إِلَى أَبِي بَكْرٍ ثُمَّ قَالَتْ لِمَ تَمْنَعُنِي مِيرَاثِي مِنْ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخْرَجْتَ وَكَيْلِي مِنْ فِدْكَ وَقَدْ جَعَلَهَا لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى؟ فَقَالَ هَاتِي عَلَيَّ ذَلِكَ بِشُهُودٍ فَجَاءَتْ بِأُمَّ أَيْمَنَ فَقَالَتْ لَهُ أُمُّ أَيْمَنَ لَا أَشْهَدُ يَا أَبَا بَكْرٍ حَتَّى أَحْتَجِجَ عَلَيْكَ بِمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَشُدُكَ بِاللَّهِ أَ لَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أُمُّ أَيْمَنَ امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ فَقَالَ بَلَى قَالَتْ فَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآتِذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ فَجَعَلَ فِدَاكَ لَهَا طِعْمَةً بِأَمْرِ اللَّهِ فَجَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَهِدَ بِمِثْلِ ذَلِكَ فَكَتَبَ لَهَا كِتَابًا وَدَفَعَهُ إِلَيْهَا فَدَخَلَ عُمَرُ فَقَالَ مَا هَذَا الْكِتَابُ؟ فَقَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَدَّعَتْ فِي فِدْكَ وَشَهِدَتْ لَهَا أُمُّ أَيْمَنَ وَعَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَتَبْتُهَا لَهَا فَأَخَذَ عُمَرُ الْكِتَابَ مِنْ فَاطِمَةَ فَتَقَلَّ فِيهِ وَمَرَّقَهُ فَخَرَجَتْ فَاطِمَةَ ۳ تَبْكِي فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ جَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ وَحَوْلَهُ الْمُهِاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ لِمَ مَنَعْتَ فَاطِمَةَ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَلَكَتُهُ فِي حَيَاتِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ هَذَا فِيَّ لِلْمُسْلِمِينَ فَإِنْ أَقَامَتْ شُهُودًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ جَعَلَهَا لَهَا وَإِلَّا فَلَا حَقَّ لَهَا فِيهِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا بَكْرٍ تَحْكُمُ فِينَا بِخِلَافِ حُكْمِ اللَّهِ فِي الْمُسْلِمِينَ؟ قَالَ لَا قَالَ فَإِنْ كَانَ فِي يَدِ الْمُسْلِمِينَ شَيْءٌ يَمْلِكُونَهُ ثُمَّ أَدَّعَيْتَ أَنَا فِيهِ مَنْ تَسْأَلُ الْبَيْتَةَ؟ قَالَ إِيَّاكَ أَسْأَلُ الْبَيْتَةَ قَالَ فَمَا بَالُ فَاطِمَةَ سَأَلْتَهَا الْبَيْتَةَ عَلَيَّ مَا فِي يَدَيْهَا وَقَدْ مَلَكَتُهُ فِي حَيَاتِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَعْدَهُ وَلَمْ تَسْأَلِ الْمُسْلِمِينَ بَيْتَةَ عَلَيَّ مَا أَدَّعَوْهَا شُهُودًا كَمَا سَأَلْتَنِي عَلَيَّ مَا أَدَّعَيْتَ عَلَيْهِمْ فَسَيَكْتُ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ عُمَرُ يَا عَلِيُّ دَعْنَا مِنْ كَلَامِكَ فَإِنَّا لَا نَقْوَى عَلَيَّ حُجَّتِكَ فَإِنْ أَتَيْتَ بِشُهُودٍ عُذُولٍ وَإِلَّا فَهُوَ فِيَّ لِلْمُسْلِمِينَ لَا حَقَّ لَكَ وَلَا لِفَاطِمَةَ فِيهِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا بَكْرٍ تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ؟ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا فِيمَنْ نَزَلَتْ فِينَا أَمْ فِي غَيْرِنَا؟ قَالَ بَلْ فِيكُمْ قَالَ فَلَوْ أَنَّ شُهُودًا شَهِدُوا عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِفَاحِشَةٍ مَا كُنْتُ صَانِعًا بِهَا؟ قَالَ كُنْتُ أَقِيمُ عَلَيْهَا الْحَدَّ كَمَا أَقِيمُهُ عَلَى نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ- قَالَ إِذَنْ كُنْتُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَافِرِينَ قَالَ وَلِمَ؟ قَالَ لِأَنَّكَ رَدَدْتَ شَهَادَةَ اللَّهِ لَهَا بِالطَّهَارَةِ وَقَبِلْتَ شَهَادَةَ النَّاسِ عَلَيْهَا كَمَا رَدَدْتَ حُكْمَ اللَّهِ وَحُكْمَ رَسُولِهِ أَنْ جَعَلَ لَهَا فِدَاكَ قَدْ قَبَضْتَهُ فِي حَيَاتِهِ ثُمَّ قَبِلْتَ شَهَادَةَ أَعْرَابِيٍّ بِأَثْلِ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَخَذْتَ مِنْهَا فِدَاكَ وَزَعَمْتَ أَنَّهُ فِيَّ لِلْمُسْلِمِينَ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَيْتَةَ عَلَيَّ الْمُدَّعَى وَالْيَمِينُ عَلَيَّ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ فَزَدَدْتَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَيْتَةَ عَلَيَّ مِنَ الدُّعَى وَالْيَمِينُ عَلَيَّ مِنَ الدُّعَى قَالَ فَدَمَدَمَ النَّاسُ وَانْكُرُوا وَنَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَقَالُوا صَدَقَ وَاللَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ قَالَ ثُمَّ دَخَلْتُ فَاطِمَةَ الْمَسْجِدَ وَطَافْتُ بِقَبْرِ أَبِيهَا وَهِيَ تَقُولُ- قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَيْبَتُهُ لَوْ كُنْتُ شَاهِدًا لَمْ تَكُنْ خَيْرَ الْخَطْبِ إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدَ الْأَرْضُ وَإِبِلُهَا وَاخْتَلَّتْ قَوْمُكَ فَأَشْهَدُهُمْ وَلَا تَعْبُ قَدْ كَانَ جَبْرِيْلُ بِالْآيَاتِ يُؤَنِّسُنَا فَعَابَ عَنَّا فَكَلَّ الْخَيْرِ مُحْتَجِبٌ وَكُنْتُ بَدْرًا وَنُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ عَلَيْكَ تَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ تَهَضُّمُنَا رِجَالًا وَاسْتَحْفَ بِنَا إِذْ غَبَّتْ عَنَّا فَنَحْنُ الْيَوْمَ نُغْتَصَبُ فَسَوْفَ نَبْكِيكَ مَا عَشْنَا وَ مَا بَقِيَتْ مِنَّا الْعُيُونُ بِتَهْمَالٍ لَهَا سَكَبَ قَالَ فَرَجَعَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ إِلَى مَنْزِلِهِمَا- وَ بَعَثَ أَبُو بَكْرٍ إِلَى عُمَرَ فَدَعَاَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَمَا

رَأَيْتَ مَجْلِسَ عَلِيٍّ مَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَاللَّهِ لَئِنْ قَعِدَ مَقْعِدًا آخَرَ مِثْلَهُ لَيُفْسِدَنَّ عَلَيْنَا أَمْرًا فَمَا الرَّأْيُ؟ فَقَالَ عُمَرُ الرَّأْيُ أَنْ تَأْمُرَ بِقَتْلِهِ
قَالَ فَمَنْ يَقْتُلُهُ؟ قَالَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ فَبَعَثَا إِلَى خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ فَأَتَاهُمَا فَقَالَا نُرِيدُ أَنْ نَحْمِلَكَ عَلَى أَمْرٍ عَظِيمٍ قَالَ أَحْمِلَانِي عَلَى مَا
شِئْتُمَا وَ لَوْ عَلَى قَتْلِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - قَالَا فَهُوَ ذَلِكَ قَالَ خَالِدٌ مَتَى أَقْتُلُهُ؟ قَالَ أَبُو بَكْرٍ احْضُرِ الْمَسْجِدَ وَقُمْ بِجَنبِهِ فِي الصَّلَاةِ
فَإِذَا سَلِمْتُ فَقُمْ إِلَيْهِ وَ اضْرِبْ عُنُقَهُ قَالَ نَعَمْ فَسَمِعَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ وَ كَانَتْ تَحْتَ أَبِي بَكْرٍ فَقَالَتْ لِحَارِيتِهَا اذْهَبِي إِلَى مَنْزِلِ
عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ وَ أَقْرِبِيهِمَا السَّلَامَ وَ قُولِي لِعَلِيٍّ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجِي إِيَّيْ لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ فَجَاءَتْ
فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُولِي لَهَا إِنَّ اللَّهَ يُحَوِّلُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُونَ ثُمَّ قَامَ وَ تَهَيَّأَ لِلصَّلَاةِ وَ حَضَرَ الْمَسْجِدَ وَ صَلَّى خَلْفَ
أَبِي بَكْرٍ وَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ يُصَلِّي بِجَنبِهِ وَ مَعَهُ السَّيْفُ فَلَمَّا جَلَسَ أَبُو بَكْرٍ فِي التَّشَهُدِ نَدِمَ عَلَى مَا قَالَ وَ خَافَ الْفِتْنَةَ وَ عَرَفَ شِدَّةَ
عَلِيٍّ وَ بَأْسَهُ فَلَمْ يَزَلْ مُتَفَكِّرًا لَا يَجْسِرُ أَنْ يُسَلِّمَ حَتَّى ظَنَّ النَّاسُ أَنَّهُ قَدْ سَهَا - ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى خَالِدٍ فَقَالَ يَا خَالِدُ لَا تَفْعَلَنَّ مَا أَمَرْتُكَ
وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا خَالِدُ مَا الَّذِي أَمَرَكَ بِهِ؟ فَقَالَ أَمَرَنِي بِضَرْبِ عُنُقِكَ قَالَ
أَو كُنْتُ فَاعِلِمَا؟ قَالَ إِي وَ اللَّهُ لَوْ لَا أَنَّهُ قَالَ لِي لَا تَقْتُلُهُ قَبْلَ التَّسْلِيمِ لَقَتَلْتُكَ قَالَ فَأَخَذَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَلَمَدَ بِهِ الْأَرْضَ فَاجْتَمَعَ
النَّاسُ عَلَيْهِ فَقَالَ عُمَرُ يَقْتُلُهُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ فَقَالَ النَّاسُ يَا أَبَا الْحَسَنِ اللَّهُ اللَّهُ بِحَقِّ صَاحِبِ الْقَبْرِ فَخَلَّى عَنْهُ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى عُمَرَ فَأَخَذَ
بِتَلَابِيهِ وَ قَالَ يَا ابْنَ صِهْيَاكَ وَ اللَّهُ لَوْ لَا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ - لَعَلِمْتُ أَيُّنَا أَضْعَفُ نَاصِرًا وَ أَقْلُ عَدَدًا وَ دَخَلَ
مَنْزِلَهُ.

از حضرت صادق علیه السلام نقل است که فرمود: وقتی که امیر المؤمنین علیه السلام را از خانه بیرون کشیدند، در پی او حضرت زهرا علیها السلام بیرون آمد، و تمام زنان بنی هاشم با او همراه شده تا اینکه به نزدیکی قبر پدر خود رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید به جماعت داخل مسجد فرمودند: دست از سر پسر عمویم بردارید، که سوگند به آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله، پدرم را به درستی به رسالت مبعوث فرمود اگر او را رها نکنید موهابیم را پریشان می کنم و پیراهن پدرم را بر روی سر خواهم گذاشت، و خدا را به دادرسی و یاری خود طلب خواهم نمود، و در پیشگاه حق هرگز صالح نبی از پدرم و ناقه و بچه آن از من و فرزندانم گرامی تر و محبوب تر نبودند!!

سلمان گفت: من نزدیک آن حضرت بودم، و به خدا سوگند! پس از این سخنان متوجه شدم که دیوارها و ستون های مسجد به حرکت آمد، با دیدن این منظره خود را به آن صدیقه نزدیک تر ساخته و گفتم: ای بانو و سرور من، خداوند متعال پدر تو را به عنوان رحمت برای جهانیان مبعوث فرمود، شایسته نیست که شما خواستار عذاب

و نعمت امت باشی! پس از آن اوضاع به حال عادی بازگشت، و آن حضرت نیز به منزل خود مراجعت فرمود. (۱)

محور چهارم: جایگاه شیعیان آن حضرت و مقام و منزلت آنان در دنیا و آخرت

اشاره

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که بخواهد حیاتی چون حیات من و مردنی چون مردن من داشته باشد و در بهشت عدن که پروردگام با

اضطرار امیر مؤمنان علیه السلام:

از حضرت صادق علیه السلام نقل است که فرمود: وقتی که امیر المؤمنین علیه السلام را از خانه بیرون کشیدند، در پی او حضرت زهرا علیها السلام بیرون آمد، و تمام زنان بنی هاشم با او همراه شده تا اینکه به نزدیکی قبر پدر خود رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید به جماعت داخل مسجد فرمودند: دست از سر پسر عمویم بردارید، که سوگند به آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله، پدرم را به درستی به رسالت مبعوث فرمود اگر او را رها نکنید موهابیم را پریشان می کنم و پیراهن پدرم را بر روی سر خواهم گذاشت، و خدا را به دادرسی و یاری خود طلب خواهم نمود، و در پیشگاه حق هرگز صالح نبی از پدرم و ناقه و بیچه آن از من و فرزندانم گرامی تر و محبوب تر نبودند!!

سلمان گفت: من نزدیک آن حضرت بودم، و به خدا سوگند! پس از این سخنان متوجه شدم که دیوارها و ستون های مسجد به حرکت آمد، با دیدن این منظره خود را به آن صدیقه نزدیک تر ساخته و گفتم: ای بانو و سرور من، خداوند متعال پدر تو را به عنوان رحمت برای جهانیان مبعوث فرمود، شایسته نیست که شما خواستار عذاب و نعمت امت باشی! پس از آن اوضاع به حال عادی بازگشت، و آن حضرت نیز به منزل خود مراجعت فرمود. (۲)

محور چهارم: جایگاه شیعیان آن حضرت

و مقام و منزلت آنان در دنیا و آخرت

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که بخواهد حیاتی چون حیات من و مردنی چون مردن من داشته باشد و در بهشت عدن که پروردگام با دست خود کاشته است داخل شود، باید علی علیه السلام را ولی خود و دشمن او را دشمن خود قرار دهد و به اوصیای بعد از او اقتدا کند خدا علم و فهم مرا به آنان عطا کرده است. آنان عترت من و از گوشت و خون من هستند، از افرادی از امت خود که منکر فضل آنان هستند و رابطه مرا در آنان قطع می کنند به خدا شکایت می کنم به خدا قسم بعد از من پسر امام حسین علیه السلام را خواهند کشت خدا شفاعت مرا به آنان نرساند. (۳)

شفاعت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دوستداران حضرت علی علیه السلام:

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم گفتار پیغمبر را ۶۰ روز مشربه ام ابراهیم در باره علی علیه السلام از یاد بردند چنانچه گفتار

او را در روز غدیر خم از یاد بردند. رسول خدا با اصحاب خود در غرفه ام ابراهیم بود که حضرت علی علیه السلام تشریف آورد. مردم برای او جایی باز نکردند چون پیامبر صلی الله علیه و آله دید جا برای او باز نمی کنند فرمود:

ص: ۱۷۰

۱- - الإحتجاج ، ج ۱ ؛ ص ۲۰۲؛ الإحتجاج (للطبرسی) ، ج ۱ ؛ ص ۸۶.

۲- - الإحتجاج ، ج ۱ ؛ ص ۲۰۲؛ الإحتجاج (للطبرسی) ، ج ۱ ؛ ص ۸۶.

۳- - الإمامه و التبصره، علی بن بابویه، ص ۴۳. ... حَدَّثَنَا سَيِّدُ الْمَلَأَمِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ الْخُرَّاسَانِيُّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي، وَ يَمُوتَ مِيتَتِي، وَ يَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنٍ غَرَسَ بِهَا رَبِّي يَدِي، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ، وَ لِيَأْتِمَّ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ، أَعْطَاهُمُ اللَّهُ عِلْمِي وَ فَهْمِي، وَ هُمْ عِزَّتِي، مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي، إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ أُمَّتِي؛ الْمُنْكَرِينَ لِفَضْلِهِمْ، الْقَطَاعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي، وَ أَيُّمُ اللَّهُ لِيَقْتُلَنَّ ابْنِي بَعْدِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي .

ای گروه مردم! این خاندان منند که آنها را سبک می گیرید و هنوز من زنده ام و میان شما هستم آگاه باشید به خدا سوگند! اگر از شما پنهان شوم خدا از شما پنهان نیست.

به راستی روح و راحت و خوشی و بشارت از آن کسی است که به حضرت علی علیه السلام اقتداء کند و او را دوست دارد و تسلیم او و اوصیای از فرزندان او شود و بر من است که آنها را وارد شفاعت خود کنم زیرا پیروان منند و هر که مرا پیروی کند از من است. روشی است که از ابراهیم برای من مانده، زیرا من از ابراهیم هستم و ابراهیم از من است. فضل من فضل او است و فضل او فضل من است. و من از او افضلم به تصدیق قول خدا (آل عمران) «ذریه ای که برخی از برخی باشند و خدا شنوا و داناست».

پای رسول خدا صلی الله علیه و آله در مشربه ام ابراهیم زخم برداشت که به استخوان نرسید که مردم به عیادت او رفتند و
(۱)...

ص: ۱۷۱

۱- - الأمالی (للصدوق)، ترجمه کمره ای، ص ۱۱۱. حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ الْقِبْطِيِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَغْفَلَ النَّاسُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ مَشْرَبِهِ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ فِيهِ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ فِي مَشْرَبِهِ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ وَعِنْدَهُ أَصْحَابُهُ إِذْ جَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يُفْرِجُوا لَهُ فَلَمَّا رَأَوْهُمْ لَا يُفْرِجُونَ لَهُ قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا أَهْلُ بَيْتِي تَسْتَخْفُونَ بِهِمْ وَأَنَا حَتَّى بَيْنَ ظَهْرَانِكُمْ أَمَا وَاللَّهِ لَئِنْ غَبْتُ عَنْكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيبُ عَنْكُمْ إِنَّ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ وَالبِشْرَ وَالبِشْرَةَ لِمَنِ انْتَمَ بِعَلِيِّ وَتَوَلَّاهُ وَسَلِمَ لَهُ وَللأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُذْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي لِأَنَّهُمْ أَتْبَاعِي فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي سُنَّةَ جَرْتٍ فِيَّ مِنْ إِبْرَاهِيمَ لِأَنِّي مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَإِبْرَاهِيمُ مِنِّي وَفَضْلِي لَهُ فَضْلٌ وَفَضْلُهُ فَضْلِي وَأَنَا أَفْضَلُ مِنْهُ تَصَدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُ رَبِّي - ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَثِثَ رِجْلُهُ فِي مَشْرَبِهِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ حَتَّى عَادَهُ النَّاسُ. بشاره المصطفى، عماد الدين الطبري، ص ۲۰.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

ای علی! خداوند، دوستی و محبت بینویان و مستضعفان در زمین را به تو بخشیده است. من به برادری با آنها راضی شدم، چون آنها به امامت و پیشوایی تو خشنود شدند. پس خوشا به حال کسی که تو را دوست می دارد و تصدیقت می کند و وای بر کسی که با تو دشمن است و تکذیب می نماید.

ای علی! تو علم و نشانه این امت هستی. هر کس تو را دوست بدارد، رستگار می شود و هر کس نسبت به تو کینه ورزد، هلاک می گردد. ای علی! من شهر [علم] هستم و تو دروازه آن.

آیا جز از طریق دروازه به شهر وارد می شوند؟

ای علی! اهل مودت و دوستی تو، کسی است که بسیار بازگشت کننده [به درگاه الهی] و به شدت ننگه دارنده [نفس] است. لباس های کهنه و مندرس دارد. [در ظاهر فقیر و تهیدست است ولی] اگر خدا را [برای امری] سوگند دهد، خداوند سوگندش را می پذیرد [و خواسته اش را برآورده می کند].

ای علی! برادران تو همگی [از بدی ها] پاک و پاکیزه اند و اهل تلاش و کوشش، در کار خیرند. در راه تو دوست می دارند و در راه تو دشمنی می کنند. پیش مردم بی مقدارند، ولی نزد خداوند، منزلتی بزرگ دارند.

ای علی! دوستان تو، همسایگان خداوند در فردوس برین هستند بر آنچه از دنیا به جا گذاشته اند، افسوس نمی خورند.

ای علی! من دوست کسی هستم که تو او را دوست داری و دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی. هر کس تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس نسبت به تو کینه ورزد، نسبت به من کینه ورزیده.

ای علی! برادران تو [در اثر روزه، ذکر و دعا]، لب هایشان خشکیده است و زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا در چهره هایشان هویداست.

ای علی! برادران تو در سه جا شاد می شوند. هنگام جدا شدن روح از بدن هایشان و این در حالی است که من و تو، ناظر بر آنانیم، و هنگام سؤال و جواب در قبر و موقع عرضه اعمال و گذشتن از پل صراط [یعنی] وقتی که از سایر مردم در مورد ایمانشان سؤال می شود و قادر به جواب دادن نیستند.

ای علی! جنگ با تو، جنگ با من و صلح با تو، صلح با من است و جنگ با من، جنگ با خداست. هر کس با تو صلح و سازش نماید، با خدا صلح و سازش کرده.

ای علی! به برادرانت بشارت ده به اینکه خداوند از آنها راضی شد، زیرا به پیشوایی تو بر آنها رضایت داد و آنها نیز به ولایت تو راضی شدند.

ای علی! تو امیر مؤمنان و پیشوای دست و پا و پیشانی سفیدانی [کنایه از مواضعی که در سجده به زمین می خورد].

ای علی! شیعیان تو مسرور و شادمانند. اگر تو و شیعیانت نبودید، دینی برای خدا بر پا نمی شد و اگر شیعیان تو در زمین نبودند، آسمان بارانش را فرو نمی فرستاد.

ای علی! برای تو گنجی در بهشت است و تو ذو القرنین آن (صاحب سلطنت ظاهری و باطنی آن) هستی. شیعیان تو به حزب الله شناخته می شوند.

ای علی! تو و شیعیانت، قیام کننده به عدل و داد هستید و برگزیدگان از خلق خداید.

ای علی! من نخستین کسی هستم که از [قبر بیرون می آیم] و خاک از سرم پاک می کنم، در حالی که تو با من هستی، و سپس سایر خلق از قبرهایشان بیرون می آیند.

ای علی! تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر، هر کس را دوست داشته باشید، سیراب می کنید و دشمنانتان را باز می دارید. شما روز ترس بزرگ (قیامت) در سایه عرش در امانید. مردم می هراسند و شما نمی هراسید. مردم اندوهگین می شوند و شما اندوهناک نمی شوید. این آیه در باره شما نازل شده است: «به راستی کسانی که به توفیق ما در نیکی ها پیشی گرفتند، از آن (دوزخ) دورند و صدای آن را نمی شنوند و در آنچه نفس هایشان بخواهد (نعمت های بهشت) جاودانند. ترس بزرگ روز قیامت، آنها را اندوهگین نمی کند و فرشتگان با آنها ملاقات می کنند [و می گویند] این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود.»

ای علی! در جایگاه رسیدگی به [حساب و کتاب] به دنبال تو و شیعیانت می گردند و حال آن که شما در بهشت از نعمتهای الهی بهره مندید.

ای علی! فرشتگان و خزانه داران بهشت، مشتاق [دیدار] شما هستند و حاملان عرش و فرشتگان مقرب، به گونه ای ویژه، برای شما دعا می کنند و به سبب دوستی و محبت شما، از خدا [حاجت های خود را] درخواست می کنند و وقتی یکی از شیعیان تو [از دنیا می رود] و بر فرشتگان وارد می شود، آنگونه شاد و خوشحال می شوند، که اهل خانواده با آمدن مسافرشان که مدت های مدیدی از بین آنها رفته [و اکنون باز گشته]، شادمان می شوند.

ای علی! شیعیان تو کسانی هستند که در پنهان از خدا می ترسند و در پیدا برای خدا خیرخواهی می کنند.

ای علی! شیعیان تو کسانی هستند که در [کسب] درجات بهشت با یک دیگر رقابت دارند، زیرا آنها در حالی خدا را ملاقات می کنند که هیچ گناهی ندارند.

ای علی! در هر روز جمعه، اعمال شیعیانت بر من عرضه می شود. خبر کردار نیکشان، مرا خوشحال می کند و برای گناهانشان آمرزش می طلبم.

ای علی! [خداوند] تو و شیعیانت را قبل از آن که آفریده شوند، در تورات به تمام خوبی ها یاد کرده است تا «الیا» را [که از اسامی مبارک علی علیه السلام است] بزرگ شمارند و حال آن که شیعیان او را نمی شناسند، مگر همان اندازه که در کتاب هایشان آمده است.

ای علی! یاد یارانت، [توسط فرشتگان] در آسمان از یاد آنها [در زمین] توسط اهل زمین باشکوه تر است. خیر و خوبی برای شیعیان تو است، پس باید به این مژده خوشحال باشی و بر کوشش خویش بیفزایند.

ای علی! هنگامی که شیعیان تو به خواب می روند، ارواحشان به آسمان بالا می رود و به سبب مقام و منزلتی که در پیشگاه خدا دارند، فرشتگان مشتاقانه به آنها می نگرند، همان گونه که مردم به هلال ماه می نگرند.

ای علی! به یارانت که مقام تو را می شناسند، بگو: از رفتاری که دشمنانشان انجام می دهند پرهیز کنند، زیرا شبانه روز رحمت خداوند آنها را فرا می گیرد، پس باید از پلیدی دوری نمایند.

ای علی! خشم و غضب خداوند شدید باد بر کسی که با شیعیان تو دشمنی کند، از تو و شیعیانت بیزاری جوید، به جای تو و پیروانت، دیگران را به دل گیرد، به دشمنت بگراید و تو و پیروانت را واگذارد، گمراهی و ضلالت را برگزیند و بر ضد تو و شیعیانت علم جنگ برافزارد، نسبت به ما اهل بیت علیهم السلام و نسبت به هر کس که تو را دوست دارد و یاری می کند و بر دیگران بر می گزیند و جان و مالش را در راه ما (آل محمد صلی الله علیه و آله) می دهد، بغض و کینه ورزد.

ای علی! سلام مرا به شیعیانت برسان [همان کسانی که] نه من آنها را دیده ام و نه آنها مرا دیده اند و به آنها خبر بده که ایشان برادران منند و مشتاق دیدارشان هستم. پس باید علم و دانش مرا به آیندگان برسانند و به ریسمان الهی [ولایت علی علیه السلام] تمسک جویند و به آن چنگ زنند و در انجام [کارهای نیک] بکوشند، زیرا ما آنها را از راه هدایت به راه گمراهی و ضلالت بیرون نمی بریم.

همچنین به آنان خبر ده که خداوند از ایشان راضی و خرسند است و به [وجود] آنان بر فرشتگان مباحثات می کند و در روزهای جمعه، با نظر رحمت به آنها می نگرد و به فرشتگان فرمان می دهد که برای ایشان آمرزش بطلبند.

ای علی! روی برنتاب از یاری و نصرت گروهی که وقتی به آنها خبر می رسد و می شنوند که من تو را دوست می دارم، پس به خاطر محبت من نسبت به تو، تو را دوست می دارند و بدین وسیله دینداری خدای بزرگ را می نمایند و محبت قلبی و خالصانه خویش را به تو ارزانی می دارند و تو را بر پدران، برادران و فرزندان خویش برمی گزینند و راه تو را می روند و در راه دوستی و محبت ما سختی ها و ناگواری ها به آنها تحمیل می شود، ولی آنان جز نصرت و یاری ما و ایثار خونشان در راه ما [از هر کار دیگری] سر باز می زنند با وجود آزار و اذیت ها [بی که می کشند] و سخنان بد [ی که می شنوند] و رنج و مشقت هایی که از درد این

مصیبت می کشند. پس نسبت به آنها مهربان باش و به [دوستی] آنها قناعت کن؛ زیرا خداوند آنها را با علم و آگاهی اش، از بین مردم برگزیده، ایشان را از سرشت ما آفریده، اسرار ما را نزد آنها به ودیعه نهاده، شناخت حق ما را در قلبشان ثابت و استوار ساخته، سینه هایشان را فراخ نموده و آنها را متمسک به ریسمان ولایت ما قرار داده است. ایشان، مخالفین ما را علیه ما بر نمی گزینند، هر چند این گونه اعمال، باعث می شود منافع دنیا را از دست بدهند و پادشاهان به اذیت و آزار آنها متمایل شوند. خداوند آنها را تأیید فرماید و به راه هدایت واردشان کند. [همان راه هدایتی] که به آن چنگ زدند، در حالی که مردم در گمراهی بسر می بردند و در مسیر هواهای نفسانی حیران بودند و از دیدن راه [حق] و آنچه از نزد خدا آمده بود، کور بودند. پس مردم در خشم و ناخشنودی خداوند، صبح را به شب و شب را به روز می آورند و حال آن که شیعیان تو، در راه روشن حق و پایداری بر آن، ثابت و استوارند و به کسانی که با آنها مخالفند، انس نمی گیرند. دنیا از آن آنها نیست و آنها نیز از آن دنیا نیستند. اینان چراغ های [فروزان در] تاریکی اند، اینان چراغ های [فروزان در] تاریکی اند. (۱)

ص: ۱۷۵

۱- فضائل الشیعه، ترجمه توحیدی؛ بشاره المصطفی لشیعه المرتضی (ط - القدیمه)، ص ۱۸۲-۱۸۰. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ حَيْدَةَ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ السَّلَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ مِنْبَرِهِ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهَيَّكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ صَدَقَ عَلَيْكَ [بِكَ] وَ وَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَبَ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْعَلَمُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ أَحَبَّكَ فَازَ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ هَلَكَ يَا عَلِيُّ أَنَا الْمَدِينَةُ وَ أَنْتَ بَابُهَا وَ هَلْ تُؤْتِي الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا يَا عَلِيُّ أَهْلُ مَوَدَّتِكَ كُلُّ أَوَابٍ حَفِيظٍ وَ كُلُّ ذِي طِمْرٍ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَقَسِمَهُ يَا عَلِيُّ إِخْوَانُكَ كُلُّ طَاهِرٍ زَاكٍ مُجْتَهِدٍ عِنْدَ الْخَلْقِ عَظِيمِ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا عَلِيُّ مُجْبُوكَ جِيرَانَ اللَّهِ فِي دَارِ الْفِرْدَوْسِ لَا يَأْسِفُونَ عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا يَا عَلِيُّ أَنَا وَلِيُّ لِمَنْ وَالَيْتَ وَ أَنَا عِدُوٌّ لِمَنْ عَادَيْتَ يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي يَا عَلِيُّ إِخْوَانُكَ الذُّبُلُ الشُّفَاهُ تُعْرِفُ الرَّهْبَانِيَّةَ فِي وُجُوهِهِمْ يَا عَلِيُّ إِخْوَانُكَ يَفْرَحُونَ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ عِنْدَ خُرُوجِ أَنْفُسِهِمْ وَ أَنَا شَاهِدُهُمْ وَ أَنْتَ وَ عِنْدَ الْمُسَاءِ لَهُ فِي قُبُورِهِمْ وَ عِنْدَ الْعَرْضِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ إِذَا سُرِّئَ الْخَلْقُ عَنْ إِيْمَانِهِمْ فَلَمْ يُجِيبُوا يَا عَلِيُّ حَزْبُكَ حَزْبِي وَ سَلِمَكَ سَلِمِي وَ حَزْبِي حَزْبُ اللَّهِ وَ سَلِمِي سَلِمَ اللَّهُ وَ مَنِ سَأَلِيكَ فَقَدْ سَأَلَ الْمَنِيَّ وَ مَنِ سَأَلَ الْمَنِيَّ فَقَدْ سَأَلَ الْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا عَلِيُّ بَشْرُ إِخْوَانِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ رَضِيَ عَنْهُمْ إِذْ رَضِيَكَ لَهُمْ قَائِدًا وَ رَضُوا بِكَ وَ لِيَا يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ يَا عَلِيُّ شَيْعَتُكَ الْمُتَتَجِبُونَ وَ لَوْ لَمَا أَنْتَ وَ شَيْعَتُكَ مَا قَامَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ دِينَ وَ لَوْ لَمَا مِنْ فِي الْأَرْضِ مِنْكُمْ لَمَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا يَا عَلِيُّ لَكَ كَنْزٌ فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ ذُو قَوْزِيهَا شَيْعَتُكَ تُعْرِفُ بِحَزْبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شَيْعَتُكَ الْقَائِمُونَ بِالْقِسْطِ وَ خَيْرُهُ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا عَلِيُّ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ التُّرَابَ عَنْ رَأْسِهِ وَ أَنْتَ مَعِيَ ثُمَّ سَائِرُ الْخَلْقِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شَيْعَتُكَ عَلَى الْحَوْضِ تَسْقُونَ مِنْ أَحْبَبْتُمْ وَ تَمْنَعُونَ مِنْ كَرِهْتُمْ وَ أَنْتُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَفْرَحُ النَّاسُ وَ لَا تَفْرَعُونَ وَ يَحْزَنُ النَّاسُ وَ لَا تَحْزَنُونَ فِيكُمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ وَ فِيكُمْ نَزَلَتْ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَجُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شَيْعَتُكَ تُطَلَّبُونَ فِي الْمَوْقِفِ وَ أَنْتُمْ فِي الْجَنَانِ تَتَعَمَّوْنَ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ وَ الْخَزَانَ يَسْتَأْفُونَ إِلَيْكُمْ وَ إِنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ الْمَلَائِكَةَ الْمُقْرَبِينَ لِيَخُصُّوْكُمْ بِالْدُّعَاءِ وَ يَسْأَلُونَ اللَّهَ

لِمُحِبِّكُمْ وَيَفْرَحُونَ بِمَنْ قَدِمَ عَلَيْهِمْ مِنْكُمْ كَمَا يَفْرَحُ الْأَهْلُ بِالْغَائِبِ الْقَادِمِ بَعْدَ طَوْلِ الْغَيْبِ يَا عَلِيُّ شَيْعَتِكَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ فِي السِّرِّ وَيَنْصِبُ حُوقَهُ فِي الْعَلَانِيَةِ يَا عَلِيُّ شَيْعَتِكَ الَّذِينَ يَتَنَافَسُونَ فِي الدَّرَجَاتِ لِأَنَّهُمْ يَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا عَلَيْهِمْ ذَنْبٌ يَا عَلِيُّ إِنَّ أَعْمَالَ شَيْعَتِكَ سَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَأَفْرَحُ بِصَالِحِ مَا يَبْلُغُنِي مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَ أَسْتَغْفِرُ لِسَيِّئَاتِهِمْ يَا عَلِيُّ ذِكْرَكَ فِي التَّوْرَةِ وَ ذِكْرُ شَيْعَتِكَ قَبْلَ أَنْ يُخْلَقُوا بِكُلِّ خَيْرٍ وَ كَذَلِكَ فِي الْإِنْجِيلِ فَسَلِّ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ وَ أَهْلَ الْكِتَابِ عَنِ الْإِيَّا يُخْبِرُونَكَ مَعَ عِلْمِكَ بِالتَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ وَ إِنَّ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ لَيَتَعَاطَمُونَ إِلَيَّا وَ مَا يَعْرِفُونَهُ وَ مَا يَعْرِفُونَ شَيْعَتَهُ وَ إِنَّمَا يَعْرِفُونَهُمْ بِمَا يُحَدِّثُونَهُمْ فِي كُتُبِهِمْ يَا عَلِيُّ إِنَّ أَصْحَابَكَ ذَكَرَهُمْ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ وَ أَعْظَمُ مِنْ ذِكْرِ أَهْلِ الْأَرْضِ لَهُمْ بِالْخَيْرِ فَلْيَفْرَحُوا بِذَلِكَ وَ لِيَزِدَادُوا اجْتِهَادًا يَا عَلِيُّ إِنَّ أَرْوَاحَ شَيْعَتِكَ لَتَصْهَرُ عَدُوًّا إِلَى السَّمَاءِ فِي رُقَادِهِمْ وَ وَفَاتِهِمْ فَتَنْظُرُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهَا كَمَا يَنْظُرُ النَّاسُ إِلَى الْهَالِكِ شَوْقًا إِلَيْهِمْ وَ لِمَا يَرَوْنَ مِنْ مَنَزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا عَلِيُّ قُلْ لِأَصْحَابِكَ الْعَارِفِينَ بِكَ يَنْزَهُونَ عَنِ الْأَعْمَالِ الَّتِي يُقَارِفُهَا عِدَاؤُهُمْ فَمَا مِنْ يَوْمٍ وَ لَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تَغْشَاهُمْ فَلْيَجْتَنِبُوا الدَّنَسَ يَا عَلِيُّ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ مِنْ قَلَاهُمْ وَ بَرِيءٌ مِنْكُمْ وَ مِنْهُمْ وَ اسْتَبَدَلَ بِكَ وَ بِهِمْ وَ مَالَ إِلَى عَدُوِّكَ وَ تَرَكَكَ وَ شَيْعَتَكَ وَ اخْتَارَ الضَّلَالَ وَ نَصَبَ لَكَ وَ لَشَيْعَتِكَ وَ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَبْغَضَ مَنْ وَالَاكَ وَ نَصَرَكَ وَ اخْتَارَكَ وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ وَ مَالَهُ فِينَا يَا عَلِيُّ أَقْرَبُهُمْ مِنِّي السَّلَامَ مَنْ رَأَى مِنْهُمْ وَ مَنْ لَمْ يَرِنِي وَ أَعْلَمَهُمْ أَنَّهُمْ إِخْوَانِي الَّذِينَ أَشْتَأَقُ إِلَيْهِمْ فَلْيَلْقُوا عَمَلِي إِلَى مَنْ يَبْلُغُ الْقُرُونَ بَعِيدِي وَ لِيَتَمَسَّكُوا بِحَبْلِ اللَّهِ وَ لِيُعْتَصِمُوا بِهِ وَ لِيَجْتَهِدُوا فِي الْعَمَلِ فَإِنَّا لَا نُخْرِجُهُمْ مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالَةٍ وَ أَخْبِرُهُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَاضٍ عَنْهُمْ وَ أَنَّهُ يُبَاهِي بِهِمْ مَلَائِكَتَهُ وَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِرَحْمَتِهِ وَ يَأْمُرُ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ يَا عَلِيُّ لَا تَزْعَبْ عَنْ نَصْرِهِ قَوْمٌ يَبْلُغُهُمْ أَوْ يَسْتَمْعُونَ أَنِّي أُحِبُّكَ فَأَحْبُبُوكَ لِحُبِّي إِيَّاكَ وَ دَانُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ وَ أَعْطَوْكَ صَفْوَةَ الْمَوَدَّةِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ اخْتَارُوكَ عَلَى الْأَبَاءِ وَ الْإِخْوَةِ وَ الْأَوْلَادِ وَ سَلَكُوا طَرِيقَكَ وَ قَدِّحُوا عَلَى الْمَكَارِهِ فِينَا فَأَبَوْا إِلَّا نَصْرَنَا وَ بَدَلَ الْمُهْجِ فِينَا مَعَ الْأَذَى وَ سُوءِ الْقَوْلِ وَ مَا يُفَاسِقُونَهُ مِنْ مَضَاهِ ذَلِكَ فَكُنْ بِهِمْ رَحِيمًا وَ اقْنَعْ بِهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اخْتَارَهُمْ بِعِلْمِهِ لَنَا مِنْ بَيْنِ الْخَلْقِ وَ خَلَقَهُمْ مِنْ طِينَتِنَا وَ اسْتَوْدَعَهُمْ سِرَّنَا وَ أَلَزَمَ قُلُوبَهُمْ مَعْرِفَةَ حَقِّنَا وَ شَرَحَ صُدُورَهُمْ مُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا لَا يُؤْثِرُونَ عَلَيْنَا مَنْ خَالَفَنَا مَعَ مَا يَزُولُ مِنَ الدُّنْيَا عَنْهُمْ أَيَّدَهُمُ اللَّهُ وَ سَلَّمَكَ بِهِمْ طَرِيقَ الْهُدَى فَاعْتَصِمُوا بِهِ وَ النَّاسُ فِي عَمَةِ الضَّلَالِ مُتَحَيِّرُونَ فِي الْأَهْوَاءِ عَمُوا عَنِ الْحُجَّةِ وَ مَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهُمْ يُضْبِحُونَ وَ يُمْسُونَ فِي سَخَطِ اللَّهِ وَ شَيْعَتِكَ عَلَى مِنْهَاجِ الْحَقِّ وَ الْإِسْتِقَامَةِ لَا يَسْتَأْنِسُونَ إِلَى مَنْ خَالَفَهُمْ وَ لَيْسَتْ الدُّنْيَا مِنْهُمْ وَ لَيْسُوا مِنْهَا أَوْلِيَّكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى.

مرگ جاهلیت در انتظار کسی که امام ندارد:

امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت و کفر و شرک و گمراهی از دنیا رفته است. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند هیچ پیامبری را از دنیا نبرد مگر آنکه به او دستور داد تا به برترین فرد از خاندان خویش وصیت کند و مرا دستور داد تا وصیت کنم. پرسیدم: پروردگارا به چه کسی وصیت کنم؟

فرمود: ای محمد! به پسر عمویت علی بن ابیطالب علیه السلام وصیت کن؛ زیرا من در کتاب های گذشته نام وی را ثبت کرده و در آنها نوشته ام که او وصی توست و بر همین اساس میثاق خلافت و پیامبران و رسولان را گرفته ام، از آنان برای خویش به ربوبیت، برای تو ای محمد به پیامبری و برای علی بن ابیطالب علیه السلام به وصایت پیمان گرفته ام. (۲)

امام برترین شخص امت است:

مقرن می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: ابن کواء حضور امیر المؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین! «بر اعراف مردانی باشند که هر کس را از رخساره بشناسند» (۳)

ص: ۱۷۸

۱- - الإمامه و التبصره، علی بن بابویه، ص ۸۳. عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ أَبِي سَعِيدٍ الْمَكَارِيِّ، عَنِ عَمَّارٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ، مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ كُفْرٍ وَ شُرْكٍَ وَ ضَلَالٍ.

۲- - بشاره المصطفى، ص ۳۹. ... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَيْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَا قَبِضَ اللَّهُ نَبِيًّا حَتَّى أَمَرَهُ أَنْ يُوصِيَ إِلَى أَفْضَلِ عَشْرَتِهِ مِنْ عَضِيَّتِهِ وَ أَمَرَنِي أَنْ أُوصِيَ إِلَى مَنْ يَا رَبِّ؟ فَقَالَ أَوْصِ يَا مُحَمَّدُ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنِّي قَدْ أَتَيْتُهُ فِي الْكُتُبِ السَّابِقَةِ وَ كَتَبْتُ فِيهَا أَنَّهُ وَصِيُّكَ وَ عَلِيٌّ هَذَا أَخَذْتُ مِيثَاقَ الْخَلَائِقِ وَ مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِي وَ رُسُلِي أَخَذْتُ مَوَاقِفَهُمْ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لَكَ يَا مُحَمَّدُ بِالنُّبُوَّةِ وَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِالْوَصِيَّةِ.

۳- - اعراف / ۴۶.

فرمود: ما اعراف هستیم و یاوران خود را از رخساره آنها بشناسیم، ما اعراف هستیم همان که خدا عز و جل شناخته نشود جز از راه شناختن ما. ما اعراف هستیم ، روز قیامت بر صراط خدای عز و جل ما را معرف قرار خواهد داد، به بهشت نرود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم و به دوزخ نرود مگر کسی که ما او را نشناسیم و او هم ما را نشناسد، به راستی خدا تبارک و تعالی اگر می خواست بی واسطه خود را به بندگان می شناساند ولی ما را درگاه و صراط و راه خود مقرر کرده و وجه وجهتی که از آن باید وارد شد، قرار داده است. هر که از ولایت ما رو برتابد یا دیگری را بر ما برتری دهد محققاً آنها از صراط با سر (در آتش جهنم) می افتند، (مسلماً اهل بیت) برابر نیستند با کسانی که مردم به آنان تمسک کرده اند ، حتما این دو برابر نیستند!!

مردم به چشمه های تیره و آلوده ای وارد شده اند که آب های آلوده را در هم می ریزند و کسانی که نزد ما آمده اند وارد چشمه های زلالی شده اند که به امر پروردگارشان روانند و تمام شدن و انقطاع ندارند.(۱)

ص: ۱۷۹

۱- - أصول الكافي ، ترجمه كمره ای ، ج ۲ ؛ ص ۶۹ با دخل و تصرف ناقل؛ كافي (ط - دار الحديث) ، ج ۱ ، ص ۴۵۱ .
 الْحَسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهِورٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَقِيدٍ، عَنْ مُقَرِّنٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «جَاءَ ابْنُ الْكَوَّاءِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسَيِّمَاهُمْ»؟ فَقَالَ: نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسَيِّمَاهُمْ؛ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّتِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - إِلَّا بِسَبِيلٍ مَعْرِفَتِنَا؛ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ؛ فَلَمَّا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفْنَا وَعَرَفْنَا؛ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرْنَا وَ أَنْكَرْنَا؛ إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - لَوْ شَاءَ، لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ، وَ لَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ الْوَجْهَ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَ لَائَتِنَا، أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِوْنَ، فَلَا سَوَاءَ مِنْ اعْتَصَمَ النَّاسُ بِهِ، وَ لَأَسْوَأَ حَيْثُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونٍ كَدِرَةٍ يَفْرُغُ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ، وَ ذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا إِلَى عُيُونٍ صَافِيَةٍ تَجْرِي بِأَمْرِ رَبِّهَا، لَأَنْفَادَ لَهَا وَ لَأَنْقِطَاعَ»..

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ترجمه جعفری، تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ش،

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، ترجمه کمره ای، تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.

بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال الإمام علی بن أبی طالب علیهما السلام، ایران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۲ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی، فضائل الشیعه، ترجمه توحیدی، تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۰ ش.

طبری آملی، عماد الدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی (ط - القدیمة)، نجف، چاپ: دوم، ۱۳۸۳ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه کمره ای - ایران؛ قم، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ ق.

به قلم : حجت الاسلام و المسلمین علی ویسی

مقدمه

به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطالبی در مورد آن بزرگوار از منظر امام موسی بن جعفر علیه السلام

به رشته تحریر در می آوریم.

در سال های اخیر، آثار و کتاب های ارزشمندی توسط نویسندگان و محققان درباره زندگی پیشوایان معصوم : به زبان فارسی منتشر شده که به حق مفید و قابل تقدیر است. اما هر یک از این آثار هدف خاصی را تعقیب کرده، یا به شیوه خاصی تدوین شده، مطالبی که در ضمن احادیث از زبان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد امام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده به تعدادی از آنها می پردازیم. روایاتی که محدثین نقل نموده اند به روشنی استفاده می شود که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از دوازده جانشین خود خبر داده و عزت اسلام به این دوازده جانشین بستگی دارد. پس از عصر خلافت خلفای چهارگانه خلافت اموی ها آغاز شد و هیچ تاریخ نگار مطلع و منطقی نمی تواند معاویه و فرزند او یزید و مروان بن حکم را جز دوازده خلیفه معرفی کند که مایه عزت و عظمت اسلام می باشند.

پس از سپری شدن دوران اموی ها، عصر سیاه بنی عباس آغاز شد که آن نیز به نوبه خویش جنگ ها و خونریزی ها و آدم کشی های فراوانی را به دنبال داشت بنابراین خلفای عباسی را نیز هرگز نمی توان مصداق واقعی این دوازده خلیفه پیامبر باشند. در این میان تنها گروهی که می تواند، به تصدیق دوست و دشمن مصداق واقعی این دوازده خلیفه باشد، همان دوازده پیشوای معصوم: جهان شیعیه است که نام و خصوصیات و شیوه زندگی آنان و نیز وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ایشان در کتب تاریخ و حدیث به صورت متواتر ضبط شده است.

اما چند حدیث از زبان امام موسی بن جعفر علیه السلام دربارهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام را شروع می‌کنیم با مقداری توضیح مطالب ان شاء الله تعالی. علی ویسی

۲۲ ذی الحجه ۱۴۴۰ قمری مصادف با اول شهریور ۱۳۹۸ ش.

نور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

صحبت از نور که می‌شود بلافاصله نور در آیه: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» به ذهن متبادر می‌شود که در سوره نور آمده است که نور خدا همان انوار مقدسه چهارده معصوم: است.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی می‌فرماید «... فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ مُحَمَّدًا مِنْهُ قَسَمَ ذَلِكَ النُّورَ شَطْرَيْنِ فَخَلَقَ مِنَ الشَّطْرِ الْأَوَّلِ مُحَمَّدًا وَمِنَ الشَّطْرِ الْآخِرِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ؛ ... زمانی که خداوند اراده کرد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بیافریند آن نور را دو قسم کرد یکی قسم از آن را، حضرت محمد صلی الله علیه و آله آفرید و قسم دیگر را حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام خلق کرد و غیر از آن دو بزرگوار کس دیگری را خلق نکرد.»^(۱)

همان نوری که تجلی شد برای حضرت موسی علیه السلام در طور سینا و طاقت نیاورد تا این که به زمین افتاد و صیحه زد و غش کرد.

از این حدیث و احادیث دیگر استفاده می‌شود که نور آسمان ها و زمین، ماه و خورشید و تمام مخلوقات عالم همه برگرفته شده از نور پیغمبر و آل پیغمبر: است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن

بنابر آموزه های دینی که به دست ما رسیده است در بعضی از آنها کل قرآن علی علیه السلام است در بعضی نصف قرآن و در بعضی یک دوم قرآن که بنا بر حدیث ابن عباس نقل شده اما آیاتی واضح و روشن هست که شأن نزول آنها یا خود آنها حکایت می‌کند از

ص: ۱۸۲

عظمت و فضیلت مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام امام موسی بن جعفر علیه السلام که خود فرزند آن بزرگوارند در حدیثی نورانی می فرمایند:

این آیات در شأن امیرالمؤمنین و فرزندانشان: نازل شده است. (۱)

«إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ- وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ- وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ- وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ- أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ؛ يقيناً آنان که از بیم پروردگارشان هراسان و نگرانند و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند و آنان که به پروردگارشان شرک نمی ورزند و آنان که آنچه را از زکات و دیگران انفاقات (در راه خدا) می پردازند و در حالی که دل هایشان از اینکه به سوی پروردگارشان (برای محاسبه دقیق) باز می گردند، ترسان است. اینانند که در کارهای خیری می شتابند و از (انجام دادن) آن (از دیگران) سبقت می گیرند.» (۲)

جالب توجه این که این آیاتی که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در شأن امیرالمؤمنین و فرزندانشان: ذکر فرمودند در سوره مؤمنون می باشد همان سوره ای که وقتی امام علی بن ابیطالب علیه السلام به دنیا آمدند آیات اول آن را در دامن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قرائت کردند.

فضائل و مناقب اصحاب کسا :

روایات متعددی در باره اصحاب کسا وجود دارد مثل خود حدیث شریف کسا، چنان که در روایات دیگری در مورد پنج تن مقدس آمده از باب نمونه:

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ : قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلِيَّ بَابَهَا مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلِيُّ اللَّهِ فَاطِمَةُ

ص: ۱۸۳

۱- - بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۲۴، ح ۱۱.

۲- - المؤمنون / ۵۷- ۶۱.

أَمَّهُ اللَّهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَيِّفُوهُ اللَّهُ عَلَى مُبَغِضَتِهِمْ لَعْنَهُ اللَّهُ؛ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدرشان امام صادق از پدرشان امام باقر و از پدرشان امام حسین: می فرمایند: که همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین علیه السلام را گرفت و فرمود: وارد بهشت شدم دیدم بر در بهشت با طلا نوشته است که خدایی که خدای یگانه است محمد صلی الله علیه و آله دوست خداست و علی بن ابیطالب علیه السلام ولی خداست و فاطمه علیها السلام هم (کنیز) و ولیه الله است و حسن و حسین علیه السلام برگزیده خدایند بر دشمنانشان لعنت خدا باد. (۱)

احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام و مظلومیت آن حضرت

از احتجاجات مولا علی علیه السلام چند نکته می شود بیان کرد:

اولاً: در جاهای مختلف از جمله کوفه مشغول خواندن خطبه بودند که اولویت دادن خودشان را از تمام مردم بعد پیغمبر صلی الله علیه و آله مطرح کردند.

ثانیاً: بعد از شهادت پیغمبر صلی الله علیه و آله مورد ظلم واقع شدند. چنانچه امام کاظم علیه السلام ذیل حدیثی می فرماید که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «إِنِّي لَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ وَ مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُنْذُ قَبَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله» (۲)

ثالثاً: افرادی معاند مثل اشعث بن قیس به قول حضرت که به او فرمودند: شرابخوار در حین خطبه هم زخم زبان می زدند و به اصطلاح دل حضرت را خون می کردند.

رابعاً: حضرت سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در مورد خودشان و حوادثی که رخ می دهد از قبیل مظلومیت، شهادت، فضیلت و دستور سکوت کردن در مقابل اینها بیان فرمودند.

خامساً: کمی افراد و نداشتن یار و یاور جز اندکی از قبیل سلمان، عمار، ابوذر، مقداد که دعوت حضرت را اجابت کردند که امام موسی بن جعفر علیه السلام در قسمت دیگری از

ص: ۱۸۴

۱- بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۹۸، ح ۶۴.

۲- همان، ج ۲۹، ص ۴۱۹.

حدیثان می فرمایند: ... فَلَمَّا تُوفِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اشْتَعَلَتْ بِدَفْنِهِ وَالفَرَاغِ مِنْ شَأْنِهِ ... فَمَا أَجَانِبِي مِنْهُمْ إِلَّا أَرْبَعَهُ رَهْطٍ مِنْهُمْ سَلْمَانُ وَ عَمَّارٌ وَ المِقْدَادُ وَ أَبُو ذَرٍّ ؛ ... ».

سادساً: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در قمستی از خطبه می فرمایند: « ... سوگند به آن که محمد صلی الله علیه و آله را به حق مبعوث ساخت اگر در روز بیعت ابوبکر تنها مرا چهل یار و همراه بود هر آینه به جنگ بر می خواستم و در راه خدا جهاد می کردم، تا اینکه عذر من در مقابل حقیقت روشن گردد. » (۱)

لزوم تبری جستن از کسانی که در حق اهل بیت علیهم السلام ظلم کردند

قرآن در مواردی از آیاتش در مورد کسانی که به اهل ایمان و مؤمنین و بالاتر از آنها در مورد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و همسرشان حضرت زهرا علیها السلام ظلم و ستیز روا کردند را مورد لعن و نفرین قرار داده است و روایات هم در این زمینه به حد تواتر رسیده است. آقا موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی ذیل آیات شریفه ۱۴ و ۱۵ سوره مبارکه بقره می فرمایند: «... آنها ناکثین برای بیعت حضرت علی علیه السلام هستند که توطئه می کنند بر مخالفت علی علیه السلام و امر امامت را از او دفع کردند. و اما اهل ایمان می گویند ما به شما ایمان داریم که سلمان و مقداد و اباذر باشند می گویند ما به محمد صلی الله علیه و آله ایمان داریم و با حضرت علی علیه السلام بیعت می کنیم.» (۲)

۱- اهل تابوت در آتش جهنم چه کسانی هستند؟

۲- گوساله سامری به منزله چه کسانی هستند؟

۳- چه کسانی مردم را مسیحی و یهودی و مجوسی کردند؟

۴- چه کسانی هستند که خداوند به آنها نگاه نکند و پاکشان نکرده و عذابی سخت در انتظار آنها باشد؟

ص: ۱۸۵

۱- بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۲، باب ۱۳، ح ۲؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲- سوره بقره/ ۱۴-۱۵؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ تأویل الآیات، ج ۱، ص ۴۰، ح ۱۱؛ بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۴۷، ح ۳۶؛ و ج ۳۰، باب ۲۰، ص ۱۲۱؛ البرهان، ج ۱، ص ۶۲، ح ۱.

(۵) - وادی سقر کجاست؟

(۶) - هفت نفر در هفت صندوق در دوزخ هستند آنها چه کسانی هستند؟

جواب این سئوالات در حدیثی طولانی از امام موسی بن جعفر علیه السلام داده شده است.

اسحاق بن عمار صیرفی گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم درباره آن دو نفر برایم سخنی بفرما، از پدر شما درباره آن دو نفر سخنی شنیده ام.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: ای اسحاق! اولی به منزله کوساله و دومی به منزله سامری است. (جواب سؤال ۲) عرض کردم: فدایت شوم بر این سخنان بیفزای. فرمود: «هما والله نصوا و هولاء و محبنا فلا غفر الله ذلك لهما؛ به خدا سوگند آن دو نفر مردم را مسیحی و یهودی و مجوسی کردند. خداوند این کار آنان را نبخشاید.» (جواب سؤال ۳) عرض کردم: فدایت شوم بر این سخنان بیفزای.

فرمود: سه نفر باشند که خداوند بر آنان ننگرد و پاکشان نگرداند و آنان را عذابی سخت باشد.

عرض کردم: فدایت شوم! آنان چه کسانی هستند؟

فرمودند: قَالَ: رَجُلٌ ادَّعَى إِمَامًا مِنْ غَيْرِ اللَّهِ، وَ آخَرُ طَعَنَ فِي إِمَامٍ مِنَ اللَّهِ، وَ آخَرُ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصَبًا؛ مردی که ادعای امامت کند و از سوی خدا نباشد، و دیگری کسی که بر امام از سوی خدا سخنی ناروا نسبت دهد و دیگری کسی است که پندارد آن دو نفر بهره ای از اسلام دارند. (جواب سؤال چهار).

عرض کردم: فدایت شوم بر این سخنان بیفزای.

فرمود: ای اسحاق! همانا در جهنم وادی باشد که آن را «سقر» گویند که در آن هنگام خدا آن را آفرید هُرْم شراره اش را پس نداده است. (جواب سؤال پنجم) اگر خدا اجازه دهد که هُرْم شراره اش را به اندازه سوراخ سوزنی پس دهد بی تردید هر آن کس که بر روی زمین است بسوزاند و همانا دوزخیان از حرارت و بوی گند و چرک و عذاب های آن وادی را که خداوند برای اهل آن آماده نموده پناهی جویند و بی گمان در آن وادی کوهی است که همه اهل آن از حرارت و بوی گند

و چرک و عذاب های آن کوه که خداوند برای اهل آنجا آماده ساخته پناهنده جویند و بی تردید در آن کوه درّه ای که همه اهل آن از حرارت و بوی گند و چرک و عذاب های آن درّه که خداوند برای اهل آنجا فراهم آورده پناهی جویند و همانا در آن دره چاهی است که همه اهل آن دره از حرارت و بوی گند و چرک و عذاب های آن چاه پناه خواهند و به راستی در آن چاه ماری است که همه اهل آن چاه از پلیدی و بوی گند و چرک و عذاب های آن مار که خدای گرامی و بزرگ در نیش زهر آگینش برای اهل آنجا فراهم آورده پناه می جویند و بی گمان در شکم آن مار (جواب سؤال شش) هفت صندوق است که پنج نفر از امت های پیشین و دو نفر از این امت در آن صندوق ها هستند.

عرض کردم: فدایت شوم آن پنج نفر چه کسانی هستند؟

فرمود: اما پنج نفر، قایل که هایل را کشت، نمرود که حضرت ابراهیم علیه السلام درباره پروردگارش محاجه و مجادله نمود و گفت که «انا احیی و امیت» من زنده می کنم و می میرانم، فرعون که گفت: «انا ربکم الاعلی» من پروردگار بلند مرتبه شمایم، یهودا که گروهی را یهودی کرد و بُؤُس که گروهی را مسیحی کرد و از این امت دو نفر بیابان نشین . وَیَنْ هَذِهِ الْأُمَّةَ اَعْرَابِیَانِ. (۱)

فضائل و مناقب امام علی علیه السلام

فضیلت های امیرالمؤمنین علیه السلام آن قدر زیاد است که به قول پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر جن و انس نویسنده شوند و آسمان و زمین کاغذ شوند و تمام درخت ها قلم شود و تمام دریاها مرکب شوند نمی توانند فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام را بنویسند. لذا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران بزرگوارشان از امام امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که ایشان در مسجد قبا بودند و نزد ایشان یک نفر از اصحابشان بود چون که مرا دید صورتش شاداب شد (باز شد) و تبسمی کرد تا این که من

ص: ۱۸۷

۱- - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۴۹۴، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۳۰، باب آخر ۲۱، ص ۲۳۶، ح ۴.

دندان های سفید ایشان را دیدم که برق می زد، سپس فرمود: به سوی من بیا ای علی! به سوی من بیا ای علی! پس من تا دستم به دستش چسبید پس رو به اصحاب کرد و فرمود: ای اصحاب من! روی به سوی او آورد و نزدیک شوم رو آوردنی همراه با رحمت به وسیله علی علیه السلام برادرم به سوی شما. ای اصحاب من! علی علیه السلام از من است و من از علیم.

«مَعَاشِرَ أَصْحَابِي أَقْبَلْتُ إِلَيْكُمْ الرَّحْمَةَ بِإِقْبَالِ عَلِيٍّ أَخِي إِلَيْكُمْ مَعَاشِرَ أَصْحَابِي إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ رُوحُهُ مِنْ رُوحِي وَ طِينَتُهُ مِنْ طِينَتِي وَ هُوَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَ مَنْ وَافَقَهُ وَافَقَنِي وَ مَنْ خَالَفَهُ خَالَفَنِي؛ ای اصحاب من! بدانید علی از من است و من از علیم روح او روح من است و طینت او طینت من است و او برادر و وصی و جانشین من است بر اتمم از زمان حیاتم و بعد از مرگم کسی که از او اطاعت کند از من اطاعت کرده و کسی که با او موافقت کند با من موافقت کرده و کسی که او را مخالفت کند مرا مخالفت کرده است. (۱)

یک نمونه معجزه در مورد حیوانات

امام کاظم علیه السلام می فرمایند: امیرالمؤمنین علیه السلام در مکه بر صفا قدم می زد ناگهان پرنده ای را که شبیه کبک است که به آن درّاج می گویند را دید که روی زمین راه می رود، وقتی در مقابل حضرت قرار گرفت. حضرت علی علیه السلام به او سلام کرد.

پرنده عرض کرد: سلام بر شما و رحمت و برکات خداوند بر شما باد ای امیرمؤمنان.

حضرت فرمود: ای درّاج! اینجا چه می کنی؟

عرض کرد: ای امیرمؤمنان! من چهارصد سال است در این مکان خدا را تسبیح می گویم و به تقدیس و تمجید او مشغولم و او را به طور کامل عبادت می کنم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای پرنده! صفا سرزمینی است که در آن خوردنی و آشامیدنی نیست، برای تهیه آن چه می کنی؟ عرض کرد: به خویشاوندی شما با رسول خدا صلی الله علیه و آله قسم! هرگاه

ص: ۱۸۸

گرسنه می شوم برای شیعیان و دوستان شما دعا می کنم سیر می شوم، و هرگاه تشنه می شوم دشمنان شما و غاصبین حق شما را نفرین می کنم سیراب می شوم. (۱)

در این حدیث شریف چند نکته قابل توجه است:

۱: حضرات معصومین: با حیوانات گفت و گو می کنند و سلام رد و بدلی می شود.

۲: حیوانات به ذکر خداوند مشغولند.

۳: می شود غذا و طعام و آب حیوانات و پرندگان تسبیح باشد چنانچه ملاحظه شد.

۴: حیوانات و پرندگان برای شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام دعا می کنند.

۵: حیوانات برای غاصبین حق اهل بیت علیهم السلام نفرین می کنند.

۶: می شود حیوانی چند صد سال زنده باشد و به امر خدا نمیرد.

۷: شیعیان و دوستان امام علی علیه السلام قدر خودشان را بدانند و به این افتخار کنند. ضمناً در قبال مولا علی علیه السلام مسئولیتشان سنگین تر می شود.

نقش خاتم امام امیرالمؤمنین و امام موسی بن جعفر علیه السلام

علی بن مهران می گوید: وارد شدم بر موسی بن جعفر علیه السلام در انگشت ایشان که نگین انگشترش فیروزه بود که نقش آن «الله الملک» بود پس نزدیک شدم و به آن نگاه کردم، حضرت به من فرمود: چرا نگاه می کنی؟

عرض کردم: به من رسیده که نقش خاتم امیرالمؤمنین علیه السلام این طور بوده است.

حضرت فرمود: آیا می شناسی و می دانی؟ عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند: این سنگی است که جبرئیل آورد و هدیه داد به سول خدا صلی الله علیه و آله بعد پیامبر آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام هدیه داد. بعد فرمود: می دانی اسم آن چیست؟

عرض کردم: خیر.

فرمود: این اسم عربی نیست، اسم آن «ظفر» است. (۲)

- ١- - بحار الانوار، ج ٤١، ص ٢٣٥؛ اليقين، ص ٧٢، باب ٩٢؛ الفضائل، ص ١٦٣؛ ترجمه القطره، ج ١، ص ٣٠٣.
- ٢- - بحار الانوار، ج ٤٢، ص ٧٠، ح ٢٣، باب ١١٨.

ازدواج آن حضرت قبل از خلقت آدم علیه السلام

نور چهارده معصوم: هزاران سال قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام بوده حتی قبل از خلقت ملائکه و فرشتگان تا این که آنها عبادت و تقدیس و تسیح و تکبیر و تهلیل را از حضرات معصومین یاد گرفتند. امر ازدواج حضرت زهرا علیها السلام با امام علی علیه السلام در آسمان ها صورت گرفته بود و به امر خداوند متعال بوده است. لذا در حدیثی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آمده که، رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند که ناگهان فرشته ای بر آن حضرت وارد شد و او بیست و چهار چهره داشت. حضرت فرمود: جبرئیل ای حبیب من! تو را تاکنون به این شکل ندیده ام. آن فرشته عرض کرد: من جبرئیل نیستم بلکه نام من محمود است. خداوند تبارک و تعالی مرا فرستاده است تا نور را به نور تزویج کنم. «أَنْ أُزْوَجَ النُّورَ مِنَ النُّورِ» پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مقصود از آن دو نور کیست؟

عرض کرد: فاطمه و علی علیهما السلام و همین که فرشته رو برگردانید بین دو شانه او نوشته شده بود: «محمد رسول الله و علی وصیه» رسول خدا علیه السلام. به او فرمود: از چه زمانی این جملات بر شانه تو نوشته شده است؟

عرض کرد: بیست و دو هزار سال قبل از آنکه خداوند تبارک و تعالی آدم را بیافریند.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنْذُ كَمْ كُتِبَ هَذَا بَيْنَ كَتَفَيْكَ فَقَالَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ بِاثْنَيْنِ وَعِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ. (۱)

تاریخ شهادت امام امیرالمؤمنین علیه السلام

در این که حضرت در شب ۱۹ ماه مبارک رمضان ضربت خوردند و در شب و روز ۲۱ ماه مبارک رمضان به شهادت رسیده اند تقریباً اختلافی نیست. لذا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در روایتی فرمودند:

ص: ۱۹۰

۱- - امالی صدوق، مجلس ۱۹، ص ۶۶۸، ح ۱۹؛ الخصال، ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۱، ح ۲۳؛ مدینه المعاجز، ج ۲، ص ۳۳۸؛ الدلائل الامامه، ص ۹۳، ح ۲۷؛ نوادر المعجزات، ص ۹۲، ح ۱۱.

«أَنَّهُ قُبِضَ لَيْلَهُ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ - وَ ضُرِبَ لَيْلَهُ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ هِيَ الْأَظْهَرُ» (۱)

کلام آخر:

درست چهارده قرن از شهادت مظلومانه اولین موحد واقعی مکتب اسلام، معلم نمونه مدرسه الهیات قرآن، و وصی و جانشین بر حق حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، عدالت مجسم، یار مظلوم و خصم ستمگران، انیس و مونس و پدر یتیمان، صاحب ولایت مطلقه الهیه، و باب مدینه علم نبوی و صاحب کرامات و فضائل مرتضوی، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می گذرد. جامعه اسلامی، بلکه جهان بشریت و جهان علم و ادب، چهارده قرن است که در سوگ فقدان و مصیبت غمبار آن امام عزیز، عزادار و سوگوار است.

در این چهارده قرن، چه گذشت بر دوستان و شیعیان آن حضرت؟! چه ظلم و ستم و بی عدالتی ها که بر آنها روا داشته! هزاران انسان مظلوم و بی دفاع را به جرم شیعه علی علیه السلام بودن شهید نمودند و بسیاری را شکنجه های سخت دادند و شمار زیادی از آنها را تبعید کردند و بسیاری از پدران و مادران را به واسطه شهادت فرزندانشان در راه ولایت داغدار کردند: فُقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَ أُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ. (۲)

منابع و مآخذ

قرآن کریم

الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، محقق و مصحح: محمدباقر فرسان، ۱۴۰۲ق.

امالی، ابن بابویه، محمد بن علی، (شیخ صدوق)، ناشر: کتابچی، ۱۳۷۶ش.

بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ش.

ترجمه القطره، مستنبط، سیداحمد، مترجم: محمد ظریف، نشر حاذق، چاپ سوم، اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ش.

ص: ۱۹۱

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳، باب ۱۲۷.

۲- قسمتی از پیام مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

- التفسير الامام العسكري عليه السلام ، محقق و مصحح: مدرسه الامام المهدي ٤، قم، ١٤٠٩ق.
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ابن بابويه، محمد بن علي، (شيخ صدوق)، ترجمه: صادق حسن زاده.
- الخصال، ابن بابويه، محمد بن علي، (شيخ صدوق)، مترجم: مدرس گيلاني، انتشارات جاويدان.
- دلائل الامامه، طبري، محمد بن جرير، صغير، ناشر: دارالذخائر.
- مدينة المعاجز، بحراني، سيد هاشم، ناشر: مؤسسه المعارف الاسلاميه، ١٤١٣ق.
- معاني الاخبار، ابن بابويه، محمد بن علي، (شيخ صدوق)، نشر: جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٧٤ش.
- نوادير المعجزات، طبري، محمد بن جرير بن رستم، انتشارات: دليل ما، ١٤٢٧ق.

(منتخبی از بیانات حضرت علی الرضا علیه السلام در تبیین فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر و تاویل کلام الله العلی الاعلی)

به قلم : حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی تجویدی

قال الله الحكيم في محكم كتابه الحكيم : « إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ و اعلموا ان الله مع المتقين... ؛ مسلماً شماره ماه ها نزد خداوند از آن روزی که آسمان ها و زمین را آفریده، در کتاب (علم) خدا دوازده ماه است. از آنها چهار ماه حرام است؛ این است آیین استوار ، پس در این چهارماه به خود ستم نکنید و بدانید خداوند با پرهیزکاران است». (۱)

بسا که صاحب قرآن در جای جای این گنجینه آسمانی جواهراتی ناسفته از فضائل و خصائص خاصان در گاهش پنهان کرده است از چشم بدخواهان و بدخویان و مشام جان نیک اندیشان پاک سیرت یعنی همان اولوالالباب را به اشاراتی بشارت داده است به رائحه عطر عترت که هر کسی را نشاید و نباید که از آن ببوید. آری نمک شناسان خوان کتاب الله از این مآدبه الهی و مائده آسمانی جز اسمی نصیب نبردند و جز کفران کاری نکردند. کتاب را از ترجمانش جدا خواستند و راه به بیراهه بردند.

حکمت بالغه رب حکیم چنین رقم زد که فضائل اولیائش علیهم السلام را از آغاز تا انجام کلامش به مثابه بذری از شجره طیبه بیفشاند و در لفافه تاویل قرار دهد تا کور شود هر آن که نتواند دید ...

باشد که آخرین میراث دار این سلسله برگزیده بیاید و پرده از اسرار برافکند .

در کلام الله مجید گاهی از امام و امامت به آب، نور، صراط مستقیم ، نبأ عظیم ، و ده ها اسم و لقب دیگر تعبیر شده است که در احادیث و اخباری که از آل الله علیهم

ص: ۱۹۳

صلوات الله رسیده از آن رمزگشایی شده است و بزرگانی نظیر سید هاشم بحرانی در "اللوامع النورانیة فی اسماء علی و أهل بیته القرآنیة" نقل و تبیین نموده اند.

از جمله این تعابیر، تعبیر به "شهور و ماه ها" در قرآن کریم است.

محمد بن ابراهیم نعمانی، از علی بن حسین، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن حسان رازی، از محمد بن علی کوفی، از ابراهیم بن محمد بن یوسف، از محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از فضیل رسان، از ابو حمزه ثمالی نقل کرده است که گفت: روزی نزد امام باقر علیه السلام بودم. هنگامی که حاضران از نزد او رفتند، به من فرمود: «ای ابو حمزه! قیام قائم ما ۴ از جمله امور حتمی است که نزد خدا تغییر پذیر نیست. هر که در آن چه می گویم شک کند، با خدا در حالی دیدار خواهد کرد که به او کافر و منکر است.

سپس فرمود: پدر و مادرم فدایت شوند، ای کسی که نام و کنیه ام را داری و هفتمین (امام) پس از منی. پدرم فدای کسی شود که زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و ستم شده است.

سپس فرمودند: ای ابو حمزه! هر که او را درک کند و به او تسلیم نشود، بر محمد و علی علیهما السلام تسلیم نشده است و همانا خدا بهشت را بر او تحریم می کند و جایگاه او در آتش است که بدترین جایگاه برای ستمگران است.

و به حمد خدا از این واضح تر و روشن تر و آشکارتر و نورانی تر برای کسی که خدا او را هدایت کند و به او نیکی کند، فرموده خدای عز و جل در محکم کتاب اوست که می فرماید: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ» است و شناخت ماه ها محرم و صفر و ربیع و پس از آن و ماه های حرام از آنها: رجب، ذی قعدة، ذی حجه و محرم دین قییم (ارزشمند) نمی باشند؛ زیرا که یهودیان و مسیحیان و مجوس و سایر آیین ها و همه مردم از موافق و مخالف، این ماه ها را می دانند و آنها با نام می شمارند. در حقیقت، آنان ائمه هستند که سلام و درود خدا بر آنان باد.

ایشان بر پادارنده دین خدایند، و ماه های حرام از آنها این ها است : امیر مؤمنان علی علیه السلام . که خدا نامی را از نام هایش (یعنی علی) اشتقاق کرده است ، چنان که برای رسولش که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، نامی را از نام محمودش اشتقاق کرده است و نام سه نفر از فرزندان او : علی بن حسین و علی بن موسی و علی بن محمد : است . پس این نام گرفته شده از نام خدای عز و جل است و به وسیله او دارای حرمت شد، و درود خدا بر محمد و آل بزرگوارش باد.»

آن چه در این بخش آمده، جزء کوچکی است از یک تحقیق جمعی در ترسیم گوشه هایی از سیره و سیمای نورانی مولانا امیرالمومنین علیه السلام در شعاع نور کلام یگانه کسانی که آن حضرت را می شناسند. سهم این بخش استضاء از ضیاء کلام حضرت امام ابالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام است که اختصاص دارد به منتخبی از گهرهایی که از لسان دُر فشات حضرتشان تَلَأُو نموده است .

امید آنکه این تلاش کمتر از ذره ، به نظر کیمیا اثر حضرت امیرالمؤمنین حیدر علیه السلام و امضای رضایت حضرت رضا علیه السلام، منظور نظر یگانه وارث آل عصمت علی زمان حضرت بقیهالله المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد و به قبول حق تعالی نائل و ذخیره قبر و قیامت این کمترین گردد.

به ذره گر نظر لطف بوتراب کند به آسمان رود و کار آفتاب کند

تراب اقدام خدام امیرالمومنین علیه السلام

سید محمدمهدی تجویدی

امیرالمؤمنین علیه السلام مبین کتاب الله

حضرت امام رضا علیه السلام از پدرشان از پدرانشان: از رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از خداوند جل جلاله که فرمود :

« منم الله خدایی جز من نیست بتوان خود خلق را آفریدم و هر که از پیغمبران را خواستم از آنها برگزیدم و از میان آنها محمد حبیب و خلیل و صفی خود را برگزیدم و او را به عنوان فرستاده ام به سوی خلق خود مبعوث کردم و علی را

برای او برگزیدم و برادر و وصی و وزیر و ادا کننده از طرف او بعد از او به خلقم و خلیفه خود بر بندگانم قرار دادم تا کتابم را برای آنها تبیین کند و در میان آنها به حکم من سیر کند و او را پرچم هدایتگر از گمراهی قرار دادم و باب خود که از او به آستان من در آیند و خانه خود که هر که وارد شود از دوزخم در امان باشد و دژ من که هر که بدان پناه آورد از بد دنیا و آخرت محفوظش نماید و وجه من است که هر که بدو رو کند از او رو نگردانم و حجت منست در آسمان ها و زمین ها بر هر که در آنها است از خلقم نپذیرم کردار هیچ عاملی از آنان را جز با اقرار به ولایت او به همراه نبوت احمد رسولم ، او است دست گشاده ام بر بندگانم و او است آن نعمت که به هر کس از بندگانم که دوستش داشتم دادم. پس هر که از بندگانم را که دوست بدارم و در ولایتم در آورم او را با ولایت و معرفتش (امیرالمومنین علیه السلام) آشنا کنم را به او را ولی و شناسای او نمودم و هر که از بندگانم را دشمن دارم برای آنست که از معرفت و ولایتش روی گردان است. پس به عزت خود سوگند یاد کردم و به جلالم قسم خوردم که هیچ کدام از بندگانم علی را دوست ندارند جز آنکه آنها را از دوزخ برکنار دارم و به بهشت وارد کنم و دشمن ندارد او را کسی و از ولایتش کناره نگیرد جز آنکه او را دشمن دارم و در آتش در آرم که چه بد سرانجامی است.» (۱)

۱: همان که فرموده اند ، نه بیشتر و نه کمتر!

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ؛ راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان که به خاطر لیاقتشان] به آنان نعمت [ایمان، عمل شایسته و اخلاق حسنه] عطا کردی ، هم آنان که نه مورد خشم توانند و نه گمراه اند.» (۲)

از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

ص: ۱۹۶

۱- بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۸ عن امالی الشيخ الصدوق، ص ۱۳۴.

۲- حمد / ۷.

... سپس امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هر کس به خدا کافر شود، خدا بر او خشم می گیرد و از راه خدا گمراه است و حضرت رضا علیه السلام نیز همین را فرمودند و اضافه نمودند که: هر کس امیر المؤمنین علیه السلام را از حد بندگی خارج کند، از مغضوب علیهم و ضالین است و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ما را از بندگی خارج نکنید، بعد از این، هر چه می خواهید بگویید و باز نمی توانید (به آنچه سزاوار توصیف ماست) برسید. از غلو بپرهیزید مانند غلو نصاری، که من از غالیان بیزارم... (۱)

۲: آستان امیرالمؤمنین علیه السلام جایگاه ریزش گناهان

«وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ» ؛ و [یاد کنید] هنگامی را که گفتیم: به این شهر [بیت المقدس] وارد شوید، و از نعمت های آن هر چه خواستید، فراوان و گوارا بخورید و از دروازه [شهر یا در معبد] فروتنانه و سجده کنان درآید و بگویید: [خدایا! خواسته ما] ریزش گناهان ماست، تا گناهانتان را بیامرزیم و به زودی [پاداش] نیکوکاران را بیفزاییم. (۲)

از امام رضا از پدرانشان: از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند:

«هر اُمتی صدیقی دارد و فاروقی و صدیق و فاروق این اُمت علی بن ابی طالب علیه السلام است. علی سفینه نجات و «باب حِطَّة» آن هاست، او یوشع، شمعون و ذوالقرنین آن هاست؛ ای مردم! به راستی که علی خلیفه خدا و پس از من جانشین من است، و او حقاً امیر مؤمنان و بهترین اوصیاست، هر کس با وی نزاع کند با من نزاع کرده و آنکه به وی ستم روا دارد، بر من ستم روا داشته و آن کس که با وی چیرگی کند، تحقیقاً با من چیرگی کرده است و هر کس با وی نیکی نماید، تحقیقاً به من نیکی کرده و آنکه در حقش جفا روا دارد، بر من جفا روا داشته است، هر کس با او دشمنی کند،

ص: ۱۹۷

۱- بحار الانوار، طبع الاسلامیه، ج ۲۵، ص ۲۷۴.

۲- بقره / ۵۸.

با من دشمنی کرده و آنکه دوستش بدارد، مرا دوست داشته است زیرا او برادر و وزیر من است و از گِل من آفریده شد و من و او نوری واحد بوده ایم» (۱).

۳: مخصوص به رحمت ویژه

« مَا يَوُدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَمَّا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲)؛ نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیری از سوی پروردگارتان بر شما نازل شود، در حالی که خدا هر که را بخواهد به رحمت خود اختصاص می دهد؛ و خدا دارای فضل بزرگی است.»

حماد بن عثمان از حضرت رضا علیه السلام پدرش، از جد بزرگوارش جعفر بن محمد علیهما السلام در باره آیه «اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ»، فرمود:

"کسانی که رحمت خدا به آنها اختصاص دارد، پیامبر اکرم و وصی اوست صلوات الله علیهما. خداوند صد رحمت آفریده، نود و نه قسمت آن برای حضرت محمد و علی و عترت آنها ذخیره است و یک رحمت را برای سایر مردم گشوده." (۳)

۴: وجه الله!

«وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مالکیت مشرق و مغرب فقط ویژه خداست؛ پس به هر کجا رو کنید آنجا روی خداست. یقیناً خدا بسیار عطا کننده و دانا است.» (۴)

ابوالمضا از امام رضا علیه السلام آورده است که آن حضرت در قول خدای متعال: «فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» فرمود: «وجه الله» علی علیه السلام است. (۵)

ص: ۱۹۸

۱- بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۱۲ عن عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱.

۲- بقره / ۱۰۵.

۳- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۶۲ عن کنز الفوائد، ص ۳۳ و ۳۷ (النسخه الرضویه).

۴- بقره / ۱۱۵.

۵- بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۸۹ عن مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۷۲.

۵: دشمنان امیرالمومنین علیه السلام مفسدین فی الارض

« وَإِذَا تَوَلَّى سَيِّئًا فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ؛ وَ هُنْكَامِي كِه [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد، و زراعت و نسل را نابود کند؛ و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد.» (۱)

حسین بن بشار گفت: از حضرت ابالحسن علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدم «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» فرمود: فلانی و فلانی است. «وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» حرث، کشت و زرع است و نسل، ذریه است. (۲)

۶: موالات مولا علی علیه السلام تمسک به محکم ترین دستگیره

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۳)؛ در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را بپذیرد]. مسلماً راه هدایت از گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خدا شنوا و داناست. (۴)

ص: ۱۹۹

۱- - بقره / ۲۰۵.

۲- - بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۲۱۵ عن تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳- - بقره / ۲۵۶.

۴- - بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۴۴ عن عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۲.

۷: اسوه انفاق در راه خدا

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] اموالشان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می کنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.» (۱)

امام رضا از پدرانشان روایت کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«آیه «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» در مورد علی علیه السلام نازل شد.» (۲)

۸: باطن قسط و عدل، امام علیه السلام است

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» ؛ خدا در حالی که برپا دارنده عدل است [با منطق وحی، با نظام متقن آفرینش و با زبان همه موجودات] گواهی می دهد که هیچ معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی می دهند که هیچ معبودی جز او نیست؛ معبودی که توانای شکست ناپذیر و حکیم است.» (۳)

از مرزبان قمی رسیده که گفت: از حضرت ابوالحسن علیه السلام راجع به آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ» پرسیدم. فرمود: "او امام است." (۴)

۹: نفس نفیس رسول الله صلی الله علیهما و آله ما

«فَمَنْ حَيَّجَكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مِمَّا حَيَّاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلِ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» ؛ پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و

ص: ۲۰۰

۱- - بقره / ۲۷۴.

۲- - بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۵ عن عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲.

۳- - آل عمران / ۱۸.

۴- - بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۰۴ عن تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۵ و ۱۶۶.

آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیاید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (۱)

«سید مرتضی رحمه الله علیه می نویسد: استادم شیخ مفید نقل کرد که مأمون روزی به حضرت رضا علیه السلام گفت: بزرگ ترین امتیاز امیرالمؤمنین علیه السلام را که شاهی از قرآن بر آن دلالت کند، برایم توضیح دهید.

حضرت رضا علیه السلام امتیاز مباحله را که خداوند در قرآن می فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَبْنَاءَكُمْ وَنَفْسَنَا وَنَفْسَكُمْ ثُمَّ نَنْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» بیان کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مباحله، امام حسن و امام حسین علیه السلام که فرزندانش بودند و فاطمه زهرا علیها السلام را آورد که در این جا تعبیر زنانمان در آیه شده و امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز آورد که او طبق آیه قرآن نفس پیامبر به شمار می رفت. در نتیجه ثابت شد که احدی از جهانیان با ارزش تر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود نداشت. در نتیجه طبق آیه قرآن، احدی از جهانیان نیز با ارزش تر از نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست.

مأمون گفت: مگر در این آیه خداوند ابناء را به تلفظ جمع ذکر نکرده؟ اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط دو فرزندش را آورد و نساء را نیز به لفظ جمع فرموده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط فاطمه علیها السلام را تنها آورد. چرا نمی توان مدعی شد که منظور از «أَنْفُسِنَا» واقعا نفس خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد نه دیگری؟ در نتیجه فضیلتی که شما از آیه استفاده کردید برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت نخواهد شد.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: این ادعای تو صحیح نیست یا امیرالمؤمنین! زیرا شخص دیگری را می خواند و صدا می زند نه خود را، چنان چه امرکننده به دیگری امر

ص: ۲۰۱

می کند نه به خود. و این صحیح نیست که واقعا خود را صدا زده باشد، چنان که نمی شود امر به خود بکند.

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مباحثه مردی جز امیرالمؤمنین علیه السلام را شرکت نداد، می فهمیم که نفس پیامبر صلی الله علیه و آله در این آیه، امیرالمؤمنین علیه السلام است و این امتیاز را در قرآن به او بخشید. مأمون گفت: وقتی جواب آمد، سؤال از بین می رود.» (۱)

۱۰: تعزیت خضر به امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت رسالت علیهم السلام

« كُفِّلَ نَفْسٍ ذَائِقَهُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُؤَفَّقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُخِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ هر کسی مرگ را می چشد؛ و بدون تردید روز قیامت پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود. پس هر که را از آتش دور دارند و به بهشت درآورند مسلماً کامیاب شده است؛ و زندگی این دنیا جز کالای فریبنده نیست.» (۲)

امام رضا علیه السلام فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات یافت خضر آمد و بر آستانه در اتاقی که در آن علی و فاطمه و حسن و حسین: بودند ایستاد. رسول خدا در جامه ای پوشیده شده بود خضر گفت: سلام بر شما ای اهل بیت. هر جاننداری طعم مرگ را می چشد و در روز قیامت شما به طور کامل پاداش خود را خواهید گرفت. به راستی که خدا برای هر از میان رفته ای جایگزینی قرار می دهد و در هر مصیبتی تسلی بخش است و هر از دست رفته ای را جبران می کند. پس بر خدا توکل کنید و به او اعتماد داشته باشید و از خدا برای شما و خودم طلب آمرزش می کنم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

این برادرم خضر است که برای تسلیت گویی نزد شما آمده است. (۳)

ص: ۲۰۲

۱- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۵۰ عن الفصول المختاره من العيون و المحاسن للسید المرتضی علیه الرحمه.

۲- آل عمران / ۱۸۵.

۳- بحارالانوار ج ۲۲، ص ۵۱۴ عن کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۱.

۱۱: خدای متعال، یگانه ولی و یاور عترت :

«وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا»؛ و خدا به دشمنان شما داناتر است. و بس است که خدا سرپرست شما باشد، و کافی است که خدا یاور شما باشد.»(۱)

امام رضا علیه السلام از پدرانش ::

« هر کس دوست داشته باشد که به دین من چنگ زند و پس از من بر کشتی نجات سوار شود، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کند. با دشمنش دشمنی کند و با دوستدارش دوست باشد که او وصی و خلیفه من بر اُمت من است، هم در حیاتم و هم پس از وفاتم، و او پس از من امام هر مسلمان و امیر هر مؤمنی است. قول او قول من، فرمانش فرمان من، نهی او نهی من، پیرو او پیرو من، یاورش یاور من و خوار دارنده اش خوار دارنده من است. سپس فرمود: هر کس پس از من از علی جدا شود، روز قیامت مرا نخواهد دید و من نیز او را نخواهم دید و آنکه با علی از در مخالفت درآید، خداوند بهشت را بر وی حرام گرداند و در آتش جایش خواهد داد. و آن که علی را خوار دارد، در روزی که همه به حضور خدا خواهند رسید، خداوند خوارش خواهد نمود. و هر کس علی را یاری دهد، خداوند در روزی که با وی دیدار کند، یاریش نماید و به هنگام سؤال و جواب نکیر و منکر در قبر، حجتش را به وی القا می نماید. سپس فرمود: حسن و حسین پس از پدرشان دو امام اُمت من و دو سرور جوانان اهل بهشت هستند. مادرشان سرور زنان جهان و پدرشان سید اوصیاست؛ و از نسل حسین نه امام خواهد بود که نهمین آن ها قائم علیه السلام خواهد بود که از فرزندان من است. اطاعت از ایشان اطاعت از من و نافرمانی اش نافرمانی من خواهد بود. شکایت منکران فضیلت آن ها را به خدا می برم و نیز کسانی که از حرمت ایشان بکاهند و مرا برای یاری و انتقام گرفتن از منکران حق عترتم و امامان اُمتم، خداوند بس است «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»(۲)

ص: ۲۰۳

۱- - نساء / ۴۵.

۲- - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۴ عن کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۱.

۱۲: دل های آکنده از حسد نسبت به او!

«أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا؛ بلکه آنان به مردم [که در حقیقت پیامبر و اهل بیت اویند] به خاطر آنچه خدا از فضلش به آنان عطا کرده، حسد می ورزند. تحقیقاً ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان فرمانروایی بزرگی بخشیدیم» (۱).

ریان بن صلت نقل کرده، روزی حضرت رضا علیه السلام در مجلس مأمون در مرو حاضر شدند و گروهی از علمای عراق و خراسان نیز حضور داشتند... مأمون به حضرت گفت: آیا خداوند عترت را بر سایر مردم فضیلت بخشیده است؟

امام رضا علیه السلامه او فرمودند: خداوند عزّ و جلّ برتری عترت را به صورتی آشکار در کتاب خود بیان کرده است.

مأمون به ایشان گفت: در کجای قرآن؟

امام رضا علیه السلام به او فرمودند: در این آیه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّهُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است * فرزندان که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند}. در جای دیگر فرمود: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا؛ (۲) بلکه به مردم برای آن چه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم» ، سپس خطاب را به سایر مؤمنین برگردانده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۳) ای کسانی که

ص: ۲۰۴

۱- - نساء / ۵۴.

۲- - نساء / ۵۴.

۳- - نساء / ۵۹.

ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید» یعنی همان هایی که در آیه: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» ایشان را در کنار کتاب و حکمت آورده [در تحف العقول: یعنی همان هایی که کتاب را به ارث برده اند]. و مردم به خاطر آن ها بر ایشان حسد می برند، یعنی اطاعت از برگزیدگان طاهر، پس منظور از مُلک در آیه اطاعت از آنها که برگزیدگان پاک خداوند هستند. (۱)

۱۳: امام، امین الله و امامت، امانه الله

« إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا »؛ خدا قاطعانه به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. یقیناً [فرمان بازگردانیدن امانت و عدالت در داوری] نیکو چیزی است که خدا شما را به آن موعظه می کند؛ بی تردید خدا همواره شنوا و بیناست. (۲)

ص: ۲۰۵

۱- بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۲۰ عن عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- نساء / ۵۸.

محمد بن فضیل از حضرت ابوالحسن علیه السلام درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» نقل کرد که فرمود: آنها ائمه از آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که امانت را به امام بعد از خود می دهند و دیگری را به آن اختصاص نمی دهند و از او نمی گیرند و بر نمی گردانند. (۱)

۱۴: امامان نور، فرزندان او

اشاره

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ

ص: ۲۰۶

۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۷۶ عن الكافي، ج ۱، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

تَأْوِيلًا؛ ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و حکومت و جانشینی پس از پیامبر] نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است.» (۱)

حدیث اول:

احمد بن محمد بن قصری از ابو محمد عسکری، از پدران خود، از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهبه علی و حسن و حسین: وصیت کرد. سپس درباره این آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فرمود: ائمه علیهم السلام از فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام هستند تا روز قیامت. (۲)

حدیث دوم:

ابان گفت: خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم و از این آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» پرسیدم. فرمود: "اولی الامر علی بن ابی طالب علیهما السلام است. بعد سکوت کرد. چون سکوت امام به طول انجامید، عرض کردم: پس از علی بن ابی طالب علیه السلام چه کسی بوده؟ فرمود: حسن علیه السلام. چون سکوت امام به طول انجامید، عرض کردم: بعد که بود؟ فرمود: حسین. گفتم: پس از حسین علیه السلام؟ فرمود: علی بن الحسین و سکوت نمود. پیوسته هر امام را نام می برد و سکوت می کرد تا من سؤال را تکرار می کردم تا تمام آنها را تا آخرین نفر نام برد، صلی الله علیهم." (۳)

ص: ۲۰۷

۱- - نساء / ۵۹.

۲- - بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۸۶ و ۲۸۸ عن عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۱.

۳- - بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۹۲ عن تفسیر العیاشی.

امام رضا از امام صادق علیه السلام فرمود: روز غدیر خم روزی شریف و بزرگ است، در این روز خداوند برای امیرالمؤمنین از مردم پیمان گرفت و به محمد صلی الله علیه و آله فرمان داد که وی را به امامت مردم منصوب نماید - و ماجرا را تشریح نمود و در ادامه فرمود: - سپس جبرئیل به زمین آمده و گفت: یا محمد، خداوند تو را فرمان می دهد، پیروی از ولایت کسی را که اطاعت از او را فرض کرده و پس از شما جانشینتان می گردد و در کتاب خود آن را مورد تأکید قرار داده و فرموده است: «وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، (و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید) را آموزش دهی. عرض کرد: پروردگارا، ولّی امر ایشان پس از من کیست؟ فرمود: کسی است که طرفه العینی به من شرک نوزیده، بتی را پرستش نکرده و به تیر قرعه کشی سوگند یاد نکرده است، علی بن ابی طالب امیر مؤمنان و امام ایشان و سرور مسلمانان و پیشوای دست و روی سپیدان، او همان کلمه ای است که پارسایان را ملازم آن کرده ام و دری است که از آن به سوی من آیند، هر کس فرمانش بَرَد، مرا فرمان برده و آنکه از فرمانش سرپیچی کند، از من سرپیچی کرده است. پس رسول خدا علیه السلام عرض کرد: پروردگارا، من از قریش و مردم، بر خود و علی بیمناکم، پس خداوند آیه ای متضمن وعید و تهدید فرستاد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد.» (۱) سپس گزارشی از آنچه در غدیر خم درباره ولایت علی علیه السلام گذشته بود، بیان فرمود. (۲)

ص: ۲۰۸

۱- - مائده / ۶۷.

۲- - بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۳۲۴ عن كشف اليقين، ص ۱۳۱.

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ وَ كَسَانِي كِه از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند.» (۱)

امام رضا علیه السلام پدرانشان: نقل فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه شریفه: «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا فرمودند: " از انبیاء، محمد صلی الله علیه و آله و از صادقین علی بن ابی طالب علیهما السلام و از شهداء حمزه علیه السلام و از صالحین حسن و حسین علیه السلام و منظور «وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» قائم آل محمد ۴ است. (۲)

۱۶: او و اولاد طاهرینش: اولی الامر هستند

«وَإِذَا حَيَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا؛ وَ هنگامی که خبری از ایمنی و ترس [چون پیروزی و شکست] به آنان [که مردمی سست ایمان اند] رسد، [بدون بررسی در درستی و نادرستی اش] آن را منتشر می کنند، و [در صورتی که] اگر آن خبر را به پیامبر و اولیای امورشان [که به سبب بینش و بصیرت دارای قدرت تشخیص و اهل تحقیق اند] ارجاع می دادند، درستی و نادرستی اش را درمی یافتند؛ [چنانچه به مصلحت جامعه بود، انتشارش را اجازه می دادند و اگر نبود، از انتشارش منع می کردند] و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، یقیناً همه شما جز اندکی، از شیطان پیروی می کردید.» (۳)

ص: ۲۰۹

۱- - نساء / ۶۹.

۲- - شواهد التزیل، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳- - نساء / ۸۳.

عبدالله بن جنذب گفت: حضرت رضا علیه السلام در نامه ای به من نوشت: «خدا رحمت کند! یاد از آن گروه کرده بودی (واقفیه) که دیروز جزو برادران دینی شما بودند و اینک مخالف و دشمن شما و بریء از شما شدند، و آن دروغی که به سبب آن را به سختی انداختند راجع به زنده بودن پدرم صلی الله علیه و رحمته.» در آخر نامه نوشته بود: «شیطان بر ایشان عارض شد و ایشان را مبتلای به شبهه کرد و امر دین را بر ایشان مشتبه کرد. آن به واسطه افترای ایشان بود که ظاهر گشت و گرد هم آمدند و عالم خود را انکار کردند و هدایت را از جانب خود خواستند. پس گفتند: برای چه و چه کسی و چگونه؟ این احتیاطی که کردند، موجب هلاکت آنها شد و آن به خاطر کار خودشان بود. و خدای تو به بندگان ستم روا نمی دارد و آن نه به نفعشان بود و نه به ضررشان، بلکه برای آنها لازم بود و واجب برای آنها از آن، توقف هنگام تحیر و برگرداندن آنچه را که نمی دانند از آن، به عالم آن و مستنبط آن است، زیرا خداوند در کتابش می فرماید: «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»، یعنی آل محمد و آنهاست که از قرآن استنباط می کنند و حلال و حرام را تشخیص می دهند و ایشان حجت خدا بر خلقش هستند. (۱)

۱۷: کمال و تمام دین به امامت است

«...الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَمَّا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا...» امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصب علی بن ابی طالب به ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم...» (۲)

عبدالعزیز بن مسلم نقل کرده، در زمان علی بن موسی الرضا علیهما السلام در مرو بودیم. روز جمعه ای، در اوایل ورودمان به مرو، در مسجد جامع مرو جمع شده بودیم که

ص: ۲۱۰

۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۹۵ عن تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲- مائده / ۳.

صحبت از امامت و اختلاف زیادی که مردم در این مورد دارند، به میان آمد. به محضر آقا و مولایم امام رضا علیه السلام رسیدم و اختلاف مردم و سخنان آن ها را برای ایشان بازگو کردم. ایشان لبخندی زده و فرمودند: "ای عبدالعزیز! مردم جاهلند و در دین هایشان فریب خورده اند؛ خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را از دنیا نبرد، مگر این که دین را برایش کامل نمود و قرآن را بر او نازل نمود، که تفصیل هر چیزی در آن هست، حلال و حرام و حدود و احکام و آن چه مردم به آن نیازمندند را در قرآن کاملاً بیان کرد و فرمود: «ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (۱).

{ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده ایم} و در حجه الوداع که در آخر عمر ایشان صلی الله علیه و آله بود این آیه را نازل کرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» و امر امامت نیز از تمام دین است [در اكمال الدین این گونه است: امر امامت نیز از کمال دین و اتمام نعمت است] و پیامبر قبل از رفتن از دنیا، معالم دین را برای امت توضیح داد و راه ها را روشن کرد و آن ها را به راه حق کشاند و علی علیه السلام را به عنوان نشانه و امام تعیین نمود و هر احتیاجی که امت داشتند را بیان نمود. هر کس فکر کند که خداوند عزّ و جلّ دینش را کامل نکرده، قرآن را رد کرده است و هر کس قرآن را رد کند، کافر است. (۲).

حضرت صادق علیه السلام و نیز مجاشعی از حضرت رضا علیه السلام از پدرش حضرت کاظم علیه السلام و او نیز از پدرش حضرت صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرانش، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت فرماید که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «اسلام بر پنج خصلت بنیاد شده: بر دو شهادت و دو قرین (همراه). گفتند: «دو شهادت را می دانیم، اما دو قرین چیست؟»

ص: ۲۱۱

۱- - انعام / ۳۸.

۲- - بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۱ عن عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶ و أصول الکافی ج ۱، ص ۱۹۸.

فرمود: «نماز و زکات. (این هر دو همراه یکدیگرند). هر کدام از این دو پذیرفته نگردد مگر به دیگری. و روزه و زیارت خانه خدا «مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا؛ برای آن کس که توانایی داشته باشد.» (۱)

و پایان آن ولایت است که خداوند (درباره آن) می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۲)

۱۸: اگر این پیام را نرساندی رسالت الهی را ادا نکرده ای!

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُرَكَّاتٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره ولایت و رهبری علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام]

بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای. و خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم نگه می دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی کند.» (۳)

از سهل بن قاسم نوشجانی روایت شده که وی گفت: مردی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: ای پسر رسول خدا! از گروه بن زبیر روایت می کنند که گفته: پیغمبر صلی الله علیه و آله در حال تقیه از دنیا رفت. حضرت علیه السلام فرمود: پس از آن که خداوند عزوجل فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُرَكَّاتٍ مِنَ النَّاسِ؛ ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد»، پیامبر صلی الله علیه و آله با ضمانت خداوند عزوجل هر نوع تقیه ای را کنار گذاشت و فرمان خداوند را آشکار ساخت، اما قریشیان پس از ایشان هر کاری خواستند کردند؛ اما پیش از نزول این آیه چه بسا حضرت تقیه کرده باشد. (۴)

ص: ۲۱۲

۱- آل عمران / ۹۷.

۲- بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۳۸۰ عن امالی الطوسی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳- مائده / ۶۷.

۴- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۱ عن عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰.

۱۹: بانگ لعنت بر ظالمین

«... فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ؛ پس آواز دهنده ای در میان آنان آواز دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد.»
(۱)

عمر الحلال گفت: از حضرت ابو الحسن علیه السلام راجع به آیه: «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» پرسیدم ، فرمود: مؤذن امیر المؤمنین علیه السلام است. (۲)

۲۰: او اعمالمان را می بیند!

«وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ؛ بگو : عمل کنید یقیناً خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را می بینند ، و به زودی شما را به سوی دانای نهان و آشکار بازمی گردانند، پس شما را به آنچه همواره انجام می دادید آگاه می کند.» (۳)

«ابان زیات که مکئی به عبدالرضا بود گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: برای من و خانواده ام دعا بفرمایید؟ فرمود: مگر نمی کنم؟! به خدا قسم اعمال شما در هر شب و روز بر من عرضه می شود. این مطلب به نظرم بزرگ آمد. فرمود: مگر کتاب خدا را نخوانده ای که می فرماید: «قُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (۴)؟

۲۱: دل شاد باش به ولایتش!

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ؛ بگو : [این موعظه و شفا و هدایت و رحمت] به فضل و رحمت خداست ، پس باید مؤمنان به آن شاد شوند که آن از همه ثروتی که جمع می کنند بهتر است .» (۵)

ص: ۲۱۳

۱- - اعراف / ۴۴.

۲- - بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۳۶ عن الکافی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۳- - توبه / ۱۰۵.

۴- - بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۴۷ عن بصائر الدرجات، ص ۱۲۷.

۵- - یونس / ۵۸.

محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السلام نقل کرد که گفتیم: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» در تفسیر آن فرمود: به ولایت محمّد و آل او شاد باشید که این بهتر از هر ثروتی است که دشمنان آنها جمع می کنند. (۱)

۲۲: پیشتاز مومنین و وارث فردوسی برین

«أَوْلَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ اینانند که وارثان اند، وارثانی که [از روی شایستگی] بهشت فردوس را به میراث می برند [و] در آن جاودانه اند. (۲)

تمیمی با سند خود از امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام آورده است که آن حضرت فرمود: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» درباره من نازل شده است؛ و فرمود: آیات «أَوْلَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» در حق من نازل شده است. (۳)

۲۳: او را علی علیه السلام نامیدم

«وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا»؛ و به آنان از رحمت خود بخشیدیم، و برای آنان [در میان مردم] نامی نیک قرار دادیم. (۴)

ابو القاسم اسماعیل بن علی خزاعی از پدرش نقل کرد که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرانشان از حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام خبر داد از رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمودند: در آن شب (معراج) که به آسمان برده شدم و جبرئیل مرا بر بال راستش نشانده بود خطاب آمد: یا محمّد! چه کسی را جانشین خود بر زمینیان قرار

ص: ۲۱۴

۱- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۶۱ عن الکافی، ج ۱، ص ۴۲۳.

۲- مومنون/ ۱۰ و ۱۱.

۳- بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۳۵ از عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۵.

۴- مریم / ۵۰.

دادی؟ گفتم: بهترین اهل زمین علی بن ابی طالب علیه السلام برادرم و حبیب و دامادم یعنی پسر عم خویش را جانشین خود قرار دادم.

پس خطاب شد: یا محمّد! آیا او را دوست داری؟

گفتم: بلی یا رب العالمین!

خداوند فرمود: او را دوست بدار و امت را امر کن او را دوست بدارند، من علیّ اعلی هستم و نام او را از نام خویش برگرفتم و او را علی نامیدم. پس جبرئیل فرود آمد و گفت خدایت سلام فرستاد و فرمود بخوان گفتم چه چیز را بخوانم؟

گفت: وَ وَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا. (۱)

۲۴: سینه ای مملو از علم خدادادی

«بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مَا يُجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ؛ بلکه این قرآن ، آیات روشنی است در سینه کسانی که به آنان معرفت و دانش عطا شده است ؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند.» (۲)

محمد بن فضیل گوید از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام درباره آیه شریفه : « بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ » پرسیدم. فرمودند: آنان خصوص ائمه علیهم السلام هستند. (۳)

۲۵: سخنگویی از زمین!

« وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ؛ هنگامی که [در اوقات پایانی دنیا] وعده عذاب ما بر آنان لازم شود ، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با آنان سخن می گوید [تا به آیات ما و آخرت و اصول آن یقین کنند] ؛ زیرا مردم پیش از این به آیات ما یقین نداشتند.» (۴)

ص: ۲۱۵

۱- - شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۴۶۲.

۲- - عنکبوت/۴۹.

۳- - بصائر الدرجات ، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۴- - نمل / ۸۲.

حضرت رضا علیه السلام در تفسیر آیه «أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ»، فرمود: دابه الارض علی علیه السلام است. (۱)

۲۶: امامت، همان امانت الهی است

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا؛ يَقِينًا» ما امانت را [که تکالیف شرعی سعادتمند بخش است] بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم و آنها از به عهده گرفتنش [به سبب اینکه استعدادش را نداشتند] امتناع ورزیدند و از آن ترسیدند ، و انسان آن را پذیرفت بی تردید او [به علت ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار ، و [نسبت به سرانجام خیانت در امانت] بسیار نادان است. (۲)

حسین بن خالد گفت: از حضرت رضا علیه السلام راجع به این آیه سؤال کردم: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.» فرمود: امانت ولایت است. هر که ادعای ولایت و امامت بدون حق بکند، کافر است. (۳)

۲۷: خدا خود، حضرت فاطمه علیها السلام را به امیرالمومنین علیه السلام تزویج فرمود

«وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مِمَّا اللَّهُ مُّيَدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا؛ [یاد کن] زمانی که به آن شخص که خدا به او نعمت [اسلام] بخشیده بود ، و تو هم [با آزاد کردنش از طوق بردگی] به او

ص: ۲۱۶

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷ از مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۰۲.

۲- احزاب/۷۲.

۳- بحار الانوار، ج ۲۳، ۲۷۹ از معانی الاخبار، ص ۱۱۰ و عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۶.

احسان کرده بودی، می گفتم: همسرت را برای خود نگه دار و از خدا پروا کن. و تو در باطن خود چیزی را [چون فرمان خدا به ازدواج با مطلقه او] پنهان می داشتی که خدا آشکار کننده آن بود [تا برای مردم در ازدواج مطلقه پسر خوانده هایشان ممنوعیت و مشکلی نباشد] و [برای بیان فرمان خدا نسبت به مشروعیت ازدواج مطلقه پسر خوانده] از مردم می ترسیدی و در حالی که خدا سزاوارتر بود که از او بترسی، پس هنگامی که «زید» نیاز خود را از همسرش به پایان برد [و او را طلاق داد] وی را به همسری تو درآوردیم تا برای مؤمنان نسبت به ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان زمانی که نیازشان را از آنان به پایان برده باشند مشقتی نباشد؛ و همواره فرمان خدا شدنی است. (۱)

از ابی صلت روایت شده است: هنگامی که مأمون دانشمندان اهل اسلام و دیگر ادیان مانند یهود، نصاری، مجوس، صابین و دیگر اهل علم را برای بحث با امام رضا علیه السلام جمع کرد هیچ یک نتوانستند حجتی برای امام رضا علیه السلام بیاورند بلکه استدلال های آن حضرت مانند سنگی بود که در گلوی آنان بماند... حضرت (در ادامه تبیین این آیه شریفه ... وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ...) فرمودند:

خداوند عهده دار تزویج احدی نشده است مگر ازدواج آدم و حوا و زینب و رسول الله صلی الله علیه و آله و فاطمه و علی علیهما السلام. (۲)

۲۸: شهادت به "علی امیرالمومنین ولی الله" جزء توحید است

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ پس [با توجه به بی پایه بودن شرک] حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [و پابرجا و ثابت بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش

ص: ۲۱۷

۱- - احزاب/۳۷.

۲- - بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۴ از امالی صدوق، ص ۹۲.

برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست ؛ این است دین استوار ؛ ولی بیشتر مردم معرفت [به این حقیقت اصیل] ندارند. (۱)

هشتم بن عبدالله رمانی گوید: حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام حدیث فرمودند ما را از پدرشان از جدشان امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا که فرمودند منظور این است:

لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیرالمومنین ولی الله. تا اینجا است توحید. (۲)

۲۹: کلام پاک چیست؟

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصِيحُ عَدُوُّ الْكَلِمِ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْوَرُ؛ کسی که عزت می خواهد، [باید آن را از خدا بخواهد، زیرا] همه عزت ویژه خداست. حقایق پاک [چون عقاید و اندیشه های صحیح] به سوی او بالا می رود و عمل شایسته آن را بالا می برد. و کسانی که حيله های زشت به کار می گیرند، برای آنان عذابی سخت خواهد بود، و بی تردید حيله آنان نابود می شود.» (۳)

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «منظور از کلمه «طیب» که در آیه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» وجود دارد، این است که کلمات پاک و پاکیزه، به سوی خدا صعود می کنند: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و محمّد رسول الله حقّ و خلفاؤه خلفاء الله. «وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»، منظور از عمل صالح این است که انسان در قلب خود بداند و معتقد باشد که این عمل و کردارش، مطابق قول و گفتارش صحیح و درست است.» (۴)

ص: ۲۱۸

۱- - روم/۳۰.

۲- - تفسی قمی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳- - فاطر/۱۰.

۴- - بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۱ از تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۳۲۸.

به قلم: حجت الاسلام والمسلمین سید محمدرضا تجویدی

قال الله تبارك و تعالی فی كتابه الکریم: « وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ » (۱)

و قال الجواد علیه السلام: « الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ وَ وَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ » (۲)

خداوند متعال انتصاب معصومین: را از جانب خود می داند و تعلیل که در خور فهم بشر است با بیان صبر اکمل آنها و یقین خالص معصومین: برای ما بیان می دارد. شاید جمله « فَصَيَّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدِّي وَ فِي الْحَلْقِ شَجِي » از اول مظلوم عالم امیرالمؤمنین علیه السلام در توضیح این آیه شریفه باشد که احدی صبر لا یتناهی حضرتش را ندارد و لذا احدی مقام و منزلت ملکوتی آن حضرت را نتواند داشت. و جمله حضرتش که « لو كشف الغطا ما ازددت يقيناً » در بیان این حقیقت باشد که غیر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله احدی مقام یقین حضرتش را نخواهد داشت. در کلام فرزندشان امام نهم حضرت جواد الائمه علیه السلام مؤمن که همان شیعه امیرالمؤمنین است موظف به طلب توفیق از خالق خود و استمداد از واعظی ناصح و پذیرش کلام حق باید داشته باشد. سبب جلب توفیق حق ابراز ارادت به آقایی است که طبق فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه با حق است (علی مع الحق و الحق مع علی) و ناصحی امین با تمام امتیازات منحصر به فرد واعظ که خود متعظ است نیست مگر جد امجدش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و البته

ص: ۲۱۹

۱- - سجده / ۲۵.

۲- - مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۹.

آباء و ابناء معصومین ابوجعفر جواد الائمه علیه السلام. پذیرش کلام حق نیز مرهون طیب ولادت و پذیرش ولایت آقایی است که طبق فرموده فرزندش امام صادق علیه السلام در عالم آلت به سه مطلب شهادت داده است: ولایت خدا، پیامبر خدا و اعتراف به شهادت ثلثه که همان ولایت الهیة حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. (۱) هر چند کلمات قصار امام نهم برگرفته از فرمایشات دُرربار جد مطهرش امیرالمؤمنین علیه السلام و امثال فرماییشان حضرتش در کتاب «غررالحکم» است از بیان آقایی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پدرم به فدای فرزند کنیزی که از اهل نوبه است. چه زیباست شنیدن فضائل آقایی که جان پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

امام جواد علیه السلام همانند پدر بزرگوارش علوم و فنون مختلف را از پدرش از جدش تا به باب مدینه علم برسد روایت کرده و روات این چند امام اخیر نیز از اصحاب ثقه، ثابت، سالم و بدون تردید بوده اند.

امام جواد علیه السلام راوی بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام

وقتی سطور تاریخ و متون اخبار را ورق بزنیم و مطالعه نماییم خواهیم دید که بخشی از کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را امام جواد علیه السلام نقل و بیان فرموده است.

درباره کلمات قصار امام جواد علیه السلام نیز بسیار دیده می شود که از اخبار جدش امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام باب مدینه علم نقل شده و نخبه کلمات قصار علوی به روایت پیشوای نهم امام جواد علیه السلام است که به مردم آموخته اند که این

ص: ۲۲۰

۱- - عَنْ سِتَّانِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: أَنَا أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِ نَوَى اللَّهِ بِأَسْمَائِنَا إِنَّهُ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثًا أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ثَلَاثًا أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا ثَلَاثًا؛ ما نخستین خاندانی هستیم که خداوند نام ما را بلند آوزاه کرد چون خداوند آسمانها و زمین را آفرید به منادا فرماد داد که فریاد کند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سه مرتبه، «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» سه مرتبه، «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا». امالی صدوق، مجلس ۸۸، ح ۴.

کلمات را علامه اربلی در کتاب شریف «کشف الغمه» در جلد دوم صفحه ۳۴۶ به بعد روایاتی را نقل نموده اند که ما در اینجا به تعدادی از آن احادیث بسنده می کنیم:.

نصایحی به ابوذر غفاری درباره رضای خدا

۱: امام جواد علیه السلام از جدش امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند که حضرتش به ابوذر غفاری فرمودند: ای ابوذر! اگر به کسی که خداوند به او فرح و شادی داده خشم و غضب کنی و این غضب برای رضای خدا باشد در واقع به او خدمت کرده ای و اگر برای دنیا باشد به او خیانت نموده ای. ای ابوذر! مردم تو را به دنیا می ترسانند تو مردم را به دین و آخرت می ترسانی. به خدا سوگند! اگر راه آسمان ها به زمین بسته شود و تمام راه های نجات مسدود گردد، خداوند بنده پرهیزکار و دین دار خود را به راهی نجات می دهد و او را از بلایا می رهاوند. ای ابوذر! به مقام انس، الفت و تقرب حق نمی رسی مگر به راستی، که آن حق و صداقت است که صاحب خود را به کرامت و مقام مطلوب می رساند و از وحشت مصون می دارد و به عکس، باطل راه هوی و مجاز است که پیوسته آدمی را به اضطراب و تشویش می کشاند. آری، این اثر وضعی حق و باطل است که حق، سکونت و آرامش، طمأنینه و وقار و یقین و اطمینان می آورد و باطل، پریشانی و نگرانی، وحشت و اضطراب، غم و هم و غصه و تردید ایجاد می کند.

از دیگر مواعظ و نصایح حضرت

نخستین وظیفه امام، ارشاد و هدایت مردم است که بایستی با کلمات رسا و کوتاه خود - که در قالب معانی دقیقه و نماینده الطاف خفیه حق است - مردم را به راه مستقیم هدایت نماید و از انحراف و اعوجاج و لغزش و خطا مصون دارد. از لوازم منصب امامت، حب نوع و دوستی عموم مردم است که عواطف و علاقه به نوع - خاصه آمیخته به مأموریتی هم باشد - ایجاب می کند که حلقه ارشاد و هدایت را در دست گرفته و به کلمات قصار که مانند مجاری رودخانه است و راه به دریای علم و دانش دارد مردم را به صلاح و صواب خودشان هدایت نماید و با نشاط و انبساط و چهره گشاده و ارتقای ملی مردم را به کمال مطلوب خود ارائه طریق بنماید. نصایح امام از روی علاقه به مردم است، نه برای گرفتن پاداش، یا جلب

منفعتی، یا به منظور وجیه المله شدن، یا احراز مقام و منصب زعامت و پیشوایی، بلکه امام به پیروی از سنت و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «لَا أَسئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۱) پاداش این خدمات و ارشاد و هدایت و نصیحت و اندرز فقط برای رضا خدا بوده و بس. به همین جهت، گفتار و سخنان ائمه ما، وسیله کسب و کاری نبوده تا بدان جهت، احراز مقامی بنمایند، بلکه فقط برای رضای خدا و تقرب به حق، بندگان خدا را به سوی حق، دعوت و راهنمایی کرده اند و آنچه سبب نیل به سعادت و رستگاری و موجب فوز و فلاح بوده، تعلیم نموده اند.

۲: امام جواد علیه السلام فرمود: هر کس به خدا اعتماد و تکیه کند خداوند به او شادمانی بنمایاند. هر کس به خدا توکل کند، خداوند امور او را کفایت کند، اطمینان به خداوند حصاری است که در آن تحصن نمی کند مگر مؤمن امین، و توکل به خدا نجات است از هر بدی و نگهدارنده آدمی است از شر دشمن.

۳: و فرمود: توفیق رفیق کسی نمی شود مگر در سایه ایمان و امانت و هر کس ایمانش به خدا بیشتر باشد توفیقش در ادراک معانی و مواهب الهی بیشتر می گردد.

۴: فرمود: دین مایه عزت و سرافرازی است.

۵: فرمود: علم و دانش و معرفت گنجی است که خداوند به هر کس عنایت فرمود او را از همه چیز بی نیاز کرده است، چنانچه قرآن فرمود: «وَمَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (۲) خیر کثیر بی نیازی از همه چیز است.

۶: فرمود: خاموشی، نوری است که در دل می تابد و باعث تفکر و معرفت می شود، هر کس در گفتار خود قبلاً فکر کند که سخن بی جا نگوید، دلش به نور معرفت روشن گردد.

۷: فرمود: هدف از زهدورزی اجتناب از حرام است.

ص: ۲۲۲

۱- - شوری / ۲۳.

۲- - بقره / ۲۶۹.

۸: فرمود: هیچ چیز دین را مانند بدعت، خراب نمی نماید و هیچ چیز آدمی را مثل طمع به مال مردم ضایع نمی کند که طمع آدمی را خوار و ذلیل می کند و بدعت دین را فاسد و تباه می سازد، مردم بی دین ارزشی ندارند و شخص طماع خوار و حقیر است.

۹: فرمود: نجات از بلا، به دعاست که سپر بلا و آفات و عاهات می گردد و هر کس دعا کند و از خدا خیر خود را بخواهد و تضرع و زاری در درخواست خود بنماید به مطلوب خود می رسد.

۱۰: فرمود: هر کس، شخصی را دشنام دهد بی شک دیگری او را دشنام خواهد داد، اگر می خواهید کسی به شما فحش و دشنام ندهد زبان خود را از دشنام و شماتت و فحش به دیگری ببندید و سخن به رنج آوری نگویند تا دیگران هم، حق ادب و احترام شما را نگاهدارند.

۱۱: فرمود: هر کس در مصیبت صبر کند به مرکب نجات و رستگاری سوار شود و هر کس غیبت کند آماده باشد که دیگری او را غیبت خواهد نمود. هر که عیب دیگری پیش تو آورد و شمرد بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد.

۱۲: فرمود: هر کس درخت پارسایی و پرهیزکاری و تقوی را در زمین دل خویش نشانند، میوه های امید و ثمره های مفید از آن بردارد. خداوند، بندگانی دارد که نعمت فراوان به آن ها می دهد و تا روزی که آن ها این نعمت های الهی را با مردم در میان نهند و به محتاجان بذل کنند و با هم بخورند، این روز افزون و مستدام است، ولی همین که از انفاق، اکرام و اطعام خودداری کردند از دست آن ها می گیرد و به دیگری که لایق تر باشد، می سپارد. افزون بر این که اگر نعمت در نزد کسی انبوه، متراکم و سنگین شد و با انفاق پخش نگردید، تکلیف او زیاد، بارش سنگین و حسابش طولانی، علاوه بر این که تعب و رنج و زحمت نگهداری آن طاقت فرسا هست تا از دستش زایل شود، و از دسترسی به نعمت محروم گردد.

۱۳: فرمود: هر کس با خدا توانگر شد همه مردم به او محتاج می شوند و معنی توانگری، بر، احسان و انفاق همین است.

۱۴: فرمود: هر کس پرهیزکار شد، همه او را دوست می دارند که اثر پرهیزکاری محبوبیت قلوب است، اگر چه نفعی به دیگران نرساند باز او را دوست می دارد.

۱۵: فرمود: در کسب علم بکوشید و در تحریص آن دست طلب باز ندارید. علم را هر کجا هست بطلبید که طلب علم بر هر فردی واجب، مباحثات علم مستحب است و علم است که باعث الفت و مودت در بین برادران مؤمن می شود. علم است که آدمی را صاحب عزت و مروّت می کند. علم است که انسان را از افعال لغو اجتناب می دهد. علم است که تحفۀ مجالس و بزم محافل می گردد. علم است که مصاحب و رفیق خوب به وجود می آورد. علم است که رفیق سفر و حضر و مونس و مالوف آدمی است و در تنهایی او را وانی گذارد.

۱۶: فرمود: ظلم کننده، یاری کننده ظالم و راضی به ظلم و جور همه شریک ظلم هستند. در روز حساب از همه آن ها بازخواست می شود، زیرا وظیفۀ انسانی است که ظلم نکند و دست ظالم را از سر مظلوم کوتاه نماید و به هر عنوانی که ممکن است از دامنه ظلم جلوگیری کند.

۱۷: فرمود: «يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ؛ آن روزی که خداوند عالم در دیوان محاسبات خود ظالم را احضار می کند و میزان عدالت را نصب می نماید آن روز بر ظالم بسیار سخت تر است از روزی که به مظلوم ستمی شده است.»

۱۸: فرمود: «الْعُلَمَاءُ غُرَبَاءُ لِكَثْرَةِ الْجَهَالِ بَيْنَهُمْ؛ علما غریب و تنها می باشند به دلیل زیادی جهال و نابخردان.»

و چون غریب در یک شهر کم است، عالم هم در میان جاهل کم است و هم زبان عالم اندک است و مأنوس و مألوفی ندارد که با او انس بگیرد و به همین منطقی احترام و رعایت غریب و عالم لازم است.

۱۹: فرمود: «فَسَادُ الْأَخْلَاقِ بِمَعَاشَرَةِ السُّفَهَاءِ وَ صَيْلَمَ الْأَخْلَاقِ بِمُنَافَسَةِ الْعُقَلَاءِ؛ فساد اخلاقی با همنشینی بی خردان است، هر اندازه با جهال و نابخردان بیشتر معاشرت کنند فساد اخلاقتان بیشتر می شود و به عکس، اصلاح اخلاق با مجالست و همنشینی با خردمندان است.»

۲۰: فرمود: «الشَّرِيفُ كُلُّ الشَّرِيفِ مَنْ شَرَفَهُ عِلْمُهُ وَ الشُّؤْدُدُ حَقُّ الشُّؤْدُدِ لِمَنْ اتَّقَى اللَّهَ رَبَّهُ؛ شَرِيفٌ وَ جَامِعٌ هُمَا شَرِيفٌ، كَسَى اسْتِ كَه عِلْمٍ اَوْ رَا بَه شَرَفٍ وَ بَزْرگُواری رَسَانَدَه بَاشَد، وَ كَرَامَتٌ وَ آقَائِي تَمَامِ عِيَارِ دَر پَرهِيزكَارِي وَ تَقْوَايِ اَلْهِي اسْت.»

۲۱: فرمود: «وَ الْكَرِيمُ [كُلُّ الْكَرِيمِ] مَنْ أَكْرَمَ عَنْ ذُلِّ النَّارِ وَجْهَهُ؛ بَزْرگُواری وَ جَوَانمَرْدِ كَسِي اسْتِ كَه چَهْرَه خُودِ رَا اَز ذَلَّتِ اَتَشِ دُوزَخِ حَفْظِ كَنْدِ وَ گَرَامِي دَارَد.»

۲۲: فرمود: بَزْرگُواری بَا عِلْمٍ وَ دَانَشِ وَ مَعْرِفَتِ حَقِّ بَه دَسْتِ مِي آيِدِ وَ هَرِ كَه عِلْمٍ وَ دَانَشِ اَوْ بِيَشْتَرِ بَاشَدِ خُودِ رَا بَهْتَرِ مِي شَنَاسَدِ وَ هَرِ كَه خُودِ رَا بَهْتَرِ بَشَنَاسَدِ بَزْرگُواری اَوْ بِيَشْتَرِ اسْتِ.

۲۳: فرمود: «مَنْ أَمَلَ فَاجِرًا كَانَ أَدْنَىٰ عُقُوبَتِهِ الْحِزْمِيَّانَ؛ هَرِ كَسِ بَه مَرْدِ فَاسِقٍ وَ فَاجِرٍ وَ نَابِكَارِي اَمِيْدِ دَاشْتَه بَاشَدِ كَمْتَرِيْنِ كِيْفَرَشِ اَيْنِ اسْتِ كَه نَااَمِيْدِ مِي گَرَدَد.» (چَرَا كَه بَايِدِ اَمِيْدِ فِقْطِ بَه خُودِ قَادِرِ، دَانَا وَ تَوَانَا بَاشَدِ، نَه بَه خَلْقِ، اَنِ هَمِ بَه فَاجِرَانِ وَ فَاسِقَانِ اَنِ هَا كَه سَبَبِ مَحْرُومِيْتِ هَايِ بَزْرگِ وَ نَااَمِيْدِي هَسْتَنْدِ.)

۲۴: فرمود: «مَوْتُ الْإِنْسَانِ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجْلِ وَ حَيَاتُهُ بِالْبِرِّ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعُمْرِ؛ مَرْدِنِ اِنْسَانِ بَه گِناهِ بِيَشِ اَز مَرْدِنِ اَوْ بَه اَجَلِ اسْتِ. وَ زَنْدَگِي بَا نِيكُوکَارِي بِيَشِ اَز زَنْدَگِي بَه عَمَرِ طَبِيْعِي اسْت.»

۲۵: فرمود: «التَّوْبَةُ عَلَىٰ أَرْبَعِ دَعَائِمٍ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ وَ عَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ؛ تَوْبَه چَهَارِ پَايَه وَ رَكْنِ دَارَد: اَوَّل: پَشِيْمَانِي بَه قَلْبِ. دُوم: اسْتِغْفَارِ بَه زَبَانِ، سُوْم: عَمَلِ بَه جَوَارِحِ وَ اَعْضَا، چَهَارم: عَزْمِ وَ تَصْمِيْمِ قَطْعِي، كَه دِيْگَرِ مَرْتَكَبِ چَنِيْنِ خَطَائِي نِگَرَدَد، تَا اَز نَزولِ خَطَرَاتِ مَصُونِ بَمَانَد.»

۲۶: فرمود: «ثَلَاثٌ مِنْ عَمَلِ الْأَبْرَارِ إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ وَ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ احْتِرَاسٌ مِنَ الْعُفْلَةِ فِي الدِّينِ؛ سَه چِيْزِ اَز عَمَلِ نِيكَاْنِ اسْتِ: ۱ - بَرپَايِي فَرَايِضِ اَلْهِي، ۲ - اجْتِنَابِ اَز حَرَامِ، ۳ - مَرَاقَبْتِ بَه اَحْوَالِ خُودِ، كَه مَبَادَا دَر دِيْنِ دِچَارِ غَفْلَتِ شُود.»

۲۷: فرمود: « ثَلَاثٌ يَبْلُغُنَ بِالْعَبِيدِ رِضْوَانَ اللَّهِ كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ وَ خَفْضُ الْجَانِبِ وَ كَثْرَةُ الصَّدَقَةِ ؛ سه چیز است که بنده را به درجه خشنودی حق تعالی می رساند: اول: استغفار زیاد. دوم: فروتنی و تواضع، که کسی با دیگران نرم و خوش رفتار باشد. سوم: صدقه زیاد و دستگیری از درماندگان بیچارگان و واماندگان.»

۲۸: فرمود: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتِكْمَلُ الْإِيمَانَ مَنْ أَعْطَى لِلَّهِ وَ مَنَعَ فِي اللَّهِ وَ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ أَبْغَضَ فِيهِ؛ چهار چیز است که شرایط کمال ایمان است: اول: آنکه از آن چه دارد برای رضای خدا به مردم ببخشد. دوم: آنکه: در راه خدا باز دارد. سوم آنکه: در راه خدا دوستی کند. چهارم آنکه: دشمنی او در راه خدا باشد. همه این اعمال اگر متضمن رضای خدا باشد، موجب تقرب حق می گردد.»

۲۹: فرمود: «ثَلَاثَاتٌ مَيِّنٌ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَنْدَمْ تَزُكُّ الْعَجَلَةِ وَ الْمَشُورَةُ وَ التَّوَكُّلُ عِنْدَ الْعَزْمِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ؛ هر کس دارای سه خصلت باشد هرگز پشیمان نشود. اول: تعجیل نکردن در امور. دوم: مشورت نمودن با برادران مؤمن. سوم: توکل بر خدا در هنگام عزم و اراده کاری، تا به امید خدا و عنایت و حمایت باری تعالی موفق گردد.»

و در کتاب شریف بحارالانوار از امام جواد الائمه علیه السلام دو روایت دیگر آمده که حضرت فرموده اند:

۳۰: عیون أخبار الرضا علیه السلام الحافظ عن الحسن بن علی الممتع عن حمیدان بن المختار عن محمد البرقی عن أبي جعفر الثاني عن أبيه عن حیدره موسی علیه السلام عن الأجلح عن ابن بریدة عن أبيه أن النبي صلى الله عليه وآله قال: علي إمام كل مؤمن من بعدى. (۱)

۳۱: الخصال أبي و ابن المتوكل و ماجيلويه و أحمد بن علي بن إبراهيم و حمزة العلوي و ابن ناته و المكتب و الهمداني جميعاً عن علي عن أبيه عن عبد الله بن المغيرة عن أبي جعفر الثاني عليه السلام أنه سمعه يقول علم رسول الله صلى الله عليه وآله علياً ألف كلمه كل كلمه تفتح ألف كلمه. (۲)

ص: ۲۲۶

۱- بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۱۱۱، ح ۴۵؛ عوالم العلوم، ص ۲۶۲.

۲- بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۳۳، ح ۱۷؛ بصائرالدرجات، ص ۳۱۰، ح ۸؛ و عوالم العلوم، امام جواد علیه السلام، ص ۲۶۲.

الأمالی ، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن علی ، ناشر: کتابچی، تهران، چاپ ششم ، ۱۳۷۶ ش

بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله: ، صفار، محمد بن حسن ، محقق / مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

عوالم العلوم و المعارف والأحوال- الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام ، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ناشر: مؤسسه الإمام المهدي ۴ ، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.

كشف الغمه فی معرفه الأئمه، اربلی، علی بن عیسی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.

مستدرک الوسائل ، نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم، چاپ اول ، ۱۴۰۸ ق.

به قلم: فاضل گرامی شیخ امیر شیاسی

پیش گفتار:

سخن از شناخت امام معصوم است. امامی که شناخت او؛ راه رهایی از مرگ جاهلی است. (۱) امامی که عدل قرآن (۲) و مفسر و مترجم آن است. (۳)

امامی که ولایت او؛ قرین ولایت خدا و رسول است. (۴) امامی که دوستی او؛ برترین اعمال (۵) و اساس اسلام (۶) و فریضه ای الهی است. (۷)

چگونه به شناخت چنین امامی می توان راه یافت.

«هیئات! هیئات! این جاست که خردها سرگشته شده، حلم ها بیراهه رفته، عقل ها سرگردان، اندیشه خردمندان قاصر و دیده ها بی نور می گردد. بزرگان احساس کوچکی می کنند، حکیمان متحیر می شوند، و خطیبان درمانده و شاعران وامانده و ادیبان ناتوان و بلیغان درمانده می گردند، که بتوانند یکی از شئون امام یا فضیلتی از فضایلش را توصیف کنند و همگی به عجز و کوتاهی خود اقرار می کنند.» (۸)

آری، در عظمت چنان خورشید عظیمی همه باید زبان، به عجز بسته و خاموشی

ص: ۲۲۸

- ۱- . الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳.
- ۲- . بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۴۷، ح ۱۱۱.
- ۳- . البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴، ح ۳۲.
- ۴- . مائده / ۵۵.
- ۵- . محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۵۰، ح ۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹۱، ح ۴۸.
- ۶- . أمالی (صدوق)، ص ۲۶۹ المجلس الخامس والخمسون، ح ۱۶؛ أمالی (طوسی)، ص ۸۴ المجلس الثالث، ح ۱۲۶.
- ۷- . مناقب (خوارزمی)، ص ۶۶، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۷۵؛ أمالی طوسی، ص ۶۱۹، ح ۱۲۷۶، مجلس ۲۹.
- ۸- . إحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰، ح ۴؛ عیون الأخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

پیشه کنند و بهتر آن که به سراغ کتاب خدا و سخنان معصومین: رفته و فضایل حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام را از ثقلین، بشنوند.

ما در این پژوهش به بررسی مقام امامت و ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از زبان امام هادی علیه السلام در «زیارت غدیریه» با عنوان فضایل قرآنی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام امام هادی علیه السلام می پردازیم.

ما را وظیفه ایست، نه دعوی به جاه خویش

بر من ببخش، ورنه -مدیح تو «هل آتی» ست

مقدمه:

برای رسیدن به هر چیزی نیاز به شناخت است و آن شناخت است که ارزش ها را مشخص می کند.

حضرت علی علیه السلام به کمیل فرمودند: «ما من حَرَکَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ هیچ کاری نیست مگر این که تو در آن نیازمند شناخت هستی.»^(۱)

در رأس همه شناخت ها «امام شناسی» اصل و اساس است. به تعبیر دیگری امام شناسی معیار حق و باطل است. و به بیان قرآن اگر همه عالمیان بر معرفت امام خود اجتماع نمایند، خداوند برکات آسمانی و زمینی را بر عالمیان می گستراند.^(۲)

در روایات آمده است: وقتی با ابوبکر بیعت شد، سلمان گفت: «کردند و نکردند! (هر چه می خواستند انجام دادند)! اگر با حضرت علی علیه السلام بیعت می کردند، نعمت های الهی از بالای سر و زیر پایشان جاری می شد.»^(۳)

ص: ۲۲۹

۱- . تحف العقول، ص ۱۷۱؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۶۷، ح ۱.

۲- . اشاره به آیه: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. (اعراف / ۹۶).

۳- . أنساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۹۱، ش ۱۱۹۷. قال سلمان الفارسی حین بویع أبو بکر: کرداذ و ناکرداذ، آی عملتم و ما عملتم، لو بايعوا عليا لأكلوا من فوقهم و من تحت أرجلهم.

بنا بر این لازم است قبل از ورود به شناخت امام در زیارت غدیریه، به مختصری از آثار و برکات امام شناسی و سپس به منابع شناخت امام بپردازیم.

مطلع اول: آثار معرفت به امام معصوم علیهم السلام

۱. معرفت امام علیه السلام منشأ همه برکات.

معرفت امام علیه السلام اساس همه خوبی ها و نیکی ها و برکت هاست و خداوند متعال هر گاه بخواهد تمام خیرات و مبرّات را به بنده ای عنایت کند، معرفت اهل بیت علیهم السلام را در قلب او جای می دهد؛ همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به این مطلب تصریح نموده اند: «مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي - تِي وَ وِلَايَ - تِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ؛ خداوند بر هر کس با معرفت اهل بیت من و ولایت آنان مَنّت گذارد، تمام نیکی ها را برایش جمع نموده است.» (۱)

۲. معرفت به خداوند بدون معرفت به امام علیه السلام ممکن نیست.

بندگی و اطاعت از خداوند فقط از طریق امام شناسی صورت می پذیرد؛ بنابراین نمی توان پذیرفت که شخصی ادّعی معرفت خدا را داشته باشد اما نسبت به ائمه اطهار: بی تفاوت باشد. کسی که مطیع خداوند است باید پیامبرش را به پیامبری و امامش را به امامت قبول داشته باشد و اگر در این امر تردید کند، در حقیقت، در خداشناسی تردید کرده است.

ابوحمزه ثمالی می گوید: امام محمّد باقر علیه السلام به من فرمود:

«همانا کسی بندگی خداوند را می کند که نسبت به او معرفت داشته باشد، ولی آن که اهل معرفت خداوند نیست، او را گمراهانه می پرستد.»

عرض کردم: «معرفت خدا چیست؟»

فرمود: «تَصَدِيقُ اللَّهِ وَ تَصَدِيقُ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ مَوْلَاهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْإِيْتِمَامُ بِهِ وَ بِأَيْمَمِهِ الْهُدَى: وَ الْبِرَاءَةُ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ عَدُوِّهِمْ، هَكَذَا يُعْرِفُ اللَّهُ؛ همانا معرفت خداوند، تصدیق او

ص: ۲۳۰

و پیامبر گرامی اش و دوستی با حضرت علی علیه السلام و پذیرفتن امامت او و امامت ائمه هدی: و بیزاری جستن از دشمنان ایشان است.»(۱)

۳. هیچ عملی بدون معرفت امام علیه السلام پذیرفته نیست.

اساس و پایه همه اعمال، محبت و معرفت به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای هر چیزی پایه و اساسی است و اساس اسلام محبت و معرفت ما اهل بیت علیهم السلام است.»(۲)

خداوند متعال شرط قبولی اعمال را معرفت و محبت اهل بیت قرار داده و هیچ عملی با فضیلت تر از معرفت و محبت به امام معصوم علیه السلام نیست، و اگر کسی عملی مانند نماز به جا آورد، ولی معرفت و ولایت اهل بیت علیهم السلام را قبول نداشته باشد، آن عمل هیچ فایده ای برای او ندارد و مانند آن است که اصلاً نماز نخوانده است؛ همان طور که اگر کسی بدون وضو نماز گذارد، آن عمل در واقع نماز نیست (لا صَلَوةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ)(۳)؛ بنابر این، روح و اساس همه اعمال، قبول ولایت و داشتن معرفت نسبت به ائمه هدی: است.

نکته مهم این است که باید برای شناخت امام به منبع وحی (قرآن و سخنان معصومین) مراجعه نمود و شناخت آن بزرگوار غیر از این طریق مسیر نیست. که از مفاد حدیث مشهور و معتبر «ث-قَلَّین» این مطلب ثابت می شود. و از طرفی جز خداوند و آنان که «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» هستند، کسی قادر به بیان صفات امام نیست.

همان طور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَا عَلِيُّ! مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرُكَ وَ مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي.»

«علی جان! جز خدا و من، کسی تو را شناخت و جز خدا و تو، کسی مرا شناخت و

ص: ۲۳۱

۱- . کافی، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۱.

۲- . المحاسن، ج ۱، ص: ۱۵۰، باب ۲۰، ح ۶۶

۳- . من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳.

غیر از من و تو کسی خدا را شناخت.» (۱)

چو نیافت غیر تو آگهی، ز بیان حال تو یا علی

نبرد به وصف تو ره کسی، مگر از مقال تو یا علی

مطلع دوم: منابع شناخت امام معصوم علیهم السلام

منبع اول: قرآن

همان گونه که امام معصوم علیهم السلام انسان ها را به قرآن (قرائت، تدبیر و عمل به آن) دعوت می کند. قرآن صامت نیز انسان ها را به معرفت قرآن ناطق از طریق آیات هدایت می کند. امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه « إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ ؛ همانا این قرآن به آن چه استوارتر است، راهنمایی می کند» فرمود: یعنی قرآن (مردم را) به سوی امام راهنمایی می کند.» (۲)

انبوهی از آیات از زبان معصومین: به امیرمؤمنان علی علیه السلام تفسیر شده و در این زمینه، کتاب های متعددی نگارش یافته است و هر کدام از این تفسیرها، دریایی از معارف را در ابعاد مختلف شناخت امام برای انسان پدید می آورد.

از جمله می توان به کتاب ارزشمند: « النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام » تألیف ابو نعیم اصفهانی؛ و «فضائل أمير المؤمنين علی بن أبي طالب علیه السلام فی القرآن الکریم» تألیف سعید أبو معاش؛ و کتاب «علی علیه السلام فی القرآن» تألیف آیت الله سیدصادق حسینی شیرازی اشاره کرد.

ص: ۲۳۲

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۴.

۲- . الکافی، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۲، بَابُ أَنَّ الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلْإِمَامِ.

احادیث و روایات معصومین: از وجود نورانی خاتم پیامبران تا خاتم امامان در شناخت حضرت علی علیه السلام و بیان فضایل آن حضرت بیشتر از آن است که بتوان آن ها را احصا نمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَوْ أَنَّ الْأَشْجَارَ أَقْلَامٌ وَالْبُحْرَ مِدَادٌ وَالْجَنِّ حُسَابٌ وَالْإِنْسَ كُتَابٌ مَا أَحْصُوا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؛ اگر همه درختان قلم و آب دریاها مرکب، و جنیان حسابگر و انسان ها نویسندگان باشند، هرگز نمی توانند فضایل حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را حساب کنند و به شمارش در آورند.» (۱)

بنا بر این به دلیل این که بیان فضایل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آثار و برکات بسیاری برای عالمیان دارد امامان معصوم: در هر زمان و مکان به تبیین فضایل آن حضرت می پرداختند.

پیشوای اهل تسنن، احمد بن حنبل می نویسد: «سی هزار حدیث مُسنَد از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی مرتضی علیه السلام صادر شده است.»

اگر این رقم را بر ده سال هجرت و توقّف در مدینه تقسیم کنیم، هر سال سه هزار، هر ماه دویست و پنجاه و هر روز تقریباً هشت حدیث، از زبان پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره فضیلت و منقبت حضرت علی علیه السلام برای اصحاب بیان شده است. (۲)

ص: ۲۳۳

۱- مناقب (خوارزمی)، ص ۳۲۸، ح ۳۴۱؛ کفایه الطالب، ص ۲۵۱؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۳.

۲- پیامی بزرگ از بزرگ پیامبران.

اشاره

از آن جایی که مخالفین طاقت شنیدن فضایل و مناقب امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نداشتند و از همان قرن اول تصمیم به إمحاء فضایل نمودند تا جایی که شیخ مفید، از علمای بزرگ شیعه، در این باره می گوید:

«زمامداران ستمکار، کسانی را که از آن حضرت به نیکی یاد می کردند، به زیر شلاق می گرفتند و حتی به خاطر آن، گردنشان را می زدند و مردم را به اعلام بیزاری از وی و او می داشتند.

رسم بر آن شده بود که به هیچ شکل از حضرت علی علیه السلام به خوبی یاد نشود، چه برسد به این که از فضایل او یاد شود یا مناقب او گزارش گردد و یا درباره حقیقت او استدلالی صورت گیرد.»^(۱)

اما در همین زمان که حاکمان و ظالمان اهتمام به مخالفت با بیان فضایل حضرت علی علیه السلام داشتند. امامان به بیان فضایل و تبیین شخصیت حضرت علی علیه السلام از طریق زیارت نامه و ادعیه می پرداختند. و بدون اغراق می توان گفت؛ قسمت عظیمی از معارف امام شناسی، در زیارات و ادعیه ها بیان شده است.

که از جمله این زیارت نامه ها زیارتی است که از زبان امام هادی علیه السلام در روز غدیر، در زمانی که معتصم عباسی، امام هادی علیه السلام را از مدینه به سامرا فرا خواند. امام وقتی به نجف رسید به این طریق حضرت علی علیه السلام را زیارت نمود.

در این زیارت که به «زیارت غدیریه» مشهور است؛ ابعاد مختلف شخصیت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و بیان فضایل قرآنی آن حضرت در قالب زیارت نامه بیان گردیده است.

زیارت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر:

اشاره

در زیارت حضرت علی علیه السلام در روز عید غدیر سه زیارت نقل شده است.

زیارت اول:

از زبان امام سجاد علیه السلام نقل شده است که به زیارت «أَمِینَ اللّٰه» مشهور است.^(۲)

١- الإرشاد، ج ١، ص ٣١١.

٢- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ٢، ص ٧٣٨.

زیارت دوم:

از زبان امام صادق علیه السلام نقل شده است. (۱)

زیارت سوم:

زیارتی که از زبان امام هادی علیه السلام نقل شده است، که مشهور به زیارت غدیریه می باشد.

سند «زیارت غدیریه»:

اگر چه که در این مختصر بیان تفصیل بررسی اسناد زیارت غدیریه نمی گنجد اما به جا است عبارتی که مرحوم محدث قمی (م ۱۳۵۹ق) در بیان سند این زیارت می گوید را نقل کنیم:

سوم: زیارتی است که شیخ مفید و شیخ شهید و دیگران روایت کرده اند به این کیفیت که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام خبر دادند از پدر بزرگوار خود امام علی النقی علیه السلام که در سالی که معتصم آن حضرت را در روز عید غدیر طلبیده بود، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به این لفظ زیارت کرده اند. و نسبت آن زیارت شریفه به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام چنانچه در کتاب مستطاب تحفه واقع شده از قلم مبارک مؤلفش سهوی شده، و صحیح همان است که در بحار است و نسخه مزار مفید و شهید فعلاً نیز در نزد حقیر موجود است، و هر عبارت متن ترجمه عبارات ایشان است، به علاوه آنکه معتصم قبل از ولادت با سعادت عسکری علیه السلام هلاک شده است.

محدث قمی می گوید:

شیخ جلیل محمد بن المشهدی یکی از بزرگان علما است. در مزار کبیر برای این زیارت شریفه، سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری به قوت آن می رسد؛ و عبارت او در این مقام چنین است: خبر داد مرا فقیه اجل ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی از فقیه عماد محمد بن ابی القاسم الطبری از ابی علی از پدرش محمد بن الحسن (شیخ طوسی) از شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان از ابوالقاسم جعفر بن قولویه از محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از ابی القاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید عمری

ص: ۲۳۵

از ابی محمد حسن بن علی العسکری از پدرش امام هادی علیه السلام و این سلسله شریفه همه از اعیان علما و شیوخ طائفه و رؤسای مذهب اند و جناب ابوالقاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید هر دو از نواب امام عصر علیه السلام هستند؛ و بعد از تأمل معلوم می شود که در تمام زیارات مأثوره زیارتی به این وجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمی شود. (۱)

منابع زیارت غدیریه:

اشاره

از مهم ترین منابعی که این زیارت را نقل کرده اند عبارتند از:

۱. الْمَزَارُ الْكَبِيرُ

محمد بن جعفر مشهدی (متوفای ۶۱۰ق) در «الْمَزَارُ الْكَبِيرُ» صفحه ۲۶۳ باب ۱۲.

این کتاب از قدیمی ترین کتب در موضوع زیارت است. علامه مجلسی آن را «الْمَزَارُ الْكَبِيرُ» نامیده و گفته از روایات آن فهمیدم، کتاب معتبری است. (۲)

۲. الْمَزَارُ

محمد بن مکی عاملی (م ۷۸۶ق) معروف به شهید اول در «الْمَزَارُ فِي كَيْفِيَةِ زِيَارَاتِ النَّبِيِّ وَالْاِئِمَّةِ»: صفحه ۶۶

۳. فَرْحَةُ الْغَرِيِّ

عبدالکریم بن احمد حلّی (متوفای ۶۹۳ق) در «فَرْحَةُ الْغَرِيِّ فِي تَعْيِينِ قَبْرِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي النَّجَفِ» صفحه ۱۱۲ به این زیارت اشاره نموده است.

این کتاب ارزشمند توسط علامه محمد باقر مجلسی ترجمه شده است.

۴. بِحَارُ الْأَنْوَارِ

علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) در «بِحَارُ الْأَنْوَارِ الْجَامِعَةُ لِتَدْوِيرِ أَخْبَارِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ» جلد ۹۷ صفحه ۳۵۹ این زیارت را از شیخ مفید نقل می کند.

١-١. مفاتيح الجنان، ص ٢٢٩.

٢-٢. المزار الكبير، ص ١٨.

۵. زادُ المَعَاد

از دیگر کتاب های علامه

مجلسی که در سال ۱۱۰۷ق در اواخر عمر خود تألیف نموده «زادُ المَعَاد» است . محتوای این کتاب دعاها، زیارت ها و اعمال مستحبی طول سال است که مختصری از برخی احکام شرعی نیز در آن بیان شده است.

علامه در صفحه ۴۶۶ این کتاب، متن زیارت غدیریه را نقل نموده است.

۶. هَدِيَّةُ الزَّائِرِينَ

محدث قمی (م ۱۳۵۹ق) در «هَدِيَّةُ الزَّائِرِينَ وَ بَهْجَةُ النَّاطِرِينَ» صفحه ۲۲۹

۷. مَفَاتِيحُ الْجَنَانِ

محدث قمی (م ۱۳۵۹ق) در «مَفَاتِيحُ الْجَنَانِ» فصل چهارم صفحه ۳۶۳

فضایل قرآنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در زیارت غدیریه

اشاره

آیاتی که در زیارت غدیریه در مورد حضرت علی علیه السلام آمده است چند صورت است:

الف. آیاتی که شأن نزول آن در مورد حضرت علی علیه السلام است.

ب. آیاتی فضایل حضرت علی علیه السلام را بیان می کند.

و این دو دسته از آیات گاه به صورت صریح و گاه تضمین و گاه اقتباس و گاه به صورت تلمیح (۱) بیان شده است. در این پژوهش قصد داریم با توکل به خدا و توسل

ص: ۲۳۷

۱- . تضمین: این است که در کلام قسمتی یا تمام آیه قرآن آورده شود، به صورتی که مأخذ آن معلوم باشد. اقتباس: آن است که در کلام - نثر یا نظم - مطلبی از قرآن یا حدیث یا بیتی معروف را بیاورند، در حالی که اشاره ای صریح به آن آیه، حدیث یا بیت نکرده باشند (ر.ک: التّعریفات، ج ۱، ص ۱۸۳) تلمیح: این است که در کلام قسمتی یا تمام آیه قرآن آورده شود، به صورتی که مأخذ آن معلوم نباشد. مختصر المعانی ص ۳۱۲. اگر چه بعضی از دانشمندان بعضی از این موارد را مترادف

می‌دانند اما خطیب قزوینی تفاوت‌های ظریفی برای تضمین، اقتباس و تلمیح بیان کرده است. ر.ک: الايضاح فی علوم البلاغه، ص ۳۱۲.

به اولیاء خدا تعدادی از آیاتی که در زیارت غدیریه از زبان امام هادی علیه السلام در بیان فضایل و مناقب امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده را بیان کنیم و در ذیل هر آیه به نکات تفسیری و ادبی آن اشاره کنیم، تا مورد رضایت اهل بیت علیهم السلام و مورد استفاده دوستان اهل بیت علیهم السلام قرار بگیرد.

آیه «نبأ عظیم»

اشاره

امام هادی علیه السلام خطاب به امام امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب می کنند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا « النَّبَأُ الْعَظِيمُ » الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ^(۱) وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ.

سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف کردند، و از آن بازخواست می شوند.

«نبأ» در لغت

نبأ: خبری است که فایده و سود بزرگی دارد، که از آن خبر علم و دانش حاصل می شود و بر ظنّ و گمان غلبه می کند، بنابراین گفتن خبر به معنی نبأ، درست نیست مگر این که سه اصل و نتیجه ای که گفته شد، در آن باشد.

به خبری که دروغی در آن نباشد شایسته است - نبأ - گویند مانند: خبر تواتر و خبری که از سوی خدا و از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله است. ^(۲)

شأن نزول آیه «نبأ عظیم»

حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام می فرماید: صخر بن حرب آمد و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست و گفت: پس از تو امر (خلافت) برای چه کسی است؟

حضرت فرمود: برای کسی که او نسبت به من همانند نسبت هارون به حضرت موسی علیه السلام است.

ص: ۲۳۸

۱- نبأ / ۲۱.

۲- مفردات ألفاظ القرآن، ص ۷۸۸.

در این هنگام خداوند این آیه را نازل کرد: «عَنْ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ* الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» آن هنگام که اهل مکه از ولایت و خلافت علی علیه السلام می پرسیدند، و برخی از آنان تصدیق می کنند و برخی ولایت او را تکذیب می کنند. «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ* ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ»^(۱) این آیه شریفه انکار و اعتراض بر گفتار آنانی است که ولایت حضرت علی علیه السلام را نمی پذیرند، که در آینده نزدیک می فهمند خلافت او بر حق بود و هنگامی که در قبرهایشان از ولایت پرسیده می شود، هیچ مرده ای از آنان در شرق و غرب و بیابان و دریا نمی ماند مگر این که نکیر و منکر از آنان می پرسند و به میت می گویند: پروردگار تو کیست و دین تو چیست و پیامبر تو کیست و امام تو کیست.^(۲)

منابع شأن نزول آیه «نبا عظیم»

در منابع فریقین نقل شده است که آیه «نبا عظیم» در مورد حضرت علی علیه السلام نازل شده است، مانند نمونه: علامه سید هاشم بحرانی در کتاب «غایه المرام» یک حدیث از طریق عامه و هفت حدیث از طریق شیعه در این مورد نقل کرده است.^(۳) علامه قاضی نور الله مرعشی در کتاب «إحقاق الحق» منابع بسیاری از اهل تسنن در شأن نزول آیه «نبا عظیم» نقل نموده است.^(۴)

«نبا عظیم» در جنگ احد

در روز جنگ احد هنگامی که مردم گریختند، حضرت علی علیه السلام در جلو شمشیر می زد و جبریل در سمت راست و در میکائیل در سمت چپ پیامبر صلی الله علیه و آله بودند،

ص: ۲۳۹

۱- نبا / ۴-۵.

۲- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۱۸، ح ۱۰۷۵.

۳- غایه المرام و حجه الخصام، ج ۴، ص ۱۳، باب الثالث و الأربعون و الباب الرابع و الاربعون.

۴- احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۳، ص ۴۸۵، ج ۱۴، ص ۳۷۶.

در این هنگام نازل شد که: قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ؛ بگو او «نبا عظیم» است و شما از او دوری می کنید. (۱)

«نبا عظیم» در جنگ صفین

علقمه گوید: در جنگ صفین روزی مردی از سپاه شام غرق در سلاح بیرون آمد و بر سرش قرآنی بود و این آیه را می خواند: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ* عَنِ النَّبِإِ الْعَظِيمِ» خواستم به پیکار او بروم، حضرت علی علیه السلام به من گفت: بایست، و خود پیش رفت و به آن مرد فرمود: آیا «نبا عظیم» را که در آن اختلاف کرده اند می شناسی؟

آن مرد گفت: نه.

حضرت فرمود: به خدا سوگند من «نبا عظیم» هستم درباره من اختلاف کردید و بر ولایت من منازعه می کنید و از او ولایت من، بعد از آن که پذیرفته بودید باز گشتید بعد از آن که با شمشیر من هدایت شدید با این عصیان خود هلاک گشتید، روز غدیر دانستید و روز قیامت خواهید دانست آنچه را که دانسته بودند. آنگاه او را با شمشیر بلند کرد و دست و سرش را قطع

نمود. (۲)

«نبا عظیم» از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«يَا عَلِيُّ، أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنْتَ بَابُ اللَّهِ وَ أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى». (۳)

ص: ۲۴۰

۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۸۰.

۲- تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۳۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۶۶، ح؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳، ح ۷.

۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶، ح ۱۳؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۲۷۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۶۵، ح ۱۱۳۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۴، ح ۱۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۱، ح ۷؛ تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۹۵.

ای علی! تو حجت خدایی. تو باب خدایی. تو راه به سوی خدایی. تو خبر بزرگی. تو راه مستقیمی و تو نمونه برتری.

جمع بندی

در پایان به این مطلب متذکر می شویم که مفسران شیعه و سنی در تفسیر آیه «نبا عظیم» دیدگاه های مختلفی را بیان کرده اند که در این جا به اختصار بیان می کنیم:

دیدگاه اول: مراد از «نبا عظیم» مسئله معاد و قیامت است.

دیدگاه دوم: مراد از «نبا عظیم» قرآن است. (۱)

دیدگاه سوم: مراد از «نبا عظیم» عقایدی (نظیر اثبات صانع، صفات او، ملائکه، رسولان و...) که مورد اختلافشان بوده است. (۲)

دیدگاه چهارم: مراد از «نبا عظیم» ولایت، خلافت و جانشینی حضرت علی علیه السلام است. (۳)

بعضی از این دیدگاه ها ناظر به سیاق و بعضی ناظر به شأن نزول و بعضی از این دیدگاه ها که بیشتر در تفاسیر عامه است ادعاهایی بی مدعا است.

اما در جمع بین این تفاسیر منافاتی وجود ندارد؛ زیرا آن چه انسان را به سعادت می رساند، پیروی از دستورات قرآن و داشتن اعتقادات صحیح است که همان ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است و این همان خبر بزرگی است که در قیامت از آن سؤال می شود و بدون ولایت کسی به بهشت نخواهد رفت.

آیه «صادقین»

اشاره

وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَنَدَبَ إِلَيَّ نَصْرِكَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُـ وَنُؤَا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۴)

ص: ۲۴۱

۱- ر.ک: جامع البيان في تفسير القرآن، ج ۳۰، ص ۲؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

۲- مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

۳- تفسير الصافي، ج ۵، ص ۲۷۳.

۴- توبه / ۱۱۹.

از هر کار پسندیده ای که در ظاهر و باطن، خوب و پسندیده باشد به «صدق» تعبیر می شود و موصوف آن به کلمه صدق اضافه می شود. (۱)

منابع تفسیر آیه «صادقین»

بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی بیان کرده اند که آیه «صادقین» درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. علامه سید هاشم بحرانی در «غایه المرام» این روایات را به هفت طریق از عامه و ده طریق از شیعه نقل کرده است.

انحصار «صادقین» در اهل بیت علیهم السلام

در احادیث نقل شده که آیه «صادقین»، اختصاص به اهل بیت علیهم السلام دارد که در این جا به ذکر دو مورد از آن می پردازیم:

روایت اول: سلمان می گوید: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که آیه «صادقین» نازل شد، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا صادقین عام است یا افراد خاصّی منظور است؟

حضرت فرمود: «خطاب آیه عام است و مخاطب، همه مردم هستند، ولی «صادقین» خاص هستند و آن مخصوص برادرم حضرت علی علیه السلام و جانشینان من تا روز قیامت است.» (۲)

روایت دوم: بُرید بن معاویه عجلّی می گوید: از امام محمدباقر علیه السلام درباره قول خداوند: «از خدا بترسید و با راستگویان باشید» سؤال کردم؟

حضرت فرمود: «خداوند (از این آیه) فقط ما را قصد کرده است.» (۳)

ص: ۲۴۲

۱- مفردات قرآن، ج ۱، ص ۴۷۹.

۲- احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱، ح ۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۶۳، ح ۴۷۸۸.

قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَرَفَعَ مَنَزِلَتَكُمْ وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (ع-نُكْمُ الرَّجَسِ) وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً.

شان نزول آیه «تطهیر»

از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود :

«این آیه در خانه ام سلمه، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، در شأن آن حضرت و علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهما السلام نازل شد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام را فراخواند و عباى خيبرى را بر آن ها پوشاند و خود نیز داخل آن شد و فرمود :

خدایا! این ها اهل بیت من هستند که تو درباره آنان به من وعده داده ای. خدایا! هر پلیدی و رجس را از آنها دور کن و از هر عیب کاملاً پاک و تطهیر نما!

ام سلمه عرض کرد: یا رسول الله! آیا من نیز با آنان هستم؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای ام سلمه! من تو را به خیر و خوبی بشارت می دهم (ولى تو از آنان نیستی).» (۱)

منابع شان نزول آیه «تطهیر»

با رجوع به تفاسیر پی می بریم که در تعیین مصداق اهل بیت علیهم السلام در آیه «تطهیر» اختلاف است. به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

مصداق اهل بیت زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. (۲)

مصداق اهل بیت؛ پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. (۳)

ص: ۲۴۳

۱- بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۰۶، ح ۱.

۲- جامع البیان، ج ۲۲، ص ۷؛ در المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۲۰۶.

۳- سنن الکبری، ج ۲، ص ۱۵۰؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۲۰۸.

مصدق اهل بیت؛ پیامبر صلی الله علیه و آله است. (۱)

مصدق اهل بیت؛ زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و تمامی بنی هاشم هستند. (۲)

مصدق اهل بیت؛ انحصار در پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام دارد. (۳)

قول اخیر همان قولی است که با مراجعه به روایات معتبر فریقین مشخص می گردد.

تمامی علمای شیعه و بسیاری از دانشمندان اهل تسنن در کتاب های خود، «اهل بیت» را به اصحاب کساء تفسیر نموده اند (۴) و به صحت این روایات تصریح کرده اند.

علامه طباطبایی این روایات را بیش از هفتاد روایت می داند و می فرماید: آن روایاتی که از طریق اهل تسنن در این زمینه نقل شده، بیش از آن است که از طریق شیعه وارد شده است. (۵)

علامه سید هاشم بحرانی در «غایه المرام» این احادیث را به چهل و یک طریق از اهل تسنن، و بیست و چهار طریق از شیعه نقل کرده است.

حسین کانی، از دانشمندان اهل تسنن، درباره تفسیر آیه تطهیر می گوید: «نَزَلَتْ فِي خَمْسَةٍ: فِي رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ:» (۶)

ص: ۲۴۴

۱- الصواعق المحرقة، ص ۱۴۱.

۲- تهذیب تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۲۰۸؛ صواعق المحرقة، ص ۱۴۱.

۳- ۶. الصواعق المحرقة، ص ۱۴۱؛ مشکل الآثار، ج ۱، ص ۳۳۲؛ تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۵۳۸.

۴- ۷. البته در تفاسیر اهل تسنن، نظریه های مختلفی ارائه شده است. از جمله: الف - برخی اهل بیت را به همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر کرده اند. (تفسیر فرقان، ج ۶، ص ۵۲۶۴). ب - منظور از اهل بیت؛ پیامبر اسلام، حضرت علی، امام حسن، امام حسین، حضرت فاطمه: و همسران پیامبر می باشند. (تفسیر کبیر، ج ۲۵، ص ۲۰۹).

۵- المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

۶- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۱، ح ۶۶۱.

أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَمَا وَ أَمَرَكَ أَنْ تَضَطَّجَ فِي مَرْقَدِهِ، وَاقِيًا لَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعَتْ إِلَىٰ إِجَابَتِهِ مُطِيعًا وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ وَ أَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ».

منابع شأن نزول آیه «لیله المیبت»

بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی نقل کرده اند که این آیه در مورد امیر مؤمنان علی علیه السلام نازل شده و اشاره دارد به جان فشانی و فداکاری آن حضرت در زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مدینه هجرت فرمود، و حضرت علی علیه السلام را در بستر خود خوابانید.

حاکم نیشابوری می گوید: «اولین کسی که جان خود را برای طلب رضای خدا فروخت، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود.»^(۱)

ابن ابی الحدید، از دانشمندان اهل تسنن، می گوید :

«تمام مفسران روایت کرده اند که آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» در شأن علی در شب خوابیدن او در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.»^(۲)

علّامه سید هاشم بحرانی در «غایه المرام» در تفسیر این آیه در مورد امیر مؤمنان علی علیه السلام یازده حدیث از طریق اهل تسنن و یازده حدیث از طریق شیعه نقل می کند.

واقعه «لیله المیبت» قابل انکار نیست

ابوجعفر اسکافی، استاد ابن ابی الحدید، می گوید :

«حدیث خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله به تواتر ثابت شده و قابل انکار نیست. بنابراین، جز انسان دیوانه یا کسی که با مسلمانان معاشرتی ندارد،

ص: ۲۴۵

۱- مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۵، ح ۴۲۶۴.

۲- شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۶۲.

چنین روایتی را انکار نمی کند؛ زیرا تمام مفسران اتفاق نظر دارند که آیه «لیله المیت» در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است.» (۱)

ظهور فضایل حضرت در شب هجرت

ثعلبی، یکی از مفسران بزرگ اهل تسنن، در تفسیر خود، روایت بسیار زیبایی را درباره واقعه ليله المیت نقل می کند که خلاصه آن چنین است :

«هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می خواست به مدینه هجرت کند، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را در بستر خود خوابانید، و به او فرمود: «پارچه سبز را بر روی خود بینداز، و بدان که اگر خداوند بخواهد، هیچ بلایی به تو نخواهد رسید.»

خداوند متعال خطاب به جبرئیل و میکائیل فرمود: «شما دو نفر برادر یکدیگر هستید و من بین شما عقد اخوت بستم و عمر یکی از شما را از دیگری طولانی تر کردم، کدام یک از شما حاضرید که در عمر خود فداکاری و ایثار کنید؟» هیچ کدام سخنی نگفتند.

خداوند متعال به آن ها فرمود: «به خانه پیامبر ما در روی زمین نگاه کنید؛ من بین او و بین حضرت محمد صلی الله علیه و آله عقد اخوت بستم، ببینید که چگونه حضرت علی علیه السلام برای حفظ جان پیامبر، زندگی خویش را فدا کرده است. به سوی او بروید و او را از شر دشمنان حفظ کنید.»

این دو ملک به زمین آمدند و در خانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حاضر شدند، جبرئیل بر بالای سر حضرت علی علیه السلام و میکائیل پایین پای حضرت قرار گرفتند. سپس خطاب به حضرت علی علیه السلام گفتند: مبارک باد! مبارک باد! چه کسی مثل توست ای فرزند ابی طالب؟ در حالی که خداوند بر تو به ملائکه آسمان مباحات و افتخار می کند.

خداوند متعال در حالی که رسولش در حال حرکت به سوی مدینه بود، در شأن حضرت علی علیه السلام این آیه را نازل کرد: « وَ مِنَ النَّاسِ مَن نَّيَّ-شَرِي نَفْسَهُ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ. » (۲)

ص: ۲۴۶

-
- ۱- شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۶۱، خطبه ۲۳۸.
 - ۲- الکشف و البیان، ج ۲، ص ۱۲۵؛ أسد الغابه، ج ۴، ص ۲۵؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۲؛ تفسیر طبری، ج ۹، ص ۴۰.

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ «عَلَى حُجْبِهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِرُؤُوسِهِمُ اللَّهُ لَا نُزِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (۱)

شأن نزول آیه «إطعام»

هنگامی که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در سن طفولیت بیمار شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله برای عیادت فرزندان بیمارش به خانه حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام آمد، آن حضرت هنگامی که بیماری نوه های عزیزش را مشاهده کرد، خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: «نذری کنید، تا خداوند بیمارانتان را شفا دهد!»

حضرت علی علیه السلام بلافاصله عرض کرد: «خداوندا! اگر فرزندانم شفا یابند، سه روز روزه می گیرم.»

حضرت فاطمه علیها السلام نیز به همین شکل نذر کرد؛ حتی امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز به تبعیت از پدر و مادر به همان شکل نذر نمودند. فضا خادمه که در آن جا حاضر بود نیز نذر کرد.

طولی نکشید که کسالت آن دو ریحانه پیامبر برطرف شد و بنا شد که اهل بیت علیهم السلام نذرشان را ادا کنند. روز اول روزه گرفتند؛ حضرت علی علیه السلام برای افطار این سه روز مقداری جو تهیه کرد، آن را آرد کردند و به سه قسمت تقسیم کردند، قسمتی از آن را جهت تهیه نان برای افطار روز اول خمیر کردند و به تعداد افراد روزه دار، نان جو تهیه نمودند. به هنگام افطار صدایی از پشت درب حیاط منزل شنیده شد، اهل خانه به بیرون از خانه آمدند، شخصی را ملاحظه کردند که این گونه آن ها را خطاب کرد:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ» سپس عرض کرد: «من شخص محتاج، نیازمند و مسکینی هستم، به من کمک کنید.»

ص: ۲۴۷

حضرت علی علیه السلام نانی که سهم خودش بود را به آن فقیر داد، فاطمه علیها السلام نیز چنین کرد؛ بقیه اعضای خانواده هم سهمیه خویش را به آن مسکین دادند و آن شب با آب افطار کردند.

روز بعد هم روزه گرفتند و با یک سوم دیگر از آرد جو نان تهیه کردند؛ آماده خوردن افطاری بودند، باز صدای شخصی را از خارج منزل شنیدند، که می گوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ»، به خارج منزل رفتند. از او پرسیدند: تو کیستی و چه حاجتی داری؟

گفت: «یتیمی از یتیمان این شهر هستم، گرسنه ام سیرم کنید»، باز حضرت علی علیه السلام سهم خویش را به آن یتیم داد و بقیه نیز همین کار را در کمال اخلاص و جهت رضای خدا انجام دادند؛ و همچون شب اول با آب افطار کردند!

روز سوم را نیز طبق نذری که داشتند روزه گرفتند و همان داستان روز اول و دوم تکرار شد و این بار شخص اسیری تقاضای کمک کرد، حضرت علی علیه السلام و تمام اعضای خانواده، افطاری خویش را به آن شخص اسیر دادند؛ و سومین شب را هم با آب افطار کردند و بدین ترتیب به نذر خویش وفا نمودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز بعد امام حسن و امام حسین علیه السلام را، در حالی که رنجور و ضعیف شده بودند و از شدت ضعف به خود می لرزیدند مشاهده کرد و از این وضع ناراحت شد و از سوی دیگر چشم های گودرفته حضرت فاطمه علیها السلام بر ناراحتی و حزن پیامبر صلی الله علیه و آله افزود، از علی علیه السلام پرسید:

یا علی! چرا بچه ها این قدر ضعیف و رنجور شده اند؟ چرا رنگ دخترم فاطمه علیها السلام پریده است؟

حضرت علی علیه السلام جریان را برای آن حضرت بازگو کرد، در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیات سوره انسان را آورد.

منابع شأن نزول آیه «إطعام»

روایات بسیاری در منابع فریقین موجود است در مورد این که این آیات در مورد ایثار حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین: و فضه خادمه نقل شده است.

علامه امینی در الغدیر شأن نزول آیه «إطعام» را از ۳۴ کتاب از کتب اهل تسنن نقل کرده است. (۱)

علامه قاضی نورالله شوشتی نیز روایات بسیاری از منابع اهل تسنن در تفسیر آیه اطعام نقل نموده است. (۲)

با مراجعه به منابع و مطالعه روایات در تفسیر سوره انسان پی می بریم این آیات دلالت بر فضیلت اهل بیت پیامبر می کند و کلام ابن تیمیه که می گوید: این سوره در مکه نازل شده و ارتباطی با اهل بیت علیهم السلام ندارد. گزافی بیش نیست و نشانه عداوت او با اهل بیت علیهم السلام است. و در این مختصر، مجال بیان اشکالات او به تفسیر آیات اولیه این سوره نیست. (۳)

فرمود: آیا جز در باره من و همسر و دو فرزندم، این آیه نازل شده است:

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»

و سایر اوصافی که خدا از ما در این سوره حکایت کرده است؟ گفتند: نه

ویژگی های حضرت علی علیه السلام در آیه «إطعام»

اشاره

در سوره انسان بعد از آن که به انفاق و ایثار حضرت امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین : و فضه خادمه به مسکین و یتیم و اسیر اشاره می نماید ویژگی هایی را برای ایشان بیان می نماید که در اینجا به آن موارد اشاره می کنیم.

ویژگی اول: وفای به نذر:

«يُوفُونَ بِالنَّذْرِ»

ص: ۲۴۹

۱- . الغدیر، جلد ۳، صفحه ۱۰۷.

۲- . احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۵۷

۳- . ر.ک: مقاله «بررسی و نقد دیدگاه ابن تیمیه درباره شأن نزول سوره هل اتی»، فرامرز ابراهیمیان، مجله سراج منیر، شماره ۱۸، ص ۱۵۳ تا ۱۸۲.

ویژگی دوم: وفای به نذر:

« وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُشْتَبِرًا ؛ آن ها از معاد و روز قیامت می ترسند. »

ویژگی سوم: وفای به نذر:

« وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا »

ویژگی چهارم: وفای به نذر:

« إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا »

ویژگی پنجم: وفای به نذر:

« إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا »

آیه «ولایت»

اشاره

« إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ، وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ »

شأن نزول آیه «ولایت»

از ابوذر غفاری نقل شده که گفت:

«ای مردم! روزی از روزها با رسول خدا در مسجد نماز می خواندم، که سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، ولی کسی چیزی به او نداد. او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: "خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم، ولی کسی به من جواب نداد." در همین حال، علی که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد، سائل نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد. پیامبر که در حال نماز بود، این ماجرا را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت:

« خداوندا! برادرم حضرت موسی علیه السلام از تو تقاضا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره

از زبان او بگشایی، تا مردم گفتارش را درک کنند، و نیز

ص: ۲۵۰

حضرت موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود، وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا! من محمد، پیامبر و برگزیده توام، به من شرح صدر بده، و کارها را بر من آسان گردان، و از خاندانم علی را وزیر من قرار بده تا به وسیله او پشتیبانی قوی داشته باشم.»

ابوذر می گوید: «هنوز دعای پیامبر صلی الله علیه و آله پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شده و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: "بخوان."

فرمود: "چه بخوانم؟"

گفت: "بخوان: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا.» (۱)

در منابع شأن نزول آیه «ولایت»

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، بیست و چهار حدیث از منابع اهل تسنن، و نوزده حدیث از منابع شیعه نقل کرده که این آیه در مورد ولایت حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام نازل شده است.

علامه امینی نام ۶۶ تن از محدثان و متکلمان بزرگ اهل سنت که این شأن نزول را با مختصر تفاوتی، در کتاب های خود آورده اند. نقل کرده است. (۲)

معنای لفظ «ولایت»

عالمان و مفسران شیعه می گویند:

طبق قرائن مقامیه و قرائن لفظیه، مقصود از «ولیی» در آیه ولایت، سرپرست و امام است، نه محب و ناصر.

این مطلب را از چند راه می توان اثبات کرد:

۱. کلمه «إِنَّمَا» در صدر آیه ولایت، برای حصر است؛ یعنی حکم را بر آنچه پس از «إِنَّمَا» ذکر شده اثبات و از آنچه ذکر نشده نفی می کند. بنابر این، باید مراد از ولایت در آیه، ولایت خاص باشد، و این ولایت خاص، با معنای رهبری و

ص: ۲۵۱

۱- ر.ک: تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۲۶؛ تفسیر خازن، ج ۱، ص ۴۷۵؛ الفصول المهمه، ص ۱۲۲.

۲- الغدیر، ج ۳، ص ۱۵۶ تا ۱۶۲.

سرپرستی سازگار است نه محبت یا نصرت؛ زیرا دوست داشتن و یاری کردن عمومیت دارد؛ همان طور که در آیه کریمه « وَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ؛ مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند» (۱)

بیان شده است. و نیز اگر ولایت، به معنای محبت یا نصرت باشد، به رسول خدا و گروه خاصّی که نماز به پا می دارند و در حال رکوع، صدقه می دهند، اختصاص نخواهد داشت.

۲. یکی دیگر از قرائن موجود بر معنای «سرپرستی و سلطنت» در آیه «ولایت»، شأن نزول های آیه است که در شأن امیرمؤمنان علی است، نه عموم مؤمنان، و روشن است که ولایت به معنای محبت یا نصرت، برای همه مؤمنان قرار داده شده و همه مؤمنان باید محب و ناصر یکدیگر باشند، نه فرد خاصّی از مؤمنان که نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند.

از عُمَر بن خطّاب نقل شده که گفت: «چهل بار در حال رکوع صدقه دادم تا آیه ای که درباره علی علیه السلام نازل شد درباره من نیز نازل شود، ولی هیچ آیه ای نازل نشد.» (۲)

چرا در آیه «ولایت»، تعبیر به جمع شده است؟

ممکن است کسی سؤال کند که اگر مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّقُونَ الصَّلَاةَ...» حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام است، پس چرا به صیغه جمع آمده است؟

اولاً: در آیات قرآن مکرر دیده می شود که از مفرد به لفظ جمع تعبیر شده است، از جمله آنها آیه «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا ؛ همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: "مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند؛ پس، از آن بترسید." و [الی این سخن] بر ایمانشان افزود» (۳) است که مفسران می گویند درباره نعیم بن مسعود اشجعی نازل شده، در حالی که از او به

ص: ۲۵۲

۱- . توبه / ۷۱.

۲- . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۸.

۳- . آل عمران / ۱۷۳.

جمع تعبیر شده است.

هم چنین در آیه مباحله، که منظور از «نساءنا»، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و منظور از «أَنْفُسَنَا» حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام است.

ثانیاً: نکته در اطلاق جمع در آیه ولایت، تعظیم مقام امیرالمؤمنین علیه السلام است؛

همان گونه که رسول خدا در روز خندق فرمود: «تمام ایمان (یعنی علی) در مقابل تمام شرک (عمرو بن عبدود) قرار گرفت.»^(۱)

ثالثاً: ممکن است یکی دیگر از دلیل های جمع آمدن، این باشد که آیه، در مورد انفاق اهل بیت علیهم السلام باشد، و ولایت سایر امامان معصوم را نیز اثبات می کند. همان گونه که امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه ولایت فرمودند: «هُمُ الْأَئِمَّةُ؛ مراد از ایشان امامان معصوم: می باشند.»^(۲)

آیه «تبلیغ»

اشاره

ثُمَّ أَمْرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ، إِعْلَانَهُ لِشَأْنِكَ، وَإِعْلَاناً لِبُرْهَانِكَ، وَدَخْضاً لِلْأَبْطِيلِ، وَقَطْعاً لِلْمَعَاذِيرِ، فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَاتَّقَى فَيْكَ الْمُنَافِقِينَ، أَوْحَى اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ »

شان نزول آیه «تبلیغ»

دانشمندان شیعه و سنی نقل کرده اند که «آیه تبلیغ» در مورد مسأله خلافت و جانشینی حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام بحث می کند و در غدیر خم نازل شده است.

ص: ۲۵۳

۱- مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۹، ص ۳۵.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، از طریق اهل تسنن، یک حدیث، و از طریق شیعه، هشت حدیث در مورد آیه تبلیغ و شأن نزول آن در بیان مقام ولایت و خلافت امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده است.

ابن عساکر(۱)

، از علمای اهل تسنن، از ابوسعید خدری نقل می کند که آیه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در روز غدیر خم و در شأن حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام نازل شده است.(۲)

فخر رازی، از مفسرین اهل تسنن، درباره آیه تبلیغ می گوید :

این آیه در مورد علی بن ابی طالب علیهما السلام نازل شده است. هنگامی که این آیه شریفه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و بلند کرد و فرمود : «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ...»؛ هر کس که من مولای او هستم، پس از من این علی مولا و رهبر اوست، پروردگارا! کسانی که ولایت علی علیه السلام را پذیرفته اند، دوست بدار و کسانی که با او دشمنی می کنند، دشمن بدار.»(۳)

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تبلغ»

آیه تبلیغ از اهمیت و عظمت ویژه ای برخوردار است که به چند مورد آن اشاره می کنیم :

۱- خطاب «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ» تنها دو بار در قرآن آمده: یکی همین آیه مورد بحث (آیه ۶۷ سوره مائده)، و دیگری آیه ۴۸ همین سوره، - البتّه این دو آیه با هم در ارتباط

ص: ۲۵۴

۱- ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه الله شافعی، معروف به ابن عساکر، در سال ۴۹۹ ه. ق متولّد و در سال ۵۷۱ ه. ق از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ترجمه الإمام الحسن علیه السلام، ترجمه الإمام الحسين علیه السلام، فضل أميرالمؤمنين علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

۲- ر.ک: ترجمه الإمام علی بن ابی طالب علیهما السلام.

۳- تفسیر کبیر، ج ۱۱، ص ۴۹.

است - که این خود نشانگر اهمیّت و عظمت مطلبی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر آن مورد خطاب قرار گرفته است.

۲- کلمه (بَلِّغْ) که خود منحصر به فرد است و در سراسر قرآن تنها در این آیه به کار رفته است.

۳- جمله «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» شاهدهی دیگر بر ویژگی خاصّ این آیه است و اهمیّت مطلب این ابلاغ آن قدر مهمّ است که اگر پیامبر این کار را انجام ندهد، رسالت الهی را انجام نداده است.

۴- جمله «وَاللَّهُ يَعِصُكَ مِنَ النَّاسِ» اشاره به این است که محتوای مأموریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن قدر مهمّ است که احتمال خطرات برای آن حضرت می رود، ولی خداوند متعال، پیامبرش را در مقابل این خطرات محفوظ و مصون می دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ ولایت

از روایات و احادیث معصومین : معلوم می شود که منظور از «ما أنزل إليك من ربّك»، ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام است؛ زیرا امری که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ آن شده اند، و اگر ابلاغ نشود، گویا رسالت آن حضرت ابلاغ نشده است، چیزی به جز مسأله ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام نیست.

حاکم حسکانی(۱)، از علمای اهل تسنن، حدیثی (در مورد آیه تبلیغ) نقل کرده است. نقل او چنین است :

زیاد بن مُنذر می گوید: نزد امام محمّد باقر علیه السلام بودم، در حالی که آن حضرت در حال گفت و گو با مردم بود، شخصی از اهل بصره به نام «عثمان الاعشی» برخاست

ص: ۲۵۵

۱- ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله نیشابوری، مشهور به حاکم حسّی کانی، در ولادت و وفات او تاریخدقیقی بیان نشده است. ذّهبی در تذکره الحفاظ آورده که تا سال ۴۷۰ هجری زنده بوده و بعد از اینتاریخ وفات نموده است. از مهم ترین آثار وی، شواهد التّنزیل، رساله خصائص امیرالمؤمنین درقرآن، رساله تصحیح ردّالشمس می باشد.

و گفت: «ای فرزند رسول خدا! جانم به فدایت باد! از حسن بصری پرسیدم که این آیه [یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ] درباره چه کسی نازل شده است؟

گفت: "درباره مردی"، ولی نام او را مشخص نکرد! [لطفاً شما بفرمایید این آیه درباره چه کسی نازل شده است؟]

امام علیه السلام فرمود: «اگر [حسن بصری] می خواست بگوید، می توانست نام او را بیان کند، ولی از ترس نگفته است [چون او در دوران بنی امیه بوده، و افزون بر آن با امیر مؤمنان علی علیه السلام هم میانه خوبی نداشته است]. امّا من می گویم... هنگامی که خداوند جان پیامبر صلی الله علیه و آله را در مقابل خطرات احتمالی تضمین کرد، آن حضرت دست علی بن ابی طالب علیهما السلام را بلند کرد و او را به عنوان جانشین و خلیفه خود معرفی نمود.» (۱)

فریاد شیطان در غدیر

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «ابلیس چهار مرتبه فریاد بلند کشیده است: روزی که مورد لعن خداوند قرار گرفت، روزی که از آسمان ها به زمین فرستاده شد، روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد، و روز غدیر خم [که امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت منصوب شد].» (۲)

خُزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

«پیامبر صلی الله علیه و آله به من خبر داد که ابلیس و رؤسای اصحاب او هنگام منصوب شدن من در غدیر حاضر بودند، در آن روز، اصحاب ابلیس رو به او کردند و گفتند :

"این اُمّت مورد رحمت الهی قرار گرفتند و از گمراهی محفوظ شدند و دیگر نه ما

ص: ۲۵۶

۱- آیات ولایت در قرآن، ص ۳۴، به نقل از: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۲۴۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۲۱، ح ۱۳.

را و نه تو را بر آنان راهی نیست؛ چرا که امام و پناه خود بعد از پیامبرشان را شناختند." ابلیس با ناراحتی و اندوه از آنان جدا شد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه کلامش فرمود :

«پیامبر صلی الله علیه و آله به من خبر داد: آن هنگام که مردم بعد از وفات من بیعت تو را بشکنند، ابلیس اصحابش را جمع می کند و آنان در مقابل او به سجده درمی آیند و می گویند: "ای آقای ما! ای بزرگ ما! تو بودی که آدم را از بهشت بیرون کردی!" ابلیس می گوید: "کدام امت بعد از پیامبرشان گمراه نشدند؟ شما گمان می کنید من بر اینان سلطه و راهی ندارم؟ چگونه دیدید مرا هنگامی که کاری کردم تا امر خدا و پیامبر را درباره اطاعت علی بن ابی طالب علیه السلام کنار گذاردند؟" (۱)

ص: ۲۵۷

۱- اسرار غدیر، ص ۵۴، به نقل از: کتاب سلیم، ح ۵۷۹؛ روضه کافی، ص ۳۴۳، ح ۵۴۱.

به قلم: فاضل گرامی: شیخ علی اکبر قلعه جوزدانی

احادیثی چند از امام حسن عسکری علیه السلام در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام

فرشته ای شبیه حضرت علی علیه السلام

(۱) - امام حسن عسکری علیه السلام از جدشان امام حسین علیه السلام نقل می کنند که فرمود: شنیدم جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که خداوند عزوجل مرا به معراج برد دیدم در دل عرش ملکی را که شمشیری از نور در دست دارد و شمشیر زنی می کند همانند شمشیر زنی علی بن ابیطالب با ذوالفقار و هرگاه فرشتگان مشتاق علی بن ابیطالب می شوند به جمال آن فرشته می نگرند، پس گفتم: خداوند! آیا این علی بن ابیطالب علیه السلام پسر عموی من است؟ پس گفت: ای محمد! این فرشته است که او را همانند علی خلق کرده ام و مرا در دل عرش من عبادت می کند و نوشته می شود حسنات و تسبیح و تقدیس او برای حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام تا روز قیامت. (۱)

ملاک حب و بغض حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است.

(۲) - امام حسن عسکری علیه السلام از پدرانشان: نقل کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به یکی از اصحابشان فرمودند: ای بنده خدا! دوست بدار در راه خدا و دشمن بدار در راه خدا و موالات داشته باش در راه خدا و عداوت داشته باش در راه خدا، چرا که به ولایت خدا دست یافته نمی شود مگر به آن و نمی چشد کسی طعم ایمان را مگر این که اینگونه باشد اگر چه نماز و روزه هایش زیاد باشند ولی در این زمانه ملاک برادری هایتان بیشترش دنیوی شود که بر اساس آن همدیگر را دوست می دارید و بر اساس آن با یکدیگر دشمنی می کنید اما این رویه شما را

ص: ۲۵۸

از خدا بی نیاز نخواهد کرد. پس آن مرد گفت: ای رسول خدا! من چگونه بدانم که دوست داری و دشمنی هایم در راه خداست؟

و این که چه کسی ولی خداست که او را دوست بدارم و چه کسی دشمن خداست که او را دشمن بدارم؟ پس اشاره کرد رسول خدا بر ایشان به سوی علی بن ابیطالب و گفت: آیا این مرد را می بینی؟ او گفت: آری. پس فرمود: همانا دوست دار این مرد را، که ولی خداست. پس دوستش بدار و دشمن این مرد دشمن خداست پس دشمنش بدار، و باید که دوستدار این مرد را دوست بداری اگر چه کشنده پدر و فرزندت باشد و دشمن بداری دشمن این مرد را اگر چه پدرت یا فرزندت باشد. (۱)

چیزهایی را که فقط حضرت علی علیه السلام دارد

۳- امام حسن عسکری علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمودند که فرمود: خداوند شش چیز به حضرت علی علیه السلام داد که من و هیچ یک از پیامبران اولین نداشتند؛ پدر زن او همانند من است ولی من چنین پدر زنی ندارم و مادر زن او خدیجه کبری علیها السلام است ولی من مادر زنی چون او ندارم، همسرش زنی مثل حضرت فاطمه علیها السلام است ولی من همسری چون او ندارم و دو پسرش پسرانی چون امام حسن و امام حسین اند علیهما السلام ولی من پسرانی چون او ندارم، و محل ولادتش در خانه خداست ولی من در خانه جدم عبدالمطلب ولادت یافتم. (۲)

مکالمه حضرت علی علیه السلام با خورشید

۴- امام حسن عسکری علیه السلام از پدران بزرگوار خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: ای ابالحسن! با خورشید سخن بگو به درستی که او هم با تو سخن می گوید. پس علی علیه السلام به خورشید فرمود: سلام بر تو ای بنده فرمانبردار خدا؛ پس خورشید عرض کرد و سلام بر تو ای امیرالمؤمنین و پیشوای

ص: ۲۵۹

۱- بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۴، ح ۴؛ مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۷۸، ح ۲.

۲- مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۷۹، ح ۳.

متقین و رهبر غرالمحجلین؛ ای علی! تو و شیعیان در بهشتید؛ ای علی! اولین کسانی که قبرشان شکافته می شود و محشور می شوند محمد صلی الله علیه و آله است و سپس تو و اولین کسانی که زنده می شوند محمد صلی الله علیه و آله است و سپس تو و اولین کسانی که لباس می پوشند محمد صلی الله علیه و آله است و سپس تو؛ بعد از آن علی علیه السلام به سجده در افتاد در حالی که چشمانش پر از اشک بود پس پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای برادرم و دوستم! سرت را بردار که خداوند به تو مباحث کرد بر اهل آسمان های هفتگانه. (۱)

شیعیان مخفی و آشکار

(۵) - امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: همانا خداوند وحی کرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله که همانا من تأیید کردم تو را به دو گروه شیعه؛ شیعه ای که تو را یاری می کند مخفیانه که آقای آن ها و برترین آنها ابوطالب علیه السلام است و شیعه ای که تو را یاری کند شما را که آقای آن ها و برترین آنها علی بن ابیطالب علیه السلام است. (۲)

ارزشمندترین ملائکه

(۶) - امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بعضی از سخنان خود فرمودند که: همانا ارزشمندترین ملائکه نزد خداوند ملکی است که بیشتر از همه علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست داشته باشد و همانا قسمی که در بین ملائکه رایج است این است که قسم به خدایی که بعد محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را برتری داد بر جمیع خلائق و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بار دیگر فرمودند: همانا ملائکه آسمان ها و حجاب ها اشتیاق دارند بر دیدن علی بن ابیطالب علیه السلام همانگونه که مادری مهربان مشتاق دیدن فرزند مهربان و نیکوکار خود می باشد. (۳)

ص: ۲۶۰

۱- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۶۹، ح ۵؛ مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۷۹، ح ۴.

۲- مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۸۰، ح ۵.

۳- مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۸۰، ح ۶؛ بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۸۷، ح ۲.

حضرت علی علیه السلام و مرگ

(۷) - امام حسن عسکری علیه السلام در حدیثی فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! برای پسر ابوطالب فرقی نمی کند که به او سراغ مرگ برود یا مرگ به سراغ او بیاید. (۱)

مکالمه حضرت علی علیه السلام با پرنده

(۸) - امام حسن عسکری علیه السلام از قول جدشان امام حسین علیه السلام فرمودند: من با پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام روزی بر کوه صفا بودیم که ناگاه پرنده ای را بر آن کوه دیدیم. پس سرورم در مقابل او ایستادند و به او گفتند: سلام بر تو ای پرنده! آن پرنده جواب داد: بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکات خدا ای امیرالمؤمنین! پس آنگاه امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: ای پرنده! این جا چه کار می کنی؟

پرنده جواب داد: ای امیرالمؤمنین! من چهارصد سال است که در این مکان هستم؛ تسبیح خدای تعالی می کنم تقدیش می کنم سپاس می گذارم «لا اله الا الله» می گویم و تکبیر می گویم و آن چنان که شایسته است عبادتش می کنم. پدرم به او فرمودند: این کوه خوراکی و نوشیدنی ندارد، از کجا غذا می خوری و آب می آشامی؟

آن پرنده گفت: ای سرور من! قسم به حق خدایی که پسر عمویت را به حق پیامبر کرد و تو را جانشین او قرار داد هرگاه گرسنه می شوم به شیعیان و دوستداران دعا می کنم پس سیر می شوم و هرگاه که تشنه می شوم بر ظالمین و دشمنان تو نفرین می کنم پس سیراب می گردم. (۲)

نشان حلال زاده و حرامزاده بودن

(۹) - امام حسن عسکری علیه السلام از قول پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: ای علی! کسی غیر از حلال زاده تو را

ص: ۲۶۱

۱ - مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۸۱، ح ۷.

۲ - بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۳۵، ح ۶؛ مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۸۱، ح ۸.

دوست نمی دارد و کسی غیر از حرام زاده از تو بدش نمی آید و ولایت تو را غیر از مؤمن نمی پذیرد و با تو دشمنی نمی کند مگر کافر. (۱)

حضرت محمد و امیرالمؤمنین علیهما السلام همانند جبرئیل و میکائیل

(۱۰) - امام حسن عسکری علیه السلام از قول جابر بن عبدالله انصاری نقل کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب سؤال پسری یهودی به نام عبدالله بن صوریا فرمودند: من گواهی می دهم که جبرئیل و میکائیل به امر الهی انجام می دهند و مطیع خداوند هستند و هیچ کس با یکی از آن دو دشمنی نکند که با آن دیگری هم دشمن خواهد بود و کسی که گمان کند یکی از آن دو را دوست دارد و با دیگری دشمن است حتماً دروغ می گوید و همچنین محمد رسول خدا و علی علیه السلام دو برادرند آن چنان که جبرئیل و میکائیل برادرند. پس هر که آن دو را دوست بدارد پس از اولیا خداست و کسی که آن دو را دشمن بدارد پس از دشمنان خداست و هر کسی با یکی از آن دو دشمن باشد و گمان کند که دیگری را دوست دارد حتماً دروغ می گوید و آن دو فرشته از او بیزارند همچنین هر کسی با یکی از من یا علی دشمنی کند و گمان کند دیگری را دوست دارد دروغ می گوید و هر دوی ما از او بیزاریم و خداوند تعالی و ملائکه و نیکان از مخلوقات او هم از آن بیزارند. (۲)

حضرت علی علیه السلام وارث پیراهن هارون علیه السلام

(۱۱) - امام حسن عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارش از جدش امام حسین علیه السلام نقل می کند که قنبر غلام علی بن ابیطالب علیه السلام گفت: من با امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ساحل فرات بودیم، پس حضرت پیراهن از تن در آورد و داخل آب شد، آنگاه موجی آمد و پیراهن را برد. سپس حضرت از آب خارج شد و پیراهن خود را نیافت و از این جهت ناراحت شد. آنگاه هاتفی صدا زد: ای ابالحسن! به جانب راست نگاه کن و هر چه دیدی بردار آنگاه مندیلی در جانب راست حضرت بود و در آن پیراهن پیچیده بود، حضرت آن را برداشتند

ص: ۲۶۲

۱- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۴۶، ح ۵۹؛ مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۸۲، ح ۹.

۲- بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۸۳، ح ۱؛ مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۸۳، ح ۱۰.

و پوشیدند پس از گریبانش نامه ای افتاد که در آن نوشته بود: بسم الله الرحمن الرحيم این هدیه ای است از جانب خداوند عزیز و حکیم به علی بن ابیطالب علیه السلام، این پیراهن هارون بن عمران است کذلک و اورثناها قوما آخرین. (۱)

امیرالمؤمنین ادا کننده قرض پیامبر صلی الله علیه و آله

(۱۲) - امام حسن عسکری علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردند که فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله در بیماری خود مرا و مردم را فرا خواندند و فرمودند چه کسی قرض و بدهی های مرا می پردازد و جای خالی مرا در خانواده و امتم بعد از من پر می کند؟ مردم استنکاف کردند و قبول نکردند، ولی من پذیرفتم. سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله ماده شتر خود را که «عضباء» نام داشت و اسب خود را که «مُرتجز» نام داشت و استر و الاغ و شمشیر خود و ذوالفقار و زره خود که «ذات الفضول» نام داشت و هر آنچه را که در جنگ به آن نیاز بود خواستند و کمربندی که با آن شکم خود را در جنگ می بستند و گم شده بود و حضرت دستور دادند تا آن را هم بیابند و همگی آنها را به من دادند و سپس فرمود: ای علی! این ها را بگیر. در زنده بودن من تا بعد از من کسی در مورد اینها با تو نزاع نکند. سپس به من امر فرمود: آنها را به منزل خود ببرم. (۲)

تلقین در قبر توسط خداوند

(۱۳) - امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

کسی که قوی کند شخصی را که در دین کم دارد و در معرفت ضعیف است در برابر ناصبی مخالف و او بتواند بر آن پیروز شود، وقتی که او را در خانه قبر می گذارند خداوند به او تلقین می کند که بگوید: «الله ربی و محمد نبی و علی ولی و الکعبة قبلتی و القرآن بهجتی و عدتی و المؤمنون اخوانی» آنگاه خداوند می گوید حجت را

ص: ۲۶۳

۱- - مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۲۸۵، ح ۱۲.

۲- - مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۳۱۶، ح ۴.

گفتی پس واجب شد بر تو بالاترین درجات بهشت پس در آن وقت قبرش به پاکیزه ترین باغ های بهشتی تبدیل می شود. (۱)

مکالمه حضرت علی علیه السلام در قبر با انبیاء

(۱۴) - امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام به حسن و حسین علیه السلام فرمودند: وقتی مرا در وسط قبر مقدس گذاشتید قبل از اینکه بر من خاک بریزید دو رکعت نماز بخوانید و ببینید چه می شود، وقتی که بدن مطهر را در قبر مقدس گذاشتند و اوامر را انجام دادند و دیدند که قبر پرده ای از جنس سُندس پیدا کرد. پس امام حسن علیه السلام قسمتی از آن را که در مقابل صورت امیرالمؤمنین علیه السلام بود کنار زد و دید که رسول خدا صلی الله علیه و آله، آدم و ابراهیم با امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت می کنند و امام حسین علیه السلام هم قسمتی از آن را که در مقابل پاهای حضرت بود کنار زد و دید که حضرت زهرا و حوا و مریم و آسیه علیهن السلام دارند بر امیرالمؤمنین علیه السلام نوحه و ندبه می کنند. (۲)

منابع و مأخذ

مستدرک عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، تحقیق و نشر: مؤسسه الامام المهدی ۴، ناشر: دارالنشر الاسلام، چاپ اول، ۱۴۳۸ق.

بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، تحقیق و نشر: مؤسسه احیاء الکتب الاسلامیه، ناشر: قم، نور وحی، ۱۴۳۰ق.

ص: ۲۶۴

۱- - بحارالانوار، ج ۲، ص ۷، ح ۱۴؛ مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۳۱۷، ح ۷.

۲- - بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۳۰۱؛ مستدرک عوالم العلوم، ج ۱/۲۵، ص ۳۱۸، ح ۱۱.

به قلم : حجت الاسلام و المسلمین سید محمد ابطحی

روی عن مولانا و سیدنا و امامنا الحجّة من آل محمد ::

اللهم صل على امیرالمؤمنین ، و وارث المرسلین و قائد الغر المحجلین و سید الوصیین و حجّة رب العالمین .(۱)

مسأله معرفت و شناخت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دعوت مردم به ولایت آن بزرگوار ، یکی از ارکان اساسی دین مبین اسلام ، بلکه مهمترین رکن آن می باشد .

بنابر همین اساس ، خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر صلی الله علیه و آله خود چنین خطاب می کند :

« يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ؛ ای پیامبر؛ آنچه از جانب پروردگارت (پیرامون ولایت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام) برای تو نازل شده (به مردم) ابلاغ کن، که اگر چنین نکنی در حقیقت رسالت پیامبری خود را ادا نکرده ای .»(۲)

این آیه شریفه - طبق روایاتی که از منابع معتبر فریقین نقل شده - پیرامون ولایت و امامت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است .

مطالعه سیره و روش پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومین: نیز بیانگر همین مسأله مهم است تا آنجا که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از همان لحظات آغازین رسالت خود به بیعت با وصی و جانشین خود فرمان داده و به اولین بانوی مسلمان

ص: ۲۶۵

۱- جمال الاسبوع ، ص ۳۰۴ ، صلوات ضراب اصفهانی که از ناحیه امام عصر ارواحنا صادر شده است .

۲- مائده / ۶۷ .

- حضرت خدیجه ۳ - فرمودند: ای خدیجه! به راستی این حضرت علی علیه السلام است که مولا و سرپرست تو و مؤمنان است و اوست که امام بعد از من می باشد. (۱)

ابلاغ این امر مهم و اهتمام به آن در طول مدت تبلیغ رسالت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله تا لحظات آخر عمر مبارک آن حضرت در مواقع و جایگاه های متعدد و فراوان توسط آن وجود مبارک جریان داشت و بعد از شهادت آن بزرگوار نیز توسط تنها یادگار نازنینش حضرت صدیق اکبر علیها السلام و اولاد طاهرینش: ادامه پیدا کرد.

اهتمام به این امر مهم در سیره و روش آخرین جانشین نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله ، امام عصر ۴ نیز همانند اجداد طاهرینش به صورت کامل، واضح و آشکار است و با مطالعه در مقاطع مختلف زندگانی آن وجود مبارک - اعم از ولادت، دوران کودکی، دوران غیبت کوتاه ، دوران غیبت طولانی، هنگام ظهور و عصر با شکوه ظهور- و نیز اخبار و توقیعات شریفی که از آن بزرگوار نقل شده شاهد این مطلب هستیم .

اکنون به عنوان نمونه به برخی از این موارد اشاره می کنیم:

الف : هنگام ولادت مبارک

در روایات و منابع معتبر نقل شده که امام عصر ارواحنا فداه هنگام ولادت مبارکش سر به سجده گذاشته و به ولایت و امامت جد بزرگوارشان به این کلمات شهادت دادند : اشهد ... ان ابی امیر المؤمنین .

ب : دوران کودکی

در خبر سعد بن عبدالله قمی آمده است که : وی همراه با جناب احمد بن اسحاق به زیارت امام عسکری علیه السلام مشرف شده و به امر مبارک آن حضرت سئوالات خود را از وجود نازنین امام عصر ارواحنا فداه- که در آن زمان به حسب ظاهر در سنین کودکی بودند - می پرسد ، و آن بزرگوار ابواب مهمی از معارف مربوط به حضرت

ص: ۲۶۶

۱- سید بن طاووس ، طرف من الانباء و المناقب ، ص ۱۱۹ ؛ یا خدیجه هذا علی مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی .

امیرالمؤمنین علیه السلام را برای سعد بن عبدالله گشوده و مطالبی در این زمینه بیان می فرمایند .

از جمله سئوالات مهمی که سعد بن عبدالله از امام عصر ارواحنا فداه پرسیده و آن حضرت پاسخ دادند این بود :

چرا امر طلاق همسران پیامبر به دست حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود ؟ و این امر به چه صورت اتفاق افتاد ؟

چرا نصب آن حضرت به امامت در اختیار مردم نبود و باید توسط خداوند تبارک و تعالی انجام می پذیرفت ؟

ص: ۲۶۷

و همچنین امام عصر ارواحنا فداه در این ملاقات و در سن به ظاهر کودکی ، از ظلم هایی که نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام توسط شیخین ، طلحه و زبیر وارد شده بود پرده برداشتند... (۱)

آن وجود نازنین در همین سن به ظاهر کودکی علاوه بر مسأله ولایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به سؤال دیگری نیز پیرامون شئون امام و آثار و برکات محبت علوی پاسخ دادند .

به این روایت توجه کنید : مرحوم قطب راوندی در کتاب شریف «الخرائج و الجرائح» روایت کرده است که نزاع و بحثی بین دو گروه از شیعیان پیرامون شئون امام اتفاق افتاد. بعد از مباحثات فراوان و عدم توفیق به نتیجه، جناب کامل بن ابراهیم المدنی را خدمت امام عسکری علیه السلام فرستادند تا سخن صحیح را از آن حضرت جويا شود .

کامل گوید : وقتی به منزل مبارک حضرت رسیدم ، کنار درب خانه نشسته و منتظر بودم که ناگاه دیدم در اثر وزیدن باد پرده کنار رفت و ماه پاره ای - در حدود چهار ساله - خارج شد. آن ماه پاره مرا به اسم صدا زد و فرمود: ای کامل بن ابراهیم !

با ندای حضرت ، لرزه بر جانم افتاد و ملهم شدم که بگویم : لبیک ای سید و مولای من !

ص: ۲۶۸

۱- - شیخ صدوق ، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲ ، ص ۴۵۴ .

آن ماه پاره فرمود: به نزد ولی خدا آمده ای تا از فلان مسأله سؤال کنی؟! (بدان؟) گروهی از مردمان هستند که اهل بهشت می شوند فقط به خاطر محبتی که به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دارند؛ به نامش سوگند می خورند!! در حالی که به طور تفصیل به حق و شئون و فضل او آگاهی و معرفت ندارند! به این گروه «حقیّه» گفته می شود... (۱)

آری! این است سیره و روش موعود امم؛ با وجود آن همه بلیه و شرایط تقیه، از همان دوران آغازین به ظاهر کودکی، شیعیان و محبان خود را به سمت محبت و ولایت جد بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سوق می دهند و صد البته جای تعجب نیست که این در واقع میراث گرانبهائی است که از مادر بزرگوارشان به یادگار برده و خود فرموده اند: «و فی ابنة رسول الله، لی اسوة حسنه» (۲) و همان گونه که همه زندگانی مبارک حضرت صدیق‌مکبری علیها السلام فدای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شد، همه عمر و زندگانی آن بزرگوار نیز چنین است.

ج: دوران غیبت کوتاه

در این مرحله از زندگانی مبارک امام عصر ارواحنا فداه - که تعبیر به عصر غیبت صغری می شود - نیز آن حضرت توسط وکلا و نواب خاص خود به احیاء امر ولایت جد بزرگوارشان اهتمام ویژه داشته و آن را چه به صورت واضح و صریح - همانند توقیعی که به احمد بن اسحاق در پاسخ به سؤال وی پیرامون جعفر کذاب مرقوم فرمودند (۳) - و چه تحت عنوان صلوات (۴)

و استغاثه بر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام (۵) بیان فرمودند که پرداختن به آن، نوشتار دیگری را می طلبد.

ص: ۲۶۹

۱- - قطب راوندی، الحرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲- - طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳- - همان، ص ۴۶۸.

۴- - ر.ک به: جمال الاسبوع، ص ۳۰۴.

۵- - ر.ک به: المزار الكبير لابن المشهدی، ص ۲۹۱.

مرحله دیگر زندگانی امام عصر ارواحنا فدا، دوران غیبت طولانی آن حضرت است که از آن تعبیر به غیبت کبری می شود و در طی آن دست شیعه به حسب ظاهر از دامان پرخیز و برکت آن بزرگوار کوتاه است و به فرموده امام صادق علیه السلام، راه بهره مندی از برکات و نعمت های وجودی آن عزیز در این دوران همانند استفاده از خورشید پشت ابر است. (۱)

با این وجود در همین دوران نیز اهتمام و توجه ویژه آن حضرت به جد اطهرشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مثال زدنی است. به عنوان نمونه به زیارتی می توان اشاره کرد که مرحوم جناب سید بن طاووس از زبان مبارک آن حضرت نقل می کند که در روز یکشنبه - روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام - جد بزرگوارشان را در حرم مطهر آن حضرت با آن کلمات زیارت کرده و به وجود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پناه آورده اند! (۲). گفتنی است که طبق روایات متعدد در این دوران وجود نازنین حجت الله الاعظم ارواحنا فدا، ملجأ و پناهگاه در ماندگان هستند و تمامی مخلوقات موظفند به این وجود مطهر متوسل شده و به حضرتش پناه ببرند، لیک در این زیارت شریفه می بینیم که خود حضرت صاحب به محضر جدشان درخواست پناه و همجواری می نمایند و عرضه می دارند:

« یا مولای یا امیرالمؤمنین هذا یوم الاحد و هو یومک و باسمک و انا ضیفک فیه و جارک ، فاضفنی یا مولای و اجرنی» که به این عمل استجاره (۳) گفته می شود و در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است .

ص: ۲۷۰

۱- - شیخ صدوق ، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱ ، ص ۲۰۷ . قَمَالَ سَيِّمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ .

۲- - جمال الاسبوع ، ص ۳۰ .

۳- - عمل استجاره یکی از اعمال بسیار مؤکد و مهم برای دفع ضرر و دشمن بوده و در روایات تأکید بسیاری بر آن شده تا به آنجا که امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر جناب زید قبل از قیامش اقدام به عمل استجاره در مسجد سهله می نمود خداوند یک سال به او مهلت می داد و به این مصایب دچار نمی شد. ر.ک: کامل الزیارات ، باب ۸ ، ح ۱۱ .

ه- : هنگام ظهور

اهتمام به احیاء امر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و توجه ویژه به آن تا هنگام آغازین عصر ظهور و دولت کریمه آن حضرت نیز ادامه پیدا می کند تا بدانجا که وقتی امام باقر علیه السلام سیره و روش امام زمان ارواحنا فداه را در شروع دوران با شکوه ظهور بیان می کنند به این نکته اشاره می کنند که آن وجود مبارک، همگان را به پیروی از ولایت جد بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و بیزاری و براءت از دشمنان آن حضرت فرا می خواند :

« ... یدعوا الناس الی کتاب الله و سنه نبیه و الولایه لعلی بن ابیطالب علیه السلام و البرائه من عدوه » (۱)

و : عصر با شکوه ظهور

پایان بخش این سیر و حرکت ، استقرار حکومت عدل الهی است که با برپایی آن توسط حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه اقامه امر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به نحو اکمل صورت می گیرد و آن موقع، همان روزی است که این فراز از دعای غیبت محقق و اجرا خواهد شد : « اللهم و احی بولیک القرآن »

چرا که در روایات متعدد آمده است که در عصر با شکوه ظهور قرآن به همان گونه ای به مردم آموزش داده می شود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را جمع آوری نموده و شأن نزول و تفسیرش را تبیین فرموده اند . (۲)

و آن روزی است که با کامل شدن عقل های مردم با دستان مبارک حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه (۳)

، عقول این ظرفیت را پیدا می کنند که گوشه ای از فضائل و مناقب بیکران شاه ولایت امیر عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شود و

ص: ۲۷۱

۱- - تفسیر العیاشی ، ج ۲، ص ۶۰.

۲- - کافی، ج ۲، ص ۶۳۳.

۳- - اشاره به روایتی است که مرحوم کلینی در کافی شریف ، ج ۱، ص ۲۵ از امام باقر علیه السلام نقل می کنند که وقتی حضرت صاحب الامر ظهور فرمایند دست قدرت خویش را بر سر مردمان می کشند و بدین سبب عقول و اخلاق آنها جمع و کامل می گردد .

همان هنگام است که نوای « فقط حیدر امیرالمؤمنین است » در جای جای عالم هستی طنین انداز خواهد شد .

به امید برپایی هر چه زودتر آن روز و عصر با شکوه .

منابع و ماخذ

قرآن کریم

الإحتجاج علی أهل اللجاج ، طبرسی ، احمد بن علی ، محقق / مصحح : خراسان ، محمد باقر ، ناشر : نشر مرتضی ، مشهد ، چاپ اول ، ۱۴۰۳ ق .

تفسیر العیاشی ، عیاشی ، محمد بن مسعود ، محقق / مصحح : رسولی محلاتی ، سید هاشم ، ناشر : المطبعه العلمیه ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۸۰ ق .

جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع ، ابن طاووس ، علی بن موسی ، ناشر : دار الرضی ، قم ، چاپ اول ، ۱۳۳۰ ق .

الخرائج و الجرائح ، قطب الدین راوندی ، سعید بن هبه الله ، محقق / مصحح : مؤسسه الإمام المهدی ۴ ، ناشر : مؤسسه امام مهدی ۴ ، قم ، چاپ اول ، ۱۴۰۹ ق .

طرف من الأنباء و المناقب ، ابن طاووس ، علی بن موسی ، محقق / مصحح : عطار ، قیس ، ناشر : تاسوعا ، مشهد ، چاپ اول ، ۱۴۲۰ ق .

الکافی ، کلینی ، محمد بن یعقوب ، محقق / مصحح : غفاری علی اکبر و آخوندی ، محمد ، ناشر : دار الکتب الإسلامیه ، تهران ، چاپ چهارم ، ۱۴۰۷ ق .

کامل الزیارات ، ابن قولویه ، جعفر بن محمد ، محقق / مصحح : امینی ، عبدالحسین ، ناشر : دار المرتضویه ، نجف اشرف ، چاپ اول ، ۱۳۵۶ ش .

کمال الدین و تمام النعمه ، ابن بابویه ، محمد بن علی (صدوق) ، محقق / مصحح : غفاری ، علی اکبر ، ناشر : اسلامیه ، تهران ، چاپ دوم ، ۱۳۹۵ ق .

المزار الکبیر ، ابن مشهدی ، محمد بن جعفر ، ناشر : دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، قم ، چاپ اول ، ۱۴۱۹ ق .

ص: ۲۷۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

